اینکتاب اهدائی مرحوم مغفور آقای حاج آقا محمد ارانی
مجرد متوفی ۲۳ آذرماه ۱۳۵۰ شمسی فرزند مرحوم حاج
شیخ زین العابدین ملک الواعظین بکتابخانه آستانقدس
رضوی است که برحسب وصیت آن مرحوم بمشهد ارسال گردید
محمد امینی

شماره ۹۹۹

روز یکشنبه پوشیدن جامه نو
تا یار در فرح یابد نیکو
روز دوشنبه [illegible] قسمت خانه
سه شنبه [illegible]
چهارشنبه بیابی خیر [illegible]

یکشنبه و جمعه پیراهن جامه نو بپوش [illegible] مبارک [illegible] محرم [illegible] صفر [illegible] ربیع [illegible]

پس هرگاه جمعه [illegible]
[illegible]

هرگاه در شنبه بریده شود [illegible] در یکشنبه [illegible] در دوشنبه [illegible] در سه شنبه [illegible]

پس هرگاه در چهارشنبه پنجشنبه بریده شود عمر دراز شود [illegible] اگر در جمعه جامه بریدن [illegible]

[illegible]

قبول خلق [illegible]
[illegible]

حکم ثانی
[illegible]

دعای باران چون باران آید بگویند

صیّباً هنیئاً

محمد الحسینی جلال الدین طهرانی

از جهت محافظت مال و متاع بنویسید در میان باد نهد البته محفوظ
می ماند ١١ط ه ع ١١١ ء ١ ع ١ ط ١ م ا ر الله لا اله الا هو رب
العرش العظیم والله اعلم

داخل شدن شهری اینها را بخواند اللهم انی اسئلك خیرها واعوذ بك
من شرها اللهم حبب لنا اهلها الینا والسلام از جهت اولاد
ذی بکر نمی زاید بنویسید در میان دو پستان خود بیاویزد
تا حمل کیرد بقدرت خدای تبارك وتعالی یا قدوس یا قدوس
یا قدوس او هو اللهم هو ها وهم اللهم الملك القدوس لله لله
لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد

از جهت ادم دیوانه این طلسم را بنویسید در زیر دامنش ببود دفع شود
ه ه ١١١ ١١١ ١١١ ١١١ ١١١ ١١١ ١١١ ح

از جهت ایمن بودن در سفر و سلامتی سفر بکوید
اللهم احفظنی یا حفیظ

دوای سودنك نیم مثقال کتیره نیم مثقال شونیز نیم عیار زهره
نیم عیار سنبل الطیب تا بخورد شفا یابد مجربست

از جهت درد پستان بنویسید در میان پستان آن صاحب درد
بندد ع ع ع ه م ه ع ع ه م ه م ه م ه
م ه م ه و لا حول ولا قوة الا بالله
العلی العظیم

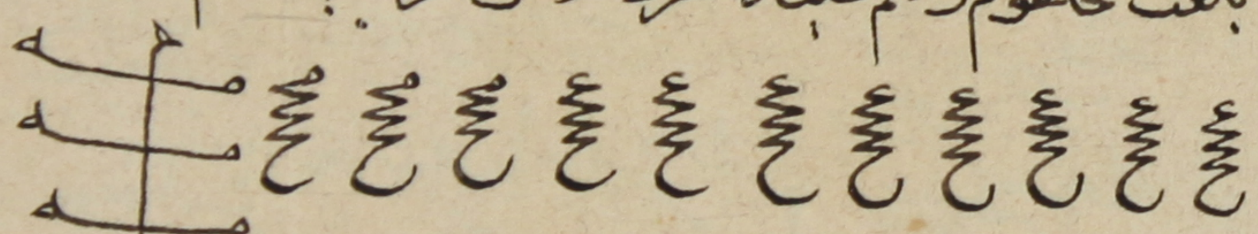
از جهة دزد بنویسید در کف دست سارق

اکر دزد باشد آب از چشم مردن آید آن دزد است

فلا ه للله قال الشهر امعه سح فلله ه لله ه م ا ٩ ل ه ه
معه ٣سلح ایضا در کف دست سارق بنویسید لرزه بر وقت
واندام او بیفتد ایضا بنویسید بر زبان اهل منزل بخورد
هرکدام در کلو بماند دزد است و مجربست

فی لوح محفوظ

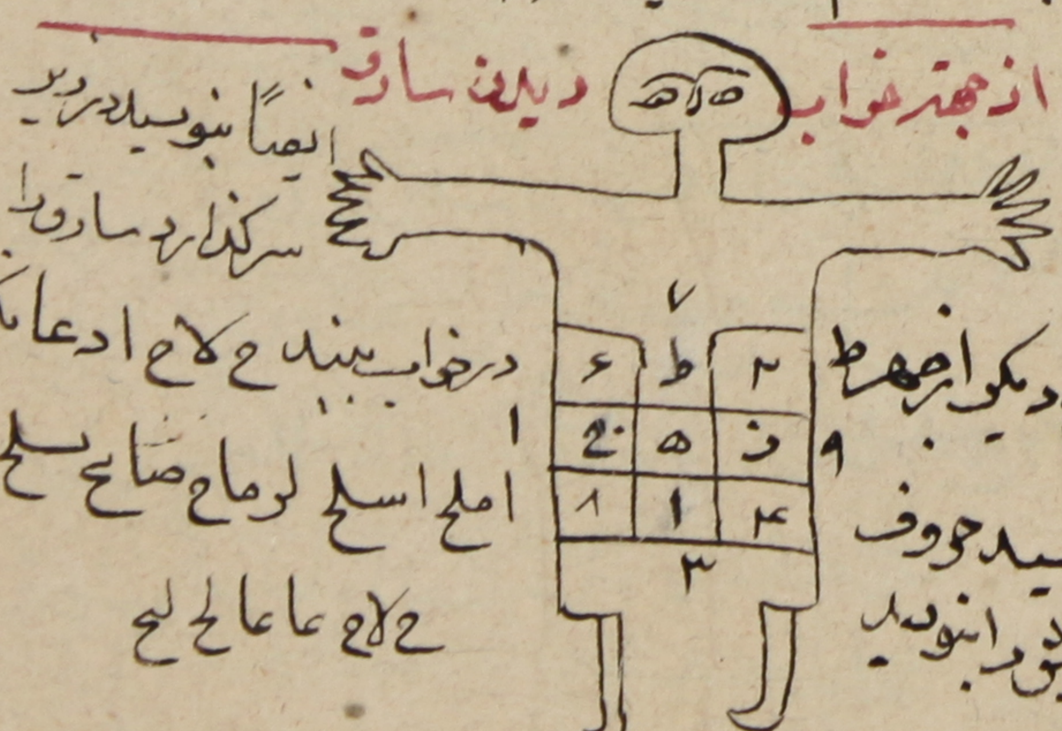
والسارق والسارقة فاقطعوا ایدیهما
جزاء بما کسبا نکالا من الله والله عزیز
حکیم وضرب لنا مثلا ونسی خلقه قال من یحی العظام وهی رمیم فلولا اذا
بلغت الحلقوم وانتم حینئذ تنظرون ونحن اقرب الیه منکم ولکن لا تبصرون



ایضا این صورت بکشد و طلسم در میان شکم
صورت بنویسید و سوزنی در زیر چشم راست یا چپ
او فرو برده درد در چشم سوزنی در چشم سارق پیدا شود مجربست

از جهت خواب دیدن سارق

ایضا بنویسید در زیر سر کذارد سارق را
در خواب بیند ح لاح ادعا ندلا
املح اسلح لرماح صالح سلح
ح لاح عا عالح لح



نوع دیکر از جهت
بنویسید حروف
خود نیز در اینو بند

از جهة پیدا کردن اشخاص دزد بر نان بی نمک بنویسید بدهید هر یکی بخورند هر کدام نتوانستند بخورند آنکس دزد است

انا الدینا انکالا و جحیما و طعاما ذا غصة و عذابا والیما

در سوره یا ایها المزمل از روی قرآن بنویسید که غلط نشود

ملا محمد علی اعجمی ایضاً از برای بستن دزد مجرب است

کهیعص حمعسق انا فتحنا لک فتحا مبینا سلام قولا من رب رحیم و اینرا انزلنا علی قومه الا اخر آیه بر هفت پاره کروغ بخواند باسم هر که خواهد و در آب بریزد دزد بسته شود

از جهة دزد برده ملا محمد علی اعجمی اگر خواهی دزد خود را بشناسی در شب شنبه نیت کند برای هر مطلبی بخواند در خواب با او بگوینید یا خود دزد را در خواب ببیند اوا اینست شب شنبه یکی الله یکی ما در ٣ شب و اوده یکی بینا یکی نابینا یکی راه نما بحق بینا بحق نابینا بحق راه نما فلان مطلب را بمن بنما اگر آن شب خواب ندید تا ٣ شب شنبه بخواند مجرب است

کاو که شیر ندهد این طلسم را بنویسید بر سر کاو ببندد قدرت خدا را مشاهده کند صصع صله لام اع

مصلیمن علا اااع الذی خلق الانعام مخرج بین فرث و دم لبنا خالصا سائغا للشاربین .

دعای چشم زخم حیوانات بنویسید بر سر وی ببندد

ههههه |||| ع ع ع ع ع ع قل جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل کان زهوقا

ه اا آ حم |||| ااا ه و

اگر کاو شیر ندهد و بچه خود را نگذارد که شیر بخورد بنویس بنام کاو دهد بخورد قالوا ادع لنا ربک یبین لنا ما لونها قال انه یقول انها بقرة صفراء فاقع لونها تسر الناظرین

اگر زنی را فرزند نشود این دعا را بنویسید در آب اندازد آن زن از او آب بخورد او را فرزند شود ببرکت این دعا بسم الله الرحمن الرحیم خالصا مخلصا مومنین

و	س	و	و
ط	د	د	و
٩	٦	ه	ح ح و و
ط	د	ح	١١

یا الله یا موسی یا الله یا عظیم یا الله اذا السماء انشقت و اذنت لربها و حقت و اذا الارض مدت و القت ما فیها و تخلت و منها خلقکم و فیها نعیدکم تارة اخرى

از جهة سلامتی خانه که دزد نتواند داخل شود مرویست در وقت خوابیدن این دعا را بر قفل یا بر حلقهای خانه بخواند قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن الا آخر سوره بنی اسرائیل بخواند البته محفوظ بماند از دزد

از جهة خواب دیدن دزد بنویسید در زیر سر نهد دزد را در خواب ببیند منها منها سح دام ص یلجاع اح سرکار دوده

ایضا بنویسید بر زیر سر نهد بخواید عجایب ببیند بسم الله لحسد هسد سم بدست اوام می

مه
مه
مه

دزد

خواب دیدن دزد

خواب دیدن

بسم الله الرحمن الرحيم
يس والقرآن الحكيم إنك لمن المرسلين على صراط مستقيم
تنزيل العزيز الرحيم لتنذر قوما ما أنذر آباؤهم فهم
غافلون لقد حق القول على أكثرهم فهم لا يؤمنون
إنا جعلنا في أعناقهم أغلالا فهي إلى الأذقان فهم مقمحون
وجعلنا من بين أيديهم سدا ومن خلفهم سدا فأغشيناهم
فهم لا يبصرون وسواء عليهم أأنذرتهم أم لم تنذرهم
لا يؤمنون إنما تنذر من اتبع الذكر وخشي الرحمن
بالغيب فبشره بمغفرة وأجر كريم إنا نحن نحيي الموتى
ونكتب ما قدموا وآثارهم وكل شيء أحصيناه في إمام
مبين واضرب لهم مثلا أصحاب القرية إذ جاءها المرسلون
إذ أرسلنا إليهم اثنين فكذبوهما فعززنا بثالث فقالوا
إنا إليكم مرسلون قالوا ما أنتم إلا بشر مثلنا وما أنزل
الرحمن من شيء إن أنتم إلا تكذبون قالوا ربنا يعلم
إنا إليكم لمرسلون وما علينا إلا البلاغ المبين
قالوا إنا تطيرنا بكم لئن لم تنتهوا لنرجمنكم وليمسنكم
منا عذاب أليم قالوا طائركم معكم أئن ذكرتم
بل

بل أنتم قوم مسرفون وجاء من أقصى المدينة رجل
يسعى قال يا قوم اتبعوا المرسلين اتبعوا من لا
يسألكم أجرا وهم مهتدون وما لي لا أعبد الذي
فطرني وإليه ترجعون أأتخذ من دونه آلهة
إن يردن الرحمن بضر لا تغن عني شفاعتهم شيئا ولا
ينقذون إني إذا لفي ضلال مبين إني آمنت بربكم
فاسمعون قيل ادخل الجنة قال يا ليت قومي يعلمون
بما غفر لي ربي وجعلني من المكرمين وما أنزلنا على
قومه من بعده من جند من السماء وما كنا منزلين
إن كانت إلا صيحة واحدة فإذا هم خامدون يا حسرة
على العباد ما يأتيهم من رسول إلا كانوا به يستهزئون
ألم يروا كم أهلكنا قبلهم من القرون أنهم إليهم لا
يرجعون وإن كل لما جميع لدينا محضرون وآية
لهم الأرض الميتة أحييناها وأخرجنا منها حبا
فمنه يأكلون وجعلنا فيها جنات من نخيل
وأعناب وفجرنا فيها من العيون ليأكلوا من
ثمره وما عملته أيديهم أفلا يشكرون سبحان
الذي خلق الأزواج كلها مما تنبت الأرض ومن

هرکس در شب نیمه ماه شعبان المعظم که شب برات است
این نماز را بنویسد و بخود دارد از جمیع بلاها محفوظ بماند

بسم ال
لا اله الا الله
علی ولی الله
الملک الحق المبین
۱۳۲ م مم سه ح

انجهة تب ببری محمد بن حسن
صفار گوید نزد حضرت ابی عبد الله
علیه السلام مشرف شد و مرا تب
گرفته بود از من رسید ندای
محمد تو را ملول می‌بینم عرض کردم
جان فدای تو باد تب دارم

فرمودند هر گاه از شما تب دار شود تنها بخانه رود
و دو رکعت نماز بگذارد و طرف راست روی خود بر زمین
نهد و بگوید یا فاطمة بنت محمد صلی الله علیه و آله ده
بار بگوید اشفع بک الی الله فیما نزل بی مریض سکید
شفا یابد ان شاء الله تعالی نوع دیگر از برای تب دار دو رکعت
نماز بگذارد و در هر رکعتی سوره فاتحه ۳ و آیه لا اله
الخلق والامر تبارک الله رب العالمین بسم الله الرحمن
الرحیم اللهم بنبیک محمد صلی الله علیه و آله یا
محمد استشفع بک علی ربی فی قضاء حاجتی و هو شفاء
هذا المریض یا الله یا الله یا الله یا رحمن یا رحیم یا حی
یا قیوم یا ذا الجلال و الاکرام برحمتک استغیث الان

٥

خفف الله عنکم یرید الله ان یخفف عنکم ذلک تخفیف
من ربکم ورحمة ازجهة درد کوش دست را بر کوش کذارد
واین آیه را بخواند بزودی شفا یابد لو انزلنا هذا القرآن
علی جبل لرأیته خاشعا متصدعا من خشیة الله وتلک
الامثال نضربها للناس لعلهم یتفکرون مرویست که شخصی
نزد جناب ابی عبد الله علیه السلام از برص شکایت کرد حضرت
فرمود که از کل قبر امام حسین علیه السلام وآب باران نیسان
بخور انکس خورد نافع شد مرویست که شخصی از اصحاب ما کفت
که در من از سفیدی برص پیدا شده بود ابو عبد الله علیه السلام
فرمود که سوره یس را بعسل بر جای بنویس و بشوی
وبیاشام من چنین کردم آن اثر تمام برطرف شد ایضا
جناب امام موسی کاظم علیه السلام فرمود که شوربای
کوشت کاو با ستخک دفع برص میکند ایضا یونس بن
عمار شکایت کرد نزد آنحضرت از سفیدی که در بدن او پیدا
شده بود فرمود که موی را با آب نخیان وآن را بیاشام
کفت من چنین کردم نافع بود ومجرب بود

دفع

دفع دانها میکند در بدن ظاهر میشود که او را ثاسالو میکویند
وبعضی زکیلی میکویند بر دارد نمک را بعد آن دانها بقدر نخود
واین آیه را هر دانهٔ یکدفعه بخواند بر نمک بدمد بعد آن
نمک را بر دانها بمالد یا آنکه آن نمک را اول بمالد بر آن
دانها و بعد ۳ دفعه این آیه را بر او بخواند لو انزلنا هذا
القرآن علی جبل لرأیته خاشعا متصدعا من خشیة الله
تا آخر سوره حشر و در تنوری انداز و علی الفور باز کرد
و دفع آن زحمت شود انشاء الله تعالی ایضا بعدد هر دانه
جو بر دارد واین آیه را بر هر دانه جو ۳ مرتبه بر جو بخواند
که ومثل کلمة خبیثة کشجرة خبیثة اجتثت من
فوق الارض ما لها من قرار وآن جو را بر آن دانها بمالد
وبعد از آن در محلی دفن در آخر ماه هر کاه آن جوها کنده
شود آن زحمت برطرف شود انشاء الله تعالی ایضا مرویست
که شخصی از امام رضا علیه السلام التماس کرد که حرزی
بدو تعلیم فرماید که دفع دانهای اعضا کند که انرا
ثالول کویند فرمود که از برای هر یک از آن یک دانه
جو بر دارد و بخواند بر هر یک از آن هفت نوبت اذا
وقعت الواقعة تا کانت هباء منبثا وبعد از آن

بخوان که و یسئلونک عن الجبال فقل ینسفها ربی نسفا
فیذرها قاعا صفصفا لا تری فیها عوجا و لا امتا
و بعد از آن یک یک آن جوها بر آن دانهای اعضا بمالد
و در پارچه کرباس تو بر بندد و سنگی بر آن بنا و بزد و در
چاه اندازد گفت چنان کردم در روز هفتم و هشتم
تمام خوب شده و سزاوار آنست که این عمل در آخر ماه بکنند.
دفع چشم زخم سوره اذا زلزلت را تا آخر بنویسید فضربنا
علی آذانهم تا امدا و آیه شهد الله و آیه قل ادعوا
الله او ادعوا الرحمن تا آخر سوره. و لقد جاءکم رسول
تا آخر سوره و من یتوکل علی الله فهو حسبه ان الله
بالغ امره نافع باشد ایضا و هم چنین روایت کرده معمر بن
خلاد که گفت من با حضرت امام رضا علیه السلام در
خراسان بودم پس من امر کرد که غالیه بجهت او بسازم
چون غالیه ساختم نظر کرد در آن و تعجب نمود و فرمود
یا معمر عین حقیقت بنویس در رقعه الحمد و قل هو الله احد
وقل

و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و آیة الکرسی و در
شیشه بگذار ایضا و هم چنین مرویست از امام ابو عبد الله
الحسین علیه السلام که فرمود عین حقست و ایمن نیستی از چشم
زخم تو بر تو و نه از چشم زخم تو بر غیر تو و هر گاه بترسی از چیزی
۳ بار بگو ما شاء الله لا قوة الا بالله العلی العظیم
دعائیکه برای بر آمدن حاجات بجای آرند دعا نزد بر گرفتن
مصحف را بر دارند و این دعا را بخوانند چنانچه که ابو
عبد الله علیه السلام چون قصد قرآن خواندن کردی
پس از آنکه مصحف را بر داردی این دعا را میخواندند اللهم
انی اشهد ان هذا کتابک المنزل من عندک علی
رسولک محمد بن عبد الله و کلامک الناطق علی
لسان نبیک جعلته هادیا منک الی خلقک
حبلا فیما بینک و بین عبادک اللهم انی نشرت
عهدک و کتابک اللهم فاجعل نظری فیه عبادة
و قرائتی فیه فکرا و فکری فیه اعتبارا و اجعلنی

دعای قبل از قرآن خواندن

ممن اتعظ ببيان مواعظك واجتنب معاصيك ولا
تطبع عند قراءتي على قلبي ولا على سمعي ولا تجعل
على بصري غشاوة ولا تجعل قراءتي قراءة من لا تدبر
فيها بل اجعلني اتدبر اياته واحكامه آخذا بشرايع
دينك ولا تجعل نظري فيه غفلة ولا قراءتي هذرا
انك انت التواب الرحيم دعائیکه بعد از فارغ از قران باید خواند
اللهم قد قرأت ما قضيته من كتابك الذي انزلت
على نبيك الصادق صلى الله عليه واله فلك الحمد
ربنا اللهم اجعلني ممن يحل حلاله ويحرم حرامه
ويؤمن بمحكمه ومتشابهه واجعله انسا في قبري
وانسا في حشري واجعلني ممن ترقاه بكل آية قراها
درجة في اعلى عليين آمين رب العالمين
دعائی که در سجده میخوانند بگوید که سجده تلاوت قرآن
میکنم واجب جای واجبست یا سنت جایکه سنت است تقرب
بخدا دعا اینست که لا اله الا الله حقا حقا لا اله
الا الله

الا الله ایمانا وتصدیقا لا اله الا الله تعبدا ورقا
سجدت لك يا رب تعبدا ورقا لا مستنكفا بل انا
عبد ذليل ضعيف خائف مستجير الهي العفو العفو
حضرت صادق علیه السلام فرمود که هر که صد آیه از قران
از هر آیه بخواند بعد از آن هفت بار بگوید الله اکبر
اگر بر سنگهای بزرگ خواند از زمین بر کند دفع درد چشم
روایت کند محمد بن جعفی از پدرش که گفت که مرا درد چشم
بسیار رسید امید شکایت کردم بخدمت جناب ابی عبد الله ع
فرمود که میخواهی که بشود دعائی بتعلیم کنم که در دنیا و آخرت
ترا نافع باشد و دفع درد چشم تو ببرکت بر شود عرض کردم بلی
فرمودند در عقب نماز صبح و شام بخوان بگو که اللهم
اسالك بحق محمد وآل محمد ان تصلي على محمد وآل محمد
ان تجعل النور في بصري والبصيرة في ديني واليقين
في قلبي والاخلاص في عملي والسلامة في نفسي
والسعة في رزقي والشكر لك ابدا ما ابقيتني درود

دیگر بنظر رسیده که بعد از هفت دفعه بخواند بدست بدمد
و دست را بر چشم کشد که بسیار مجربست ولیکن بعد از سلام
نماز از جای خود حرکت نکرده باشد بخواند

دفع دانهائیکه در بدن و پشت دست بیرون می‌آید بگیرد پاره

نمک بعدد هر دانه از آن دانها و بخواند این دعا را ۳ بار
لَوْ اَنْزَلْنَا هٰذَا الْقُرْاٰنَ عَلٰی جَبَلٍ لَرَاَیْتَهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا
مِنْ خَشْیَةِ اللّٰهِ تا آخر سوره حشر و در تنور بیندازند
علی الفور پاک گردد و دفع این مرض شود ولیکن بعد از
خواندن این آیه بر نمک‌ها باید دمید و نمک را بر دانها بمالد
آنوقت در تنور افکنند ایضاً نوع دیگر هر دانه را یکعدد
جو بردارد و بر هر دانه جو ۳ مرتبه این آیه را بخواند و بدمد
بر جو وَمَثَلُ کَلِمَةٍ خَبِیْثَةٍ کَشَجَرَةٍ خَبِیْثَةٍ اُجْتُثَّتْ مِنْ
فَوْقِ الْاَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ و بر دانها بمالد و بعد از آن
در محلی دفن کند در آخر ماه هر گاه آن جوها کنده شود
آن زحمت بر طرف شود انشا الله تعالی ایضاً شخصی
خدمت حضرت امام رضا ع حکایت کرد از این دانها
سالو گویند فرمودند از برای هر دانه از آن یکدانه جو بردارد
و بخواند بر هر دانه جو هفت نوبت سوره اذا وقعت الواقعه
را تا کانت هباءً منبثا و بعد از آن بخوان که و یسئلونک
مِنَ الْجِبَالِ فَقُلْ یَنْسِفُهَا رَبِّی نَسْفًا فَیَذَرُهَا قَاعًا
صَفْصَفًا لَا تَرٰی فِیهَا عِوَجًا وَلَا اَمْتًا و بعد از آن یک
یک از آن جوها را بر آن دانهای اعضا بمالد و در پارچه
کرباس نو ببندد و سنگی بر آن بنا و بند و در چاه اندازد
چنان کردم در روز هفتم تمام خوب شد و این عمل را باید
در آخر ماه کرد که بسیار مجرب و آزموده شده است

براي وقع تب ولو نافو مجربست

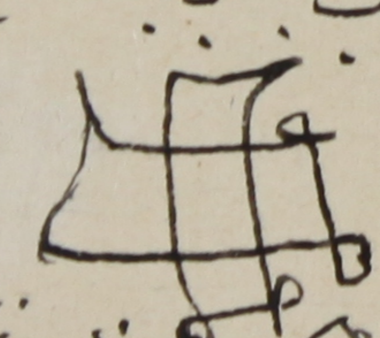
بسم الله الرحمن الرحيم

يا نار كوني بردا وسلاما على ابراهيم
وال ابراهيم وعلى فلان ابن فلان بحق
محمد واله الطاهرين بتم نوبر فلان ابن
فلان باذن الله تعالى وباذن محمد وعلي
وفاطمه والحسن والحسين سلام الله عليهم اجمعين
كهيعص حمعسق ن والقلم
وما يسطرون

١٢٣

مجرب

در بشت همين تب بند اين شكل را على بنويسد
صاحب تب بر بازوي راست خود ببندد



روايت از حضرت صادق عليه السلام
در صداع ... [illegible]
ما هو شفاء ورحمة للمؤمنين ولا يزيد الظالمين الا خسارا
ايضا با ... [illegible]
اللهم ... [illegible]

ابراي ثالول هفت دانه جو را بعدد هر يك كرفته
اين آيه را صاد كه بر آنها بخوانند و بدمد وبر ثالول
بمالد و در كهنه بسته در جاي نمناك اندازد مجربست.
ثالول دانه است كه در پشت دست بيرون مي آيد

و اين آيت اذا وقعت الواقعة ليس لوقعتها كاذبة
خافضة رافعة اذا رجت الارض رجا وبست
الجبال بسا فكانت هباء منبثا وبعد اين آيه را
بخواند وقل ينسفها ربي ... عوجا ولا امتا

~~كسي اكر مار ورده باشد~~
اينها بنويسد بر سر او ببندد
و قدرت خدا را مشاهده كند
ربي لا اشرك به شيئا وان قد
احاط بكل شيء علما احصى كل شيء
عددا

[illegible]

دوای درد و ورم

ایضاً دست بگذارد بر موضعی که درد دارد هر دردی که باشد

و بگوید بسم الله و بالله و محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم اللهم امح عنی ما اجد

و دست را ۳ مرتبه بر آن موضع درد بمالد که مجرب است

دوای بیماری

ایضاً از جهت درد و بیماری دست بر آن موضع گذاشته ۳ مرتبه

بگوید یا الله یا الله یا الله ربی حقاً لا اشرک به شیئاً اللهم

انت لها و لکل عظیمة ففرجها عنی برحمتک یا ارحم الراحمین

دوای هر درد

و یا خیر الحافظین از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام رسیده

مداومت نماید اللهم اشفنی بشفائک و داونی بدوائک

و عافنی من بلائک فانی عبدک و ابن عبدک برحمتک یا ارحم

الراحمین از برای درد سر دست بگذارد بخواند این

درد سر

منطردا کالحجر یارندی بندی دولی بیلی برکی

باسی هنوسی برکی آدی سرسر حاجا جا

درد دل نوشته در اینجا گذاشته اهکه و مهکه

15

[illegible] ١٢٦١

بسم الله الرحمن الرحيم

بعد الحمد والصلوة زبانيكه بمساعدت خداوند محمود بازاست جز حمد او كويد روا نيست
دروانيكه بمعاضدت خالق معبود در نك وتازاست جز ثناى او كويد سزا نه وديده كه
در هر منظرى غير سيماى او جويد كور باد ودلى كه در هر محفلى سواى طلب او پويد از
مقاصد دور وخواطرى كه جز راى رضاى او خواهد فسرده هنر وضميرى كه خلاف
خوشنودى او طلبد پژمرده خوشتر نورا خواهم نخواهم رحمت كرا متحان خواهى
در رحمت برويم بند ودر هابلا بكشا حمد وثناى بيشك وريب واجب الوجود را
سزا است كه مجموعه جميع موجودات از پرتو آثار كمال قدرت او برپا است شكر وسپاس
بى نقص وعيب فريد كار برا رواست كه اراده علم ازليتش بد وحرف كن اوراق مجموعه
امكانرا شيرازه نظام پرداخت كه اذا اراد شيئا ان يقول له كن فيكون ومبدعيكه
سبب ظهور صنايع ووضوح بدايع از مواد عناصر مختلفه اين نوع انسانرا در سلك
احسن تقويم تركيب نموده بدرجه عليا ولقد كرمنا بنى آدم رسانيده وحكيمى كه اقتضاى

حكمت

حكمت بالغه اش دعوى نبوت حضرت خاتم انبيا را بيرهان ساطع وحجج محكم آيات باهرات وسوره
مباركه كه سپهر قرآنى بمعراج نبوت كرديده بر كزيده كه وما محمد الا رسول قد خلت
وسميعيكه ادعيه خفى وجلى عاكفان معبد عرفانرا بحكم انا المطلوب فاطلبنى تجدنى
بدرجه قبول آشنا وبسمع رضا اصغا فرمايد وفتاحيكه عقده قلوب رجال را بحجج
از فتوحات اسامى عظيمه اش روى فتح وكشايش رخ نمايد فوق ناطقه را چه زهره آن
او برباز وبنيست از افت طلسمات كنكى وسحر وعقد اللسان سخن جيد فوق ساعرا
اكرلالى كلبانك عبوديتش كران سنك نشاخيه تادم يوم ينفخ فى الصور
بنيد كرى وغفلت از كوش بكر فته كه سبحانك اللهم يا من بيدك مقاليد السموات
وبحمدك اللهم يا من بمشيتك خزائن العلوم تعالى چه شأن وجلال است اين
تقدس چه قدر وكمال است اين بحرت فى وصف الائه وقصر فى شكر نعمائه
الا له الخلق والامر فتبارك الله احسن الخالقين صد هزاران هزار تحف تحيات
طيبات با بركات نثار روح پرفتوح منور سلطان سرير رسالت وصاحبقران
آسمان جلالت مسافر سفر سبحان الذى اسرى ومحرم حرم فكان قاب قوسين
او ادنى ومشرف فرماى عرش اعلا اعنى محمد مصطفى صلى الله عليه وآله وسلم على
كاشف مضمون لو كشف الغطاء وصاحب مدلول انا مدينة العلم وعلى بابها وصى
المصطفى اعنى المرتضى واولاده الاخيار وذريته الابرار التى اذهب الله عنهم الرجس
وطهرهم تطهيرا وسلم تسليما كثيرا كثيرا اما بعد چنين كويد حضرت فريد الدهر

والدوران و وحید العصر والزمان علامة العلماء ابو المعالی بن رکن الواصلین و مولی
الفاضل مونس الکامل کهف الحاج والمعتمرین رکن الدین العرض الزوانی و قبلة
العارفین و قدوة المرتاضین شمس الدین البخاری البیهقی و شیخ الاسلام والمسلمین
صدر الدین ابرهیم المحمودی که این کنجینهٔ شریفه را بخط سلطان العرفاء و برهان
العقلاء منبع علوم الریاضیه و مجمع فنونات الغریبه ماهر علوم التسخیرات و شاه
فنون السریات قبلة المرتاضین و قدوة المسخرین المرشد المکرم فی العالم و قطب
المعظم فی العرب والعجم شمس الاسلام والمسلمین سراج الملة والدین المشهور
فی الافاق والمعروف فی الاطباق بالزهد والزکی مولانا محمد سکاکی یافتیم که در
دیباجهٔ آن نوشته بود که در دار الحکمه در کتبخانهٔ احکم الحکم حکیم طاماس که
جمیع غرایب یونانیه و عبرانیه و سریانیه و دبوریه و عربیه و مجموع علومات
ریاضی و تسخیری و فنونات غریبه عجیبه از آن جناب رسیده است این کنجینهٔ شریفه را
یافتیم زیرا که در آن روزکار پادشاهی بود بغایت ظالم و سفاک و وزیری داشت
بخشی تمرتاش بت پرست و آن وزیر ملعون از تعصب دین و قساوت قلب با مسلمین
امر کرد تا علمای آن را بصنایف طلبید و زهر در کام ایشان ریختند و مسموم نمودند
و کتبخانهٔ ایشان را آتش زدند و مجموع کتبخانهٔ مشهوری ایشان هفتصد کتب
خانه بود کل آن را سوزانیدند و بعد از زمانی یکی از اهل اسلام بتماشای کتبخانه
سوخته رفته بود این کنجینهٔ شریفه را در میان خاکستر یافت که نسخه خرد بود او برداشت

ونیز

ونیز دیدم او را چون کشودم و خواندم دیدم رساله ایست بخط حکیم طاماس و مسمی است
بکنجینة الاسرار مشتمل بر دو جلد جلد اول در بیان غرایبات شریفه و تسخیرات
عظیم و علوم ریاضیه و فنونات غریبه و اعمال مجربه و مشتمل است بر ده باب
و هر بابی بر ده فصل و هر فصلی بچند انواع جلد دویم در بیان علوم تسخیر
قلوب و احضار مطلوب و تحبیب مرغوب و علوم عقلیات و فتحنامه و سایر
اعمال الضروریات و آن نیز مشتمل است بر ده باب و هر بابی بر ده فصل و هر فصلی
بچندین اقسام و چون از ملاحظه و مطالعه این کنجینه فارغ کشتم در همان وقت
از روی آن نسخه نوشتم و تصحیح نموده و بر مرشدان فاضل و استادان کامل
عرض داشتم و بنظر کیمیا اثر ایشان رسانیدم و اجازه دادن عمل از ایشان فراکرفتم
و اسم استادان کامل که این کنجینه بنظر ایشان رسیده و اجازه از ایشان حاصل
کرده ام اینست اول جناب شیخ المشایخ و صدر المعارف شیخ جلال الدین
الخالدی که سند او منتهی شده بمسیحا و صفا و شرفا دویم جناب صدر الاسلام
و فخر العلماء الاعلام شیخ مبارکشاه قاضی که سند او منتهی شده بریحان بن
الریحان و خلاف بن الخلاق سیم مولانا معبد المسیحی کان هو دنیا من طوایف
الزردشت که سند او منتهی شده بفیثاغورث و مسیح المسیحا چهارم مسیح
الهروی کان نصرانیا و عالما ریاضیا که سند او منتهی شده الی الامام الرازی شرف
الدین الجوزی پنجم مرشد کامل و استاد فاضل درویش حیدر علیشاه نقشبند

کان رجلاً عابداً زاهداً عالماً عاملاً تقیاً و مرشداً مکملاً و که سند او منتهی می‌شود بولی شیخ
المشایخ شیخ عبدالعزیز رضی الله تعالی عنه حال بعد از حصول اجازه شروع نمودم در ادای
دعوت بسی عجایبها مشاهده نموده که هیچ چشمی ندیده و گوشی نشنیده لهذا بر
ارباب اولوالالباب پوشیده و مستور نماند که چون این گنجینه شریف را بنا نهادند
بمثابه جواهر عزیز و گرامی دارند و نااهلان مخفی نمایند و چون خواهند
که بکسی بسپارند که سزاوار که ماده او قابل بود طلبیده در هنگام وفات خود این
اسرار را باو سپرده و از سینه بسینه رسانند چون فارغ گشتم از بیان اوصاف
و تعریف دیباچه گنجینة الاسرار اینک شروع مینمائیم در بیان فهرست جلد اول

هذا فهرست بسم الله الرحمن الرحیم جلد اول

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین اما بعد
بدانکه این جلد اول است از کتاب گنجینة الاسرار و آن مشتمل است بر ده باب باب
اول در بیان تفصیل شرایط و آداب اعمال و آن نیز مشتمل است بر ده فصل فصل اول
در بیان رعایت نمودن شرایط ده گانه را در هنگام اعمال فصل دوم در بیان حصول
اجازه از دعوت فصل سیم در بیان حصول اجازه از عمل مجرب فی قسم و فصل چهارم
در بیان عزیمت کردن دم و حبس نفس فصل پنجم در بیان عزیمت بر موکل مؤثر
شدن اعمال و نتیجه بخشیدن آن فصل ششم در بیان معرفت اسامی بر اجرات
دوازده گانه بروج و کواکب سبعه و عناصر اربعه فصل هفتم در بیان نسبت ایام

ولیالی

و لیالی هفته بکواکب سبعه فصل هشتم در بیان ساعات مخصوص عمل و آداب آن فصل نهم
الباب الثانی
در بیان قواعد عدد گرفتن اسم طالب و مطلوب و قاعده آن فصل دهم در بیان بخورات ایام
و لیالی باب دوم در بیان تفصیل مقدمات اعمال و در آن ده فصل است فصل اول
در بیان موکلان علوی و سفلی ایام و لیالی هفته و عزیمت بستن آن فصل دوم
در بیان موکلان کواکب سبعه فصل سیم در بیان اسامی موکلان بروجات دوازده گانه
فصل چهارم در بیان موکلان دوازده شهور فصل پنجم در بیان اسامی موکلان
ایام هفته فصل ششم در بیان اسامی موکلان ساعات روز فصل هفتم
در بیان اسامی موکلان شب فصل هشتم در بیان ایام منحوسه در هر ماه فصل
نهم در بیان تعیین نمودن ساعات سعد و نحس را از قواعد حروف منقوط
و غیر منقوط سی گانه فصل دهم در بیان تحقیق و تشخیص نمودن ساعات
الباب الثالث
و دانستن آنکه در هر وقتی چند ساعت از روز گذشته است و حال ساعت چندم است
باب سیم در بیان تفصیل شرایط اعمال و معرفت ساعات که هر ساعتی بکدام
کوکب متعلق است و این باب مشتمل بر چهارده فصل است فصل اول در بیان
تفصیل ساعات ایام شنبه فصل دوم و سیم و چهارم و پنجم و ششم
و هفتم در بیان تفصیل ساعات ایام یکشنبه و دوشنبه و سه‌شنبه و چهارشنبه و
و پنجشنبه و جمعه فصل هشتم و نهم و دهم و یازدهم و دوازدهم
و سیزدهم و چهاردهم در بیان تفصیل ساعات شبهای شنبه و یکشنبه و دوشنبه

الباب الرابع

سه شنبه چهارشنبه پنجشنبه وجمعه باب چهارم در بیان دعوات عزایمات واعمال تسخیرات
واین باب نیز مشتمل بر ده فصل است فصل اول در بیان تحصیل علم کیمیا فصل دویم
در بیان عزایم اسم اعظم موسی فصل سیم در بیان اعمال وقواعد طی الارض فصل چهارم
در بیان دعوت دعای الشیخ فصل پنجم در بیان دعوت دعای فرشتها فصل ششم در بیان
دعوت نامهای نجشا فصل هفتم در بیان دعوت شافوح فصل هشتم در بیان
دعوت سلیمان عبدالرحمن فصل نهم در بیان دعوت عزیمت میمون زنگی فصل دهم

الباب الخامس

در بیان اعمال رویت ارواح پریان وجنیان باب پنجم در بیان علوم ریاضی ودران
ده فصل است فصل اول در بیان علم سیمیا فصل دویم در بیان علم قرطاس فصل سیم
در بیان اعمال تحصیل فضه فصل چهارم در بیان اعمال ذهب تحصیل کردن وتسخیر کوهر
فصل پنجم در بیان اعمال اوراد موکلان دفاین کنوز تحت الارض فصل ششم
در بیان اعمال هجوم اوراد ومیل نمودن خلایق نزد عامل فصل هفتم در بیان
اعمال تحصیل علم کیمیا وعلوم غامضه فصل هشتم در بیان اعمال کشف علوم
ریاضی وهندسه فصل نهم در بیان اعمال کشف علوم حکمت وکلیات فصل دهم

الباب السادس

در بیان اعمال کشف کرامات وظهور عجایبات واشکال ساختن افعال شکر باب ششم
در بیان ذکر علوم اسرار مخفیه است ودران نیز ده فصل است فصل اول در بیان
اطلاع بر امورات مخفیه پنهانی ودانستن اخبارات غایبه فصل دویم در بیان اطلاع
یافتن بر گنجها مدفون تحت الارض فصل سیم در بیان فتح وکشودن طلسمات گنجها فصل چهارم

در بیان

در بیان اطلاع یافتن بر ضمایر مردمان فصل پنجم در بیان اعمال مستجاب الدعوه شدن
فصل ششم در بیان عقد الطاعون فصل هفتم در بیان اعمال اسرار بیضه ماکیان
فصل هشتم در بیان اعمال مباشرت کردن با مردم در عالم خواب فصل نهم در بیان
افسونات سوزن که سلامت بیک فرو رود وبیرون آید بدنی درد والم فصل

الباب السابع

دهم در بیان رقوم خطوط اسرار عبری وعبرانی وسریانی ویونانی باب هفتم
در بیان ذکر علوم غریبه عجیبه ودران نیز ده فصل است فصل اول در بیان
خاموش نمودن شراره آتش فصل دویم در بیان بازداشتن ومنع نمودن باد
وآب سیلاب فصل سیم در بیان اعمال کشودن در بسته وقفل بسته فصل چهارم
در بیان اعمال دفع خستگی وقوت پیاده روی فصل پنجم در بیان اعمال قوت یافتن
در مباشرت ومجامعت با زنان فصل ششم در بیان اعمال طول کشیدن انزال فصل
هفتم در بیان اعمال دفع سمیات وزهر قاتل فصل هشتم در بیان اعمال کفتن شخص
ضمیر خود را در خواب فصل نهم در بیان اعمال اخفا وعقد العین فصل دهم

الباب الثامن

در بیان ادعیات وطلسمات تیغ بند وبستن شکل تیر وپیکان وسنان وآلات حرب
ومحافظت از ضرر آنها باب هشتم در بیان ذکر علومات انتقامیه ضرریه وآن
نیز مشتمل بر ده فصل است فصل اول در بیان اعمال کماشتن صورت فیل
وشیر وطیر وکرگ بر مطعم در خواب فصل دویم در بیان دفع شر درنده وسگ
دیوانه وبستن دم کرگ فصل سیم در ادعیات دفع زهر مار وعقرب ورطیلا وزنبور

در بیان

الجلد بسم الله الرحمن الرحیم الاول

بدان وفقک الله تعالی فی الدارین که جلد اول کتاب مستطاب مشتمل بر ده باب است

الباب الاول در بیان ذکر شرایط واجبه اعمال است و دران ده فصل است الفصل الاول

در بیان عاید شرایط عشره اعمال است شرط الاول طلب نمودن استاد کامل و گرفتن

اجازه شرط ۲ در اتخاذ ریاضات شاقه و متصف بصفات حسنه کردیدن شرط ۳

در جلب اطعمه و ترک اکل اغذیه حیوانی و بخورات کریهة الروایح شرط ۴ در تنقیه

باطن و تنظیف لباس و ترک صحبت با مردم شرط ۵ با طهارت بودن و روزه گرفتن

و دادن صدقه شرط ۶ در اختیار نمودن ساعات مخصوص هر عمل و خلوت و عزلت

و نشستن رو بقبله و سوختن بخورات لایقه شرط ۷ کم گفتن و کم خفتن و کم خوردن

و جمع نمودن حواس شرط ۸ در ملاحظه احوال و استحقاق معمول له شرط ۹ در تکرار

نمودن عمل و صبر بر تاخیر نتیجه ان شرط ۱۰ در افتتاح و اختتام اعمال مشغول بودن

بذکر و اوراد و تسبیح و صلوات است بدانکه عامل لابد است که شرایط مذکوره را

عمل نماید تا انکه عمل او نتیجه بخشد والا عمل ضایع است الفصل الثانی در باب حصول

اجازه از دعوت چون عامل خواهد که اجازه حاصل کند باید که روز جمعه را

روزه بگیرد و بصحرا رود و در مقام خلوتی هزار و یکمرتبه این دعا را بخواند این است

بسم الله الرحمن الرحیم یا غنی یا علی یا عظیم بحق بسم الله الرحمن الرحیم یا اکرم

من کل کریم یا اعظم من کل عظیم اغثنی بجودک و کرمک انک علی کل شیء قدیر

یا رب

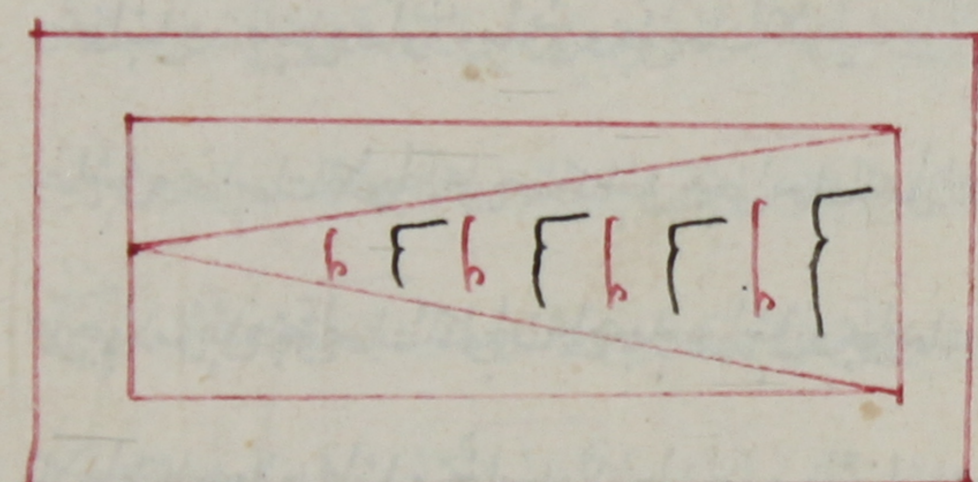
یا رب بحق ناد علیا مظهر العجایب یا رب بحق شاه نجف مرتضی علی کافتادگان وادی

غم را بگیر دست یا مصطفی محمد و یا مرتضی علی بعد از ان هفتاد مرتبه سوره

فاتحة الکتاب بخواند و هفتاد مرتبه صلوات بفرستد و هفتاد مرتبه استغفر الله

العظیم بگوید و مراجعت بمکان خود نماید که اجازه کامل حاصل است فصل سیم

در بیان حصول اجازه از محراب و قاعده اش اینست که شکل محرابی بدینگونه بکشد



و خط سبزی در میان محراب بکشد بمثال لوحی انگاه اجازه بستاند یا بنظر بوک که

بگوید یا صاحب دعوات یا شیخ ابو داود سبزپوش الحسینی الانامی در این

کار بنام تو بیعت میکنم مرا اجازه ده و دست بران خط بنهد و اجازه از ان خط

بستاند فصل چهارم در بیان عزایم که راست شدن دم و جریان شدن نفس است که هر

این عزیمه را چهل مرتبه بر تخم مرغ بخواند و پخته نموده بخورد دمش که را و نفس او

روان گردد اینست یا ممو نوش ممو نوش صند و لاش بیهلا بیهلا یا شمیشا

یا شمیشا نوع دیگر اگر خواهی که دمت گیرا شود روز پنجشنبه بخانه تاریک رو و کاره

فولادی بدست گیر و این عزیمه را پانصد مرتبه بخوان که مجرب است و دیگر جهت احضار

بنام او بعد بر فلفل بخوانند و در آتش اندازد که حاضر شوند و در هر حاجتی که از این
دعوات استمداد طلبند اجابت شود و عزیمت اینست بسم الله الرحمن الرحیم
بسم الله وبالله ومن الله والی الله ومن رسول الله توکلت علی الله هو حسبنا
ان الله یحب القائمین ویحب المتوکلین توکلت علی الملک الحی الذی لا یموت
قد عزمت علیکم برب جبرائیل ومیکائیل واسرافیل وعزرائیل ودردائیل
وشمخائیل وذرفائیل وهاروت وماروت وبحق اسمک المکتوبات علی جبهة
جبرائیل وبحق اسمک المکتوبات علی جبهة میکائیل وبحق اسمک المکتوبات
علی جبهة اسرافیل وبحق اسمک المکتوبات علی جبهة عزرائیل وبحق اسمک
المکتوبات علی جبهة دردائیل وبحق اسمک المکتوبات علی جبهة شمخائیل و
بحق اسمک المکتوبات علی جبهة ذرفائیل وبحق اسمک المکتوبات علی جبهة هاروت
وبحق اسمک المکتوبات علی جبهة ماروت وبحق اسمک المکتوبات علی جبهة کل مسمع
ومستمع وبحق آدم ابو البشر وشیث وهابیل وادریس ودانیال وخضر و
نوح وابرهیم واسمعیل واسحق ویعقوب ویوسف ویونس وموسی وهرون
وداود وبحق انجیل عیسی وبحق توریة موسی وبحق زبور داود وبحق صحف
ابرهیم وبحق فرقان محمد مصطفی صلی الله علیه وآله اجیبونی واطیعونی واحضرونی
ثم فی طرفة عین یا فرناملک مع اتباعک واشجاعک واشیاعک وجنودک
وخیلک بحق هذه الاسماء علیک ففتحنا ابواب السماء بماء منهمر وفجرنا الارض

عیونا

عیونا فالتقی الماء علی امر قد قدر واجیبونی واحضرونی فی طرفة عین بارک الله فیکم
عجلوا عجلوا الوحا الوحا الوحا الساعة الساعة الساعة اهیا اشراهیا
اذونای اصباوت بحق اسمائک المبارکة وبحق نقش خاتم سلیمان بن داود

فصل پنجم در بیان عزیمت برهتیه که خواندن آن در هنگام هر عملی از اعمال
عمل لوح و چه در غیر آن باعث تاثیر اعمال و نتیجه بخشیدن افعال است
چنانچه اکثر مشایخ مرتاضین چنین فرموده اند که هر عملی که بدون ساعت
مخصوص و بدون سوختن بخور لایق و بدون خواندن عزیمت برهتیه باشد
در چنین عمل سودی نبخشد و فایده ندهد و در الفاظ و عبارات عزیمت برهتیه
در هر نسخه تخلف و تفاوت بسیاری است اما معتبرترین انواع و صحیح ترین
اقسام اینست که جناب قدوة المشایخ محی الدین اعرابی در کتاب عسجدی
مقرر نموده است و آن عزیمت بیست و نه کلمه است موافق شماره حروف ابتث — عزیمت برهتیه
بسم الله الرحمن الرحیم برهتیه کریر تتلیه طوران مزجل بزجل ترقب برهش
فیس خوطیر قطیهور برشانه موشلخ برهیولاء الشطیخ قزقز حزحز
اتعلیسط قیران عیاها آکیدهولاء شمیاثاء کهیتاء طوطیاء سراثاء
طفیاء شمخاهر سبحان الاحد الواحد سبحان الفرد الصمد سبحان من لم یتخذ صاحبة
ولا ولدا سبحان الذی لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد اجیبونی واطیعونی
یا معشر الارواح الکرام بحق هذه الاسماء العظام وبحق هذه العهد المأخوذ علیکم

الانقیاد فیما امرتکم بر بعزة العزیز فی عز عزه او فوا بعهد الله اذا عاهدتم ولا تنقضوا
الایمان بعد توکیدها وقد جعلتم الله علیکم کفیلا اجیبونی واطیعونی یا معشر الارواح
بارک الله فیکم وعلیکم **ایضاً** بجهت کیرا شدن دم وجریان شدن نفس این طلسم را
در وقت تحویل افتاب هر برجی که باشد اگر برج اسد باشد بهتر است بنویس
وبا خود دارد تا جمیع اعمال تو نتیجه دهد و مؤثر گردد و باید که این طلسم
در یک سطر نوشته شود **اینست**: ۹۱۴۹۰ ۱۱ح ۱۱۱۱ ۱۷۱۸ ک ۱۱ع۱ ۱ ۹ ۸ ۹ ۵ ط ما ما و

الفصل السادس در بیان معرفت احوالات عناصر بروج وکواکب است بدانکه
حضرت واجب الوجود از قدرت کامله خود دوازده بروج ثابت وهفت کواکب
سیاره افریده که نظام عالم بحرکت انها برپاست واسامی دوازده بروج
اینست ا حمل ب ثور ج جوزا د سرطان ه اسد و سنبله ز میزان ح
عقرب ط قوس ی جدی یا دلو یب حوت واسامی هفت کوکب اینهاست
ا قمر ب عطارد ج زهره د شمس ه مریخ و مشتری ز زحل **بدانکه** خانه
قمر برج سرطان است وخانه عطارد برج سنبله وجوزا است وخانه زهره
برج ثور ومیزان است وخانه شمس برج اسد است وخانه مریخ برج حمل
وعقرب است وخانه مشتری برج قوس وحوت است وخانه زحل برج جدی
ودلو است ومشتری سعد اکبر است وزهره سعد اصغر است وشمس نیر اعظم است
وقمر نیر اصغر است وزحل نحس اکبر است ومریخ نحس اصغر است وعطارد ممتزج است

ودیگر

ودیگر بدانکه برج حمل واسد وقوس اتشی است ومذکر است وبرج جوزا ومیزان
ودلو بادی است ومذکر است وبرج سرطان وعقرب وحوت ابی است ومؤنث است
وبرج ثور وسنبله وجدی خاکی ومؤنث است **فصل هفتم** در بیان نسبت ایام ولیالی
بکواکب سبعه بدانکه نسبت ایام ولیالی بکواکب سبعه بر این نکو نه است که نموده شد

شمس	قمر	مریخ	عطارد	مشتری	زهره	زحل
روز یکشنبه	روز دوشنبه	روز سه شنبه	روز چهارشنبه	روز پنجشنبه	روز جمعه	روز شنبه
شب پنجشنبه	شب جمعه	شب شنبه	شب یکشنبه	شب دوشنبه	شب سه شنبه	شب چهارشنبه
اهس	بور	جزخ	داد	هبی	وجه	زدل

بدانکه روز زحل وشب زحل وساعت مخصوص عمل عداوت وتفریق است وروز
شمس وشب شمس وساعت شمس مخصوص عمل سلطانی وحکومت وامثال اینهاست
وروز وشب وساعت قمر مخصوص عقدهات وخواب لبستن است وروز وشب
وساعت مریخ مخصوص عمل دشمنی وتفریق واخراج وامثال اینهاست وروز وشب
وساعت عطارد مخصوص عقد اللسان وعقد الرجال وسایر عقدهاست وروز
زهره وشب وساعت ان مخصوص عمل تحبیب ودوستی وامثال ان است وروز
وشب وساعت مشتری مخصوص عمل دولت ومحبت وامثال ان است **فصل هشتم**
در بیان ساعت عمل واداب ان بدانکه چون کسی خواهد که بعمل تحبیب مشغول شود
باید که روز جمعه وروز پنجشنبه را اختیار کند ودر ساعت اول از روز یا ساعت هشتم

از روز ... مشک و زعفران بر کاغذ سفید یا بر پوست آهو بنویسد یا بر حریر زرد
بنویسد و یا آنکه بر لوح طلا یا نقره یا فولاد نقش کند و چون قلم را بر اشد [بار]
صلوات فرستد و ده مرتبه ناد علی را بخواند و پنجره بند بکوید یا مستعان
افض حاجتی بعد از آن بر کف دست خود بنویسد انا قریب مجیب و باید که
با وضو بوده باشد و رو بقبله بنشیند در مکان خلوت و خندان باشد
و شیرینی در دهان کیرد و بخورات خوش در آتش کند اکر طالع برج آتشی باشد
بنویسد اللهم احرق قلب فلان بن فلان علی محبت فلان بن فلان و اکر بادی باشد بنویسد
اللهم حرک قلب فلان بن فلان علی محبت فلان بن فلان و اکر آبی باشد بنویسد اللهم لین
قلب فلان بن فلان علی محبت فلان بن فلان و اکر خاکی باشد بنویسد اللهم سخر لی قلب
قلب فلان بن فلان علی محبت فلان بن فلان **فصل نهم** در بیان عدد کرفتن اسم طالب و مطلوب
و قاعدهٔ عمل مثلا میخواهد که مطلوب را مسخر خود کرداند اسم مطلوب و مادرش را
بحساب جمل کبیر عدد کرفته دوازده دوازده طرح کند و آنچه از طرح بماند
بر بیند که متعلق بکدام برج است اکر آتشی است از برای مطلوب عمل آتشی باید
کرد و اکر بادی است عمل بادی کند و اکر آبی است عمل آبی کند و اکر خاکی است
عمل خاکی کند و باید که در هنکام عمل ملاحظهٔ نظرات کواکب بنماید که کواکب
خوشحال باشند چون چنین کند عملش خطا نکند و در عمل تفریق و تخریب
روز یکشنبه و سه شنبه را اختیار کند در ساعت اول روز یا هشتم و باید که

وزنکار

وزنکار و نیل و امثال آن بر کاغذ کبود بنویسد یا بر لوح آهن یا سرب یا سفال
نقش کند و چون قلم را بر اشد سورهٔ قل یا ایها الکافرون بخواند و غضبناک
پشت بقبله نشیند و ترشی یا تلخی در دهان کیرد و بخورات بد بو مثل پوست
سیر و پیاز و سند روس و نفط در آتش کند و مشغول عمل کردد تا عمل خطا نشود
فصل دهم در بیان بخورات عمل است که بخور هفت کوکب باید سوخته شود
و بخورات هر کوکبی در این جدول نموده شد که بر هیچ کس پنهان نماند [است]

قمر	عطارد	زهره	شمس	مریخ	مشتری	زحل
صندل سفید و کلاب	کندر و حسن لبه	مشک سفید و کندر	زعفران و طلا و صندل ...	صندل سرخ و کندر	عود و کندر	سندروس

الباب الثانی فی بیان تفصیل اعمال فصل مقدمات الاعمال

الباب الثانی فی بیان تفصیل مقدمات اعمال و مشتمل است بر ده فصل **فصل**
اول در بیان اسامی موکلان ایام و لیالی هفته چنانچه در این جدول نموده میشود

الکواکب	قمر	عطارد	زهره	شمس	مریخ	مشتری	زحل
ملک علوی	جبرائیل	میکائیل	عنیائیل	روقیائیل	عزرائیل	اسرافیل	کسفیائیل
ملک سفلی	ابو النور ملک ابیض	ابو الجمال ملک برقان	ابو الملیس ملک زوبعه	ابو عبدالله ملک مذهب	ابو المحرز ملک احمر	ابو الولید ملک شمهورش	ابو النفح ملک میمون

و قاعدهٔ این جدول آنست که چون عامل خواهد که مشغول عمل کردد در شب
یا در روز اول باید طلب استمداد از موکلین آن روز یا آن شب نماید مثلا اکر
روز جمعه یا شب سه شنبه باشد اسامی ملک و روحانیت از آن عزیمه بر بندد و در اول

شروع بعمل ودر اخر فراغ از عمل یکمرتبه بخواند و عزیمه اینمثل که ذکر شد اینست

عزمت علیك واقسمت علیك یا عیبائیل وعلی عونك وروحانیتك ابو اللیس
وذو بعدان بهیجوا وتحرکوا قلب ف۲۲م علی محبت ف۲۲م بارك الله فیکم وعلیکم
عجلوا عجلوا بارواحانیات الطاهرات بقضاء حاجتی بحق بدوح بدوح الساعة
الساعة فصل دویم در بیان موکلان کواکب سبعه بدانکه حق تعالی از نور ذات
کامل خود بر کواکب سیاره چند ملك موکل کردانیده تا محل اتصال تاثیرات
باشند ونامهای ایشان در این جدول نموده شد تا واضح وروشن بوده باشد

قمر	عطارد	زهره	شمس	مریخ	مشتری	زحل
نقفائیل	شکیل	الهیون	کهیلیا	نهبائیل	تجخاد	ابیائیل

فصل سیم در بیان اسامی موکلان بروج که بر هر برجی ملکی موکل است
چنانچه در این جدول نموده شد

حمل	ثور	جوزا	سرطان
بلوجیل	رحمائیل	اسرائیل	هقفائیل
اسد	سنبله	میزان	عقرب
شراطیل	کفقائیل	صلهائیل	صلصائیل
قوس	جدی	دلو	حوت
سراطیل	عوفت	صمکائیل	قیفائیل

فصل چهارم در بیان موکلان
دوازده ساعت که عامل باید
که در آنها مشغول عمل شود واسما
موکلان انها را ذکر کند واستمداد
از آن ملك حاصل نماید تا انکه
تاثیر تام در عمل او پدید آید وعملش صحیح شود واسما موکلان هر ساعت در این جدول

نموده

نموده شد است فصل پنجم
در بیان موکلان ایام هفته که عامل
در وقت عمل باید که اسم ملك آن روز را
ذکر کند واسما ایام هفته اینست

محرم	صفر	ربیع الاول	ربیع الثانی
ایوزیائیل	اوریائیل	طهوبائیل	سماطیل
جمادی الاول	جمادی الثانی	رجب	شعبان
لازیائیل	فاهیل	وسطیل	دهوهیل
رمضان	شوال	ذی قعده	ذی الحجه
واهیل	عموهیل	هفوهیل	القوائیل

فصل ششم
در بیان موکلان
ساعات
روز چنانچه در این جدول نموده نموده شده است این است

روز اول	امیلمیال
روز دویم	میکال
روز سیم	کیکیال
روز چهارم	نوریال
روز پنجم	اسرافیل
روز ششم	جبرائیل
روز هفتم	میکائیل

فصل هفتم
در بیان موکلان
دوازده ساعت
شب است که
عامل باید در وقت عمل بکار برد
واسما موکلان ساعات شب این است

ساعت اول	ساعت دویم	ساعت سیم	ساعت چهارم
صوریائیل	سطحوبائیل	کفوتمیال	سوریال
ساعت پنجم	ساعت ششم	ساعت هفتم	ساعت هشتم
حموبائیل	ماهیل	نوفیائیل	واحیل
ساعت نهم	ساعت دهم	ساعت یازدهم	ساعت دوازدهم
دردائیل	محیل	شقاطیل	هزویائیل

فصل هشتم
در بیان آنکه
در هر ماهی
چند روز

ساعت اول	ساعت دویم	ساعت سیم	ساعت چهارم	ساعت پنجم	ساعت ششم
دوسیل	محیل	میحیل	ظاحیل	دوبیل	هوائیل
ساعت هفتم	ساعت هشتم	ساعت نهم	ساعت دهم	ساعت یازدهم	ساعت دوازدهم
محیل	الجبریل	نظیل	اطیل	دوریل	قحطیل

نحس است که اگر در ان ایام منحوسه مشغول در عمل تحبیب شود رنج او ضایع گردد
و ایام نحس در این جدول نموده شد

حمل	ثور	جوزا	سرطان
۶ ۱۱ ۲۹	۲۵	۴ ۱۳	۱۲ ۱۷
اسد	سنبله	میزان	عقرب
۱۳ ۶ ۲۱ ۲۵	۹ ۲۴ ۲۸	۲۲ ۲۳	۸ ۲۰ ۲۴
قوس	جدی	دلو	حوت
۷ ۱۳ ۱۵ ۱۴	۲ ۱۴ ۱۸ ۱۹	۲۱ ۲۳ ۲۹	۳ ۲۸ ۲۹

فصل نهم در بیان تعیین و تشخیص
ساعات سعد و نحس است نقل است
از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
که هر کس خواهد که بر ساعت نحس و
سعد مطلع گردد بر بیند که از روز
تا ان شب چندم ماه عربی است انگاه الحروفات را بعدد ابجد از این ماه گذشته است
بشمارد اگر بحرفی نقطه دار افتد سعد است و اگر بحرفی بی نقطه افتد نحس است
و حروفات در این جدول نموده شده است که تا بر عامل اسان شود اینست

ف ۱	ح ۲	ب ۳	ك ۴	ق ۵
و ۶	ع ۷	ی ۸	ف ۹	ك ۱۰
ی ۱۱	ف ۱۲	ف ۱۳	ه ۱۴	ل ۱۵
ث ۱۶	ع ۱۷	و ۱۸	د ۱۹	ل ۲۰
ی ۲۱	ا ۲۲	ل ۲۳	ف ۲۴	ف ۲۵
ط ۲۶	ل ۲۷	ا ۲۸	م ۲۹	ل ۳۰

فصل دهم در بیان
کیفیت اداب تعیین و
تشخیص ساعات ایام و لیالی
چون خواهند بدانند
که ان روز چند ساعت
گذشته است هنگام که
افتاب بر اید سایه خود را پیمانه کند هرگاه که سایه هشتاد قدم باشد ساعت اول است

و اگر چهل

و اگر چهل قدم باشد ساعت دویم و اگر بیست قدم باشد ساعت سیم و اگر ده قدم باشد ساعت چهارم و اگر پنج قدم باشد ساعت پنجم و اگر دو قدم نیم باشد ساعت ششم است و چون سایه بجانب مشرق رود همان دستور پیمانه کند که این قاعده بغایت صحیح است و استادان در هنگام عمل ساعت را از این قاعده تعیین میکرده اند پس چون دانسته که ساعت چندم است عمل را بساعتش بکار برد

الباب الثالث در بیان تفصیل شرایط الاعمال

الباب الثالث در بیان تفصیل شرایط لازمه در اعمال و دانستن ساعات ایام و لیالی که هر ساعتی در شبانروز بیکدام کوکب متعلق است و مخصوص چه عمل است و در ان چهارده فصل است

فصل اول در بیان تفصیل ساعات روز شنبه است بدانکه روز شنبه بزحل منسوب است و ساعت اول از روز ساعت زحل است و ساعت دویم ساعت مشتری است و ساعت سیم مریخ و ساعت چهارم شمس و ساعت پنجم زهره و ساعت ششم عطارد و ساعت هفتم قمر و ساعت هشتم زحل و علی هذا القیاس الی اخره

فصل دویم در بیان تفصیل روز یکشنبه است و این روز متعلق است بشمس و ساعت اول متعلق بشمس است و ساعت دویم زهره و علی هذا القیاس الی اخره

فصل سیم و فصل چهارم و فصل پنجم و فصل ششم و فصل هفتم و فصل هشتم و فصل نهم و فصل دهم و فصل یازدهم و فصل دوازدهم و فصل سیزدهم و فصل چهاردهم در بیان تفصیل ساعات ایام هفته است و شبهای ان و تفصیل ساعات

در این جدول نموده شد بیان تفصیل ساعات ایام هفته در جدول یمنی نموده شد

الایام	روز شنبه	روز یکشنبه	روز دوشنبه	روز سه شنبه	روز چهارشنبه	روز پنجشنبه	روز جمعه
ساعت الاول	زحل	شمس	قمر	مریخ	عطارد	مشتری	زهره
ساعت الثانی	مشتری	زهره	زحل	شمس	قمر	مریخ	عطارد
ساعت الثالث	مریخ	عطارد	مشتری	زهره	زحل	شمس	قمر
الرابع	شمس	قمر	مریخ	عطارد	مشتری	زهره	زحل
الخامس	زهره	زحل	شمس	قمر	مریخ	عطارد	مشتری
السادس	عطارد	مشتری	زهره	زحل	شمس	قمر	مریخ
السابع	قمر	مریخ	عطارد	مشتری	زهره	زحل	شمس
الثامن	زحل	شمس	قمر	مریخ	عطارد	مشتری	زهره
التاسع	مشتری	زهره	زحل	شمس	قمر	مریخ	عطارد
العاشر	مریخ	عطارد	مشتری	زهره	زحل	شمس	قمر
الحادی عشر	شمس	قمر	مریخ	عطارد	مشتری	زهره	زحل
الثانی عشر	زهره	زحل	شمس	قمر	مریخ	عطارد	مشتری

و تفصیل ساعات شبهای ایام هفته در جدول یسری نموده شد **الباب الرابع** فی بیان
عزایمات و تسخیرات و مشتمل بر ده فصل است **فصل اول** در بیان عزیمه اسم اعظم
موسی علیه السلام و در این اسم مبارکه در جمیع عزایمات و تسخیرات اختلاف بسیار است
و اما قول اصح و طریق اکمل اینست که روایت از ذوالنون مصری که بجهت قضاء
حاجت و مطالب کلی و فتح عقودات و کشایش بستکیها و فتوحات کلی بعد از هر نماز

الباب الرابع فی بیان ذکر تسخیرات و عزایمات

هفت مرتبه

اللیالی	شب شنبه	شب یکشنبه	شب دوشنبه	شب سه شنبه	شب چهارشنبه	شب پنجشنبه	شب جمعه
ساعت الاول	مریخ	عطارد	مشتری	زهره	زحل	شمس	قمر
ساعت الثانی	شمس	قمر	مریخ	عطارد	مشتری	زهره	زحل
ساعت الثالث	زهره	زحل	شمس	قمر	مریخ	عطارد	مشتری
ساعت الرابع	عطارد	مشتری	زهره	زحل	شمس	قمر	مریخ
الخامس	قمر	مریخ	عطارد	مشتری	زهره	زحل	شمس
السادس	زحل	شمس	قمر	مریخ	عطارد	مشتری	زهره
السابع	مشتری	زهره	زحل	شمس	قمر	مریخ	عطارد
الثامن	مریخ	عطارد	مشتری	زهره	زحل	شمس	قمر
التاسع	شمس	قمر	مریخ	عطارد	مشتری	زهره	زحل
العاشر	زهره	زحل	شمس	قمر	مریخ	عطارد	مشتری
الحادی عشر	عطارد	مشتری	زهره	زحل	شمس	قمر	مریخ
الثانی عشر	قمر	مریخ	عطارد	مشتری	زهره	زحل	شمس

هفت مرتبه بخواند و بجای سخر لی کذا و کذا مطلب را ذکر کند که بر او رد نشود و عزیمه
اینست بسم الله الرحمن الرحیم یا فتاح بلا مفتاح افتح لنا بحرمة اسم موسی
حرباث مرباث شرباث شبثاث کهراث طشناث تخخفیف برهابض
نوحابض نوخابل نوشابل یا جارث یا کافلنا یا راحلنا یا نجینا یا نجم
یوخا امنت لاوی بن یعقوب علیه السلام یا مجری الفلک فی البحر بامره انک
بالناس لرؤف رحیم سخر لی کذا و کذا **نوع دیگر** در عزیمه کبرا اسم موسی علیه السلام بعد از

هر نماز هفت مرتبه بخواند و چون بلفظ افتح رسید اگر مقصود کشودن قفل باشد بگوید
افتح هذا القفل و اگر مقصود غل باشد بگوید افتح هذا الغل و اگر مقصود
الفت و محبت باشد بگوید افتح قلب فم ۲۲ فم علی محبت فم ۲۲ فم و اگر مقصود
تسخیر قلوب باشد بگوید افتح قلوب جمیع بنی آدم و بنات حوا علی محبت
فم ۲۲ فم و علی هذا القیاس هر مطلبی که بوده باشد در این مقام ذکر کند و عزیمه
عزیمه اینست بسم الله الرحمن الرحیم اللهم رب هلباء بنت عنباء المؤمنة الصدیقة
ام موسی باذن الله العزیز الکبیر المتعال المتکبر المهیمن العظیم الذی یفتح به الاغلال
الاطباق و استنارة به الآفاق و فتحت به الاناضی افتح هذا القفل یا فم
بحق هذه الاسماء السبعة الملائکة المختصة بکیما یوخاید نوخ یوخید بوخود
بسم الله الرحمن الرحیم عزمت علیکم بالارواح المقدسة المتوکلون باسم الاعظم
الذی لا یطلع علیها الا الخواص من العلماء و الاوصیاء الموافق اسم الصدیقة
ام موسی کما کتب قبل یوخود و هلباء بنت عنباء او عباء او نوخاید او
نوشاید افتح لی بحق هذه الاسماء العظام ابواب الفتوحات من الجلب المنصب
و المال و العز و الجاه عند الناس سیما الامراء و الوزراء و السلاطین وادفع
عنی و اهل بیتی و اخوانی جمیع الالم و الاعراض و الامراض و احفظنی من کید
الاعداء من الجن و الانس و الشیاطین و بحرمة اسم الصدیقة ام موسی بن
عمران علیه السلام یوخود یوخود بحق حرباث مرباث شرباث شبناس

کبوات

کبوات کبرات طعنیاث اذ بحینا و بحیثر یوخاء بنت لاوی بن یعقوب علیه السلام
یا مجری الفلک فی البحر بامره انک بالناس لرؤف رحیم و صلی الله علی خیر خلقه
محمد و آله اجمعین **فصل سیوم** در بیان قواعد اعمال طی الارض بدانکه این عمل
بغایت شریف است و از عملهای بو علی سینا است اگر کسی خواهد که از شهری
بشهری رود و اقلیم را طی نماید بیاورد یکشاخ انار و یکشاخ بید و بعد از
ان شاخ انار را حلقه کند و سرش را محکم بربندد و شاخ بید را نیز حلقه کند
و سرش را محکم بربندد پس بنویسد اسم ابو لایث را که میخواهد برود در شاخ
بید پس بیرون شود بصحرا و در میان شاخ انار بنشیند و بران شاخ هفت
مرتبه این اسما که ذکر میشود بخواند همان ساعت خود را در ان شهر ببیند
زنهار که از جاهلان مخفی دارد اگر خواهی که جنیان مطیع و فرمانبردار
خود کنی که هر وقت ترا از احوال هر جا که خواهی آگاه سازند و هر حاجتی که
داشته باشی ترا امداد و یاری کنند سه روز روزه بگیر در خانه بنشین که خلوت
باشد و در حجره که نشسته بربند و جامهای پاک بپوش و طعام از اکل و شرب
آنچه ترا احتیاج باشد در پیش خود بگذار تا ترا حاجت بیرون رفتن نباشد
پس سه روز متوالی در انجا بمان و بعد از هر نماز فریضه هفت مرتبه این اسماء
که ذکر میشود بخوان چون روز سیم شود سی و پنج (۳۵) نفر نزدیک تو آیند
و گویند که هر چه بخواهی ترا مطیع و فرمانبرداریم از ما هر یک هر چه خواهی

ببرس که هریک علی را مسخر بم انگاه هرچه خواهد طلب کند که ایشان مضایقه نکنند
وبا او عهد وپیمان نمایند وبروند مخفی نماناد که در این سر دوز بایلد از اکل
حرام وحیوانی احتراز نماید وصایم بوده باشد ودایم بذکر الهی مشغول بوده
باشد واگر خواهی که ارواح را ببینی بنویس این دعا را بر دل کوسفند که
او را خصی نکرده باشند وبعد از ان خشک کرده در هاون بکوب که مثل
سرمه نرم شود انگاه در چشم بکش که جمله ارواح در نظرت اید واگر خواهی
که در میان مردم با عظمت وهیبت بوده باشی این دعا را بر پوست شیر بنویس و با خود
نگاه دار که مقصود حاصل است بدانکه اصل این دعا بخط قرمز نوشته شده است
وترجمه اش که بلفظ عربی است بسیاهی نوشته شد که بر عامل مشتبه نشود این است

بسم الله الرحمن الرحیم لا اله الا الله محمد رسول الله صلی الله علیه واله ومن
قوم موسی امة یهدون بالحق وبه یعدلون معناه الذی لا تاخذه سنة ولا
نوم معناه الذی یبسط یده للتائب معناه الذی وسعت رحمته للتائب
معناه الظاهر من کل شیء معناه الذی یبصر العمیق معنا
هی سواء معنا الذی یقول له کن فیکون معناه الذی قوته فی السماء
وقوته فی الارض معناه الذی لا شیء ارفع عنه معناه الذی
یحمل عرشه الملائکة معناه الذی یحیی المیت ویمیت الحی معناه الذی
یربی الاطفال الصغار فی الجنة معناه یری من المشرق والمغرب معناه

الذی

الذی فتح کوبه معناه الذی ینجی العباد من الضیق معناه الذی لم یزل
معناه الذی ینزل الظل من فضله معناه یا بر یا واحد معناه الذی
یغفر العباد بالذنوب ویغفر لهم معناه الذی ابد الارض معناه
الذی اوتد الارض بالجبال معناه یقلب الشمس من المشرق الی المغرب
معناه الذی یسمع دعوات المظلومین معناه الذی یخرج الشمس
من المشرق الی المغرب معناه الذی لا ینفد کلماته معناه الذی
انزل التوریة علی موسی بن عمران علیه السلم معناه یا حی یا قیوم
معناه اما له معنا یا صمد لا اله الا الله محمد رسول الله صلی الله علیه
واله نوع دیگر در اعمال طی الارض صغیر روایت از عبد الله بن هلال که هر که خواهد
بطی الارض از شهری بشهری رود اول صورة دایره دو سر بکشد بدین صورت



ودر یک سر این اسما را بنویسد ودر یک سر دایره خاتم را
بنویسد ودر یک سر دیگر این دایره اسم ان شهر را بنویسد
بعد از ان هفت مرتبه این عزیمه که مذکور میشود بخواند
انگاه در میان دایره دو سر که خالی میباشد بنشیند بشرط انکه
باوضو بوده باشد واعتقاد کامل داشته باشد وچون در میان دایره بنشیند
هفت مرتبه دیگر این عزیمه را بخواند وچشم برهم نهد وصلوات بفرستد که با ذن
ربانی بهمان مکان که خواسته باشد برسد وعزیمه این است فرداد فرداد فرمهی

فرهی لو هینی منحی شمو یا الشمخ مرنا الهو فامشد و رلاج شمطار هصرا مد لوشا
لاهون او هون دهرکج بعطیطا ازوبل دبیل شمسائیل مرها بیل نیشا
علیحنه محیار و مخ محلا و هطف ملوطال کیا بروح مومینا الجبح امین
بحق هذه العزیمة یا ملوکان الجن والشیاطین بارک الله فیکم **فصل چهارم**
در بیان شرح و خواص دعای السمخ است بدانکه دعوت دعای السمخ افضل ترین جمیع
دعوات و هیچ دعوتی باجابت بهتر از دعوت کلام السمخ در روزگار نیست
هر کاه کسی این کلام را مسخر شود محتاج بدعوت دیگر نمیشود و دعوت این
کلام باعث نتایج و تاثیر در اعمال است از خیر و شر لهذا بر ارباب و لوالابصار
مخفی و مستور نماناد که در عالم کون و فساد بدانکه طوایف مرتاض و عاملان
اعمال بر سه نوع است یکنوع از آن طایفه همیشه اوقات بریاضت و خواندن
دعوات و مداومت اسما مشغول اند و ایشان را پروائی از عداوت و دشمنی از
محبت نیست و سیر ایشان بعالم معنویست یعنی عالم روحانی ایشان معاینه
میشود و بیان واسطه نشانهای چند از ایشان بظهور میرسد و ایشان را پروای
این نیست و اصلا از آن حالت خبر ندارند و در بحر مکاشفات غرق کردیده اند
هرکس از عوام الناس بقدر صدق خود از ایشان فیض یابند نوع دویم از ایشان
لشکرخانند و ایشان خلاصه اهل التسخیرند و ایشان از اکابر روحانیات میخوانند
و بدین سبب ارواح و جنیبر با ایشان انس میگیرند و در جمیع مهمات معاونت ایشان

میباید

میباید تا آن مهم کفایت میشود اما شرط این عمل آنست که از مناهی و حرام و فسق و لهو
و لعب احتراز کنند و الا زحمت و اذیت بایشان میرسد و ارواح و اعوان از
ایشان متفرق میشوند زیرا که طایفه از اعاظم ارواح مسخر این اسمند و مسخر
این دعا مثلا هر کاه پادشاهی یکی از مقربان خود را بفرماید که کار فلان
محتاج فرومانده را که تضرع و زاری میکند و از درگاه ما مسئلت مینماید
بر آورد در مهمات او رجوع و قیام نما تا آنکه مقصود او بر آید آن مقرب
پادشاه حسب المقرر قبول کند و بنزد آن شخص محتاج رود و در مهمات او قیام
و اقدام نماید و آن شخص محتاج آن مقرب پادشاه را بی عزتی و بیحرمتی و بکارهای
نفس و سهل چون گناهی و کلمهٔ ناپاک که کسی غلام خود را بدان نکوید امورات
امر بکند او امر نماید اگر چه بفرموده پادشاه خود انکار را مضایقه نکند
اما آن شخص محتاج اندیشه کند که چه سرایت کند از آن پادشاه و دیگر التفاتش
باقی خواهد ماند و دیگر بار چگونه رجعت تواند کرد و بچه رو بدرگاه آن
پادشاه خواهد آمد و چگونه تمنای دیگر خواهد نمود در صورتیکه آن شخص
مقرب در حضور باشد که البته رجوع و مدد آن مقرب در امر آن محتاج
دیگر باره در حضور دویم بر عکس خواهد بود و نوع سیوم از ایشان اهل التنجیم اند
که در برابر کواکب معتقد خود بخورات مبسوط اند و عزایمها میخوانند
و مراد خود را در خواست مینمایند زیرا که از اعمال بطالع کوکب مقصود است و در

اوقات و ساعات و بخورات آن کوکب بانجام باید فوق عظیم و تاثیر کامل بخشد و آن
کوکب بفرمان حضرت واهب نظر با اهل طبقه طوالع خود اندازد و بمقصود برساند
و این قسم تعابیر مجرب و آزموده شده است و بخورات کواکب نیز در اعمال
کلام شیخ لازم است زیرا که هر روزی از ایام هفته بکوکبی متعلق است چنانکه
در سابق ذکر شد و چون عامل در هر روز از ایام هفته که خواهد عملی کند
البته باید که بخورات آن کوکب را که تعلق بآن روز است بسوزاند و بخورات
کواکب مفصل آن در سابق ذکر شد و قسم ثانی بدینگونه است بخور قمر
حب الغار و طلق و حب الخروب شامی عطارد طلق حب الخروب زهره عود
و شکر و قسط شمس حب خرنوب و قشور اللوز و کندر مریخ صبر افیون و
دار فلفل و حب الصنوبر شامی و حسن لبه و لادن و کلنار و مشک مشتری عود
سندروس و صمغ و حب الغار زحل سنبل مصطکی لادن قشر الخشخاش بدانکه
چون کسی را حاجتی باشد در هر روز از ایام هفته بخور آن روز را آتش کند
و با وضو بوده رو بقبله بنشیند و خطی برگرد خود بکشد و دو دست خود را
بلند نموده مقابل صورت بدارد مثل آنکه در قنوت نماز بها واجب میکند آنگاه
صلوات بفرستد و بیست و یکبار دعای شیخ را از اول تا باخر بخواند و باز صلوات
بفرستد و دست را بصورت خود فرود آورد و حاجت خود را بخواهد که فی الحال
اجابت شود انشاء الله خط بدرا باید که بمقصود و این قاعده بجهت جمیع مهمات و مقصودات

بکارست

بکارست و دیگر بدانکه کلام شیخ بزبان عبرانی و سریانی است و آن چهار حرف است ب
عبارتست از بسم الله الرحمن الرحیم ش عبارتست باسم شهید و شکور م
عبارتست باسما الملک المالک المعز المحصی المبدی المعید الممیت الماجد المقتدر
المقدر المقدم المؤخر المتعال المؤمن المهیمن المتکبر المجیب المجید المتین المعید المنتقم
المقسط المغنی المعطی المانع خ عبارتست از اسم الخالق الخبیر الحافظ دیگر
این کلمه را بگوید چنان بود که خداوند را بسی و پنج اسم یاد کرده باشد اگر کسی
در اول هر ماه بگوید شیخ چنان بود که تمام اسماء پروردگار خود را یاد کرده
باشد و سی و پنج اسم او را شفیع آورده باشد و دیگر بدانکه چهار حرف و اسم مبارک
شیخ یکی آتشی و یکی بادی و یکی آبی و یکی خاکی است و اسم شیخ چهار حرفست و اسما
ملائکه مقرب نیز چهار است جبرائیل میکائیل اسرافیل عزرائیل و اسم شیخ چهار
حرفست و اسما پیغمبران اولو العزم نیز چهار است ابراهیم موسی عیسی محمد صلوات الله
علیهم اجمعین و اسم شیخ چهار حرفست و کتب سماوی نیز چهار است تورات انجیل
زبور فرقان و اسم شیخ چهار حرفست و یاران خاتم انبیاء نیز چهار است علی فاطمه
حسن حسین و اسم شیخ چهار حرفست و اصحاب کبار خاتم انبیا نیز چهار است سلمان
ابوذر مقداد عمار یاسر و اسم شیخ چهار حرفست و ماههای حرام با احترام نیز چهار است
ذی قعده ذی حجه محرم صفر و اسم شیخ چهار حرفست و ماههای مبارک نیز چهار است
رجب رمضان شعبان ربیع المولود و اسم شیخ چهار است و شبهای مبارک نیز چهار است

شب قدر شب برات شب عید شب وشب استفتاح و اسم بشنج چهار حرفست و عیدها

شریفه نیز چهار است عید رمضان عید قربان عید مولود عید غدیر و اسم بشنج چهار

حرفست و اسماء آنحضرت نیز چهار است اسم اعظم و اسم ام موسی و نماز وسطی و ساعت

روز جمعه و اسم بشنج چهار حرفست و مظهر قدرت الهی در عالم بالا نیز چهار است

لوح قلم عرش کرسی و اسم بشنج چهار حرفست و موضع استجابت دعا نیز چهار است

مکه مدینه ارض اقدس طور سینا پس هر گاه کسی بکمر بنیه بکوید یا بشنج چنان باشد

که همه اسماء حسنی که ذکر شد بدرگاه حق تعالی شفیع او برد باشد البته دعای او مستجاب

میشود اما باید که در کارها خبیث این شفیعان را یاد نکند که نتیجه بر عکس خواهد

بود و ضرران از زیادتر خواهد بود و دیگر بدانکه کلام بشنج دوازده کلمه است

و هر کلمه را حضرت حکیم علی الاطلاق بقلم قدرت بر برجی از بروج دوازده گانه ثابت

نوشته است که از برکت آن کلمات آن برج قرار گرفته است و فرشتگان که موکلان آن بروج

و کوا کبند حق تعالی را بدان اسم میخوانند و بحمد و ثنای او مشغولند پس هر گاه که بنده

این اسم را بخواند همه فرشتگان متوجه او شوند و اگر آن بنده شر و فساد و فتنه

خواهد خاموش شوند و از شفاعت باز ایستند سبب اینست که تاثیر نمیکند و آن

احمق ناجاهل میکوید که فلان دعا را خواندم اثر نکرد کلمه اول که بر برج حمل نوشته

شده است خاصیت آن اسم انست که چون این کلمه را بر چیزی خوانند بجهت مهر

و محبت بنام هر کس که خواهد و بخورد او دهد از عشق او بیقرار گردد و اگر بر نبات محبت

بمشك و زعفران بنویسد و با خود دارد در چشم همه کس عزیز و مکرم باشد و اگر بجهت عقد

اللسان خواهد چون در مقابل خصم رسد چهار حرف بشنج را بحروف مقطعه بر چهار

انگشت خود نوشته و انگشتان را عقد کند زبان خصم او بسته گردد و اگر بجهت عقد النظر

خواهد چهار بار بر دست خود خوانده انگشتان را فراکیرد از چشم خصمان ناپدید [14]

شود چنانچه هیچکس او را نبیند و اگر بجهت رنجوری دشمن خواهد از لوح سرب

صورت آن دشمن را بسازد و کلمه را بر آن لوح سرب نقش کند و در میان سنگ سوزن

پر کند و در گورستان دفن کند آن دشمن رنجور گردد تا آنکه بمیرد و اگر بجهت فروش

متاع خواهد هفتاد مرتبه بر بوی خوش خواند و سر شبانه روز در میان جنس

اقمشه فروختنی خود نهد بتمامی تمام بفروشد و اگر بجهت فتح البخت خواهد هفتاد بار

بر غالیه خواند و روی خود را بدان شوید بخت او کشاده گردد و کلمه دویم که بر برج

ثور نوشته است و خاصیت این اسم انست که هر گاه کسی بجهت الفت و محبت

خواهد این اسم را بر طاس یا قدح سفید بنویسد و البته دا بجوزد مطر دهد

در میان ایشان الفت و محبت پیدا شود و اگر بجهت حفظ مال خواهد بنویسد

و در میان هر چه خواهد بگذارد دانجیز را دزد نبرد و نقصان بر آن مال نرسد و اگر

کسی بنویسد و با خود دارد و بسفر رود در آن سفر از شر دزدان سالم ماند و اهل

آن کاروان همه ایمن گردند و اگر کسی را فرزند نشود و اگر بشود نماند این اسم را

بنویسد و اگر تمامی اسماء را بخواهد بنویسد بهتر است و شب در زیر بالین خود نهد

وبا وضو بخواند حق تعالی او را فرزند صالحی کرامت فرماید واگر خواهد بستن زبان خصمان
خواهد بنویسد بمشک وزعفران بنام دشمن ودر حقه نهد وان حقه را بموم
سرش را محکم نماید ودر زیر سنگ گرانی گذارد ویا در زیر زمین دفن کند زبان آن کس
بسته گردد واگر بر لوح نقره نقش کند در زیر آسمان وبا خود دارد از شر خصمان
ایمن شود ونظرات دشمنان وخصمان وغمازان وبدگویان در حق او بسته گردد
وکلمه سیم در برج جوزا نوشته است وخواص این اسم انست که هر گاه کسی از برای
منصب وبزرگی خواهد این اسم را بر لوح نقره نقش کند در هنگامیکه مشتری در
شرف باشد ویکشنبه روز بر سر پاید که از چوب انار بوده باشد بیاویزد
ودر زیر آن بمشک وزعفران بخور کند وبا خود دارد بزرگی ومنصب وحرمت
یابد ومال وعزتش او زیاد گردد ودر بزرگی مشهور گردد وهر روز باید که
پیش از صبح بخواند تا آنکه هر روز ترقی او زیاده گردد وعمر برابرش فزون تر گردد
ودر هر روز یکبار خواندن را ترک کند مرتبه اش در همان مقامیکه رسیده باشد بماند
وترقی زیادتر نکند کلمه چهارم در برج سرطان نوشته شده است وخواص آن
اسم اینست که اگر کسی را کار فرو بسته باشد که هیچ کار خود نتواند برود وهیچ
کاری از دست او بر نیاید این اسم را بر بیست ویک برگ بید بنویسد وبر کنار
آب روان رود ودر آب اندازد وبگوید رب انی مسنی الضر وانت ارحم
الراحمین همان روز کار او بکشاید ورونق در کار او پیدا شود واگر کسی را جادو

کرده

کرده باشند این اسم را بنویسد با معوذتین بر طشتی وبا گلاب بشوید بعد از آن
قدری از آن بخورد وقدری دیگر که بماند روی خود را بشوید آن سحر وجادو باطل
گردد واگر آن آب را در مسجد جامع بیفشاند وقدری کندر وفرفیون بخور کند
هرگز سحر وجادو بر وی کار نکند واگر کسی کم فهم بود بر کاسه چینی بنویسد در ساعت
عطارد بمشک وزعفران وگلاب وعسل بعد از آن بشوید وبخورد تیز فهم
شود چنانچه هر چه بشنود یاد گیرد وهرگز فراموش نکند وانچه را فراموش
کرده باشد همگی بیادش آید وحافظه اش زیاد شود کلمه پنجم در برج اسد
اسد نوشته است وخواص این انست که اگر کسی خواهد که در چشم پادشاهان
عزیز ومکرم باشد تا مدت چهل روز هر روز هفت بار این اسم را بخواند وبر
خود دمد در چشم بزرگان عزیز شود واگر بر پوست آهو یا کرباس بنویسد
وبا خود دارد در چشم سلاطین واکابر مکرم گردد واگر بنویسد وبا خود دارد
هم چنانکه در روز می بیند در شب هم ببیند کلمه ششم در برج سنبله
نوشته است وخواص این اسم انست که هر گاه کسی جهت دفع زهر خواهد در شرف
عطارد بنویسد وبا خود دارد زهر بر وی کار نکند واگر کسی را زهر داده باشند
این اسم را نوشته در موم گیرد ودر آب کرفس اندازد وبخورد وی دهد نیکو
شود واگر کسی را دندان درد کند بنویسد ودر موم گیرد ودر زیر دندان
گذارد بهتر شود واگر کسی را بسته باشند این اسم را بر جام سفید نویسد باب

باران بشوید و قدری عسل داخل نموده بخورد بدهد گشاده گردد و اگر بجهت دفع زن
سلیطه خواهد این شربت بزن سلیطه بخوراند نیکو گردد و آرام شود کلمه هفتم
ببرج میزان نوشته است و خواص این اسم آنست که اگر بجهت عقد الرجال خواهد
این اسم ابو لبید بنام آنکه خواهد با مادرش و در کوزه نهد و سر او را بموم محکم
کند آنکس بسته گردد که قادر بر مباشرت و دخول نباشد و چون خواهد بگشاید
این اسم از کوزه بیرون آورد و بشوید و باب دهد گشاده گردد اما شرط این عمل آنست
که چهل روز روزه بگیرد و حیوانی نخورد و هر روزی ده هزار مرتبه این اسم بخواند
تا آنکه عمل او تاثیر نماید و اگر بجهت عقد عمل خواهد و خواهد که کار و شغل و عمل
کسی را ببندد بگیرد از موی او و هفت تار از جامه وی قدری و این اسم را بران
بنویسد و آن موها بران خرقه بپیچد و بیست و یکبار این اسم ابران بخواند آنگاه
آن خرقه را با قدری پیل و دوده گلخن در کوزه کند و در قبرستان کهنه دفن کند
و اگر بجهت آوارگی و سرگردانی کسی خواهد این اسم را در و لشکر آفتاب و ماه بدرجه
سرطان نزدیک شود بر پوست آهو بنویسد و با بریشم هفت رنگ بر بال کبوتر
صحرایی ببندد و رها کند آنکس از مقام آواره گردد و اگر بجهت حاجت خواهد
این اسم ابو لبید بر پرده روی کودک بمشک و زعفران و گلاب و درست کرده
همه ها و و دانی حاجت حاجتش روا گردد و اگر بجهت تفریق و جدائی خواهد
بنویسد بنام هر که خواهد و در قبرستان کهنه ودا دفن کند تفریق افتد و اگر ببرج

نوشته

نوشته و در قبرستان ترسایان دفن کند میان هر کس که خواهد جدائی افتد و اگر بنویسد
و در مقابل برکومت دفن کند بنام هر کس که خواهد در میان ایشان دشمنی
افتد کلمه هشتم در برج عقرب نوشته است و خواص این اسم آنست که اگر بجهت
فتح الرجال خواهد بر طبقی این اسم را بنویسد و بشوید و بدهد تا بخورد گشاده
گردد و اگر بجهت عقد الرجال خواهد در وقتیکه قمر در عقرب باشد بنام هر که
خواهد بیست و یکبار بر قفل مهر آنی خواند و قفل را ببندد و کلید شرا در زیر
دست و پای ستوران دفن کند آنکس بسته شود کلمه نهم ببرج قوس نوشته است
و خواص این اسم آنست که اگر بجهت اطلاع بر مخفیات بیاورد شیشه را و براب
کند و جامه پاکیزه بپوشد و خانه را نیکو پاک کند و چراغ پاکیزه حاضر کند
و شیشه را برابر چراغ پاکیزه بگذارد و پارچه پاکیزه بر روی آن چراغ تا
بیفکند و قدری کلاه مجمر بر روی سنارچه افشاند و دو کودک پاکیزه نابالغ
پاکیزه بیاورد و در نزدیک شیشه بنشاند و بگوید بان کودک که هر دو
در شیشه نگاه کنند و چون صورتی ببینند در آن شیشه خبر دهند آنگاه
عامل شروع در دعوت این اسم نماید و از خواندن فارغ نشود تا آنکه جماعت
ارواح حاضر شوند و تخت بیاورند و بگذارند و پادشاه که ملک الارواح است
بیاید و بر آن تخت بنشیند چون کودکها این صورتها را در شیشه ببینند
بگویند تا معلوم شود که ارواح آمده اند آنگاه عامل هر حاجتی و مطلبی که خواهد

از ایشان بپرسد و چون ایشان در جواب کویند عامل از سر قهر امر کند که مجموع
ارواح از مشرق تا مغرب همه جمع شوند انگاه ایشان را عقد کند و بکوید بستم
شما را تا من بکشایم نتوانید بروید و خطی کرد اکرد ایشان بکشد و کارد دسته
فولادی را در ان میان فرو برد و بوی خوش بخور کند و این ورد را بخواند
۲ ثبت الله لا اله الا هو خالق المطبقة والبحار العاصفة والجبال الراسية
والنجوم السارية والقمر المضیء والشمس المضیئة ورب الانبیاء والرسل ورب
جبرئیل ومیکائیل واسرافیل وعزرائیل ورب الدنیا والاخرة پس ایشان با عامل
عهد و بیعت کنند و هر چه پرسد جز دهند انگاه کارد را از زمین بکشد و ایشان را
مرخص کند و باز ورد مذکور را بخواند که ایشان بروند و باید که ورد مذکور را
در اخر هر عملی که میکند بخواند کلمه دهم بر برج جدی نوشته است و خواص این
اسم انست که هر کاه کسی را اولاد نشود این اسم را در روز پنجشنبه یا شب جمعه بنویسد
و زن با خود نکاه دارد و با شوهر جمع شود که البته ابستن شود و اکر بر درخت
بی بار بندد بار اورد و اکر بجهة اشکار کردن پنهانی خواهد بر تخم مرغ بنویسد
که اول بیضه باشد نهاده باشد با جوردکانی و با خود دارد هیچ چیز از نظر
او غایب و پنهان نباشد و هر چیز که از وی پوشیده و پنهان بود بر وی ظاهر
و اشکار کردد کلمه یازدهم بر برج دلو نوشته است و خواص این اسم انست که
هر کاه کسی بجهة عقد النظر خواهد این اسم را بر مشتی خاک خواند و بسوی دشمن ریزد

چشم

چشم اندشمن بر وی بسته کردد که او را نبینند و اکر بجهة تحبیب خواهد هفتاد
مرتبه این اسم را بر چیز خوردنی بخواند و بخورد مطلوب دهد هر دو زوجه و محبتش زیاد
کردد و اکر بجهة باز کشتن غایب خواهد این اسم را بر سفال اب نرسیده بنویسد
بنام انکه خواهد و در خانه تاریک دفن کند و سنک کرانی بر بالای ان کذارد
بر وی باز اید و هیچ طرف نتواند رفت کلمه دوازدهم بر برج حوت نوشته است
و خواص این اسم انست که هر کاه کسی بجهة محافظت خواهد این اسم را بر ورق اهو
بنویسد و با خود دارد اکر تمام روی زمین دشمن او شوند بر او ظفر نیابند و اکر
بجهة عقد الرجال خواهد این اسم را بر کوزه اب نرسیده بخواند و اب در ان کرده
در خانه هر که خواهد بیفشاند بسته کردد بدانکه خواص کلام الشیخ بسیار است
و مختصری از خواص ان ذکر کردیم تا انکه عامل را ملال نکیرد و باید که در تقوی
و پرهیزکاری و صداقت تقصیر نکند و در خواندن درست بخواند تا عجایب بیند
و دعای الشیخ اینست بسم الله الرحمن الرحیم حمل اللهم یا شیخ ذا الاهاموا — کلمه ۲ برج حمل
شبطشون الذی له الاسماء الحسنی والصفات العلیا والضیاء والبهجة فی البهاء
ثور اللهم یا ذا بوق صلحونوا بموثون الذی هو المسبح بکل مکان ممدوح
و بکل لسان مذکور فی کل وقت و اوان جوزا اللهم یا ارعش ارهنشط نجا
بحلاحون الذی سبقنا ولبیه قبل کل قبل سرطان اللهم یا رهوث ارخا
ادحمز ارجمون الذی هو الرحمن الرحیم ملأ کل شیء عدله ورحمته اسد اللهم

یا حشوش مشورا رقیش دار علیون الذی هو له التسبیح والتقدیس والتمجید والتهلیل
والآیات سنبله اللهم یا اهیا شراهیا اذونی اصباوت اصباوت الذی هو
الحی القیوم وهو الحی الموتی الذی قامت السموات والارض بامره میزان اللهم
یا ذهیا وهلیق مبطرون الذی عنت الوجوه للحی القیوم عقرب اللهم یا نور
ارغش ارعیشش بغثون الذی بعزته وقهره وجبروته وستره وعلانیته قوس
اللهم یا ابصر السمیع اسماعا اسماعون الذی قهر العباد بالموت والفناء جدی
اللهم یا ملکوثوا املخا املحون الذی له القدرة والعزة والملک والملکوت
والعظمة والکبریاء دلو اللهم یا مشضح مشحینا فشلامون الذی اعطی کل شیء
بقدرته حوت اللهم یا علام ارعل ارعا ارعی یزنون انما امره اذا اراد شیئا
ان یقول له کن فیکون فسبحان الذی بیده ملکوت کل شیء والیه ترجعون

فصل پنجم در بیان خواص دعای قرنیا بدانکه این دعا را بیست هزار خواص است
اما بر سبیل اجمال بیست خواص او را ذکر میکنیم و از هر یکی بیان مینمائیم تا طالبان
بهره مند کردند ۱ اگر کسی خواهد که خلق ازوی هراسان و ترسان باشند
و در میان مردم با هیبت و عظمت باشد و با دولت و نعمت باشد این دعا را
بر پوست شیر با کرک نویسد و بر بازوی راست بندد در میان مردم با هیبت و عظمت
باشد ۲ اگر کسی این دعا را بر کلاه بخواند و بر سر خود را از ان شوید هر
او را ببیند مطیع و فرمانبردار او شود ۳ اگر کسی این دعا را بر کاغذ نویسد و در

موم

موم کیرد و در میان زبان کذارد یا انکه در جای محکم مصنوطی بندد و با خود دارد
چون بنزدیک پادشاه رود اگر صد خون کرده باشد ازاو درگذرد ۴
اگر کسی خواهد که در میان مردم عزیز و محترم کردد این دعا را بنویسد و با خود
دارد و روزی یکمرتبه بخواند و بر خود دمد چنان شود که خواهد ۵ اگر
کسی خواهد که دشمنی را رنجور کند که از رنج بیماری خلاص نیابد بقبرستان
رود و در میان دو قبر کهنه بنشیند و این دعا را دوم مرتبه بر نیت رنجوری دشمن بخواند
البته ان دشمن رنجور کردد ۶ اگر شهر را محاصره کرده باشند و گرد برگرد شهر را
لشکر گرفته باشد این دعا را نود و نه مرتبه بخواند و بروایتی هفتاد مرتبه بخواند
و بر ان لشکر دمد و چهل و یکمرتبه بر اسفند خواند و دود کند ان لشکر در حال
هزیمت افتند ۷ اگر در جنگ گاه لشکری بعد در بیابان جمع شده باشند
و خواهی که شکست بر ایشان افتد و هزیمت روند یک مشت خاک از زیر سم
اسبان ایشان برگیر و هفتاد مرتبه این دعا بر ان بخوان و بجانب ان لشکر بپاش
در حال منهزم کردند ۸ اگر کسی خواهد که یکی را در عشق خود بیقرار کرداند
این دعا را بر نیت او بر مقل ازرق خواند و از ان دود کند که مطلب حاصل است
و هرگاه که بمشک و زعفران بخواند و دود کند که مراد حاصل است ۹
اگر کسی خواهد که در سفر از بسیاری پیاده رفتن خسته نشود این دعا را بمشک
و زعفران بر حریر نویسد و بر اندام خود حمایل نکاه کند از پیاده رفتن مانده

نشود ١٠ اگر کسی در میان لشکری یا در دست ظالمی گرفتار باشد و چاره خلاص شدن نداشته
باشد این دعا را هفت مرتبه بخواند و بر پیش خود دمد و هفت مرتبه بخواند و بر پشت سر
خود دمد و هفت مرتبه بخواند و بر اطراف و گرداگرد خود دمد چشم همه خلایق بر او بسته
گردد و او را نبینند و نجات یابد ١١ اگر کسی خواهد که روزگار بکام او گردد
و دولت و اقبال همعنان او گردد این دعا را در مدت یکهفته هر روز دوازده مرتبه بخواند
چون چهل روز از این مدت بگذرد بمراد خود برسد ١٢ اگر کسی خواهد که در
بیابانها و کوهها از شر جانوران درنده و گزنده و دیوان و جنیان در امان باشد
قدری از آب جاری در ظرفی کند و این دعا را بر آن آب بخواند و از صبح ناشتا بخورد
از شر ایشان محفوظ گردد اما باید که با طهارت بوده باشد و الا اذیت باو خواهد
رسید ١٣ اگر کسی خواهد که در پی حاجتی و مهمی رود و مدعاش میسر گردد
این دعا را هفت مرتبه بخواند و بر دست خود دمد و بر روی خود مالد مدعاش حاصل
گردد ١٤ اگر کسی خواهد که قلب معظم خود را تسخیر کند چنانکه بی او لحظه قرار
نگیرد طالع خود را با طالع او ملاحظه کند چون موافق افتد این دعا را بمشک و زعفران
بر کاغذ سفید بنویسد بطالع سعد بنام معظم و بر بازوی خود ببندد و یا آنکه
بر درخت بلند ببندد معظم مسخر او گردد ١٥ اگر کسی را کار بسته و پریشان
باشد و در آن کار عاجز و متحیر مانده باشد تا مدت چهل روز هر روز هفت
مسجد رود و در هر مسجد قدری اسفند دود کند و با وضو رو بقبله نشسته

بکار

یکبار این دعا را بخواند و دست بدعا بردارد بگوید الهی بحرمت این نامها برکت کار بسته
مرا بگشای و فلان مطلب مرا بر آورده گردان مرادش حاصل گردد ١٦ اگر کسی
قرض دار باشد و از ادای آن عاجز باشد باید که شب جمعه غسل کند و چهار رکعت
نماز بگذارد و در هر رکعتی بعد از حمد چهار مرتبه بگوید یا غیاث المستغیثین و
بعد از سلام رو بقبله با تضرع چهل و یکبار این دعا را بخواند و مطلب را عرض نماید
بعد از آن این دعا را بمشک و زعفران بر کاغذ نویسد و بر لب آب روان بایستد
و بگوید الهی قرض مرا از خزانه خود عطا فرما فی اسرع الوقت یا ارحم الراحمین و چون
این کلمات را بگوید آن کاغذ را در آب روان اندازد چون یکهفته بگذرد قرض او
ادا شود ١٧ اگر در میان زن و شوهر ناسازگاری باشد این دعا را بر چهل و یک دانه
فلفل سفید بخواند و در آتش اندازد در میان ایشان محبت شدید پیدا گردد ١٨
اگر کسی خواهد که خواب بکسی ببندد این دعا را بر چند دانه فلفل بخواند و در زیر
سر آنکس گذارد خوابش بسته گردد ١٩ اگر کسی را سحر و جادو کرده باشند
این دعا را بر آب بخواند و از آب بر سر کند باطل گردد ٢٠ اگر کسی در کار خود
فرو مانده و حیران باشد یا بدردی گرفتار باشد این دعا را هر روز بعد از نماز
بامداد بخواند و بر کف دست خود دمد و بر صورت خود کشد و بر آن موضع
درد کشد باندک زمانی مرادش حاصل گردد انشاء الله و دعا فرشتها اینست
بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله ما شاء الله کان و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم

یا ندیم یا خفی یا وفی یا قائم یا دائم یا احد یا صمد یا فرد یا وتر یا حی یا قیوم

برحمتك استغیث قرثنا وجلا وملا نثو یا شهو یا شموثلثا ازرطا غیطیا

طوطیا اهیا اهیل مد مهیل هرحل اهرائیل روامن ایل علی جبائیل برقا

منك بكائیل فرهبائیل بمن رزرعائیل طورائیل شفاثائیل قطفائیل قنهرائیل

برکطائیل طورطائیل سفرسرائیل اه واه وویه نمشی سیلهرثو وائیل منظنائیل

منظو یط مشغوذه برغن نفرغن مانیش اواه اره ودابه برپائیل کوشائیل

الکیهما هیا اهیا اهیل مرزائیل مرزوبائیل ارطوشا اورفون شرزائیل

شمخائیل سلحوثائیل ملحوثائیل رزهوطائیل مفطرسه مفرطرسه بروقی

برمتی ازرهیاه اوکذی رزماهیل هرة طائیل الهاهی فلشل مکرو یه شکریا

شاه طرسه اهلی یاشمهلیل اشمخ یا اهیا اهیل انخ طشون ارجون ابرجون قدلش

الا الی الله تصیر الامور حضر والیاس ایاس وصلی الله علی محمد واله خاتم قرثنا

اللهم یا بکهیکبج کهیج شمکهیج بعشطی حلبلج جسیل مهجما هشلخ ودو یره ودو

ههفیاج فبعزتك وقدرتك الا ما اخذت سمعه وبصره ولا حول ولا قوة

الا بالله العلی العظیم سعکیهما مهطمحصباك لا اله الا الله محمد رسول الله

سلیمان خلیفة الله الفسططبائیل نموشجهبائیل شموبجهبال عهبال البحی

انه من سلیمان وانه بسم الله الرحمن الرحیم الا تعلوا علی واتونی مسلمین تو عدکر

چنین گوید مولف که در نسخه دیگر این دعا را بان جزائش بدین عبارت دیدم

وشرح

وشرح این بان نفاوتی نداشت ولیکن عبارتش بان مختلف بود وان اینست

بسم الله الرحمن الرحیم بشم ایل واحوم وحتون قرثنا وجلا وملا دثونا

بسم الله الرحمن الرحیم صدق الله عظم الرهوالیه یا عظیم

دثونثا شهو یا ثلثا شموثلثا ازرطیا عنطیا طوطنیا اهیا شراهیا قدمهیا

قدیم عظم سمیع علیم یا کاشف الغطایا

ملدهیا هدجهیا هیل هرجائیل مطوائیل ملرائیل اطوائیل منطائیل

مجیطائیل حزرائیل ووامنائیل علاجائیل برقائیل بکائیل فرهبائیل

اشروفیا اشرونذا ذومنائیل سیخائیل هرجا اهرائیل اهربائیل اعلائیل

اکرائیل اکمائیل طرشوسائیل ورخوثائیل رزرقائیل خموزرعائیل قدقائیل

نفقائیل مهرائیل سرکثائیل طرطائیل ترثائیل بردائیل سفرسرهائیل

سفرسرهائیل اه اوه ابه نمشو اسیلوا مد قائیل محروائیل هجروائیل

منطا وبل منطوطائیل منطوطه مشعوذه محدوده برعن نفرغن ماللیس

ابرلیس ارنابیس ادوه اوره ورابه صل طائیل مرطائیل کوزنائیل اکتهائیل

صورزوائیل شمخائیل دردائیل جمهائیل حمائیل جهائیل بطمیطائیل

شمطائیل زوهائیل ازوما بروما برمثا منطرسه مفطرسه ارزمائیل

انکدسه انکدسه رمائیل ومائیل الهاهی اهاهی بکثنا مثلیثا مکوبه بکوبه

شمهط جبیثا شمهط ثیا بحق توریة موسی وانجیل عیسی وزبور داود وصحف

ابرهیم وفرقان محمد صلی الله علیه واله وبحق خاتم سلیمان بن داود وبحق خاتم

محمد مصطفی صم واحفظ مالی واهلی وولدی واقض حوایجی بحق هذه الاسماء

السفرة البررة البركة وكرام الكاتبين المقربين برحمتك يا ارحم الراحمين

فصل ششم

در بیان خواص دعوت دعای نجشتا بدانکه این دعا عظیم و بزرکست و چون بصدق و یقین
بخوانند جمیع مهمات او کفایت شود زینهار که باین دعا کستاخی و بیحرمتی نکنند و بی طهارت
نخوانند و این دعا را چندین هزار خواص است و چون خواهند که قدر و عظمت و جلالت
این دعا را تجربه نمایند اول باید که بیست روز روزه بکیرند و خود را از شهوات
نفسانی نکاه دارند و تن و جامه و مکان را پاکیزه نمایند و از محرمات احتراز نمایند
و خانه را خلوت کنند و هر شب در انخانه بوی خوش بسوزانند و این نامها را بر بیست
پاره نان خشک نویسند و هر شب نخست افطار بیکپاره نان نمایند انکاه هر طعامی
که خواهند بخورند چون بیست روز تمام شود این دعا را در پیش خود نهند
و چهار رکعت نماز بکذارند هر سوره که خواهند و بعد از نماز چهل و یکبار این دعا را
بخوانند و صد مرتبه صلوات فرستند انکاه بسجده روند با تضرع و زاری حاجت بخواهند
روا کردد و اکر این دعا را بر مصروع خوانند و تعویذ کنند شفا یابد و اکر کسی را
دیو و پری برنجانند بکیرد پارهٔ خمیر و صورت ادم بسازد و این نامها را بر وی
بخواند و بکوید ای دیو و پری بحق این نامها که از تن این شخص بیرون روید و در
اندرون این صورت در اید در حال بیرون روند و در اندرون ان صورت داخل شوند
فی الحال ان صورت بحرکت اید در حال ان صورت را از ان شخص جدا باید کرد و اکر
این نامها را بر پارهٔ از کهنه بنویسند و در پیش خود شیشه بنهند و بکویند که بحق

این نامها که در این شیشه روید فی الحال در ان شیشه روند انکاه سر شیشه را بدان
کهنه که نامها بر وی نوشته است محکم بربندد و شیشه را در زمین دفن کنند
تا انکه صدای کریه و زاری از ان شیشه بشنود که توبه کنند که دیکر ان شخص را
نرنجانند و اکر کسی خواهد که کم شده را پیدا کند بیاورد قدح شاهی را و تا نصفه
از اب کند و دو کودک نابالغ را بکوید که در ان اب نظر کنند و بعضی هفت
کودک کفته اند و هفت بار این نامها را بخوانند و بر ان اب دمد در ساعت در نظر درا
بنماید و مال را نشان دهند و اکر این نامها را بر کاغذ شکری رنک بنویسد
و در زیر زبان یا با خود دارد چون در مقابل دشمن رود بکوید بار الها بحق
این نامها که در این دشمن ظفر ده حق تعالی او را بر ان دشمن ظفر دهد بدانکه
این نامها را حضرت رسول صلعم از توریة و انجیل و زبور برکزیده و اختیار فرموده
و این نامها از نام بزرک حق تعالی است راوی کوید که از عبد الله بن هلال سؤال
نمودم که این همه ظهور عجایب و کشف کرامات را بچه واسطه مینماید در جواب چنین
کفت که از دعوت نامهای دعای نجشتا و اکر این نامهای نجشتا را بر برک درخت
کردکان یا برک هر درختی که باشد بنویسند چون برکهای ان درخت فرو ریزد
نکرد در ان برکها که کدامین سبز است ان بردارد و با خود نکاه دارد هر جا که
رود هیچکس او را نه بیند و از دیوان و پریان نترسد و نکین خاتم حضرت
سلیمان با این نامها منقش بود و اکر این نامها را بر پوست اهو نویسند و با خود

دارند هر حاجتی که از حوائج دنیا و آخرت داشته باشند روا گردد و دعا اینست
بسم الله الرحمن الرحیم یا ثمجثیا الذی لا تأخذه سنة ولا نوم توبه حضرت آدم
علیه السلام از این نام قبول شد یا شطبثیا الذی بسط الرحمة علی خلقه این نام بر پر
جبرئیل نوشته است یا ملیطثهیا الذی اذا اراد شیئا ان یقول له کن فیکون
این نام بر پیشانی میکائیل نوشته است یا شلیخوثا الذی رفع السموات بغیر عمد
این نام بر صور اسرافیل نوشته است یا رهوطثف الذی لا شیء ارفع منه این
نام بر کف عزرائیل نوشته است یا کروججطب الذی ینجی العباد من الضیق این نام بر ساق
عرش نوشته است یا بحرشی الذی یحیی و یمیت هفت آسمان و هفت زمین از برکت
این نام برپاست یا طفعاثف الذی یرزق الاطفال الصغار یا شطنخ النور الذی
لا تخفی علیه شیء ما فی المشرق والمغرب این دو نام بر در جهنم نوشته است یا طموغنج
یا شمعلونا یا سطخ یا معبد نوثیا یا ماکح یا ملاح یا بالغ الاوتاد فی بطون
امهاتهم حضرت موسی این نامها را بخواند از شر عوج نجات یافت یا هو یا من هو
یا من لا اله الا هو این نامها را حضرت رسول صلعم بخواند و بر حضرت امیر المؤمنین
دمید و او را بحرب کفار فرستاد یا شمعثا الذی تقلب الشمس من المشرق الی
المغرب این نام را حضرت رسول صلی الله علیه و آله بر مشغاک بخواند و بروی
کفار پاشید ببرکت این نام همه کور شدند یا من الذی خلق السموات یا من الذی
یفنی الملوک و یبقی هو یا من هو یا من لا اله الا هو یا من هو الاول و الآخر والظاهر

والباطن

والباطن یا خالق یا حی یا قیوم یا شطیع یا ببشطیعوا الذی انزل التوریة علی موسی
هر که این نامها را با خود دارد از همه آفتهای دو جهان ایمن گردد یا مصیمص یا
طمفهما یلیخ الذی یعفو و یغفر الخاطئین این نام را حضرت نوح بخواند و از غرق
ایمن شد یا مثو متکیفا یا یبقی یا الله یا ادونی اصبائوت حضرت یوسف از این
نام بسلطنت رسید یا طمهمرج الذی ینجی العباد من الضیق یا ملهنیج الذی
خلق الظل والعین یا غیاث من لا غیاث له الا شدای یا من لا شیء مثله یا ایلی
یا احد یا الله یا حی یا قیوم یا دائم یا ابد یا طموتث یا طموتث حضرت عیسی
این نام را بخواندی و بر مرده دمیدی ببرکت این نامها مرده زنده شدی و نیز در مکی
یا طوطیا یا المزل یقینا الذی رد علی سلیمان ملکه یا کر جطیف الذی تطلع
علی کروشا و یحملوهم ملائکة یا جمهتی الذی یحیی و یمیت و یرسل الغیث
حلیم الرئث یا طفطائف الذی یربی الاطفال الصغار فی الجنة یا شطیع النور
الذی یری من المشرق الی المغرب یا سمها لیخ الذی حفظ موسی فی البحر نجنی اقض
حاجاتی کذا و کذا بحق محمد و آله تسلیما کثیرا کثیرا فصل هفتم در بیان دعوت
حصول حکمت چنین گوید عبد الله خراسانی که این نسخه را اسمعیل تستری و باین
قاعده چهل و دو روز در جای خالی بنشین و هیچکس را نزد خود راه مده و هر روز
پیش از ظهر غسل کن و ابتدا علم اسبانه بخوان و نفث و سندروس بخور کن و
هر روز دو قرص نان جوین بخور که بدست خود پخته باشی و معاونت از کس نطلبی

وحوانی نخورد و خواب عمدا نکند که در هفته اول چراغی پدید اید و باز نشیند
و هفته دوم گفتگوی باشد و هفته سیم و چهارم مال و نعمت بسیاری بیاورند
و در برابر تو جمع کنند و گویند که بگیر و دست از حکمت بدار اگر قبول کنی خسر
الدنیا والاخرة کردی و اگر قبول نکنی حق تعالی حکمت بتو عطا فرماید و در هفته پنجم
جماعتی نیز در تو ایند بنا باید ترسید و بذکر دعوت مشغول باش و در هفته ششم
جمعی خوشرو و خوش گفتار پیدا شوند و سلام کنند و دلداری دهند و گویند
مترس که ما دوست توییم و شرابی پیش تو نهند سفید تر از شیر و شیرین تر از انگبین
و شیرین تر از انگبین چون از ان شراب بخوری چشمه حکمت و معرفت از دلش پدید
اید و علمهای ناخوانده بیاموزد و حافظات زیاد گردد که در مدت یکماه قران را
حفظ نماید و دعای دعوت حصول حکمت اینست بسم الله الرحمن الرحیم یا من
هو فوق کل شیء یا من هو تحت کل شیء یا من لیس له اول یا من هو اخر کل شیء
فلیس له اخر یا من هو احد لا واحد غیرک کل واحد له شبیه و لیس لک شبیه
یا من هو ال شدای الم حمعسق کهیعص رب یا رب ربنا یا جلیل الاجل یا صمد
انت الذی خلقت الابد و کل شیء نفی و انت الباقی انما یکفیک من المشتد
ان شاء فیکون امرک عزم و قضاوک حتم و وعدک صدق و فعلک عدل
و انت الاول و الدائم یا من محفوظ بالاخلاص یا ذا المعارج یا لا اله الا انت
تبارکت و تعالیت عما یقول الظالمون علوا کبیرا فصل هشتم در بیان دعوت

شاه

شاه فتوح بدانکه شاه فتوح ملک پریان و مسلمانست و لباس سفید و پیوسته حربه بدست
در دست گیرد و برادری دارد و لقبش نام و جامه وصلاح او همیشه سرخ است و همیشه
خرم و خندانست و هرچه خواهد کند اما عزایم خوان را نترساند و بنوازد و لطایف
و ظرایف بخشد و دایم پیش او اید و یاری دهد و لهو و لعب و طرب را دوست دارد
و هنرمند بود و هفت زرع قامت اوست و بر شتری مانند شیر سوار باشد هر که
خواهد که عزیمت او کند باید که یکماه حیوانی نخورد و بعد سه روز روزه بدارد و منزلی
بکشد و روبقبله بنشیند و در جایی بنشیند که اواز ادمی نشنود و کاردی در دست
گیرد و منزل را بکشد باین طریق که عمود شد و در میان منزل نشیند و هر شبانه روز
عزیمت که ذکر میشود بخواند و وقت شام افطار کند و تجدید وضو نموده نماز را
بگذارد و باز شروع در خواندن عزیمت کند که روز ستم شاه فتوح



بدعوت او اید و یاری موافق گردد و در این سه روز
عنبر و حب الصنوبر و حب اللبان و لادن بخور کند که مطلب حاصل است و عزیمت اینست
بسم الله الرحمن الرحیم قد اعرضت علیکم بالورد و الرؤیا یا فتوح الملک و یا دهش
الدناهش فزد بکلام المیمون الحبشی و میمون بن میمون میمون النوبی و صاحب اعوان
الهند هیملونی بهوکی بیلا بیلا کی کورکانی و اقسمت بکلام عبد الرحمن نجا و در
کعبه المبارک اجیبونی و کنت عوانی ما استعین بک علیه بقدرة الجبار الذی
رفع السماء بغیر عمد و بسط الجبال بغیر سند و بحق شمطر اس شمطر یانه کبد هوش

کبلسا الجیبونی یا فتوح الملک العجل العجل العجل بحق هذه الکلام **فصل هشتم** در بیان
دعوت سلیمان بن عبد الرحمن بدانکه سلیمان مردی بود باکرم و صاحب دعوت راز
واجابت کننده است و در دعوت وطهارت وترک حیوانی شرط است و بخور لازم است
کرکند و حب الفار وقسط بخور شود و در هر روز که خواهی دعوت او کنی در حمام رون
خود را طاهر نموده و ترک اکل حیوانی کرده و بخور بسوزانیده و بعد از فرض صبح مشغول
بخواندن دعوت شو که در حمام نشانند و از سوره یس در دست گرفته حاضر شود و
هر چه خواهی بدهد و هر چه گوئی اجابت نماید و برود و باید که منده بکشی و رو بقبله
نشسته باشرایط مذکوره مشغول شوی و عزیمه اینست اللهم بکهکهیج مکهیج بعشطی
بکیهیج حلکحسککد هبلج بعظمتها بحق انه من سلیمان و انه بسم الله الرحمن الرحیم الا تعلوا
علی واتونی مسلمین **فصل دهم** در بیان دعوت میمون زنگی و مسخر نمودن او و این
عزیمه بغایت سریع الاثر است اگر خواهی که کسی را از عشق خود بیقرار گردانی این عزیمه را
نوشته بر باد بیاویز باسم مطلوب که مطلب حاصل است و مسخر نمودن میمون زنگی موقوف است
باذن استاد و قواعد مسخر نمودن نزد استاد است اندک اشاره شد و عزیمه
عزمت علیکم یا میمون زنگی کرے کرے حری حری زنکی زنکی زنکی
زنکینا زنکینا اوکاا وکاا وکاکا بینا کا بینا سکبلینا شکیلینا
شکیلینا کاعدکا کاعدکا تحرکا تحرکا اوحرکا اوحرکا
ثلاش ثلاش ثلاش طلاث طلاث عبس عبس هیج هیج هیج

برواس

برواس برواس مندوس مندوس مندوس سکامندوس سکامندوس سکا
سرهیوش سرهیوش سرهیوسا سرهیوسا اسرا اسرا اسرا کهیلهیوس
کهیلهیوس کهیلهیوس مهروس مهروس کرهوش کرهوش کرهوش
اجیبت اجیبت کبرت کبرت کبرت فرنقری فرنقری فرنقری وتلیا
وتلیا وتلیا وتشفیط هطشا وتشفیط هطشا وتشفیط هطشا طغاطشا
طغاطشا طغاطشا وسکطنا وسکطنا وسکطنا کطمهیا کطمهیا کطمهیا طططری
طططری طططری مهاکال زنکینا مهاکال زنکینا مهاکال زنکینا اجب اجب اجب
یا میمون زنکی اجابة اجابة اجابة الوحا الوحا العجل العجل العجل الساعة الساعة
الساعة النار النار النار الحریق الحریق الحریق ادخلوها الارواح وبحق الخاتم میمون
زنکی اظهروا صورکم و منکم علی نقده الصبیان فی هذه الطلا منه کلام صلد
شفشح شفوفح درهوفوش درهوفوش امین امین امین اجیبوا بحق سلیمان
بن داود الوحا ۳ العجل ۳ الساعة ۳ **فصل یازدهم** در بیان دیدن ارواح
پریان وجنیان بر سبیل اجمال و آن مشتمل بر سه قاعده است قاعده ۱ در بیان دیدن
ارواح چون کسی خواهد که جماعت ارواح را ببیند در شب پنجشنبه که قمر زاید النور
باشد هجده حرف بمشک و زعفران بنویسد بر حریر و بیحده در موم بگیرد
و در دهن در دندان نگاه دارد البته جمیع ارواح را ببیند و در وقت نوشتن بگوید یا بارئ
یا زنکی قاعده ۲ در بیان حاضر ساختن پریان و دیدن ایشان اگر خواهی که لشکر پریان را

حاضر کنی وایشان را رویت نمائی یا با ایشان سؤال وجواب کنی بیاور جعل را ودهان او را با ابریشم
سفید بدوز ودر پیش او کندر بخور کن واین دو اسم که ذکر میشود سه هزار ویکصد و
یکبار بخوان که لشکر پریان حاضر شوند وهرچه خواهی بیاورند وهرچه کوئی بشنوند
واطاعت کنند وانهر کجا که خواهی خبر دهند وهر علمی که خواهی بتو تعلیم دهند وان
دو اسم یاهلعیطوناش یاعطلموس قاعدهٔ ۳ در بیان دیدن لشکر جنیان
چون کسی خواهد که لشکر جنیان را ببیند وبا ایشان سخن کوید باید که در شب چهارشنبه
یا شب یکشنبه این کلمات را بر کف دست خود بنویسد ودران شب بیدار بنشیند که
جنیان را ببیند وبعضی گفته اند که اگر در هر شب که باشد این عمل را بکند جنیان را
خواهد دید وکلمات شمعون هوم وسروم فی الاخضاب ۵
در بیان قواعد علومات ریاضی اسرار وان مشتمل بر دو فصل است در بیان
قواعد عمل سیمیا وان مشتمل است بر سه انواع نوع چون کسی خواهد که مشغول
عمل سیمیا کردد بیاورد دو صفدع یکی نر ویکی ماده وچوبی که از کز بود باشد
که در صحرای لب آب رسته باشد از ان چوب سیخی بتراشد وبکنار جوی برود وبنکرد
که کی دو صفدع باهم جمع شده اند آهسته ان سیخ کز را از هر دو بکذراند تا انکه
سیخ بزمین رسد پس در فم وی درهم نهد وبا ابریشم سبز بدوزد وبعد از ان
سیخ را بر کند وهر یکی را در کوزهٔ نوی کند وبرسر چهار راهی که در میان ان جوی
آب روان باشد هر کوزه را در یکطرف جوی آب دفن کند وانقدر بکند که هم آن کوزه‌ها

بکذرنع

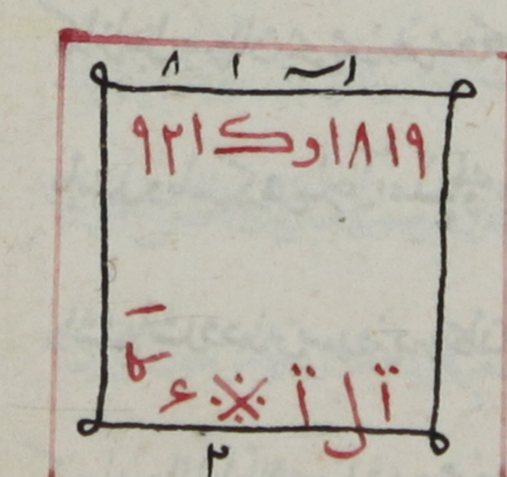
بکذریع باشد وچون سه روز بکذرد بعد از سه شبانروز کوزه‌ها را بیرون کند که هر دو در
یک کوزه جمع شده باشد وقبل از دفن نمودن باید که کوزهٔ نر را که کذاشته است با کوزهٔ
که ماده را کذاشته است نشان نماید که در وقت بیرون آوردن معلوم باشد که ماده
کدام است ونر کدام است انکاه در جایی که در دهن ماده کذاشته است نکاه دارد ودرهم
نر را خرج کند که بزودی باز آید وبماده ملحق کردد اما شرایط این عمل انست که در این
سه روز از محافظت ان کوزه‌ها غافل نشود ودر شبها کسانیکه بصور مختلفه بیایند
واو را خواهند بترسانند باید که مطلقا نترسد ودل را قوی ومحکم دارد وغفلت نجوید
راه ندهد وبدعوت اسماء روحانیات عطارد مشغول کردد دعوت عطارد
ایها السید الفاضل الصادق العاقل الناطق الفهیم الناظر العالم الکاتب المحاسب
الشاعر جابر السموات والارض الخلیل الفرح المفسد الحال فی التجارة صاحب الخبث
والمکر المساعد الظنون الصادقة اللطیف الکبیر الحقیق فلا یعرف لک طبع فلم توجد
بوصف وانت مع السعود سعد ومع النحوس نحس ومع الذکور مذکر ومع الاناث
مؤنث ومع النهار نهاری ومع اللیل لیلی تمازجهم فی طبایعهم وتشاکلهم
فی تشاکلهم کل ذلک انت اسئلک ان تفعل لی مرادی ومقصودی
اللهم سندلویش بیماش مبد ولاش نفاش بطباش صعوش صعوش هارش
طهارش شعاب شعاب هیلوب هیلیا وباطوب طاظهیا طرش طرشیا
طرطوش عامرش تعالیت بالفضل والعطا اجب یا میکاییل انت واعوانک بحق العیاث

وملک برقان بحق هذه الاسماء العظام عجلوا واسرعوا بقضاء جمیع حوائجی بارک الله فیکم
وعلیکم نوع ۲ آنست که در سه شب هر شبی دو رکعت نماز بجا آورد در خانه که در وی هیچ
نداشته باشد و هر سه شب قبل از نماز غسل کند باب روان و نیت غسل چنین کند
که اغتسل غسل صلوة الغنی عن الخلق قربة الی الله و چون از غسل فارغ شود شروع در
نماز کند و باید که قبل از نماز تیر و کمان چوبی در سر جانماز خود حاضر سازد و در
هر رکعتی پانصد مرتبه حمد و یکمرتبه توحید بخواند که در یک شب در آن سه شب صورتی
بر مثال آدمی پیدا شود اما باید که عامل سبکدستی نموده نماز را زود تمام نماید و آن
صورت را به تیر بزند که بمجرد خوردن تیر آن صورت بیفتد و طلا شود چون هر عضوی
از اعضای آن صورت را ببرند و صرف نمایند باز همان بجای خود باز گردد و درست شود
و شرط این عمل آنست که هر عضوی که در اول جدا سازد همان عضو را در راه حق تعالی
بدرویشان و مستحقان نفقه نماید و بعد از آن بجهة خود صرف نماید که آن عضو بجای
خود درست شود و باید که بخلاف شرع صرف ننماید و اکثری از بزرگان تجربه کرده اند
نوع ۳ باید که سه روز روزه بگیرد و در هر روز سوره مبارکه والشمس را هزار مرتبه
بخواند و در روز سیم ظرف مسی را که تازه سفید کرده باشد در پیش خود گذارد
و یکعدد شاهی سفید را نشان کند و در میان ظرف اندازد و هزار مرتبه سوره
مذکوره را بخواند و بر آن ظرف دمد و باید که پارچه سفیدی در روی آن ظرف مس
کشیده باشد و در بین خواندن باید که در میان ظرف نگاه نکند و بعد از اتمام سوره

مذکوره

مذکوره سه مرتبه این دعا را بخواند بسم الله الرحمن الرحیم اللهم اجعل هذه الدراهم
القائم بحرمة هذه السورة و بحرمة هذه الدعاء و القرآن العظیم و بحق جملة الانبیاء و المرسلین
بعد از آن در ظرف نگاه کند و ببیند که یکعدد شاهی صد دینار یعنی هزار دینار شده
باشد و آن شاهی را که در ظرف نشان کرده بود در کیسه گذارد و باقی را برداشته
خرج نماید که هر چه از آن هزار دینار بردارد و خرج کند اصلا کم نشود و درست
در جای خود باشد و باید که این سر را پنهان دارد ۲ در بیان عمل قرطاس
و آن مشتمل بر پنج انواع است نوع آنست که در مدت یک اربعین ریاضت
میباید بود بنوعی که در خواطر او اصلا وسوسه شیطانی راه نیابد و خواطر خود را
از خیالات فاسد مبرا سازد و بعد از آن سه روز روزه بگیرد که ابتدای آن از روز
یکشنبه بوده باشد و در این سه روز قمر باید النور در برج سرطان باشد و در روز
سیم صوم در آخر شب افطار نماید بنان و مویز طایفی و باید که بجوزی ساخته باشد
که از اجزاء سرطان بحری ندهی و کلجه تربی و کلجه سبزی است و موم کافوری بود
باشد و باید که هر سه اجزاء متساوی باشد و ممزوج کرده حب ها سازد و آماده
داشته باشد و در این سه روز در مکان پاک با لباس طاهر ساکن باشد چنانچه اصلا
کسی را بر حال او اطلاعی نباشد و مجمره آتش در نزد خود حاضر ساخته و طلسمی که
نوشته میشود با وضو بر کف دست چپ خود بنویسد و در وقت افطار آن
نوشته کف دست را بزبان خود بلیسد چنانچه نوشته تمام محو شود بعد از آن افطار بنان

ومویز کند وباید که در هر سه شب چنین کند انگاه سیزده پرکاله از کاغذ سفید
بقدر شاهی ببرچند وبر هر پرکاله از کاغذ این حروفات را بنویسد اینست
ح و لا و س ه ب د و ه ث و ه اگر رجال الحواهد یک رجال حاضر کند ودراین
سه روز بعد از نماز فریضه بیست ویکمرتبه عظیمه که ذکر میشود بخواند وان جمیعها
که مذکور شد بجوز نماید هم در وقت دعوت عزیمه وهم در سایر اوقات وظرفی
از مس که سفید کرده باشد از اب صاف پر کرده حاضر نماید انگاه ان پرکالهائی که
از کاغذ چیده است در ظرف اب اندازد وفی الفور یک حب بجوز نماید وشروع
نماید در خواندن عزیمه بعد از ان اب طاس را بریزد که بامر الله تعالی سیزده عدد از ان
زری که اراده کرده است در تهٔ طاس اب بیابد وبمصرف مشروع خرج کند که
فاسد نمیشود وباید که قبل از شروع در عمل نذر کند که در غیر مشروع صرف نکند
وبعد از عمل نذر را بجا اورد که اصلا بفواحش صرف نشود وطلسمی که باید بر کف
دست چپ نوشت ونبسید

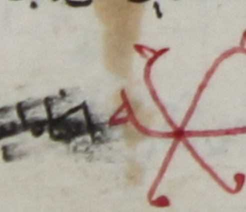


وعزیمه که باید بعد از هر فریضه خواند
یاهلت یاهلت لاهنت هوقادر قهاد
بموهل بموهل لیوم لیوم کلنم کلنم لسبیل
لسبیل اجب یاکسفائیل وتوکل یامیمون بقلب هولا الکاغذ فضة علی ضرب امیرنا
هذا من فضة فتر وها تقدیرا العجل العجل الساعة الساعة نوع ۲

الث که سه روز روزه دارد ودر خلوت نشیند وبا احدی تکلم نکند وبه ردائی خواهد
از رجال وشاهی وغیره از کاغذ دوزهم در کیسه سبزی کند ودر دست گیرد ودو رکعت
نماز گذارد وان کیسه را در زیر سجاده گذارد ویکمرتبه این عزیمه را بخواند اگر مطلب حاصل
شود فبها والا هفت مرتبه بخواند که مطلب حاصل است انشاء الله تعالی وعزیمه این است
عزمت علیکم یا معشر الجن والانس بحق صادقیش اردقیش هیطوهنطیوش ابرقیا ش
برقاش سجعوش بحق هذه العزیمة العلیا تبدل هذه الکاغذ فضة علی ضرب سکة هذا
امیرنا واذا شئنا بدلنا امثالهم تبدیلا بحق هذه الکلمات احضروا وافعلوا ما تؤمرون
اللهم تبدل هذه الکواغذ فضة علی سکة امیرنا وبمن فی الارض اربعین صباحا ومساء
یافتاح یارزاق نوع سیم ۳ الث که باید دو روز روزه دارد وان اکل حیوانی وجماع
پرهیز کند انگاه کاغذی مربع ببرد ودر او این اسما را بنویسد اینست یاهیوش یا
براخ براخ طاطلطا عضکم کاغذ ابدرا هم فضة بیضة خالصا وبعد از ان کاغذ

عکس
نعمه

دیگر بشکل مقصود بچیند وبر یک روی کاغذ این شکل را بنویسد

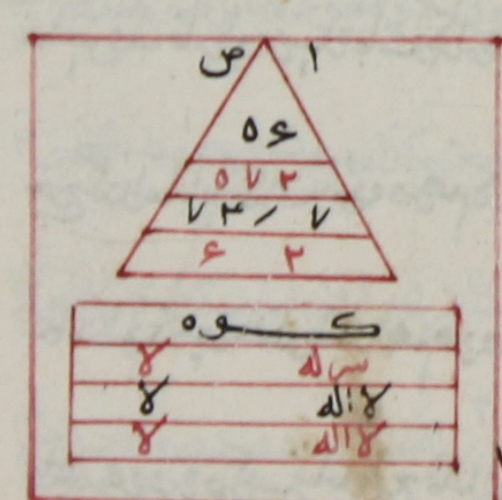


وبر روی دیگر ان این شکل را بنویسد اینکاغذها را در اندرون
انکاغذ مربع بپیچید واین طلسم را قبل از خواندن عزیمه در موم کرفته در زیر زبان
گذارد ح ف اف ح ا ا ع ی ف وشروع کند در خواندن عزیمه که مقصود او
حاصل شود   بسم الله الرحمن الرحیم هیل طهی اشماطون هیش یوفیش
هلهلیون ادکیا طیک طهروش ویاروش علفش علفشوم تلثا قوم علشانش

نوع ۳ آنست که هفت روز روزه دارد و ترک اکل حیوانی نموده در خلوت نشیند
و این دو اسم را هر قدر که تواند بخواند   و در روز هشتم نیز روزه
گیرد و هزار مرتبه دو اسم مذکور را بخواند بعد از آن این آیه را بخواند   وعنده
مفاتح الغیب لا یعلمها الا هو الی فی کتاب مبین که در آن وقت مرد نورانی حاضر شود و پنج
دانه قوی باو بدهد آنگاه اظهار اکر قدر در کیسه اندازد و نگهدارد هر وقت که خواهد
از کاغذ زر ببرد و در آن روز روزه بگیرد و بر هر پاره کاغذ یکمرتبه سوره مبارکه
قل اوحی را بخواند و در کیسه اندازد و در وقت خوابیدن در زیر سر گذارد و صبح
بردارد که همه زر گردیده باشد و بمصرف رساند نوع ۵ آنست که باید سه روز
روزه دارد و ابتدا از روز سه شنبه نماید و در این سه روز از خوردن حیوانی
و معاشرت با خلق پرهیز نماید و دایم بذکر یا حی یا قیوم مشغول باشد و در این
سه روز هر چه تواند از کاغذ فستقی رنگ ببرد و آن کاغذ را نیز صراشی ببرد
و بزعفران رنگ نماید و در یک دکان کاغذها بنویسد   و در روز
دیگران   آنگاه بر روی هم گذارده در زیر سجاده خود گذارده و در روز سیم
غسل نماید پیش از نماز صبح و بعد نماز صبح را بجا آورده بعد از نماز دویست و سی
مرتبه سوره قل اوحی را بخواند و شرایط این عمل آنست که پنج وقت نماز را بیک
وضو بجا آورد و در مکان خلوتی نشیند و دایم بجوع کند از اجزای خرچنگ که
نرم کوبیده باشد و چون سوره را تمام خوانده باشد دو رکعت نماز حاجت بجا آورد

وبعد ازان

وبعد ازان سلام دستهارا بلند کرده با اعتقاد کامل این دعا را بخواند **اینست** بسم الله
الرحمن الرحیم اللهم تقبل منی دعوتی فاعطنی حاجتی بحق الحق و بحق من قال لا اله
الا الله محمد رسول الله یا حنان یا منان انت الذی کل شی رحمته و علما انگاه دست
در زیر سجاده برده کاغذها را بردارد که همه زر و نقره شده باشد و بمصرف مشروع
صرف نماید و هر وقت که تمام شد عمل را از سر گیرد بطریق مذکور **فصل سیم** ۳ در بیان
اعمال تحصیل فضه و ذهب و آن مشتمل بر پنج انواع است **نوع اول** آنست که هفت
روز روزه دارد و از اکل حیوانی و معاشرت با مردم پرهیز نماید و هر روز هزار مرتبه
این دعا را بخواند **اینست** بسم الله الرحمن الرحیم یا فرد یا خبیر یا شهید یا زکی یا طاهر
یا ثابت یا جبار یا فعال یا خلاق و در روز هفتم این مهر که نموده شد نوشته
و در زیر سجاده خود گذارد و دو هزار
مرتبه بگوید یا فعال یا خلاق از قدرت
حق تعالی هر روزه مستمرا باو وجهی برسد
و در هر ماهی هفت عدد از آنچه باو رسیده است



بفقرا دهد و در هر ماهی صد سوره قران از هر سوره که خواهد بخواند و بروح شیخ
هدیه کند نوع دویم ۲ آنست که باید سه روز روزه بگیرد و افطار کند بغیر اکل حیوانی
و عزلت اختیار نموده در این سه روز هر روز چهار هزار مرتبه بگوید یا کافی یا غنی
یا فتاح یا رزاق و در شب چهارم چهل مثقال نقره در پیش روی خود در زیر سجاده

الفصل الثالث فی بیان تحصیل اعمال النقود

خود کذارد و بعد از آن هر یکمثقال از آن چهل مثقال نقره را بر دارد و بر هر یک صد مرتبه
این چهار اسم را که مذکور شد بخواند و چون بیکی آخر رسید قبل از خواندن همان یکی را
در موم بگیرد آنگاه هزار مرتبه این چهار اسم را بر آن بخواند و در کیسه کذارد و مابقی را بکرد
خرج نماید که از قدرت کامله الهی هر روز چهل مثقال نقره در آن کیسه بهم رسد و باید که
این سر را مخفی دارد نوع ۳ آنست که هفت روز روزه بگیرد و از اکل حیوانی پرهیز
نماید و در شب هشتم هزار مرتبه ایه وعنده مفاتح الغیب را الی فی کتاب مبین بخواند.
و بعد از آن هزار و چهل و چهار مرتبه بگوید و بروایتی دیگر هیجده مرتبه
وصد و پنجاه شش مرتبه بگوید که عدد این دو اسم بود باشد آنگاه پری
نورانی در نزد او حاضر شود و پانزده درهم باو بدهد بگیرد و در کیسه کند دست
حایض و جنب نماز باو نرسیده باشد کذارد و هر روز از آن کیسه پانزده درهم کرفته
خرج کند اما باید که آن پانزده درهم که اول در کیسه کذارده نشان کند و مضبوط
نگاه دارد که چون مخلوط بدراهم هر روزه شود فرق نتواند کرد که مبادا خرج شود
و آنچه هر روزه در کیسه باید خرج نماید از ممر حلال و باید که این سر را مخفی دارد
نوع ۴ آنست که این شکل مثلث دو پا که اسم در او درج شده است هیجده
هزار عدد بنویسد و بعد از آن یکی را در دست کرفته
در بازار برود شخصی پیدا شود و یک ریال بدهد و آن
شکل را بگیرد و هر چه از آن ریال خرج کند کم نشود

۵	۱۲	۱
۳	۶	۱۰
۱۱		۷

اما باید

اما باید که هر روز هیجده عدد از آن شکل بنویسد و از اکل حیوانی پرهیز نماید نوع ۵
آنست که هر کس این عبارت را در وقت خوابیدن بدون تکلم با غیر رو بقبله دویست پنجاه مرتبه
بخواند با وضو حق تعالی او را از غیب درهم چند عطا نماید که هرگز محتاج نشود
بسم الله الرحمن الرحیم الله کافی قصدت الکافی وجدت الکافی بکل کافی ولله الحمد
برحمتک یا ارحم الراحمین ۴ در بیان اعمال تحصیل ذهب و تسخیر کوه و آن
مشتمل بر دو نوعست نوع آنست که اگر کسی خواهد که هر روزه در زیر سجاده
او هفت اشرفی در زیر سجاده او بهم رسد باید که چهل روز در ریاض باشد و حیوانی نخورد
و هر روز هفتصد مرتبه این اسما را بخواند یا علی یا غنی یا ملی یا ذا الاحسان
احسن الی و هر صد مرتبه که اسما را خواند یکمرتبه این عزیمت را بخواند عزمت
علیکم یا معشر الجن اغیثونی واکسونی بحق دینکم و معبودکم بالدنانیر المقدوره و بعد
از آن سجاده را اندازد دو رکعت نماز حاجت بگذارد و تسبیح حضرت فاطمه را
بخواند آنگاه در زیر سجاده نظر کند هفت اشرفی بیابد اما باید که این سر را مخفی دارد
که اگر اظهار کند عملش باطل گردد نوع ۲ آنست که سه روز روزه بگیرد و از حیوانی
پرهیز کند و ابتدا از روز سه شنبه کند و بعد از نماز صبح صد مرتبه سوره مبارکه
الحمد را بخواند و شروع نماید در خواندن دعا طمطام تا وقت نماز مغرب آنگاه برخیزد
و نماز شام و خفتن را بجا آورد و افطار کند و باز صد مرتبه سوره الحمد را بخواند و
شروع در خواندن دعا نماید تا نصف شب هر گاه خواب بر وی غلبه کند هم چنانکه نشسته

ساعتی خواب کند انگاه برخیزد و تجدید وضو نموده باز صد مرتبه سورهٔ الحمد بخواند و شروع
در خواندن دعا نماید تا طلوع صبح انگاه برخیزد و نماز صبح را بجا اورد بهمین ترتیب تا
سه روز عمل نماید و بعد از نماز صبح روز چهارم بخلوتی رود و در و بقبلد بنشیند و
بخورات خوش در اتش کند و منتظر باشد که ناگاه بمثل افتاب چیزی روشنی بخلوت
در اید و از ان روشنی مرد خوش صورتی بدر اید و گوید که چه میخواهی صاحب دعوت
گوید که از تو اسم طلب میکنم ان مرد گوید که با من شرط کن که دروغ نگوئی و زنا نکنی
و شراب نخوری و سیر و پیاز نخوری و تراز و داری نکنی بعد از قبول شرطها ان مرد گوید
بصاحب دعوت که دیگر چه میخواهی صاحب دعوت گوید که مراد من انست که هر وقت ترا
دعوت کنم حاضر شوی او قبول کند و نشانی بصاحب دعوت دهد بمثل مروارید و یا قوت
و با صاحب دعوت عهد کند و غایب شود و مکرر بتجربه رسیده است و دعا
بسم الله الرحمن الرحیم رب ادخلنی فی لجة بحر احدیتك و طمطام یم وحدانیتك
و قونی بقوة سطوة سلطان فردانیتك حتی اخرج الی فضاء سعة رحمتك و فی
وجهی لمعات برق القرب من اثار حمایتك مهیبا بهیبتك عزیزا بعنایتك مجللا
مکرما معظما بتبجیلك و تکریمك بتعلیمك و تزکیتك و البسنی خلع العزة و القبول
و سهل لی مسالك الوسیلة و الوصول و توجنی بتاج الکرامة و السکینة و الوقار
و الف بینی و بین احبائك فی دار الدنیا و دار القیامة و القرار و ارزقنی من نور
اسمك العظیم هیبة و سطوة تنقاد لی القلوب و الارواح و تخضع لدی النفوس

والاشباح

والاشباح یا من ذلت له الرقاب الجبابرة و قلوب الفراعنة یا مالك الدنیا و الاخرة بتذکیر
و تقدیس و اتخذ الله ابرهیم خلیلا و کلم الله موسی تکلیما و کرم سیدنا محمد صلی الله
علیه و اله تکریما و سلم تسلیما کثیرا سلام قولا من رب رحیم یا مالك یوم الدین ایاك
نعبد و ایاك نستعین و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم در بیان
اعمال دفاین و اوردن موکلان کنوز تحت الارض بنزد عامل و ان مشتمل بر دو نوع است
نوع انست که عامل باید بکز بیخ در یک بیخ زمین را حفر کند از عرض و طول و
عمق و انرا از ریك دریا پر کند و در سه روان ریگها سورهٔ کوثر را بنویسد و در بالای
ان جا نماز بیندازد و در بر جا نماز بنشیند و سورهٔ کوثر را هزار مرتبه بخواند تا چهارده
روز که موکلان ریگها کنجهائی که در زمین است بکشند و در زیر جا نماز بیاورند انگاه
دست در زیر جا نماز کرده هر قدر که خواهد بر دارد و خرج کند زنهار که این اسرار را
بکسی اظهار نکند که اگر اظهار کند عملش فاسد و تباه گردد نوع ۲ انست که بیاورد
یك کف خردل و ایر و عنده مفاتح الغیب الی فی کتاب مبین بران خردلها بخواند و
بدمد یکصد و دو بار یا مبین بگوید و ان خردلها را در موضعی که گمان دفینه داشته
باشد بپاشد و بگشاید دوز درب امکان را ببندد و روز دیگر بگشاید در هر موضع
که خردلها را جمع بیند همانجا دفینه میباشد ۶ در بیان اعمال هجوم اوردن
خلایق بنزد عامل و ان مشتمل بر دو نوع است نوع انست که چون روز یکشنبه
شود در اول ساعت روز با وضو ابریقی را بر فتار شن بگارد و در زیر زانوی راست

خود بکذارانکاه بعدد نام خود ومادر خود سورهٔ الحمد را بخوان که تمام خلق بر تو هجوم

آورند ومطیع تو کردند اما باید که خانه اول را بسیاهی بنویسی وباقی را بسرخی ومرتبع

٢٣٦٨	٢٣٧١	٢٣٧٣	٢٣٦١
٢٣٧٣	٢٣٦٢	٢٣٦٧	٢٣٧٢
٢٣٦٤		٢٣٦٩	٢٣٦٦
٢٣٧٠	٢٣٦٥	٢٣٦٣	٢٣٧٥

٩٣٧٢ ٢٣٧٦

نوع ٢ آنست که چون کسی خواهد که خلق مطیع او کردند وبر او هجوم آورند بکیرد عدد آیه لقد جاءکم رسول من انفسکم الی عزیز واسم خود ومادر خود واسم مطلوب ومادرش را نیز عدد کرفته کلارا جمع نموده در شرف زهره در لوح مخمس بر صفحه مس نقش نماید وبا خود دارد که مطلوب حاصل است وجناب شیخ مغربی میکوید که چون این لوح را بنام خود تمام کردم وبا خود داشتم سلطان افضل مرا تعظیم وتکریم مینمود که ما فوق آن متصور نیست وبر همه ارکان واکابر واعیان خود مقدم میداشت وشاکردی مرا اختیار کرده بود وچون بمجلس او وارد میشدم مرا تعظیم میکرد وچون از مجلس بر میخواستم مشایعت مینمود چون مدتی بر خود را در نزد سلطان مشاهده نمودم روزی لوح را در منزل کذاشتم وهر وقت که این لوح را با خود بر میداشتم رفتهای آن شهر همه از خانهای بیرون میامدند ویکدیکر را مژده میدادند که بر بینید که شیخ میاید وقبل از این که این لوح با من نبود این حرکات را از ایشان مشاهده نمینمودم وبارها قصد نمودم که لوح را محو نمایم تا این شهرت کم کردد باز احتیاط نمودم وکفتم شاید که دیکر رعایت اوقات درجه ودقیقه شرف زهره کرده نشود

وچنین

آخر سوره برات

وچنین لوح کامل دست ندهد لهذا از آن در منزل خود محفی میداشتم تا هنکام قضاء حوایج مسلمانان

همیشه با خود بمیبردم اکنون از برای این لوح مثالی میاوریم که بر همه مبتدیان آسان شود

المثال عدد این آیه ٩٠٣ عدد اسم شیخ مغربی با مادرش ٢٥٠ وعدد اسم سلطان با مادرش ٢٥٤ جملتان را جمع نمودیم این شد ١٤٣٣ چون خواستیم که در لوح مخمس بکار بریم ٦٠ عدد از آن بجهة زکوة مخمس بیرون کردیم وباقی را به پنج قسمت نمودیم یک قسمت ٢٧٣ شد وکسر ٣ عدد ماند در لوح مس در ساعت شرف زهره درج نمودیم اکر کسر ١ باشد در خانه ٢١ زیاد کنند واکر ٢ باشد در خانه ١٦ واکر ٣ باشد در خانه ١١ واکر چهار باشد در خانه ٦ یکی زیاد کنند ولوح را تمام کنند این است

٢٨٥	٢٩٨	٢٨١	٢٩٤	٢٧٦
٢٧٧	٢٨٦	٢٩٩	٢٨٢	٢٩٠
٢٩١	٢٧٨	٢٨٧	٢٩٥	٢٨٣
٢٨٤	٢٩٢	٢٧٣	٢٨٨	٢٩٦
٢٩٧	٢٨٠	٢٩٣	٢٧٥	٢٨٩

٧ در بیان علوم غامضه وکیمیا وآن مشتمل بر دو نوع است

نوع آنست که یک اربعین روزه بدارد ودایم با وضو باشد وافطار بحلال کند وهر شب در وقت خواب سورهٔ والشمس ووالضحی والم نشرح واین قل اللهم را تا بغیر حساب هر یکرا هفت مرتبه بخواند وبعد از آن این دعا را بخواند اللهم انی اسئلك بقدرتك علی کل شیء وتجبرك بکل شیء یا صمد یا دیان یا حی یا قیوم ان تصلی علی سیدنا محمد وآله سبعین مرة

پنج قسمت ... در ... لوح ...

اقدار مخمس ...

١١	٢٤	٧	٢٠	٣
٤	١٢	٢٥	٨	١٦
١٧	٥	١٣	٢١	٩
١٠	١٨	١	١٤	٢٢
٢٣	٦	١٩	٢	١٥

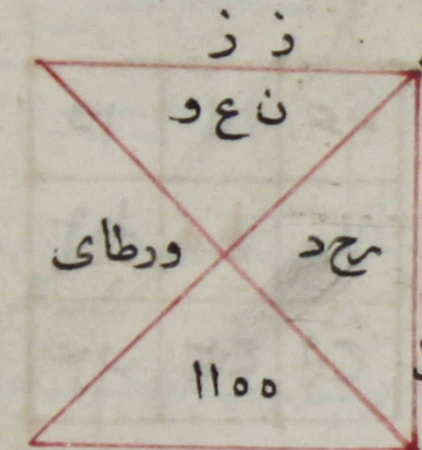
وان تیسر لی العلم الذی سترته عن کثیر من خلقك واکرمت به کثیرا من عبادك وتغنینی به
عمن سواك فانك مالك الملك وبیدك مقالید السموات والارض وانت علی کل شیء قدیر
چون چهل روز این عمل را بجا آورد حق تعالی میسر کرداند او را مرشد کاملی در خواب یا در بیداری
که آن علم غامض را باو تعلیم نماید نوع ۲ اینست که باید در مدت یک اربعین هر روز
هشتاد مرتبه این آیه را از سوره رعد که انزل من السماء ماء الی وبئس المهاد باشد
بخواند چهل مرتبه بعد از نماز صبح و چهل مرتبه بعد از نماز مغرب و هر شب در وقت خواب
این دعا را بخواند یا مظهر العجائب یا معلم الانسان ما لم تعلم و مغنی البائس الفقیر ۳
و دلیل الحائرین بمشیتك و هو علی کل شیء قدیر اطلعنی علی ما اعتقد علیه الخفی البر چون
این عمل را بجا آورد حق تعالی بقدرت کامله خود در خواب یا در بیداری آن علم را باو
تعلیم نماید ۸ در بیان اعمال کشف ریاضی هندسه وان مشتمل بر دو نوع است ۱
نوع اینست که در هنگامیکه شرف شمس باشد مربع چهار در چهار بکشند و صورت
اشکال رمل را در آن درج نماید بدانکه بذکر نموده شد و با خود نگاه دارد فواید
بسیاری از علوم ریاضی ببیند علومات
دهقدر بروی کشف کردد نوع
اینست که این مربع که نموده میشود بنویسد
و با خود دارد چندان فائده ببیند

حمره	بیاض	فرح	عتبة الخارج
نصرة الخارج	عقله	اجتماع	نصرة الداخل
قبض الداخل	جماعت	طریق	قبض الخارج
عتبة الداخل	نقی الخد	انکیس	لحیان

که حیران بماند و شرح و خواص این بتقریر و تحریر نکنجد و مربع مذکور که باید حامل شود

صلی هذ

اینست ۱۱۱۹ء۱۱۱۱۸ح ک ک ط ۱۱۱۱۲۱ ح ح ۱۱۸۱۱ ط ۱۱۱۸ ۱۸
۹|۸۸|۱۱۱۱۱۱۱ م ۲۲ ۲ م نوع ۳ اینست که این اسم را نوشته در زیر
زانو بندد هر چند راه رود خسته نشود طهماس برحمتك یا ارحم الراحمین
نوع ۴ اینست که این دو اسم را نوشته بساق پای بندد یاقوتی برشون و این
طلسم که نموده میشود نوشته در کمر بندد هر قدر پیاده رود خسته نشود اینست



۵ در بیان اعمال قوة در مباشرت
با زنان وان مشتمل بر شش انواع است نوع
مرویست که شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام
نمود بجهة قوه باه و مباشرت آنحضرت فرمود که قبل از مجامعت سر بسجده کذارد بکو و
اللهم ادم فیهن لذتی وکثر فیهن رغبتی وقو علیهن ضعفی حلالا من
عندك سبحانك نوع ۲ اینست که در وقت مجامعت هفت مرتبه این آیه را برابر بخواند
و بیاشامد چندانکه خواهد جماع کند خسته نشود و مریم ابنت عمران التی
احصنت فرجها فنفخنا فیها من روحنا وصدقت بکلمات ربها وکتبه وکانت من القانتین
نوع ۳ اینست که این طلسم را بنویسد و بر کمر بندد قوتش زیاده کردد
۲۵۱عد۹۱۱۱۹۷۹۱۸۱۱۱۱۹۲۱۸ نوع ۴ اینست که این طلسم را بر کمر بندد
قوتش زیاده کردد ۱۲۳ ۷۹۲ ۹۷۹۱۱۹۱۷۱۱۱۱۱۹۹
نوع ۵ اینست که اگر این طلسم را بنویسد و بر کمر بندد اگر صد زن داشته باشد همه را

جواب کند ۲۳۲۱ ۸ ۱۱۸ ۱۱۲۱ ۱۹۱۱۲ ط ۱۱۱۱۱ ۹ ۵ ۹

نوع ۲ انست که این دو طلسم را بمشک و زعفران بر پوست آهو نویسد و بر کمر بندد و جماع کند تا مادامیکه این دو طلسم بر کمر بسته است از مباشرت خسته نشود و مرویست که حضرت سلیمان علیه السلام چهل حرم داشت ببرکت این دو طلسم همه ایشانرا خوشنود داشت و خستگی در مباشرت بجهة آنحضرت نبود و دو طلسم مذکور

۲و	۱۱	عد
ط۹	هـ	ذ۷
۴د	ح۳	ح۸

مس۲	مهر۳	۶۳	۲۶
۲۲	۲۶	مهر۶	۸۹
۶۹	۹۹	۲۲	۹۸
۱۴	۹۹	۹۹	۲۶

۶ در بیان منع انزال ودفع سرعت آن و آن مشتمل بر هفت انواع است نوع انست که این طلسم را نوشته در دهان گیرد تا بیرون نیاورد انزال نشود ۹۱۱ ط ط ۹۹ نوع ۲ انست که این منظر را در وقت مجامعت بخواند ۹۴۱ ط ط ۹۹ و مشغول کار شود تا مادامیکه میخواند ویرا انزال نشود اش اش در باش دث دثاث نوع ۳ انست که این طلسم را نوشته در دهان گیرد انزال نشود ۱۹۱۱ ط ۹ ۸ نوع ۴ انست که این منظر را هشت بار بخواند و مشغول شود که انزال نشود ادام رهین نوع ۵ انست که این ابیدا بر نیم مثقال استخوان فیل خواند و در نقره کرفته در وقت

جماع

جماع بر کمر بندد انزال نشود این بغفر لکم خطایاکم و سنزید المحسنین نوع ۶ انست که این طلسم را در روز یکشنبه نوشته و بر کمر بندد تا مادامیکه باز نکند انزال نشود بحق هذه الاسماء ۹۲۱۱۱ ۸ ۱ ۸ ۱ ط ۸۱۲۱۱ العظام نوع ۷ انست که این طلسم را بر صفحه مس یا طلا یا نقره نقش کند و در دهان گیرد تا مادامیکه در دهان داشته باشد انزال نشود

ملىمطع هلس
۱۵۱۵۱۵ ص ص ص م
[illegible]ه سهىه مااللح

۷ در بیان ادعیات دفع سموم و آن مشتمل بر چهار انواع است نوع انست که سوره مبارکه لایلاف را بزعفران در ظرف پاک نویسد و باب باران بشویند و بخورند زهر خورده دهندان زهر ضرر نرساند و شفا یابد نوع ۲ انست که مرویست از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام که چون زن یهودیه کوسفند زهرآلود را نزد جناب پیغمبر صلعم آورد کوسفند بزبان با مر حق تعالی بزبان آمد و بر آنحضرت سلام کرد و بعد از سلام عرض کرد که زن یهودیه مرا بزهر آلوده کرده است انگاه جبرئیل نازل شد و این دعا را آورد حضرت آن دعا را بخواند و از آن کوسفند بخورد و همه اصحاب نیز خواندند و از آن کوسفند خوردند و دعا بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الذی بسمه یعز کل مؤمن و بعز کل مؤمن و بسوره الذی اضاءت به السموات والارض و بقدرته الذی خضع لها کل جبار عنید وانتکس کل شیطان مرید من شر السم اللهم بسم الله العلی الملک الفرد الذی لا اله الا هو و ننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین و لا

یزید الظالمین الا خسارا نوع ۳ آنست که این اسما بر پوست آهو بنویسند و با خود دارند
زهر بر ایشان کار نکند یا مغیطاکون نوع ۴ آنست که در وقت تحویل حمل که روز نوروز
باشد مخلص کوفته بخورد و تا سه روز بخوردن آن مداومت نماید در آن سال هیچ زهر
بر وی کار نشود و این عمل مجربست و از اسرار مکتوم است ۸ در بیان اعمال
گفتن نائم ضمیر خود را در خواب و آن مشتمل بر سه انواع است نوع آنست که چون این
کلمات را در روز یکشنبه در وقت طلوع آفتاب بمشک و زعفران بنویسند و در زیر سر
نائم نهند و این کلمات بخوانند و بر او بدمند آنچه در ضمیر او باشد در خواب بگوید و کلمات
نوشتنی ابفغ بکر جلش دمث هنث وسخ زعذ حفض طغظ طصط
و کلمات خواندنی یا متکلم کلم بالحاه مستعجلا یا مستجراه یا مستجراه یا الله
یا الله بالایه وحایه و ومایه وهایه وهایه نوع ۲ آنست که این آیه را بنویسند
و در بستر خواب هر کس که خواهند گذارند و در سر بالین آنکس هفت بار همین آیه را بخوانند
و بر او دمند آنچه مطلب در دل دارد همه را در خواب بگوید و آیه واذ قتلتم
نفسا فادارأتم فیها والله مخرج ما کنتم تکتمون فقلنا اضربوه ببعضها کذلک یحیی الله
الموتی ویریکم آیاته لعلکم تعقلون نوع ۳ آنست که این اسما بمشک و زعفران نوشته
بر کف دست خود و هر کسی که از او مشکی باشی که در حق تو چه منظور دارد کف دست
خود را در سینه او بگذارد در هنگامیکه او در خواب باشد هر چه در دل دارد همه را بگوید
و اسم اینست یا هیش فصل ۹ در بیان اعمال خفا و عقد العین و آن مشتمل است

بر هشت انواع نوع آنست که از قبر پیر نابالغ یک کف خاک بردارد و این آیه را چهل مرتبه
بر آن خاک بخواند هر جا که خواهی بروی آن خاک را با خود بردار که کسی ترا نه بیند و آیه
مذکوره ولبثوا فی کهفهم ثلث مائة سنین وعمی عمی الف سنین بالعین العجل
العجل العجل الساعة الساعة نوع ۲ آنست که این طلسم را نوشته در بازوی
راست خود ببندد هر جا که خواهد برود کسی او را نه بیند و طلسم مهوا مهلهاه
مهواه مهوه مهوا مهلها اهیا اشهم اسیر القوی امین امین احد مستهم و اسرارهم
حـ لا اما وه ام ا نوع ۳ آنست که این آیه شریفه را بعدد اسم خود بخواند و در
هر جا که خواهد پنهان شود کسی او را نه بیند و آیه واذا قرأت القرآن جعلنا
بینک وبین الذین لا یؤمنون بالآخرة حجابا مستورا وجعلنا علی قلوبهم اکنة ان
یفقهوه وفی آذانهم وقرا واذا ذکرت ربک فی القرآن وحده ولوا علی ادبارهم نفورا
نوع ۴ آنست که این آیه را بر بیست پاره کاغذ بنویسد در هنگامیکه مشتری در شرف
باشد و یک یک آن کاغذ را در آئینه نگاه دارد هر کاغذ یکه در آئینه پیدا نباشد
آن را در موم گرفته نگاه دارد و در وقت حاجت در زیر زبان گذاشته هر جا که خواهد
رود کسی او را نه بیند و آیه شریفه واذا قرأت القرآن جعلنا بینک وبین الذین
لا یؤمنون بالآخرة حجابا مستورا وجعلنا علی قلوبهم اکنة ان یفقهوه وفی آذانهم
وقرا واذا ذکرت ربک فی القرآن وحده ولوا علی ادبارهم نفورا برحمتک یا ارحم
الراحمین نوع ۵ آنست که این کلمات را قبل از طلوع آفتاب بمشک و زعفران نوشته

در موم کیرد و در کردن او بندد هر جاکه خواهد برود کسی او را نبیند اسلطوکیلها

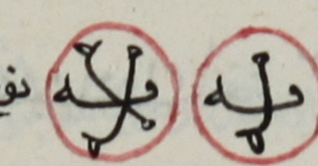
نوع ۶ آنست که این کلمات را بر پوست روباه نویسد و در زیر کلاه نهاده بر سر

گذارد و هر جاکه خواهد برود کسی او را نبیند و این کلمات یا الله هو الله نعم

بالله یا بلیل جرها معها و هم سهوا سعیه بدمات ما ما هوا هلها الهنث احدا

ها باین عدا اسرامواعث لا هو هو مسح اللهم هو الموجبر المعربد الرلی فرجیعا

لصرد بحر اسم لساسادد نوع ۷ آنست که این دو شکل را بنویسد و بر بازوی

راست بندد هر جاکه خواهد برود کسی او را نبیند  نوع

آنست که این کلمات را بر پا فراست نویسد و با خود نگاه دارد هر جاکه خواهد

رود کسی او را نبیند حصص هعسعا لهها لهوها الوها لها و اسمهام

بجلو و هم حب المسلمین باسم فر ۲۲ فر ۱۰ در بیان طلسمات و ادعیات

تیغ بند و کلوله بند این مشتمل بر ده نوع است نوع آنست که در روز چهارشنبه

آخر ماه صفر در اول طلوع صبح غسل کند و در میان آب ایستاده این اسما را بنویسد و با خود

نگاه دارد هیچ حربه با و کار نکند و اسما یا البونا البونا یا احسونا بحق

کن فیکون نوع ۲ آنست که در روز چهارشنبه آخر ماه صفر پیش از طلوع آفتاب

غسل نموده و در میان آب ایستاده در حالتیکه آب تا گلوی او را فرو گرفته باشد این

اسما نوشته با خود دارد که هیچ حربه با و کار نکند و اسما الم المص الر المر

کهیعص طه طس طسم یس ص حمعسق ق ن نوع ۳ آنست که در وقت کرفتن

آفتاب این دو شکل را نوشته با خود دارد هیچ حربه با و کار نکند و آن دو شکل مذکور

یا الله یا عظیم یا غفور	یا الله یا عظیم یا غفور	بحق یا الله یا عظیم یا غفور	۳سلع	۲ و	ف ۱٤ ح الدعکو	د ۱۱ الدهج

نوع ۴ آنست که در روز چهارشنبه آخر ماه صفر در میان آب ایستاده در حالتیکه آب

تا گلوی او را فرو گرفته باشد این اسما را نوشته با خود دارد که حربه با و کار نکند

و باید که چشم حروفات همه باز باشد و اسما بسم الله الرحمن الرحیم اللهون

اکعون ایصعون اربعون اللزون والله علی کل شیء قدیر یا حافظ و المهون الدون

اربعون لاسطط ارسعون والهونی ولدونی ارسعونی اربعونی مسططو مسططون

نوع ۵ آنست که این اسما را نوشته با خود دارد حربه با و کار نکند اسما ۱۱۱

ورش ورش کرش کرش هو هو هما هما علیما علیما سهور سهور هدیه

هدیه فنفرش فنفرش واهلی واهلی خماطی خماطی علوش علوش بندموش بندموش

خفر خفر حوبز حوبز بکل بکل منص منص اجیبوا باخدام هذه الاسما وادفعوا عنی

سایر ما یکون من الذ الحرب بالجرح و بدم نوع ۶ آنست در روز چهارشنبه

آخر ماه صفر این پنج کلمات را بنویسد و بر بازوی چپ بندد که هیچ حربه با و کار نکند

والدون واللهون واللسون ارسلون مسططرون نوع ۷ آنست

که در وقت غروب آفتاب هر روز یکه بوده باشد این اسما را بکفش بنویسد و با خود

دارد حربه با و کار نکند بسم الله الرحمن الرحیم و لهون و لدون اربعون ارسون

بحم مسطط مسطط عون ون نوع ٨ الست که این طلسم را بنویسد و با خود دارد
هیچ حربه باو کار نکند و طلسم مذکور ١١ه١ ١لا ١١١ ٩ ١ه١ لا

نوع ٩ الست که این طلسم را نوشته با خود دارد حربه باو کار نکند و اگر خواهد که
امتحان نماید بر گردن گوسفند ببندد کارد براو کار نکند و طلسم شریف مذکور

نوع ١٠ از حضرت امیر
المومنین علیه السلم روایت
که هر کس این حرز را با خود
نگاه دارد او را خوفی از
سلطان نباشد و از وسوسه



شیطان ایمن باشد و از کزندگان و درندگان آسیبی باو نرسد و از آلات حرب محفوظ
باشد و اگر بر پوست آهو بنویسد و در زیر پستان نره خود جا دهند در هیچ محاربه
مغلوب نشوند و از شر دشمنان محفوظ باشند و از برای تیغ بند باید بمشک و
زعفران نوشته بر پوست آهو و بر بازو ببست و قدرت الهی را تماشا کرد و چون
اهیاه ادوبای ٥ سومانع ٥ ماخی ٥ هملوصم ساهو براه اسر اهیاه ٥ ادبانوا
٥ الوهی ٥ السهما ٥ سرهیا رام ٥ ١ و داده صعواد ٥٥ هو هو هو بوااو لا

٨
در بیان علومات لازمه ضروریه و در آن ده فصل است

در بیان گماشتن موکلان را بصورت شیر و فیل و کرک و مار در خواب هر کس که خواهند

و آن مشتمل است بر پنج انواع نوع ١ الست که هر گاه کسی خواهد که کسی را در خواب
از شیر یا فیل یا گرک یا مار بترساند که طلب ورا بدهد یا حاجت او را بر آورد اول
باید که وضو بگیرد در اول شب و رو بقبله در جای خلوت بنشیند و این نقش را که
نموده شد بنویسد و در پیش روی
خود گذارد و در آن نظر کند و این اسم را
که مذکور میشود هزار مرتبه بخواند انگاه
بموکل حکم کند که بهر شکلی که خواهد فلانرا

٨	١١	١٤	١
١٣	٢	٧	١٢
٣		٩	٦
١٠	٥	٤	١٥

١٦

بترساند که مطلب فلانرا بر آورد در حال موکل رفته نزد فلانکس و چنان کند که
او حکم کرده است و اسما یا طارخمیثا یا سبنوشا یا شیوشا نوع ٢
الست که در شب چهار شنبه با وضو رو بقبله بنشیند و هفت مرتبه سوره والضحی را بخواند
و دویست مرتبه این اسما را بخواند یا ازجمیثا یا شهمیثا یا شلیثا و ٣٦٦
مرتبه بگوید یا ممنود انگاه سه مرتبه این عزیمه را بخواند و بخواب رود که موکل بصورت
که خواهد بطلب حاجت او برود و صورت دهد و عزیمه اللهم سلط صورتی
وهیبتی و هیبتی و محبتی علی قلب فلان حتی لا ینام و لا یرقب و لا یاکل و لا یشرب
و لا یجد راحة ساعة و لا لحظة الا بقضاء حوایجی و ان یعطینی اطاعة تامة العجل
٣ الساعة ٣ الوحا ٣ و بعضی گفته اند که سه شب متوالی چنین کند که مقصودش
حاصل است نوع ٣ الستکه در اول و آخر عمل بگوید که باجازه و اذن مهترا منصود

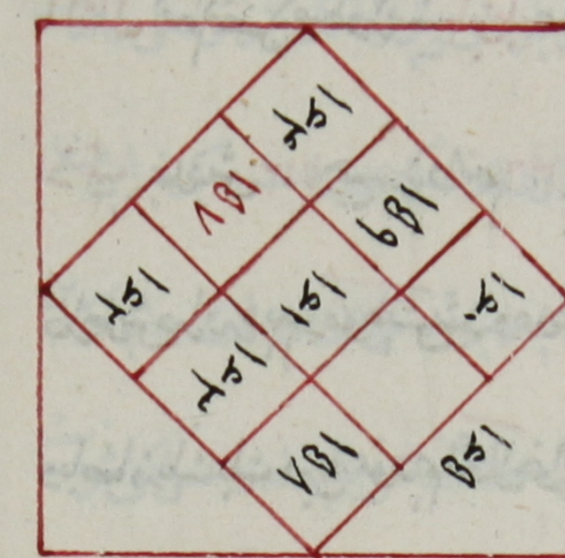
مرکی وحکم فم ۳ نر رامیکری واو را میرسانی وملرزانی کرم از خودش راضی کند
وخوف مرا بی نهایت در دل او بیندازد انکاه یکصد وبیست ویکمرتبه این منطر
هندی را میخوانی وبعد از اتمام منطر انچه میتوانی بکو الف الف الف وباید که این
عمل در شب کرده شود واکر از برای هلاک دشمن باشد با نفاعله عمل کنی مجربست
ومنطر بل بطار شرون لهو نجیر ساکل نودون لهولی می هارون
بیجی کوارنین نرسنک کانکی نم کولاو نک بار جلد اهستم نمکو بلک
برد همکو رکو نو بنجی تمهارے منتر کے سبب کورو کی سکت مهری بکت
بود ومنترے اسو رکه پاچهای نرسنک نوع ۳ انست که اوّل اسم
الشخصی که منظور داری بنویس وبعد اسم ان سباع که میخواهی بنویس بزبان
عربی انکاه هر دو اسم را عدد کو فتر واز ان عدد اسم اعوان استخراج کن ودر اخر
ان اسمها ضم کن واکر از برای عداوت باشد در اخرش طیش داخل کن واز ان
عدد که از دو اسم حاصل شده در مثلث درج کن وان خانه باید شروع کرده
تمام کن انکاه یکضلع از اعوان دو تیم استخراج کن وهر دو را بخوان وشرایط این
عمل انست که شب بجائی نشینی که سقف نداشته باشد وستارها نمایان باشد
انکاه سه پایه از چوب انار حاضر کن وان مثلث را در میان ان سه پایه بیاویز
تعداد عزیمه را بعدد یکضلع بخوان وشرایط دیکر این عمل انست که قبل از عمل سه روز
روزه دار واز اکل حیوانی پرهیز نمائی واز برای مبتدیان مثالی بیاوریم که اسان باشد

المثال

المثال اسم الشخص که منظور است بایزید عددش ۳۲۴ واسم ان سباع که منظور است
ذئب عددش ۷۱۲ جمع هر دو اسم ۱۰۳۶ استنطاق ذم و انکاه طیش
در اخرش در اوردیم ذموطیش شد وعدد کل دو اسم را در خانه اول مثلث کذاشتیم
وباضافه یك یك درج نمودیم الحال خواستیم که موکل دوتیم استخراج نمائیم
یکضلع مثلث را شمردیم عددش ۲۲۵۰ شد استنطاق نمودیم غغرن شد
ترکیب نموده در اخرش طیش ضم کردیم غغرنطیش شد انکاه عزیمه بستیم بدینکونه
اقسمت علیك یا ذموطیش سلط علی بایزید هذا الذئب حتی
یقضی حاجتی بحق غغرنطیش العجل ۳ الساعه ۳ الوحا ومثلث اینست
نوع ۵ انست که هرکاه خواهی کسی را بصورت بشر یا فیل یا کرك بترسانی که مطلب تو را حاصل کند باید که اسم الشخص که منظور داری

۷۴۹	۷۵۴	۷۴۷
۷۴۸	۷۵۰	۷۵۲
۷۵۳	۷۴۶	۷۵۱

با اسم ان سباع هر دو را عدد بکیری والعدد را بلا طرح در خانه اول مثلث کذاری
وباضافه یك یك درج نمائی تا تمام شود انکاه عزیمه ببندی بعدد وفق مثلث بخوانی
که مطلب حاصل است ودر اینمقام یکمثال بیاوریم که بر مبتدیان اسان شود المثال
اسم الشخص که منظور است محمد عدده ۹۲ واسم سباع اسد عدده ۶۵ جمع هر دو اسم



١٥٧ این عدد را در خانه اول مثلث
گذاشتیم و باضافه یکی یکی تمام نمودیم
الحال خواستیم که عزیمه این لوح را بسته
بعدد وفق این مثلث بخوانیم عدد خانه اول
که ١٥٧ است استنطاق کردیم قنذ شد ترکیب نموده در آخرش لفظ ایل ملحق
نمودیم قنذائیل شد و یکضلع مثلث را شماره نمودیم ٤٨٣ شد استنطاق نموده
در آخرش کلمه ایل ضم کردیم تفجائیل شد پس این دو اسم موکل علوی شد خواستیم که
موکل سفلی استخراج نمائیم عدد مساحت این مثلث را شمردیم ١٤٤٩ عدد شد استنطاق
نموده در آخرش لفظ طیش ملحق نمودیم غتمططیش شد آنگاه عزیمه نمودیم و بعدد
وفق خواندیم بدین طریق ابیت عزمت علیکم یا معاشر الملوک العلویة والسفلیة
المستخرجین من هذه الحروف اجب یا تفجائیل وانت یا قنذائیل بحق غتمططیش
ادخلا علی [illegible] بصفة اسد علی اسمی و کینتی العجل [illegible] الساعة [illegible] الوحا فصل
دوم در بیان اعمال دفع کردن شر درنده و دفع گزیدن سگ دیوانه و غیره دیوانه و
نبستن دم کردن و آن مشتمل بر سه انواع است نوع از حضرت امام رضا
منقولست که چون شیر را ببینی در برابرش سه مرتبه این دعا را بخوان الله اکبر
الله اکبر الله اکبر اعز و اکبر و اجل من کل شیء و اعوذ بالله مما اخاف و احذر اعوذ
برب دانیال والجب من کل اسد [illegible] و ایة الکرسی را یکمرتبه بخوان و یکمرتبه انا عرضنا را

بخوان

بخوان عزمت علیک بعزیمة الله و عزیمة محمد رسول الله صلی الله علیه و آله و عزیمة
امیر المؤمنین علیه السلام و عزیمة سلیمان بن داود الا تجنبت عن طریقنا و لا تؤذنا فانا
لا نؤذیک راوی حدیث گوید که بشیر برخوردم و این دعا را در برابرش خواندم سر
بزیر انداخت و دم را در میان پای خود کشید و برگشت نوع ٢ در دفع مضرت
سگ دیوانه یا گرگ دیوانه یا هر جانوری که دیوانه باشد باید که شخص عامل عصائی
در دست گیرد و سر عصا را بر زمین بکوبد و شخصی که زخم دارد در برابر عامل بایستد
و شخص عامل سه مرتبه صلوات بفرستد و سیلی بر پشت او بزند تا سه دفعه و در دفعه
سیم سیلی بصورت او بزند و او را از زیر عصای خود از طرف چپ بیرون کند که
هفت قدم راه برود و بعقب سر خود نگاه نکند و هر قدمی که بر میدارد یکمثقال نقره
در همان ساعت بعامل بدهد که تمام هفت مثقال بوده باشد و عامل باید که تا هفت
شب شبی یکمرتبه سوره یس را بخواند و هر مریض که رسید یکمثقال از آن نقره در مدد
وان نیاز عامل باشد هر کس که خواهد بدهد بعد از آنکه شخص زخم دار هفت قدم
برود و هفت مثقال نقره داده باشد در همان مکان عامل بعصای خود خطی مدور بکشد
و این طلسم را بر ظرف آب [illegible] بنویسد و بروغن زیت محو نموده بآن شخص بخوراند
و آن خط بیرون آید و تا هفت روز هر روزه تصدق دهد که بر شود و دیگر از زهر
در بدن او نماند و این عمل بسیار شریف است [illegible] و طلسم مذکور

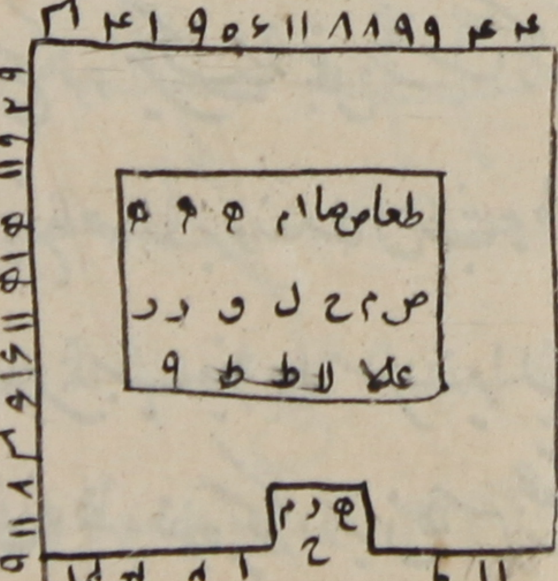
ابح لا ٧ ٥ع الله و للللا ابح لا ٢ ٥ع الله و للللا

نوع ٣ در دفع درد دندان کرم کرده است که بیاورد قدری ریسمان و یکمرتبه فاتحة الکتاب
و سه مرتبه سوره اخلاص و سه مرتبه سوره قل اعوذ برب الفلق برو بخوان و بگو بسم
دندان کرم کرده این کرم را با فلان چیز دیگر و یکمرتبه این ایه را بران بخوان و بر ریسمان
بدم و گره بزن که درد کرم کرده بسته گردد بقدرت حق تعالی و ایه ان تنفذوا من
اقطار السموات والارض فانفذوا لا تنفذون الا بسلطان حسبی الله و نعم الوکیل
برحمتک یا ارحم الراحمین ٣ در بیان ادعیات و افسونات دفع زهر
و گزیدن مار و عقرب و رطیلا و آن مشتمل بر ده انواع است نوع ١ در دفع مار
گزیده و غیره است که باید انگشت شهادت خود را باب دهن تر کند و بر بالای زخم
بگذارد و هفت مرتبه صلوات بفرستد و ببیند که ورم کجا است دست را بر اخر ورم
موضع گذارد و هفت مرتبه سوره فاتحة الکتاب بخواند و اندک اندک دست خود را بکشد
و بیاورد تا سر زخم که سوره تمام شود که مجرب است نوع ٢ است که این دعا را
برباد گزیده بخواند و دست بر موضع زخم مالد که شفا یابد ها قل الحمد
باطل الزهر معالجه کردم بحق سلیمان پیغمبر علیه السلام او فی کواکب الفلق بسم بسم یا
نوح یا نوح نوع ٣ است که این حروفات را بر پنج قطعه کاغذ سفید بنویسد
و نقطه نگذارد و حروفات را تمام کور بنویسد سوای میم اخر و چشمها ها را سفید
بگذارد بنحوی که از یکدیگر ممتاز باشد و در وقت نوشتن با وضو باشد و رو بقبله
بنشیند بعد از ان نوشته را باب صاف بشوید و بخورد مار گزیده دهد تا بخورد که آن

الم ازاو

الم ازاو برطرف شود اینست بحود و هو هو ب مطو میم کلم نوع چهارم ٤ است
که این ایه را هفت مرتبه بر اب بخوانند و بخورد مار گزیده دهند و اندکی بران زخم مار
گزیده مالند شفا یابد این است بسم الله الرحمن الرحیم قال القها یا موسی فالقیها
فهی حیة تسعی نوع پنجم ٥ است که این اسما را بر نگین بلور سرخ بکنند یا بنویسند
و آن نگین را در اب فرو برده در موضع عقرب گزیده مالند فی الحال درد ساکن شود
اینست حطلسلسیل کطوده و صحرو اوسطانی نوع ششم ٦ است که این
اسما را بر کاغذ مدوری یا طاس صحیحی که شکسته نباشد بنویسند و نام شخص عقرب
گزیده با مادرش را نیز بنویسد و در اب بشویند و بان دسولی که از جانب عقرب گزیده
امده باشد بنوشانند الشخص عقرب گزیده شفا یابد اسما این است سارا سارا الی اسا
برلی برلی الی یا صالدا اساما طو طو کالطو ساما رب ما فارس ادرا باب ها
کا با باس عایا یا ما ماس سحو یار الکاطن صلو بس صار وب انا نوع هفتم ٧ است
که این حروفات را نوشته بشویند و الیش را بعقرب گزیده بنوشانند شفا یابد این است
و ا ای ح م د نوع هشتم ٨ است که شکل کوسفند را بسوزانند و بسایند و با
سرکه خمیر کنند و بر موضع مار و عقرب گزیده ببندند شفا یابد نوع نهم ٩ است
که این دعا را بر اب دهن بخوانند و بر موضع مار و عقرب گزیده مالند شفا یابد و دعا
اینست بسم الله الرحمن الرحیم لیس کمثله کالب و لیس کمثله کالب کف نوع دهم ١٠
است که این منظر را سه مرتبه بر اب دهان بخوانند و بر موضع مار و عقرب و رطیلا گزیده

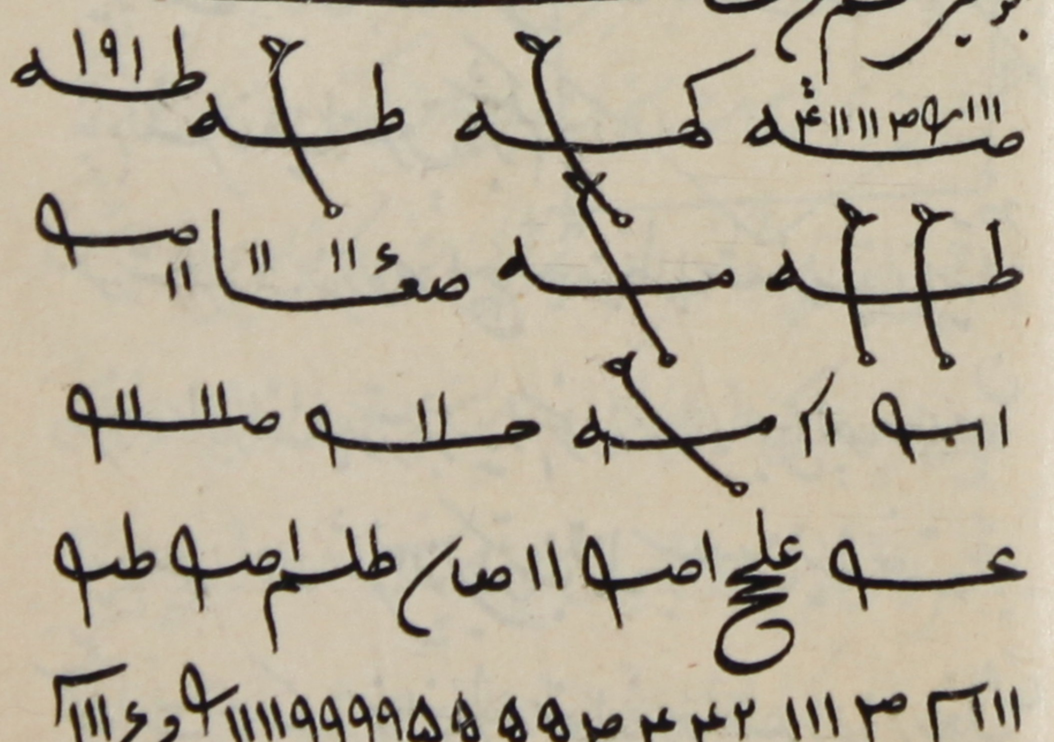
ببند از زند شفا یابد کری بیکی بیکالی ان محل کر سالی بزی حری بری چوی چاه
پاره پاره کدف کردن ابلوس صلوس حتی دود نند وکل اکل پیه پیه کوبند کوبند حکینا
ساد نومار نو چکاون کف ۳ در بیان اخراج مخل و بر خیزانیدن شخصی را
از مجلسی و مکانی که نشسته باشد و آن مشتمل بر سه انواع است نوع الست که
هرگاه خواهی که کسی از مجلسی برخیزانی این اسم را بنویس و در زیر فرش آنکس که نشسته است
بگذار که برخیزد ومثل کلمة خبیثة کشجرة خبیثة اجتثت من فوق الارض ما لها من
قرار نوع ۲ دوم الست که هرگاه خواهی که کسی از مجلسی برخیزانی این طلسم را بنویس و در
میان کفش او بگذار در حال برخیزد و طلسم این است بسم الله الرحمن الرحیم ه ۱۱۱ ح ۱۱۱ ح ۱۱۱ ح
ه ۱۱ ط ۱۱ ه ۱۱۱۱ ح ۱۱۱ ح اوح ه نوع ۳ الست که سورهٔ اذا زلزلت را بدون
بسم الله بحروف مقطعه بنویسد و در مکان آن شخص که منظور است دفن کند که فی الحال
برخیزد ۴ در بیان اعمال باریدن سنگ در هر مکانی که شخص عامل
خواسته باشد و قاعدهٔ این عمل الست که سورهٔ الم ترکیف را بطریقی که ذکر میشود
در روز سه شنبه در سفال کهنه بنویسد و در هر مکان که منظور دارد دفن کند مقصود
حاصل شود و چون خواهد که دیگر سنگ نبارد سفال را بیرون آورد محو شوید
بسم الله الرحمن الرحیم الم ترکیف بحق یا جبرائیل فعل ربک بحق یا شمعائیل باصحاب الفیل
بحق یا کاکائیل وارسل علیهم بحق یا اسرافیل طیرا ابابیل بحق یا زرفائیل ترمیهم بحق
یا عزرائیل بحجارة بحق یا بدوح من سجیل بحق یا کشفائیل فجعلهم بحق یا اجاعیل کعصف ماکول
بحق

بحق یاشکهیل سامعا مطیعا ان تقضی حاجتی فی نزول الحجر فی
مکان ۲۲۲ عجل ۳ الساعة ۳ الوحا ه طرفة العین بارک الله
فیکم علیکم در بیان اخال دنبه که از چون خواهی کسی را
دنبه که از کنی این خاتم را بنویس و در میان دنبه درستی به چربی
آن از آن ۴۱۲۲۰ ه باشد این دعا را شصت مرتبه بر سوزنی بخوان
و بر دنبه فرو کن و بروایتی ۳۰ عدد سوزن ۶۰ مرتبه این دعا بخواند که هر
سوزنی دو مرتبه باشد و سوزنها را بران دنبه فرو کند و آن دنبه را ۱۲
۲۱۳۳ ابی زند و در جائی بیاویزد و چراغ بزرگ ا ه ه ا در زیر
آن دنبه گذارد و از شعله چراغ دنبه بگدازد و روغن آن در چراغ بچکد چون
دنبه تمام گداخته شود آنکس هلاک شود زنهار صد زنهار این عمل بکسی
مکن در حق کفار و مخالفان و شکران خود را معذب بعذاب الهی خواهی
گردانید و باید قبل از سه روز روزه دارد و در روز سیم مشغول عمل شوی یعنی
در عهد سه خاتمی در میان دنبه گذارد این است دعائی که باید بر

سوزن بخواند دعای مجلسیات
که در اوایل کتاب شروحا
نوشته شده است
دیگر در عمل دنبه که از بجهة

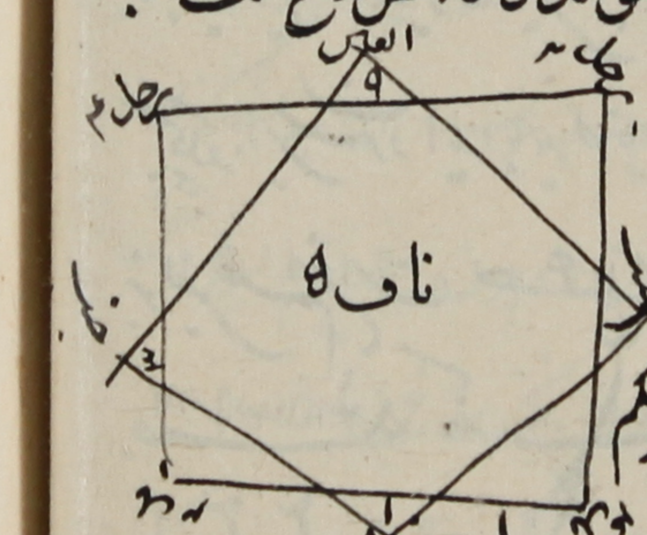
بجهت بیماری دشمن که تا یک سال یا دو سال بکشد واین عمل
از مجموعه جناب شیخ صغر الدین الحق است پا در دنبه گوسفند
سیاه و درمیان قبر کهنه یا سر راه که کسی از انجا راه نداشته باشد
بگیرد ۳۳۳ سوزن فولاد بر هر یک یکمرتبه سوره الم ترکیف را بخواند
و بر ان دنبه زند و قصد کند که فلان بن فلان را دنبه که از سیکنم و بعد
از ان فتیله بزرگی را در چراغ بزرگی گذارد و درمیان ظرف ۱۰۰۱
گذارد و نام انکس را با والده اش عدد بگیرد با این عدد که ۳۳۶ می باشد
در مثلث بکارد وان مثلث را در زیران ظرف ۱۰۰ بگذارد و دیگر در طاک
کند و صورت انکس را ساخته درمیان ان چراغدان بگذارد و
چراغ را روشن کند و از دنبه را آب ویزد و چراغ ا در زیر
ان گذارد بنحویکه شعله چراغ بدنبه برسد و ان دنبه را بگذارد
در روغن در چراغ بچکد و بسوزد و چون روغن تمام بسوزد دشمن
نیز تمام شود زینهار بمسلمان نکند معذب خواهد شد
در بیان اعمال اخراج ریح اگر خواهی کسی را خجل و شرمسار گردانی:
که باد ازو بدر اید بنویس این نامها را بر کوزه سفال اب ندیده
باب باغ خانه پر کن و از جای باب بیاویزد و طاسی در زیر ان
بگذارد که انچه اب از کعب کوزه قطره قطره بچکد درمیان طاسی جمع شود

چون

چون کوزه خالی شود باز همان اب را از طاس در میان
کوزه ریزد نامها این است یا سلعیلعل یا علهایل بیرن وارید
هر حلطی که در شکم ۲۲۲ است ما را که اب در کوزه سفالین بباشد
بحق لسعقصها للیحفی لهمطا سعمهعصمراه
یا تمخیتنا یا شمخیتا و یا شمتیتا و بحق هم حق دیگر
اگر خواهی که دشمن را خجل و منفعل سازی که بی اختیار باد ازو کنده
شود در صبح روز سه شنبه بگیر تنگ سفال دهن تنگی را و بنویس این
طلسم را در دسته و دهن تنگ و بعد این طلسم را درمیان تنگ اندازد
واز اب دباغ خانه پر کند و ته ان را با سوزن سوراخ کوچکی بکند
و بیاویزد و در زیران طشتی بگذارد که هر قطره که درمیان طشت
بچکد بادی سر زند اید و باید که نام ان شخص و نام مادرش و پدرش
بنویس طلسم اینست



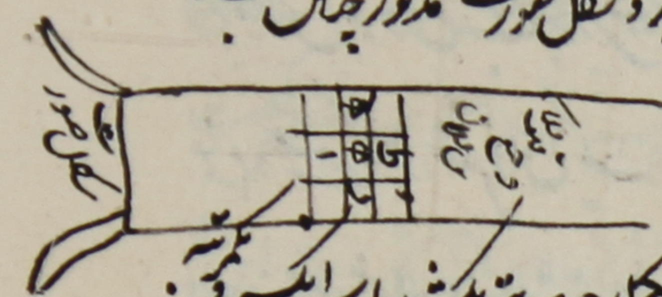
در بیان ناقص کردن اعضاء بد رداوردن دشمن تب و
رنجوری و دیوانگی بر دشمنان و بزندان گرفتار نمودن وانتقام کشیدن از
ظالمان اگر خواهی عضوی از اعضای دشمن را ناقص کردانی بر سر این
شکل مثلث هندی را که نموده می‌شود ونام هر عضوی را در جای خود بنویسد پس
بیاورد کاردی و سوزنی یا بان کارد یا ان سوزن را در روی نام ان عضو
فروکن و در وقت تراشیدن یا سوزن فروکردن این عزیمه را بخواند
بقدرت خدا تعالی ان عضو ناقص شود عزیمه این است آیه یفطر ما بل
جلیس جلیس و صال و صال هططمیش هططمیش کرهشیم و کشمیم
ز نقطاع ر نقطاع حدا سه حدا سه طفرطیال طفرطیال
یا خدا بهذه الاسماء افعلوا کذا و کذا شکل لوح مثلث هندی
که ذکر شد این است



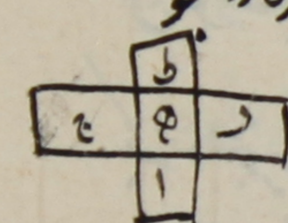
دیگر جهت درد دل بکشد صورتی
بنام انکس بر زمین یا بطریق و بر شکم
صورت حروف منفرده را اج ه ز ط باشد بنویسد و باید
حروف را بر ناف ان صورت بنویسد و بخواند سوره واللیل را چهار بار و چون
بایه یصلیها الا الاشقی الذی کذب و تولی برسد همین ایه را هفت مرتبه
تکرار کند و بر شکم منبع اهنی را بمقدار زنوری باشد و چون بار اول ان

ایه را بخواند

ایه را بخواند ان منبع را بر میان چشم ه بر ناف صورت نوشته است
فرو کند انگاه خدا را لاش شود نماید و شکل صورت مذکور چنین بکشد



و مطلب را در میان شکم نویسد
اگر کسی را خواهد درد دل بکار صورتی بکشد با اسم انکس و بر شکم
سوره واللیل را بخواند چون بکلمه یصلیها برسد همین کلمه را هفت مرتبه
تکرار نماید و باید این شکل در صورت شکم بنویسد و منبع اهنی بر دارد در میان
چشمه ه در محل ناف ان صورت است بکوبد و باقی سوره را بخواند



و تمام کند ان کس در حال درد دل گیرد شکل این است
دیگر اگر خواهی کسی را از درد دل هلاک کنی ان خاتمی را در
عمل دنبه که از سابق ذکر شده است بنویسی بنام انکس و مار شود در میان
دل کوسفندی یا دل گاو گذارد اگر مرد باشد نر و اگر زن باشد ماده و
پس بیار چهل سوزن و بهر سوزنی یکمرتبه بخوان دعای تخشیا لاه در عمل
دنبه که از ذکر شده است بخواند و بان دل فرو کند و ان دل را در میان
چاه عمیق اندازد و انکس از درد دل هلاک شود و اگر خواهی که بفریادش
رسی و چاره کنی ان دل را از چاه بیرون اور و سوزنها را از ان
بکشد و ان نوشته را از میان ان دل بیرون اور و بشوی و بیمار ده
شفا یابد و اگر نه هلاک شود زینهار این عمل را در باره مسلمانی نکنی

ه در نزد خدا مؤاخذ خواهی بود و از نااهلان مخفی دار   دیگر
در عارض نمودن تب و در بخوری بر دشمن اگر این آیه را بر دیگ بنویسد
بنام دشمنی و مار در شروان دیگ را آب کند و سر آن را بر آتش گذارد و بجوش
و چون بجوش آید آن دشمن را تب گیرد و در بخور شود بنوعیکه قریب
بهلاک رسد آیه این است   در هلاکت اشرار و اهل
بدعت باید صورت آنکس را بسازد از موم سفید و این آیه را در روی
آن صورت بنویسد و این عمل در آخر روز شنبه قمر در محاق باشد
بکند و خنجری بدست گیرد و بر آن بنویسد فاذا لقیتم الذین کفروا
فضرب الرقاب و اگر آن خنجر را بر صورت زند و آن موضعی که نام آن
نوشته بود و بگوید یا ملائکه افعلوا کذا و کذا و آنچه خواهد
از بلیات نام برد آن کس بآن بلیه گرفتار شود تا هلاک شود
و آیه که بر صورت باید نوشت قل یا اهل الکتاب هل تنقمون منا
الا ان آمنا بالله و ما انزل الینا و ما انزل من قبل و ان
اکثرکم فاسقون قل هل انبئکم بشر من ذلک مثوبة
عند الله من لعنه الله و غضب علیه و جعل منهم القردة
و الخنازیر و عبد الطاغوت اولئک شر مکانا و اضل
عن سواء السبیل   در دفع شرارت و ویران نمودن

ملکان ظالم

کاغذ بنویسد و در چپ کنج خانه دفن کن بسم الله الرحمن الرحیم
محبة و مهجة محبة و لحصور مجیبا مجیبا و اطرد   در دفع
مار شخصی در وادی گذشت مار بسیاری در آنجا بود آن شخص گفت
یا اهل الوادی انا حاملون فانطقوا انشاء الله چون این را
گفت مجموع مارها در یکجا جمع شدند تا آنکه آن وادی پر از مار شد
پس آن شخص گفت انزلوا بسم الله آنگاه مارها همه از آنجا بیرون
رفتند باذن الله   در دفع مار از حضرت رسول روایت
شده بجهت دفع مار این عزیمه را بنویسد و بگذارند در
سوراخ دیوار خانه که مار بیرون افتد و بدون نفع می شود بسم الله
سنجه قرنیه مونیه ملجه بحرقنا قطعا قطعة نقطة
نقطة   در ادعیات محفوظ بودن از گزیدن مار
و عقرب مرویست که قومی شکایت نمودند بحضرت رسول از
عقرب و اذیت آن حضرت فرموده بودند که چون این دعا را
در صبح و شام بخوانید من ضامنم که نرسد شما را ضرر عقرب
گزندگان اعوذ بکلمات الله التامات التی لا
یجاوزهن بر و لا فاجر الذی لا یحضر جاره من شر
ما ذرء و من شر ما برء و من شر الشیطان و من شر کل دابه

حراث اهل هذا الدار من الذكور والاناث   جهت
دفع ضرر مار و عقرب در اوایل لیل و نهار بگو عقدت لسان
الحیة و زبانیا العقرب بید السارق بقول اشهد ان
لا اله الا الله و اشهد ان محمدا رسول الله و اشهد ان
علیا ولی الله   جهت دفع اذیت مار و کژدم در شام سه
مرتبه بخواند و دست بر هم زند هر جا که صدای دست برود
گزندگان از آنجا ضرر نتوانند رسانید افسون این است
بستم دهان مار نیش عقرب بستم نیش دم این همه بستم
بر نوح نبی سلام کردم بستم شجّ قرنیا قرنیا قرنیا
بستم بستم بستم   در قاعده کشتن مار خانگی حضرت
رسول فرموده‌اند هر که مار را بکشد چنان است که کافری را
کشته باشد و هر که مار را بکشد از ما نیست و اما از مارهایی که
در خانه‌ها باشند تا سه روز نکشید و این دعا را بخوانید و اگر او را
نه بیند فبها المراد و اگر او را دیدید بکشید انشدکن بالعهد
الذی اخذه علیکن نوح و سلیمان ان لا تبدوا لنا
ولا تؤذونا   ۳   در افسونات بستن دم مار و عقرب و کژدم
آنها از آنجمله دعای حضرت سلیمان است چهار مرتبه بخوانند ما

هو آخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم   در محفوظ
بودن از مار و عقرب از حضرت روایت شده از برای دفع ضرر
مار و عقرب این دعا بخوانید بسم الله و بالله توکلت علی الله
و من یتوکل علی الله فهو حسبه ان الله بالغ امره اللهم اجعلنی
فی کنفک و فی جوارک و اجعلنی من حفظک و اجعلنی فی امنک
هر که خواهد از ضرر مار و عقرب ایمن باشد در هر شب بگوید
سلام علی نوح فی العالمین انا کذلک نجزی المحسنین
انه من عبادنا المؤمنین و خشعت الاصوات للرحمن فلا
تسمع الا همسا و عنت الوجوه للحی القیوم و قد خاب من
حمل ظلما   جهت دفع ضرر مار و عقرب در وقت خوابیدن
سه مرتبه بگوید اعوذ برب السماوات السبع من کل عقرب
و حیة سلام علی نوح فی العالمین انا کذلک نجزی
المحسنین اعوذ بکلمات الله التامات من شر ما
خلق   جهت ضرر مار و عقرب در وقت خواب بگو اعوذ
برب السبعة من شر کل عقرب و حیة شجّ قرنیة قرنیة
قرنیة سلام علی نوح فی العالمین سلام علی ابراهیم
سلام علی محمد و آل محمد عقدت حمة کل عقرب و حیة و

وارد

بر مار بخوانی بر الستد و زبان خود را بیرون آورد چون چنین کند
کند او را بگیرد که مار بر او اذیت تو نباشد بسم الله الرحمن الرحیم
سلیمان نوح او ای داخ اخ وما سکه و ملائکه اسو سو ا
امارو یا مارو ارای هوی افوادای بر بیم هند ها بسته شد
خاتمه و بالله خاتمه   در گرفتن مار چون سوره لا اقسم را بر
مار بخواند بر جای خود خشک شود   در بستن راه مار اگر کسی
ماری ببیند و با آن مار بگوید ای مار بحق موفی جمید بجای بمرد
آن مار بجای نخواهد رفت   در افسونات گرفتن عقرب
چون بخواند عقرب را بدست بگیرد او را نگزد و اگر بگزد
آزار نرساند بسم الله و بالله و باسم جبرئیل و میکائیل
کانی مکانی مری پوادی فیثی والی مزن الحافر شنام
شنام شنام را بشام اهو زاهو زاهی و ملطا
انا الراقی و الله الشافی   حب گرفتن عقرب سه
مرتبه بخواند و بگیرد طل طل طل کل کل کلی اقسمت
بموسی کلیم الله لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم
ایها العقرب اسکن بسمك فی صدرك سکن ملائکة
فی بیت الله المقدس سلام قولا من رب رحیم املا اهس

بهمن بود

بهمن بود   گرفتن عقرب بخواند و بدمد و بگیرد پونون
جا فون را بینه کف   حب گرفتن عقرب سه مرتبه
بخواند و کف کند و بگیرد   اوتی کباکب الفلکا یا نوح
یا نوح یا نوح کف   چون عقرب را به پیرحه از دور چه
نزدیک سه مرتبه این سطر را بخوان و بجانب او بدم پس چون
نزد او برسی خاک شده باشد چل پل چلا کی پیلا چکر
چاکی کف کف   در بیان اعمال کافیه مجربه
در بستن دست دزد و پیدا کردن دزد و مبتلا ساختن دزد
و غرایبات طلسم گذاردن شده و ترکیب حرف و فات دره ملکونه و
خلاصی از زندان و طول عمر و باطل نمودن سحر و نماز دولت اعرابی
و گذاردن نماز حضر مشتمل است بر ده فصل از قرار فهرست و رق
در بیان اعمال عقد ارق یعنی بستن دست دزدان
در کتاب بحر المنافع آورده اند هر که در شب یکشنبه چون سه
شبها بجهد در همان هنگام جستن شبها پیش از آنکه بجائی
بپوندند در ریسمانی یا پارچه گرهی بزند به نیت بسته شدن
دست دزد آنرا در خانه یا مزرعه یا انبار بر چهار جانب
او را چیزی گرفته باشد در یک جانب از مکان آن گره را

یا چوبی یا چیزی بدارد هر که در انجا بدزدی اید دستهای او
بسته باند . درهیدا کردن دزد بگیر انگشتر نقره و ببندد
در حلقه ان ریسمان باریکی بقدر یک شبر و حاظر کن طاسی در
ان اب باشد پس دیز انگشتر را در ان طاس ببر ته ان طاس
نرسد و سر ریسمان در دست تو باشد بعد ازان حاظر کن دزدان را
و در پیش روی او نام او را ببر بگو یا رب ان کان فلانا سارق
فلتحرک هذا الخاتم یا بفارسی بگوید خداوندا اگر فلان شخص دزد باشد
پس باید حرکت بکند این انگشتر تا اراده تو بعد ازان بخوان حمد
و معوذتین و ایة الکرسی هر یک هفت مرتبه پس اگر ان شخص
اسم او را برده دزد باشد انگشتر بحرکت خواهد امد بنحوی که
بر هر پهلوی طاس بخورد و اگر انکه گمان دزدی باو داری حاظر
نباشد بنویس ان اسم را در زیر طاس بگذارد کافی است
اگر این ادعیه را در روز چهارشنبه بر کاغذی نویسد در
بال راست خروس بندد و خروس را در زیر در زیر طشتی کند
در ان مکانیکه که گمان دزدی دارد بگوید یکیک دست بر
ان طشت زنند چون دزد دست بزند خروس بانگ کند
یا کافی کل شیء لما خلق من عطایا فضله سبحان الله بالغدو

والاصال اینرا یه کریمه را بنویسید با این طلسم و اسم
انکه باو گمان دارد در تحت ان بنویسید و بعد ازان در خمیر کرده
هر یک را باسم هر کس که نوشته بدست صاحب دهد پس طشتی را
پر اب کند و در میان گذارد و امر کند هر یک خمیر خود را
در اب اندازد هر کس که دزد باشد خمیر او در روی اب اید این
این ایت السارق والسارقة فاقطعوا ایدیهما جزاء بما
کسبا نکالا من الله والله عزیز حکیم طلسم مبارک
این ایت ااااع بحی له لی لا لا لا بو م ااا ع
اااع سلما ٨ ٧ ٤ لا ص و لا اا ٩ اا ٩ اا ٥ اا کد
اگر چیزی دزدیده باشند پاره خمیر ارد جو بیاورد و نام هر که
اهل تهمت باشد یکان یکان بر کاغذ سفید جدا جدا بنویسند
و هر یک را در میان گلوله خمیر نهند و ترازو مثقالی بیاورد
و همه را برابر یکدیگر موازنه کنند که زیاد و کم نباشد انگاه
طشتی بیاورد و پر اب کنند و ان گلوله ها را در اب افگنند هر گلوله
که در سر اب ایستد و در اب فرو نرود بر اورده ببیند که نام
کیست بیقین بداند که دزد همان است و ایه که بکاغذ باید نوشت
این است و اذ قتلتم نفسا فادارءتم فیها والله مخرج

ما كانوا تكتمون فاذا قيل لهم اركعوا لا يركعون
بجهت دنو بر پاره نان نويسد بكسى كه گمان دنوى داره
بدهند تا بجوند اگر دنو باشد گلوگير ماند و فرو نرود
آيه اين است اذ القلوب لدى الحناجر كاظمين من حميم ولا
شفيع يطاع يتجرعه ولا يكاد يسيغه و يأتيه الموت
من كل مكان و ما هو بميت و من ورائه عذاب غليظ مثل
الذين كفروا بربهم اعمالهم كرماد اشتدت به الريح في
يوم عاصف لا يقدرون مما كسبوا على شيء ذلك هو
الضلال البعيد   از حضرت امام جعفر الصادق عليه
السلام منقول است كه بجهت دنو اين شكل را بر كاغذى
نويسد و بر بالاى طبق چوبى يا سر تولم چوبى كذارد و ميخ
آهنى در ميان آن فرو برد و بنياد خواندن سوره يس كند تا آخر
كريم بخواند و سوره اذا زلزلت را بر دور آن طبق بنويسد
و اين اسم صاحب مال را نيز بر آن بنويسد و نام هر كس جدا جدا بر
بالاى آن طبق يا تخته كذارد و دو نفر آن ميخ را بدو انگشت خود
نگاه دارند شكل اين است و طلسم اين است
كلام ١١١ ٢ ٧ ١١ ١ ٨ ٨ ١١   ٨ ٢ ١ ٣ ١١ ٣ ١١ ٧ ١١١ ٣

حت

جهت دنو اين آيه را بر پاره نان نويسد چون دنو بخورد
در گلوگير ماند و نتواند فرو برد آيه اين است لقم اول يحلفون
على الكذب و هم يعلمون ٢ فلولا اذا بلغت الحلقوم و انتم
حينئذ تنظرون ٣ لمن شاء منكم ان يستقيم و ما تشاؤن
الا ان يشاء الله رب العالمين   بجهت اگر دزد و دنو
هر كس گمان دارد بر كف دست او بنويسد قل جاء الحق و زهق
الباطل ان الباطل كان زهوقا و مقدار هفت مثقال آب گندم
در كف دست او كند و سوره يس و سوره والضحى بخوانده باشد و بگويد
كه آب و دهن خود آن را خمير كند اگر دنو باشد آب در دهن او
نخواهد بود نتواند خمير كند رسوا شود   اين شكل را بر كف
دست كسى نويسد اگر دنو باشد آب از چشم او بيرون آيد اين است
فسسهله بطهمه بعه بلح ١٣
بنويسد بر قطره و بكسى دهد كه گمان با او دارد اگر دنو باشد
گلوگير كند ان لدينا انكالا و جحيما و طعاما ذا غصة و عذابا
اليما يتجرعه ولا يكاد يسيغه و يأتيه الموت من كل
مكان   بنويسد بر نان و بخورد كسى دهد كه گمان دنوى
دارد در گلوگير كند قالوا اتعجبين من امر الله رحمة الله

وطعاما

[illegible]

وبركاته عليكم اهل البيت انه حميد مجيد   اين دعا را
باسم هر كسى كه گمان داشته بنويسد و بخمير گيرد و در ميان اب اندازد
و اگر در بالاى اب ايستاده انكس دزد بود لعظمة الله تعالى ولو
كره الكافرون   اين دعا را بر كاغذ نوشته بر گردن گوسپند
ببندد بان جماعت كه گمان باشد ببرد بگويد تا دست بر
گوش گوسپند نهند هر كس دزد باشد گوساله فرياد كند ان الذين
اتخذوا العجل سينالهم غضب من ربهم وذلة في الحيوة
الدنيا واطمانوا بها وذروا الذين يلحدون في اسمائه
سيجزون بما كانوا يعملون   اين طلسم را بنام كسى كه
گمان دزدى باشد داند بنويسد با نام مادرش و نام هر يك را
جدا جدا بخمير گيرد و جمله را در طاس اندازد هر كه دزد باشد نام او
بر روى اب ايستد لاح عما حال يح يح   اسامى كسانى را
در مظنه باشد دانه در گلوله خمير كه همه مساوى باشند
جاى دهند و در ظرف اب اندازد و اين ايه را بخواند اسم
دزد بر روى اب خواهد امد واذ اسر النبي الى بعض ازواجه
حديثا فلما نبات به واظهره الله عليه عرف بعضه واعرض
عن بعض فلما نباها به قالت من انباك هذا قال نبأني العليم

الخبير

الخبير   اين اشكال را بر نان نويسد و بكسانى كه مظنه
دارد بخوراند اگر نخورد دزد است اگر بخورد دزد نيست
ههاع ااا هله مسو مسوح مطامع سلعااا ص الصباح
سوح بحهع   اين اشكال را بنان نويسد بخورد
كسى دهد كه گمان دارد از حلقش فرو نرود عح عح عح عح عح عح
عح لح لح هو هو حهه لله عمر الا ح ح كبوه
ععع
مكر على كر احمين   اين دعا را بر نان بخوانند و بشخص
متهم بخورانند اگر دزد باشد گلوى او بگيرد بسم الله وبالله
والى الله ولا غالب الا الله ولا حول ولا قوة الا بالله
اهيا اشر اهيا اهيا   قدرى ارد خمير كند اين دعا را و نام اهل
تهمت را و نام مادرش را بنويسد و در ميان خمير گيرد و در طاس اب
اندازد نام هر كه بر روى اب ايد دزد باشد با شمعون بسم الله
الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين
ولا عدوان الا على الظالمين   اين حروفات را نوشته
در زير بالين خود گذارد بخوابد دزد را در خواب ببيند ح لاح
عاحال يح يح   بنويسد اين كلمات را بر كف خود بخور كن
بود مصطفى و بگذارد دست خود را بزير سر خود بخواب برد

بر سینه شخص سارق است بخواب در زیر آید پیک فیقوش
مقش ملاش مقرش   نسخه ملا مهدی نراقی مجرب
شده بجهت دزد با وضو درخت پاک بر کف دست راست
الله بنویسد و کف دست راست را بر طرف صورت راست
گذارد و رو بقبله بخوابد مانند آنکه مرده را در قبر گذارند
رو بقبله بخوابد و باید چشمها بحروف باز باشد من هبط
من هبط الی الاسمیة وعدها ابو كل من
وهو لای در عالم خواب آوازی بگوش او رسد که فلان کس
همان اسم را در خواب شنود دزد صاحب همان اسم است
دیگر بجهت پیدا کردن دزد بنام هر که گمان دارند
جدا بر کاغذ بنویسد با این دعا در میان خمیر گندم نهد دم ترازوی
مثقال برابر کشد و ظرفی پر از آب کنند و جمله را در میان
آب افکنند هر نامی که بر سر آب آید دزد همان است دعا این است
بسم الله الرحمن الرحیم انك انت علام الغیوب ما قلت
لهم الا ما امرتنی به فانت تعلم السر واخفی بنام فلان ابن
فلان   اخراج السارق یکتب علی الاصابع الخمس الذی
یطلون علیهم فمن علم فهو سارق یکتب علی الابهام کلسلح السبابة

علسلح

علسلح الوسطی طلسلح الخنصر ماطلسلح البنصر
لمسکلسلح وعلی الکف معاذ الله ان نأخذ الا من وجدنا متاعنا
عنده انا اذا لظالمون   جهت پیدا کردن دزد از اشخاص

[illegible]
مجرب است

اهل منزل را حاضر کرده اند و قرص نانی بپز و در این آیات را
در پشت نان نویسد و بایشان دهد تا بخورند هر که دزد بود نتواند
خورد ان لدینا انكالا وجحیما وطعاما ذا غصة وعذابا
الیما یوم ترجف الارض والجبال وكانت الجبال كثیبا مهیلا انا
ارسلنا الی فرعون رسولا فعصی فرعون الرسول فاخذناه
اخذا وبیلا   پیدا کردن دزد اول باید بهر کس که
گمان دارد مسمای آن را بنویسد یکان یکان در بالای این
طلسم بگذارد و این سوره ها را در میان مصحف گذارد و مصحف را
در بالای ابریق آب نرسیده گذارد و هر دو طرف ابریق را باید دو انگشت
بگیرد و نیت چنین کند که الهی بحرمت سید المرسلین و امیر
المومنین علی بن ابیطالب این شخص اگر مال فلان کس فلان
چیز را برده است این ابریق بگردد و سه بار صلوات بفرستد
و این آیه را بخواند وعنده مفاتح الغیب تا فی كتاب مبین
بعد از آن سوره مبارکه یس را تا یبصرون بخواند البته ابریق

بنام دزد بگردد و دعا طلسم با اسم دزد باید در میان آن بگذارد

این است یا الله المحوی فی کل فعاله یا کهیج یا کهکهیج ه ااا ع

طریقه دزد پیدا کردن سوره مبارکه یس را اااا م ه

بر طشت مس یا قلع بنویسد و با آب حوض سرپوشیده محو سازد پس

آن آب را در میان طشت بجوشاند و قدری آرد گندم با اسم جمعی

که گمان دارد بر دارد و با آن آب خمیر کند و برای هر دزدی قدری

از آن خمیر جدا کند و با ایشان دهد تا بخورد پس هر که دزد باشد خوردن

آن خمیر قادر نباشد و دهنش حرکت نکند — در پیدا کردن

دزد این آیه را بر لقمه نان نویسد و بکسی که گمان دزدی

دارد بدهد تا بخورد دزد گلوگیر بکند اول بسم الله کلا ان

یخفف عنکم وخلق الانسان ضعیفا دوم الان خفف الله

عنکم وعلم ان فیکم ضعفا سوم ذلک تخفیف من ربکم

ورحمة — جهت پیدا کردن دزد بهر کس گمان دزدی دارد قدری

آرد خمیر کند و این آیه را بر کاغذ نویسد و اسم آن شخص و مادرش و

پدرش را در پشت آن کاغذ نویسد و آن کاغذ را در میان

خمیر بگیرد و در آب اندازد هرگاه بر سر آب آید دزد همان باشد

واذ قتلتم نفسا فادارئتم فیها والله مخرج ما کنتم تکتمون

محمد هدا

جهت پیدا کردن دزد بهر کس گمان میرود قدری آرد خمیر کند

و این آیه را بر کاغذ نویسد و اسم آن شخص و مادرش و پدرش را

در پشت آن کاغذ نویسد و آن کاغذ را در میان خمیر بگیرد و

در آب اندازد هرگاه بر سر آب آید دزد همان باشد واذا

قتلتم نفسا فادارئتم فیها والله مخرج ما کنتم تکتمون

جهت پیدا کردن دزد دو نفر رو برروی یکدیگر بنشینند و انگشت

سبابه خود را بگردن آفتابه بند کنند و نگاه دارند و اسم آن شخص را

که گمان دزدی باو دارند با اسم مادرش نوشته در روی دسته آفتابه

بگذارند و قاری سوره یس را تا فی المکرمین بخواند با اسم دزد

آفتابه بگردد — جهت پیدا کردن دزد قدری آرد جو را در کف

دست کسانیکه گمان دارند بگذارند و این آیه را که در سوره

ابراهیم است بر پشت ایشان بنویسد و بگویید که باید دهن خود خمیر

کنند هر کس نتواند خمیر کند همان است اما اول برار دها (?)

سوره یس بخوانند واستفتحوا وخاب کل جبار عنید من

ورائه تا عذاب غلیظ — جهت پیدا کردن دزد بنویسد

این نامها را بر گردن خروس سفید بندد در زیر طشت بنهد

و آن کسان دست بر طشت زنند هر کدام دزد باشد خروس بانگ زند

[illegible]

کند و منقار بر طشت زند هصلحلیح بعصلحلیح معمه

ماهس م ے فوهل ۲۲۲ با سم کم شده ۲۲۲

پ ورد ابریق اب بدهد و قدری اب در ابریق کند

واین ایه را در لوله ابریق گذارد و اسم کسیکه گمان دارد دزد است

ابریق گذارد و دو کس با وضو بر سر انگشت سبابه گلوی ابریق را

گرفته و قاری بگوید اعوذ بالله من الشیطان الرجیم و سوره

یس را بخواند نام دزد بگرداند السارقة والسارق فاقطعوا

ایدیهما جزاء بما کسبا نکالا من الله والله عزیز حکیم

در بلا گرفتار کردن دزد این بر چند نوع است

نوع اول در تزلزل انداختن و متحیر ساختن دزد بنویسید این

سوره را در چرخ زنان بندد و چرخ را واژگونه بگرداند

و بگوید حیرت سارق مال ۲۲۲ حیرت تحیرت بعد از ان

زمین خانه که مال از انجا برده اند بقدر دو ذرع گود کنند و سنگ

هموار در ته ان نهد و این سوره را در روی ان سنگ گذارد و سنگ

گرانی دیگر بر روی ان نهد دزد متحیر شود و از ره بر او افتد

و مال را بیاورد و در مکانش گذارد و سوره را باید بر چرخ بندد

و در میان گود در زیر سنگ گران گذارد این است بسم الله الرحمن الرحیم

الم تر کیف

الم تر کیف فعل ربک باصحاب الفیل الم تر کیف فعل ربک

بسارق متاع ۲۲۲ الم یجعل کیدهم فی تضلیل الم تر کیف

فعل ربک بکید سارق متاع ۲۲۲ جعله فی تضلیل

وارسل علیهم طیرا ابابیل یرسل الله علی سارق متاع

۲۲۲ طیرا ابابیل یرسل الله علی سارق متاع فی ۲۲۲

طیرا ابابیل ترمیهم بحجارة من سجیل یرمی الله علی سارق

متاع ۲۲۲ بحجارة من سجیل فجعلهم کعصف ماکول یجعل

سارق متاع ۲۲۲ کعصف ماکول اللهم انک نبی بر ک و

البحر بحرک والسهل سهلک والجبل جبلک والارض ارضک

والسماء سمائک ان تضیق الارض علی سارق متاع

۲۲۲ حملک وعلمک اضیق من حلقة الخاتم انک علی کل شیء قدیر

جهت درد چشم ساختن سارق مربعی بکشد در خانه عراض

بنویسید و قفر را بگیرد و ارض کم کند خانه اول را ۵۸ سا بعد الان

سوزنی از پشت مربع در چشمه ص فرو کند و بسیکی بگوید خانه

روی مربع بر زمین باشد فی الفور دزد را در چشم عارض شود

انچه دزدیده تا پس ندهد خلاص نشود شکل مربع این است

٨٢	٨٥	٨٨	٧٥
٨٧	٧٦	٨١	٨٦
٧٧	ص	٨٣	٨٠
٨٤	٧٩	٧٨	٨٩

دیگر در بستن بول

و غایط وزد انرا ه وطلسم را بر کاغذی نویسد و در جای پاکیزه نهد
و در کوزه ای گذارد و گل بر سر ان ریزد چون گل بسته شود بول و غایط
دزد بسته گردد وجاءت سکرة الموت بالحق ذلك ما كنت منه تحيد
و نفخ في الصور ذلك يوم الوعيد عقدت بول و غایط سارق
مال ۲۲۲ بحق هذه الايات و غضب الله عليهم واعد لهم عذابا عظيما عقدت
و ربطت بول السارق بحق هذه الطلسم المبارك ۱۹۲۱۱ ط۱۱ح ه٥ ح

در بستن بول وزد میگیری ۱۱ط۱۱۱۱م ۸ ط ۱۱

بول دان کوزه نو را که در ان آب دخیره میکرده اند از کش فات د
بکذاری اتفاقا بران بتابد و بنویسی ان دعا را بر کاغذی در مابین
نماز شام و خفتن میگذاری ان کاغذ را در میان ان بول دان
و بعد از ان باز میکنی در ان بول دان در حالتیکه ان دعا در میان
ان باشد و میگوئی نقشت جمیعا بدن سارق متاع ۲۲۲ و بطنه
فرجه و عصبه و قوته و بعد از ان می بندی ان بول دان را
با تار ابریشم سبز یا سرخ محکم و بعد از ان نسترد و نیاید و می
اویزی انرا در افتاب در ان خانه که چیزی از انجا دزدیده اند
انچه بر کاغذ نویسی این ایات بسم الله الرحمن الرحیم او کالذی
مر على قرية وهي خاوية على عروشها قال انى يحيى هذه الله بعد

موتها

موتها فاماته الله مائة عام كذلك يميت الله بول و غایط
سارق متاع فلان بن فلان من جميع عروقه و بدنه و عصبه و ذكره
و فرجه و فروجه و جميع مسامه حتى لا يستطيع هربا و لا مخرجا و لا بول
و لا غایط و لا يتنفس و لا اكل و لا شرب و لا قعود و لا قيام لا في
الليل و لا في النهار بالسبع المثاني والقران العظيم والذكر الحكيم
و بطه و يس والحواميم والم والطواسين و بالتورية والانجيل
والزبور والقران العظيم وانه لقسم لو تعلمون عظيم انه لقران كريم
و بحق هذه الاسماء الاعظم والقسم المكرم ۱۱۱ ۱۱۱۱
۱۱۱۱ محمد ۹۱۸۱۱۱۴۱۱۱ ع و بحق يمليخا مكسلمينا
و مرطونس و نواس و از بطالس كشفيطط و نس قطمير

در درد شکم دزد خواجه نصیر طوسی منقولات بنویس این
شکل را بر پاره نان در روز یکشنبه و در میان سنگ بگذار ان
سنگ را بر کن سر شکم را محکم ببندد بران دزد درد شکم
مستولی شود بهیئتی که بیم هلاکت باشد
۹۱۰۳۰۲۱۱۱۰۱۰۱۰۱۰ع۹۱۰۲۰۰

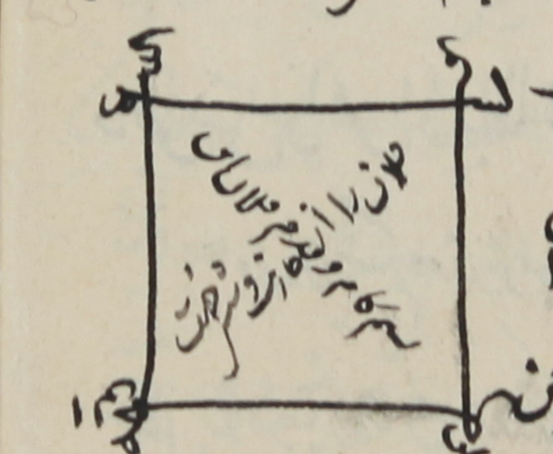
در بستن بول دزد ۰ع۰۱۴۰ع ۴۰۲۰۲۰ ع و

بهر کس که گمان داری که دزد است نام او را با نام مادر او عدد بگیر
بحساب ابجد و با این طلسم در پاره جامه کهنه ببندد اگر انکس دزد باشد

بسته شود شرط اعتقاد کامل وبا وضو وطهارت انچه دزدیده اند
واپس دهند طلسم این است

عقد	الطهر	سجی	~
وکوری	[illegible]	وسواه	کرهم کل
[illegible]	لااکب	لدیه	تهب
ولوه	وحی		

چون خواهی دزد را
برزمین ببندی نتواند از
از جای برخیزد چوب اورد میخ چهار پهلو و بر یک پهلوی ان بنویسد یس
والقران الحکیم بر پهلوی دیگر ص والقران بر پهلوی دیگر ق والقران
بر پهلوی دیگر کهیعص ان میخ را بر زمین کن و سه مرتبه سوره ملک را
بخوان دهان دزد برزمین بسته شود چون خواهی کام کسی را
از راه ببندی این طلسم را بنویس بنام انکس و در سر راه انکس دفن
کن کام او بسته شود و طلسم این است

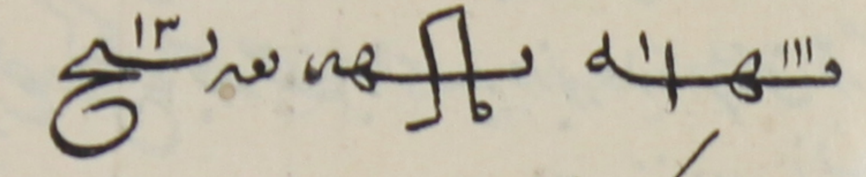


جهت حبس کردن بول بگیر بول انسان
که نقدان و پاک بشوی و بر او کن
و این شکل را بر او بنویس و بساز تا خشک شود بنام هر کس
خواهی بولش بسته شود تخیشا تمعشا حلمسال ملمسال

ک ح ۰ ۳ ۴ ۴ ۲ ۱ ۰ ۱۱ ۰ مقد بول ۲۲۴ جهت
حبس بول سارق یا فاسق سوره کوثر را بر پوست تخم مرغ بنویسد و بر قطعه
جامه انکس بپیچد بنام او و ما در شر و در اب اندازد مجرب است

چون

چون این شکل را بر کف دست کسی بنویسی اگر انکس دزد باشد
بگریه افتد بی اختیار اب از چشمش روان گردد بی اشکال



در طاس گردانیدن بجهت مال دزد برده و براه انداختن طاس
بمکانی که مال را دزد برده و در انجا گذاشته است چوبی از گل
سرخ بیاورد و سر ان چوب را چهار پهلو تراشد و در هر طرف
ان چوب بنویسد اجیبوا داعی الله و دو پاره چوب دیگر را که
هر یک یک گز بوده باشد چهار پهلو تراشد و در هر طرف ان چوب
بنویسد اجیبوا داعی الله و بیاورد طاس مسی را نقش داشته
باشد و بنویسد سوره اذا زلزله مدور در ته طاس بعد از ان
دو نفر طالع بازی را حاضر کن که طاس را بگیرند و ان دو پاره
چوب نوشته را در ته طاس اندازد و چوب گل در دست گیرد و شروع
در خواندن عزیمه کند بسم الله الرحمن الرحیم هو الله الذی لا اله
الا هو الرحمن الرحیم ملکه و ملکه و سلطانه و سلطانه یا
غالب الرحمن یا موسی بن عمران و بحق سلیمان بن داود طرنوش
فرنوش جاوزا اهیا شراهیا و راهیا یا معشر المسلمین
شما را راستا بنید شما را پاکا بنید شما را نیکا بنید شما را ایمان

بنجد او رسول دارید باب ۲۲۴ را از این نزل برده اند بهر مکان
کذاشته اید مجری سازید و پوشیده ندارید بحرمه نقش سلیمان سبّوح
قدوس کهیعص کهکهیج بحرمه صحف ابراهیم و زبور داود و فرقان محمد
جره الطاس علی الطریق الشارق و الساعة فانفلق البحر فکان
کل فرق کالطود العظیم و بحق بدوح الاسماء الاعظم جره یا طاس
بحق لوشر طاس طوشر انیغوا اطوشر قدشوشر وددود یا ودود

در طریقه طاس براه نمودن و روانه کردن باید در طاس
دمشقی سپ ورد و سوره اذا زلزله را هم در ورته ان نویسد و ابجوا
داعی اله را هم عدد بنویسد و سپ ورد و پاره چوب کل هر یک
بقدر چهار مل باشد و بر چهار طرف ان نویسد اجیبوا داعی اله
در میان طاس اندازد و دو نفر را سپا ورد و طالع ایشان آبی
باشد یا سنبله یا میزان یا دلو باشد بر کف دست ایشان
بنویسد اجیبوا داعی اله ~~درمیان طاس اندازد~~ و بر لب طاس هم
بنویسد اجیبوا داعی اله و در زیر دست ایشان و بگوید این دو نفر
طاس را بگیرند و سپ ورند و چوب کل راه بقدر یک گز زرع باشد
و سر ان چوب را چهار پهلو تراشد و بنویسد اجیبوا داعی اله
و چوب کل را در دست گیرد و شروع در خواندن عزیمه کند عزیمه اینست

بسم الله الرحمن الرحیم اجیبوا داعی الله فامنوا بطلا
عنوش بشلا بیغوشر ارهوشر جادرا اهیا شراهیا براهیا
طهطروشر زدورا باسمو ابحق ایا طاس فی وجه الارض
جر علی الطریقه بالشارق او بالسارق ملکه و ملائکه و
سلطانه و سلطانیه و عزه و عزته و جلاله و جلالیته و هیبته
یا غالب الرحمن یا موسی بن عمران فانفلق البحر فکان کل
فرق کالطود العظیم جر الطاس جر الطاس جر الطاس
بعد از آن بگوید شما را راست اینید شما را پاک اینید شما زنکاتنید
هر فرقه را هستید حاضر شوید و بکشید این طاس را بحق
نقش خاتم سلیمان ابن داود و اگر طاس کیر کند بگوید اهدنی
یا هادی لو انزلنا هذا القران علی جبل لرایته خاشعا متصدعا
من خشیة الله و تلک الامثال نضربها للناس لعلکم یتفکرون
هو الله الذی لا اله الا هو عالم الغیب والشهادة هو الرحمن الرحیم
هو الله الذی لا اله الا هو الملک القدوس السلام المومن المهیمن
العزیز الجبار المتکبر سبحان الله عما یشرکون هو الله الخالق
البارئ المصور له الاسماء الحسنی یسبح له ما فی السموات والارض
و هو العزیز الحکیم و چون این اعمال را درست بجا آورد طاس روان

واگر پشت شود اید اگر پاره را نهد منیح را قدری سخت تر فرو برد
در حال چشمش چنان بدر آید که فریاد زند و چون پاره را اید که
منیح را از چشم پشت کن تا چشمش خوب شود

در خواص حروفات دره مکنونه و آن حروفات یازده است
اب ت ث ط ظ ف ك ل لا ي از جمله خواص این حروف
آنست که اگر کسی را در اعضایش دردی بهم رسد مثل صداع و ورم
و نزله و سینه و شکم یا غیر آن باید که حرف اول از اسم عربی
آن عضو را بگیرد و در میان این حروفات یازده گانه ممزوج کند
مثلا درد چشم حرف اول آن عین است و درد سر که اول آن
بعربی سین پیدا شد و علی هذا القیاس و سایر اعضا نیز بدین گونه
امتزاج دهد مثلا چون خواستم که بجهت رمد امتزاج دهیم حروف
اول او که عین است با حروفات یازده گانه چنین امتزاج دادیم
اع بع تع ثع طع ظع فع كع لع لاع يع
بعد از امتزاج ترکیب نمودیم بدین مثال اعبع تعثع طعظع
فعكع لعلاعيع اما بعد از امتزاج و ترکیب نموده شد آن را
تعویذ کند و از سر صدق و صفا در همان عضو ببندد یا او بزد
یا در ورد ران گذارد که فی الحال صحت یابد و اگر خواهد اعمال محبت کند

شود انشاء الله تعالی

در طریقه طاس روان کردن در میان
طاس سوره اذا زلزلت تا آخر بنویسید بعد الان بنویسید
ایطاس برو بر سر کسی که ۲۲۲ در دیده اند راست برو و غلط
برو و باید که یک نفر در طرف راست طاس سوره یس را تا فهم
مقیمون بخواند و یک نفر دیگر در طرف چپ طاس از اول بر
الانسان تا آخر سوره بخواند و معزم سوره طه بخواند طاس حرکت
کند و جاری شود باید که دست بر دارد تا خود برود بعد الان
عزیمه که سابق ذکر شد بخواند که روان بود بر بال

دزد آوردن چشم سارق جماعتی که بر ایشان گمان داری
حاضر کن در یک خانه و قدری اسفیداج فرنگی و سفیده تخم مرغ
بهم حل کند والان یک چشم او بر نقش کن بر دیوار بدین
مثال ◎ و این کلمات را بر بالای چشم بنویسد سلام الله
سخاص ۲ ۱ ۳ ده ه ۲ صد سللع این کلمات دیگر
را در یک خط سه مرتبه در بالای چشم بنویسد اما این او قلو
پس یک مرتبه میخ آهنی را بر مردمک دیده گذارد و قدری
بنجر اشر را بجماعت بگو تا بر آن چشم نظر کنند هر یک که
دزد باشد چون بر آن چشم نگاه کند چشم دزد درد آید

والله بیرون

باید در اسم طالب و مطلوب را بهمین قاعده امتزاج داده ویرک
کند در ساعت سعد ومعطر کرده با خود دارد یا در مکان
پاکیزه حفظ کند و در عمل عداوت ملاحظ ساعات نحس نماید
و بصبر بخور کند و در مکان تاریک یا در مقابر قدیم مدفون سازد
تا مقصود حاصل گردد   در نجات از زندان مرویست
شخصی را بزندان می بردند بر دیواری گذشت که بران نوشته بود
این کلمات آن شخص در خاطر گرفت و خواند به برکت آن نجات یافت
و در مراجعت نزد آن دیوار آمد آن نوشته را ندید و آن نوشته
این بود یا صاحبی فی شدتی یا عدتی فی کربتی
خلاص از زندان بگو لا اله الا الله الملک الحق المبین
جهت خلاص از زندان این دعا را شنید محبوس از هاتف پس
خواند سه مرتبه خلاص شد یا من لا تراه العیون ولا تخالطه الظنون
ولا یصفه الواصفون ولا تاخذه سنة ولا نوم اجعل لی من امری
فرجا و مخرجا یا غیاث المستغیثین یا ارحم الراحمین
خلاص از حبس و زندان این دعا را بسیار بخواند اللهم انی اسئلک
العفو والعافیة فی الدنیا والآخرة   خلاص از زندان در
شکم ماهی شیخ بهاء الدین علیه الرحمه ذکر شده هزار مرتبه با وضو این دعا را
بخواند

بخواند مجرب است یا خالص یا مخلص یا خلاص ایاک نعبد و ایاک
نستعین   جهت خلاص از زندان ذکر ظالم روزی صد مرتبه
این دعا را بخواند نجات یابد بنجاة منک یا سیدی الکریم نجنا
و خلصنا بحق بسم الله الرحمن الرحیم   جهت خلاص شدن از زندان
در شب با وضو سه هزار مرتبه این اسم را بخواند صبح خلاص شود
یا قیقوش قوش   جهت نجات یافتن از زندان در روز
با وضو سه هزار مرتبه این اسم را بخواند   این مثلث را در روز
دوشنبه هنگام طلوع آفتاب یا ساعت هشتم همان روز بنویسد
در زندان دفن کند زندانی بزودی خلاص شود این است

٢٧

٢	١٢	٣
٥	٢	١٣
١٥	١	١١

اگر کسی را بکشتن می برند این مهرها را
نوشته و در زیر زبان نگاه دارد از کشتن و زندان بردن و
نفی و سیاست محفوظ گردد یا سلیخوثا یا مصدا اهیا
هو الله   بجهت نجات یافتن زندانی عدد آیه لا اله الا انت
سبحانک انا کنت من الظالمین فنجینا المومنین را گرفته این عدد باشد ٤٨٩٤
و در مربع بنگارد و نگاه دارد   این آیه را از سوره یوسف
اذ قالا و دخلوا انه علیم حکیم نوشته در بازوی محبوس ببندد محبوس را
در عقب نماز فریضه پنجگانه مداومت بر خواندن این آیه نماید بزودی خلاص شود

جهت خلاص زندانی این مربع را بکشد و با خود نگه دارد و تاکید
بی نمود در خلاص شدن خدا از قید حبس و زندان باین مربع تقصر
میکند و مربع ان است

۵۵۹۰۶	۵۵۹۰۹	۵۵۹۴۳	۵۵۹۴۶
۵۵۹۶۱	۵۵۹۸۰	۵۵۹۵۵	۵۵۹۶۰
۵۵۹۵۱	۵۵۹۴۳	۵۵۹۵۷	۵۵۹۵۳
۵۵۹۵۷	۵۵۹۵۳	۵۵۹۵۳	۵۵۹۶۳

جهت خلاص از زندان
این طلسم را بنویسد و بر محبوس بندد

۵۵۹۵۶	۵۵۵۵۹	۵۵۹۶۳	۵۵۹۴۹
۵۵۹۵۱	۵۵۹۸	۵۵۹۵۵	۵۵۹۶
۵۵۹۵۱	۵۵۹۶۳	۵۵۹۵۷	۵۵۹۵۶
۵۵۹۵۳	۵۵۹۵۳	۵۵۹۵۳	۵۵۹۶۳

و این دعا را مکرر محبوس بخواند به زودی از حبس خلاص شود و
دعای مذکور این است

۴۸۰	۳۴۳	۱۸۳	۱۹۷	۳۹۴	۱۶۱	۱۸۳
۲۸۷	۱۶۳	۴۹۳	۳۴۵	۳۱۱	۱۸۳	۳۹۳
۳۴۴	۲۸۳	۳۱۲	۱۶۳	۱۸۳	۳۹۷	۳۳۳
۴۹۴	۱۸۳	۱۹۰	۳۱۰	۳۸۶	۳۴۷	۱۷
۱۶۱	۳۹۵	۱۸۵	۳۴۷	.	۳۹	۹۳

یا من لا یعلمه کیف هو الا هو
یا من لا یعرف قدرته الا هو
هو فرج عنی ما انا فیه

ودعای طول عمر مرویست که هرکه در ماه شعبان در شب براة
بعد از نماز شام بیست و یک مرتبه این دعا را بخواند و در حین خواندن
سخن نگوید تا فارغ شود زنده باشد تا سال دیگر بسم الله الرحمن الرحیم
اللهم انک علیم ذو اناة ولا طاقة لنا بحلمک یا الله یا الله الامان
الامان الامان من الطاعون والوباء وموت الفجاة وسوء القضاء
وشماتة الاعداء ربنا اکشف عنا العذاب انا مومنون برحمتک
یا ارحم الراحمین مجرب درازی عمر و طول الحیوة این دعا را در روز
عاشورا

عاشورا در میان نماز ظهر و عصر هفت مرتبه بخواند نمیرد تا سال
دیگر بسم الله الرحمن الرحیم سبحان الله ملاء المیزان ومنتهی العلم
ومبلغ الرضا وزنة العرش وسعة الکرسی لا ملجا ولا منجا
من الله الا الیه سبحان الله عدد الشفع والوتر وعدد کلمات التامات
برحمتک لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم وهو حسبی ونعم الوکیل
نعم المولی ونعم النصیر وصلی الله علی خیر خلقه محمد واله اجمعین الطیبین
الطاهرین برحمتک یا ارحم الراحمین ده مرتبه بگوید اللهم صل علی
محمد وال محمد و هفت مرتبه بگوید یا فارج کرب ذی النون یوم
عاشورا و یا کاشف ضر ایوب یوم عاشورا و یا جامع شمل یعقوب
یوم عاشورا یا غافر ذنب داود یوم عاشورا و یا سامع دعوة موسی
و هرون یوم عاشورا یا رحمن الدنیا والاخرة ورحیمهما صل وسلم
علیهم وعلی جمیع الانبیاء والمرسلین واقض حاجتی فی الدنیا
والاخرة برحمتک یا ارحم الراحمین وصلی الله علی محمد واله الطاهرین
در کتاب چشمه حیوان آورده اند هر که این اسم اعظم را
نوشته با خود دارد عمرش دراز گردد و دارد روزیش ایمن گردد
و ابواب رزق و دولت بر او گشاده گردد لله ح ۱۱۱۱ه ۱۱۱۱ه
طول عمر نوشت مجرب است و ۱۱۱۰ ۱۱ ۱۱۰ه

دوام زندگانی دیگر دعای جلیل القدر است منقول است
که هر که این دعا را روزی اخلاص یکمرتبه بخواند یا بنویسد و با خود
دارد اگر از عمر او یک روز باقی مانده باشد خداوند عز و جل
آن یک روز را به سال مبدل گرداند بسم الله الرحمن الرحیم
یا اجل من کل جلیل یا اعظم من کل عظیم یا اکرم من کل کریم
یا اعز من کل عزیز اغثنی یا غیاث المستغیثین بفضلک و رحمتک
وجودک وکرمک مد عمری مدا واعطنی فی ذلک عمرا طویلا
بالعافیة یا ذا الجلال والاکرام برحمتک یا ارحم الراحمین
وصلی الله علی خیر خلقه محمد وآله الطاهرین

در طول عمر شخصی که مدت

حضرت امام جعفر الصادق ع آمد و عرض کرد که ای مولای من سن
من بسیار شده و خویشان من همه مرده اند و مونسی ندارم و می‌ترسم
که مرا نیز مرگ دریابد حضرت فرمودند اگر درازی عمر خود و خویشان
و دوستان خود را میخواهی این دعا را بعد از هر نماز بخوان راوی
گوید که چون بر این دعا مداومت کردم چندان عمر یافتم که
از زندگانی خود ملول شدم دعا این است اللهم صل علی
محمد وآل محمد اللهم ان رسولک الصادق المصدق صلواتک علیه
وآله قال انک قال ما ترددت فی شیء وانا فاعله کترددی فی قبض

روح عبد المؤمن یکره الموت واکره مساءته اللهم صل علی محمد
وآل محمد وعجل لولیک الفرج والعافیة والنصر ولا تسؤنی فی نفسی
ولا فی احد من احبتی و هر که را خواهی نام ببری که عمر تو و عمر هر که را
نام ببری درازی شود

حضرت رسول فرمودند که هر که را خواهد
که خدای تعالی در اجل او تاخیر کند و او را بر دشمنان یاری دهد و از
مرگهای بد او را نگاه دارد باید که در هر بامداد این دعا را بخواند
سبحان الله ملاء المیزان ومنتهی العلم ومبلغ الرضا وزنة العرش
وسعة الکرسی

در طول عمر از حضرت پیغمبر منقول است که هر که
بعد از هر فریضه سوره اخلاص را سه مرتبه بخواند و سه مرتبه صلوات
بفرستد و بعد از آن یکمرتبه آیه و من یتق الله تا بکل شیء علیم بخواند
دیده بسوی آسمان [illegible] کند پس طویل میگرداند خدای تعالی
عمر او را و داخل میکند او را به بهشت

شیخ کلینی از
حضرت صادق روایت کرده است که هر که بعد از هر فریضه این دعا را
بخواند بالهای جبرئیل او را احاطه کند و محفوظ باشد جان و
عمر و مال و اهل او و عمر او طولانی شود استودع الله العظیم
الجلیل نفسی واهلی ومالی وولدی ومن یعنینی واستودع الله المرهوب
المخوف المتضعضع لعظمته کل شیء نفسی واهلی ومالی وولدی ومن یعنینی

امره جهت طول عمر در حدیث قدسی آمده هر که یکبار

این دعا را بخواند سی روز به عمر او سال شود بسم الله الرحمن الرحیم

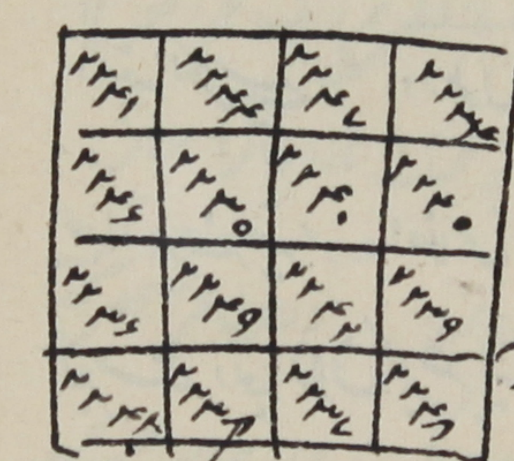
اللهم افتح لنا ابواب الرحمة والدولة والسعادة والسلامة والمغفرة

والامن والامان یا حنان یا منان یا سبحان یا الله العالمین وسید نا

علی محمد واله الطاهرین برحمتک یا ارحم الراحمین دربا طل

کردن سحر این مربع را در ساعت اول روز چهارشنبه اول ماه

نوشته باشد بمشک و زعفران و گلاب و در پارچه حریر پیچیده با خود



دارد از سحر ایمن گردد این است

نوع دیگر بجهت باطل نمودن

سحر در ساعت اول روز چهارشنبه

بمشک و زعفران نوشته و باب شسته با آن اب غسل کند این است



چهار قل را نوشته با آب طاهر

بشوید و بعد از شستن اعضا

از آن اب غسل کند از سحر باطل

شود اسم واحد و اسم قایم را با بنفلاق و اق ای

ح م د بر کف دست مسحور نویسد سحر باطل گردد و ذخ اینان

اثر را بکردم گزیده بسیار نافع است جهت باطل نمودن

وابتغوا ما تتلوا الشیاطین علی ملک سلیمان تا لو کانوا یعلمون

بر طاس سر نویسد و باب نهر بشوید قدری بخورد و قدری بر سر کند

وقدری در مکان شر بپاشد البته سحر و جادو و طلسمات که کرده باشند

باطل شود اگر کسی را بسحر خواب شر را بسته باشند و خوابش

نیاید و خواهد که سحر خواب بند را باطل کند در خواب رود اول

باید که شلوار خود را از پای بیرون اورد و منقوب کند و بالای سر خود

او بزند و از بند شلوار یکتار ریسمان بیرون کشد و نعقت گره

بران بزند و بر هر گرهی یکمرتبه سوره قل اعوذ برب الناس

بخواند و بدمد بعد از آن بران رشته کند و آن رشته را در اب افکند

سحر خواب بند باطل شود باطل شدن سحر جناب پیغمبر خدا

سوره معوذتین را از آسمان اورده بر سحر خواندند باطل شد

و خواندن این سوره بسیار مفید است در نماز دولت

اعرابی بخدمت حضرت رسول صلعم عرض کرد یا رسول الله صاحب قرض

بسیار و عیال بسیار دارم حضرت فرمودند که ترا نمازی بیاموزم

که چون بگذاری حق تعالی دین ترا ادا کند و عیال ترا معمور گرداند

و گناهان ترا عفو فرماید و باید که چهار رکعت نماز بگذاری به دو

سلام در مدت یکهفته هر روز چهار رکعت در یک وقت و یک مکان

از همان روز که آغاز کرده بودی باز در همان روز ختم کن اگر روز
جمعه شب کرده باشی باز در جمعه دیگر ختم کن و کیفیت این نماز چهار
است در رکعت اول حمد یکمرتبه و ده مرتبه قل اعوذ برب الفلق
ده مرتبه قل اعوذ برب الناس بخوانی و در رکعت دوم بعد از
حمد ده مرتبه قل یا ایها الکافرون ده مرتبه آیة الکرسی ده
مرتبه آمن الرسول تا علی القوم الکافرین بخوانی پس سلام
بگوئی و بعد از سلام بگو سبحان الله الابد الابد سبحان الله الواحد الاحد
سبحان الله الفرد الصمد سبحان الذی رفع السموات بغیر عمد المتفرد
بلا صاحبة و لا ولد پس برخیزد دو رکعت نماز دیگر بگذارد در
رکعت اول بعد از فاتحه سوره الهیکم التکاثر و سوره والعصر و انا
اعطیناک الکوثر هر یک را صد مرتبه بخوان و در رکعت دوم
بعد از فاتحه سوره انا انزلناه و اذا زلزلت و قل هو الله احد هر یک
سه مرتبه بخوان چون سلام دهی بسجود برو هفت مرتبه بگو
اللهم انی اسئلک التیسیر فی کل عسر فان التیسیر فی کل عسیر
علیک سهل یسیر پس سر از سجده بردار و بگوید فلله الحمد رب
السموات و رب الارض رب العالمین و له الکبریاء فی السموات
والارض و هو العزیز الحکیم و بعد از آن دستها را بلند کن و از

حق

حق سبحانه و تعالی بخواه خلاص شدن از قرض را مستجاب می شود
ان شاء الله تعالی پس ادای این نماز را بگذارد روز شنبه ابتدا کند
و روز شنبه دیگر کسی آمد و گفت هشت هزار درم بغیاث الدین تو
میراث رسید اکنون بجز ادای کسر رفت بقرض خود داد و بار جمعه
دیگر شب کرد روز جمعه دیگر برفت در راهی و در آن راه گنجی یافت
و حساب او را بغیر از خدا و نه هیچکس نمیدانست ادای جرم شد و شکر
خدا کرد و این همه از برکت خدا بود   در خواص
حضرت خضر شاه نقشبند گفته هفت سال هر این نماز را میگذاردم
و کارم بجائی رسید از برکت این نماز حضرت خضر را فرزند خود خواند
و فن الشان را بیدر خوانم سنت با مداد را در مکان خود میگذاردم
و کارم بجائی رسید و فریضه را در مکه میگذاردم و آنچه طلب کردم
یافتم و بر مطالب و مقاصد خود کامران بودم و فضیلت این نماز
بسیار است و این نماز را صلوة الخضر نامند و آداب این نماز
اینست دو رکعت نماز است و باید هر روزه بعد از نماز پیشین
بجا آورد و نیت نماز را چنین کند که دو رکعت کردم تا گذارم
دو رکعت بفرموده حضرت خضر قربة الی الله در رکعت اول سوره
فاتحه یکبار و سوره والعصر سه بار و در رکعت دوم سوره فاتحه یکبار

و سوره اذا جاء سه بار بخواند و نماز را سلام دهد و بعد از سلام
یازده مرتبه یا غیاث المستغیثین اغثنی بگوید حاجت خود را طلب
کند حضرت خضر فرموده اند اگر او را همراه نرسانم روز قیامت
دامان مرا بگیرد و دست او بر دامان من باشد اگر این نماز را
به نیت هر مطلب و مطلوبی کسی که حضرت خضر او را او را استمداد
کند و بمطلب برسد   در زیادتی از دیاد دولت
و نعمت کفعمی در کتاب بلد الامین خود ذکر کرده است دو رکعت
نماز بکند و بعد از حمد هر سوره که خواهد بخواند پس چون فارغ شود
سلام دهد بخواند از آیه مبارکه قل اللهم مالک الملک را تا بغیر
حساب و بعد از آن بگوید یا رحمن الدنیا والاخرة و رحیمهما
تعطی منهما من تشاء و تمنع منهما من تشاء صل علی محمد و آله و اقض
عنی دینی حضرت رسول فرموده اند هر که این نماز را مداومت نماید
باندک زمانی خدای تعالی دین او را ادا کند اگر چه قرض او را
مقداری طلا باشد که روی زمین را پر کند و اگر مهموم و مغموم
باشد از آن هم و غم خلاصی یابد و شادمان گردد
در زیاد شدن مال و دولت اگر خواهی که از مال دنیا بهره مند
و بی نیاز گردی عدد اسم خود را با این عبارت مذکوره عدد
بگیر

ج ل ب ا ل م ا ل م ن ج م ی ع ا ل ن ا س ف ی ی و م ا ل ج م ع ه ا ل ی
٣ ٣٠ ٢ ١ ٣٠ ٤٠ ١ ٣٠ ٤٠ ٥٠ ٣ ٤٠ ١٠ ٧٠ ١ ٣٠ ٥٠ ١ ٦٠ ٨٠ ١٠ ١٠ ٦ ٤٠ ١ ٣٠ ٣ ٤٠ ٧٠ ٥ ١ ٣٠ ١٠
ع ل ی
٧٠ ٣٠ ١٠
ح ی ا ت ه
٨ ١٠ ١ ٤٠٠ ٥

٤٧٠٣

ن و ن ا ل ف
٥٠ ٦ ٥٠ ١ ٣٠ ٨٠

بجبر مثلا علی جلب المال من جمیع الناس فی یوم الجمعة الی طول
حیاته و بر بلیند که عدد شان چند است انگاه از عددها را
با عدد الف و نون نافع بحروف ملفوظی که در بیت هفده عدد
است ضرب کن و حاصل الضرب را به یابی که چند می شود انگاه
مجموع اعداد را ربع کن و در مربع بنگارد و با خود نگاه دار
و اسم نافع را بموافق اعداد کل که حاصل شده بود بخوان یا در یک
روز یا در ده روز یا بیست روز یا چهل روز هر چند مدتی که توانی
تقسیم کن و ضم بجبر هر روز در یک مکان و یک وقت تمام کن
چندان غنی شوی که از حساب شمر عاجز شوی و از بسیاری دولت و
نعمت تنگ آئی و ملول گردی و این از نفایس اعمال است
چون عمل نمائی قدرت حق تعالی را خواهی دید و این عمل از جمله منتجات
رساله حل المشکلات جناب شیخ بهاء الدین محمد عاملی بوده است
در ادعیه وسعت رزق و ادای دین منقول است که بعد از
هر نماز فریضه چند انکه مقدور باشد تواند این دعا را بخواند ببیت
مجرب دعا این است اللهم صل علی محمد و آل محمد و اقض دینی و سهل
قضاء حوائجی یا مَلیٌّ بحولک و قوتک یا ارحم الراحمین
از حضرت امام رضا منقول است که هر که در سحرگاه با وضو دست بر دارد

ده مرتبه بگوید یا باسط و بر روی خود فرو دارد هرکس محتاج نشود
از غم خلاص یابد و روزی او فراخ گردد از جایی که گمان نداشته
باشد نعمت یابد   بعد از نماز صبح هزار صد و یازده مرتبه
یا مغنی بگوید از مال دنیا غنی و بی نیاز گردد   هر که این آیه را از
سوره نوح بر خاتم نقش کند و از نقره باشد و آن را در انگشت کند
وسعت رزق او پیدا شود و در تجربت نفع کلی بلند نعمت
استغفروا ربکم انه کان غفارا یرسل السماء علیکم مدرارا ویمددکم
باموال وبنین ویجعل لکم جنات ویجعل لکم انهارا
جهت طلب معاش و زیادتی رزق و بسیاری چیز و برکت در مال
بنگشها ورد خود کند سیجعل الله بعد عسر یسرا   و بعد الان
هر بیند این آیه را در پوست آهو بزعفران و گلاب با خود دارد
این آیت لینفق ذو سعة من سعته ومن قدر علیه
رزقه فلینفق مما آتاه الله لا یکلف الله نفسا
الا ما آتاها سیجعل الله بعد عسر یسرا
جهت غنی شدن و زیادتی دولت و فتوحات این آیه را بنویسد
و با خود دارد مال دنیا از اطراف و جوانب روی بدو نهد
و غنی گردد و این آیت ولقد فتنا سلیمان والقینا علی کرسیه

جسدا

جسدا ثم اناب قال رب اغفر لی وهب لی ملکا لا
ینبغی لاحد من بعدی انک انت الوهاب فسخرنا له الریح
تجری بامره رخاء حیث اصاب والشیاطین کل بناء
وغواص واخرین مقرنین فی الاصفاد هذا عطاؤنا
فامنن او امسک بغیر حساب یا رزاق انت خیر الرازقین انک
انت الوهاب   جهت وسعت رزق و ادای دین برآمدن
حاجات از جمله عجایب شیخ بونی در کتاب شمس المعارف ذکر
کرده است خواص یا حی یا قیوم و طریقه دعوت این است
روزه گیرد روز چهارشنبه و پنجشنبه چون شب جمعه بخوابد صبح
بیدار شود نماز صبح را بکند و بعد از سلام بدون تکلم با احدی
و خواندن چیزی بدون حرکت کردن و مشغول شدن بکاری
متصل بگوید یا حی یا قیوم تا آفتاب طلوع کند و باید که شب از
وقت حرارت و قلم و کاغذ مهیا کرده باشد و در شب خود نهد
با شیر و در هنگام طلوع آفتاب بنویسد بر کاغذ یا حی یا قیوم
و کاغذ را بهم بپیچد و با خود نگه دارد هر خواهد دید امور عجیبه و اسرار
غریبه و وسعت رزق و روا شدن برکات و خیرات به حدی که خود
در تعجب مانند مردم از برکت این اسم اعظم پس ضبط کن این گنجینه را

وبدان قدر ومنزلت این تحفه را دباید بوده باشی درحال گفتن
ذکر ونوشتن اسم باوضو ورو بقبله وحضور قلب ونیت خالص
در کار جهت دولت یافتن بیحد وحساب روایت کرده
احمد شکری از حضرت پیغمبر ... دو رکعت نماز امر ختند و وصیت
فرمودند پیش از صبح برخیزد دو رکعت نماز بگذارد در رکعت اول
بعد از حمد هفت مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند و در رکعت دوم
نیز بهمین دستور بعد از سلام ده مرتبه بگوید سبحان الله والحمد لله
ولا اله الا الله ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم و ده مرتبه بگوید
یا غیاث المستغیثین اغثنی خواجه احمد و خواجه غیاث میگوید
ما مال دنیا خواستیم چون این نماز را گذاردیم خداوند عالم
اینقدر مال داد ما از حسابش عاجز بودیم   اگر خواهد دولت
او وسیع گردد و خیر و برکت در خانه او فرود آید فرشتگان
در خانه او ایمن شود از شر شیطان و ظلم سلطان باید باید
این بیت در خانه او باشد اذا قل رزق البیت ضاق
باهله ویتسع البیت الصغیر باهله ولو کان بیتا واسع الطول
والعرض اذا کان فیه الخیر بعضا علی بعض بجهت رفع احتیاج
و گشایش کارها بعد از هر فریضه هفت مرتبه بگوید فسیکفیکهم الله

هو السمیع

فهو السمیع العلیم هرکس بهیچ چیز محتاج نشود   سوره
الم نشرح را بعد از هر نماز پنجگانه یکبار بخواند جهت توسعه
رزق بسیار مجربات   جهت ادای دین و زیادتی مال و
وسعت رزق و توانگر شدن ختم سوره الم نشرح آنا نهصده روز
هر روزی هفده مرتبه بعد از نماز صبح بخواند و هر روز بعد از ختم
بگوید اللهم اغننی بحلالک عن حرامک و بفضلک عمن سواک
چون کسی از شدت فقر و فاقه دستش از همه جا کوتاه شده باشد
و مایوس شده باشد و چاره آن نداند در حال وضو گرفته و کلمه
حسبی الله را بعدد حروفش بحساب جمل معروف که یکصد و نه
و شش است در مدت سه شبانه روز بعد از نماز فریضه با توجه
تمام و خلوت خاطر از جمیع خطورات بخواند و اگر در مدت عمر
مذکور در هر روزی بعد از نماز چهل و شش مرتبه بخواند کفایت
از قضا حاجت نماید بکرات بتجربه رسیده است و در همان
روز اجابت دیده اند بدانکه معنی حسبی الله سریست از اسرار
غریبه و کسی بکنه او نرسیده و حفظش از غیر اهل واجب و لازم
است   حصول دولت و مال و مطالب شرعی با وضو سیزده
مرتبه در یک مجلس بخواند   بحق جرمه طه و یس اغثنی یا غیاث

المستغیثین زیاد شدن دولت همیشه بعد از نماز پیشین

سر بسجده گذارد و نهصد مرتبه بگوید یا وهاب یا ذو الطول

و حاجت خود را بخواهد روا گردد و هرکه این دو اسم مذکور را

ورد سازد و هر روز ۱۳۵۰ مرتبه بگوید روزی بروی

فراخ گردد و اگر مداومت این اسم را نماید از جای بی گمان

روزی باو برسد غنی شدن در شب جمعه دو رکعت نماز

بگذارد در هر رکعتی بعد از حمد هفت مرتبه سوره الم نشرح

بخواند و یازده نوبت این آیه را بخواند ام عندهم

خزائن رحمة ربک العزیز الوهاب ام لهم ملک السموات

والارض وما بینهما فلیرتقوا فی الاسباب چون سلام دهد

هزار مرتبه یا وهاب بگوید مطلب بخواهد مجرب است

جهت توانگری هرکس این چهار اسم را با وضو در وقت خواب

رو بقبله چهار صد مرتبه بخواند و با کسی سخن نگوید و بخواب

رود خدای تعالی چندان مال بوی دهد که از حسابش عاجز

و جمعی کثیری از اغنیا شهادت داده‌اند که ما بسبب مداومت این

اسما غنی شدیم اسمای این است یا قوی یا غنی یا ولی یا ملی

جهت زیاد شدن مال و نعمت و دولت و حصول مرادات

دینوی و اخروی و فتوحات کلی و خلاصی از زندان و نجات

از حبس و هم و غم تا چهل روز هر روز صد مرتبه بخواند بنجاة

ملک یا سید الکریم نجنا و خلصنا بحق بسم الله الرحمن الرحیم

زیاد شدن مال و دولت و نعمت و جمعیت در کتاب

خواص الحروف ذکر شده که از پای ناودان چهل و یکی سنگ

دولتمندان هرکدام یک سنگ ریزه بردارد بر هر دانه از

ان سنگ ریزها یک ح بنویسد وان سنگ ریزها را در خوانه

خود دفن کند با اندک زمانی چندان مال و دولت یابد

که حسابش را خدا داند جهت زیادتی مال و دولت و قضای

حاجت سوره الم نشرح را از روز سه شنبه تا سه شنبه دیگر

هر روز هفده مرتبه بخواند بعد از نماز صبح رو بقبله

جهت فقر و تنگی کارها این شکل را نوشته بشوید و آب او را

بر سر و رویش ریزد صح ۱۸۱ ح حا صه ۱۱۱ ح ۱۱۱ ح ۱۱۱ ه ل حا

فقر و درویشی و درازی عمر این اسم اعظم را نوشته و

با خود دارد للہ ح ۱۱۱۱ ه [illegible] ۱۱۱۱ ق ۴ ه ۱۱۱۱ ۱۱۱ ی

در عمل غنی شدن بدانکه مشایخ کبار رضوان الله علیهم در بحر الاسرار

چنین فرموده‌اند که چون اسم مبارک وهاب را با اسم خود ضم کنند.

تکسیر نمانند برای غنی شدن بسیار نافع است طریقه کلیه انکه
اسم وهاب را بنویسد بحروف فرد فرد اسم خود را نیز چنان
بنویسد بدین مثال و ه اب م ح م د ع ل ي وتکسیر دهد تا
زمام دهد و صفحه دیگر بهمین قاعده تا چهارده صفحه تمام شود
و هریک از ان چهارده صفحه را جدا جدا به پیچد و در خمیر کرد و تا
چهارده روز هر روز صبح بعد از نماز یکبار نهر جاری اندازد چهارده
مرتبه یا وهاب بگوید و هم چنان هر روز عمل کند تا چهارده روز
که چهارده گلوله خمیر در اب افتد و عدد اند کور خوانده شود و تمام کرده
الا هر روز در مجلس نخواند باور و بقبله و مکان خالی و مکان واحد
و روز مناسب شروع روز پنجشنبه باشد چون تمام کنی غنی و لی بشمار شوی
ورد عای برکت کیسه اسد عا را نوشته در هفتم ماه در کیسه
و صندوق خود جای دهد و هفتم ماه دیگر ان قدیم را در اب روان
اندارد و یکی دیگر جدید بنویسد و در کیسه گذارد و در هر ماه چنین
کند هو الغنی الحمید بسم الله الرحمن الرحیم للللللل لللللللل
ذو الطول للللللل لللللللل لللللللل
ذو الطول ذو الطول ح ا د و ح [illegible] د ذه اللهم
افتح ابواب الفتح وابواب الرزق وابواب الدولة علی

فلا

فلان ولد فلان العمل ۳ الساعه ۳ فتبارک الله احسن الخالقین
۱۱۱ [illegible] ح ی یا رب العالمین وبحق هذه د ۱۱۱ ه و ح ا ل
در [illegible] الجلیل محلد محلد  ۱۱۸۱۴ هو اللهم
افتح ابواب الفتح علی حامله ۲ ۲ ۲ یا مفتح فتحا و ح ل د و ا [illegible]
و د ه ملسا ما یا منصر بضر ما غزبن ما غزبن ما غزبن یا غزبن
یا عزبن ما غزبن ه ه ه ه [illegible] و ص م و ۱۱۱
جهت برکت کیسه این  ۱۱۸۱۹
ایه وا ل ل را بنویسد و در موم گرفته و در کیسه گذارد
هرگز کیسه او از پول خالی نشود اما اول دو رکعت نماز حاجت
گذارد و در روز جمعه بعد از نماز بنویسد و در موم گرفته و در کیسه
گذارد فتعرفونها و مارنک بغافل عما تعملون د ح ا ل و د ل
ک ه د د [illegible] لله بسم الله الرحمن الرحیم یا الله
الرقیب الرؤف یا الله الحافظ و یا الله الحی القیوم علی نفس
ما کسبت یا ذالجلال والاکرام یا ارحم الراحمین جهت برکت
کیسه بنویسد این ایه را در روز جمعه بعد از نماز و در کیسه گذارد
برکت کیسه زیاد گردد و روزی بروی فراخ گردد ولقد مکناکم
فی الارض وجعلنا لکم فیها معایش قلیلا ما تشکرون

این آیه را بشکل مربع نویسد و در کیسه نهد و با خود نگاه دارد
برکت کیسه وی زیاد شود در روی پروی گشوده شود و برکت و خیر
بیند ان تقرضوا الله قرضا حسنا یضاعفه لکم و یغفر لکم
والله شکور حلیم عالم الغیب والشهادة العزیز الحکیم

ورد دعا برای طعام گرسنه روایت شده هر چون کسی را گرسنگی
و تشنگی غلبه شود یا از بسیاری راه رفتن مانده شود و
یا در سفر راه گم کند دو رکعت نماز بگذارد و بگوید الذی
خلقنی فهو یهدین والذی هو یطعمنی و یسقین والذی یمیتنی ثم یحیین والذی
اطمع ان یغفر لی خطیئتی یوم الدین رب هب لی
حکما والحقنی بالصالحین واجعل لی من ورثة جنة
النعیم واغفر لابی انه کان من الضالین ولا تخزنی یوم یبعثون
یوم لا ینفع مال ولا بنون الا من اتی الله بقلب سلیم امین
هفت مرتبه بخواند و حاجت خود را بخواهد از حضرت صادق علیه
السلام مرویست هر چون آدم گرسنه دو رکعت نماز کند و بعد از آن
بگوید رب اطعمنی فانی جائع خداتعالی او را در ساعت اطعام
کند چون سوره مائده را چهل و یک مرتبه بخواند گرسنگی و تشنگی
نه بیند تا مادامیکه بخواندن آن مشغول بود چون سوره ابراهیم را

سه مرتبه

سه مرتبه بخواند او را از گرسنگی و تشنگی تسلی بخشد

در عمل حاضر نمودن طعام و بردن مردم ترا بضیافت چون
خواهی از برای خود طعامی حاضر سازی سوره مبارکه واللیل را
بنویس و بعد از آن دایره مدور بکش و بر عکس ته کن و در زیر زانوی
خود گذار هر طعامی از قدرت کامله پروردگار از برای تو حاضر شوید
این عمل را روز هر شنبه هر ساعت از روز بالا آمده باید کرد

در بردن مردم ترا بضیافت اگر خواهی در شهری یا دهی بروی و ترا
توشه نباشد این افسون را بر هفت دانه فلفل مقل بخوان
و بر هر دانه یکمرتبه و در آتش انداز در آن ساکنان آن موضع
ترا ضیافت کنند و محبت نمایند و مطیع تو شوند و هر چه از
ایشان طلب کنی مضایقه نکنند افسون این است ادم تادی
یا تارب و تی تارنی موهنی و اجاین جالیسے کونی
تی بھون ہی کاش ہردہ بندی ہی میسور ہے

در وقت طلب حاجت بنزد کسی چون خواهی بطلب
حاجت او روی بند پنج انگشتان دست راست خود را باین پنج اسم
یا الله یا رحمن یا رحیم یا حی یا قیوم پس بعد از آن ببند
انگشتان دست چپ خود را باین پنج اسم یا سمیع یا بصیر
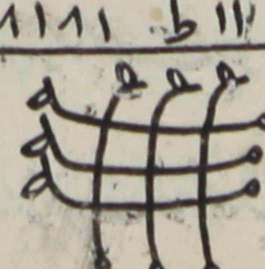
یا علیم یا ودود یا مستعان بعد ازان به ببندد انگشتان دست چپ
خود را یک انگشت را الت خود را بگفتن این پنج حروف
کهیعص بعد ازان یک انگشتان دست چپ خود را
بگفتن این پنج حروف حمعسق و روی بهر کاری که خواهی
بکن البته ان حاجت براورده می شود اگر خواهی یکی
عرض حاجت کنی این ایه را بحروف مقطعه بنویس و در زیر
زبان بگذار و تمت کلمة ربک صدقا وعدلا لا مبدل للکلمات
وهو السمیع العلیم این اشکال را نوشته در کلاه خود ببندد
بطلب حاجت برو کهو رش ادش مستقفوش الوحا
بسم الله الرحمن الرحیم بحروف مقطعه معکوس بنویسید
و در زیر زبان بگذارد بطلب حاجت رود حاجت براورده است
چون سوره لا اقسم را تا و هدیناه النجدین بر پیراهن
خود نویسد و بپوشد و نزد حکام یا هر کسی خواهد برود
محفوظ گردد و حاجتش براورده شود و عزیز و گرامی دارند
چون بکسی مطلبی داری و خواهی که خلاف ان نکند این ایه را
هفت مرتبه بخوان و چون بنزدیک او برسی هفت
مرتبه بگو یا محتجبا لعی وایه این است وتمت کلمة ربک صدقا

وعدلا

وعدلا لا مبدل للکلمات وهو السمیع العلیم جهت طلب حاجت
بنویسد این حروفات را و در زیر زبان گیرد بطلب حاجت
رود شعث بث عطط طن ع ق د جهت طلب
حاجت بنویسد و در موم گیرد و در زیر زبان گذارد یا حی
حین لا حی فی دیمومیة ملکه و بقائه صم بکم عمی
فهم لا ینطقون دویست مرتبه در راه بگوید یا رحم کنیز و راحم
و طلب حاجت کند براورده می شود اگر خواهی بطلب حاجتی روی
نزد هر کس بنویس این حروفات را بر کف دست خود بطلب
حاجت برو که روا می شود حروفات این است ه هلله
لا ه لا بل چون بکسی خواهی که اظهار حاجت خود کنی پیش از
اظهار کردن حاجت در روی او بخوان ان ولی الله الذی نزل
الکتاب و هو یتولی الصالحین بعد ازان حاجت خود را بخواه
که با جابت برسد چون بکسی مطلبی داری این نام ها را بنویس و در
موم بگیر و در زیر زبان بگذار و بطلب حاجت برو یا سلیخی تا
ما معلا ا ها ا ها الله جهت بر امدن حاجت چون خواهی
بنزد کسی بطلب حاجت روی این کلمات را بعدد حروفش بخوان
و حاجت طلب کن ربطا و ربوطا و ربطنا ایاک نعبد و ایاک

نستعین صم بکم عمی فهم لا یتکلمون و این ایه را نقش نماید
بخوان مسخر تو شود ایه این است عسی الله ان یجعل بینکم
و بین الذین عادیتم منهم مودة والله قدیر والله غفور رحیم
در غالب شدن بر حریف در کشتی گرفتن و زمین انکندن
حریف و زیادتی قوت و شجاعت و دلیر بودن و این از جمله اسرار است
فایده انکه در غالب شدن بر حریف در کشتی گرفتن باید اسم
انکس را با اسم حریف او و عدد این ایه را در مثلث نکارد و در
زمینی که کشتی میکیرند دفن کند و بر حریف خود فایق شود و او را
بر زمین انکند ایه این است ید الله فوق ایدیهم فمن
نکث فانما ینکث علی نفسه و من اوفی بما عاهد علیه
الله فسیؤتیه اجرا عظیما عدد شر ۲۶۳۴ جهة
زیاد شدن قوت دلاوری و شجاعت از حضرت امیر مومنان نقل است
هر که این طلسم را نوشته بر بازوی راست بندد صاحب قوت
و شجاعت و کسی را تاب مقاومت او نباشد و شکل این است

۹۱ لا ۱۱۱ ۲ ۲ ۱۱ ط ۱۸۱۸۱ ۸ ل ۱۱۱ ح م م ه



نصر من الله و فتح قریب ... بعلی و بهلوه
و بشر المومنین

در فربه شدن چون کسی لاغر و ضعیف اندام

بود این طلسم را بر بازو بندد بغایت سازد و توانا و فربه گردد

بغایت مجربست و آزموده

در فربه شدن چون کسی لاغر و ناتوان باشد و ضعیف اندام بود و خواهد

ق۱۱	اع	ای	ی
۱۰ی	۱۰ی	سع	۱۰ق
دع	ق۱۰	ی۱۱	ی۱۰
ی۱۱	۱۰ی	ق۴۰	د۶

که قوی هیکل سازد و توانا و فربه و صاحب قوت و قدرت گردد
بنویسد این لوح مبارک را در بازو بندد بغایت قوت و قدرت بهم رسد

ب۱	۱۲	۲۲س	۴	۹
ءس	ط۴۲	ب۲۲	۲	۱
ط ه	س۹۲	۱ ۲۲	۴	ب
۱	ب	۱		س

چون کسی خواهد بر مدعیان غالب شود و ایشان را مغلوب سازد این ۵ اسم را بنویسد و در موم کیرد و در زیر
زبان خود کذارد و با مدعیان مباحثه و منازعه کند بر
ایشان غالب شود و اسم این است یا سکملیخا یا استلیفا
اگر خواهد که از دو نفر یک نفر غالب سازد و یک نفر را
مغلوب نام آن شخص را عدد گرفته با عدد غالب و با عدد ایه مناسب

غالب شدن باشد با عدد اسم الهی مناسب مطلب باشد
عدد بگیرد و جمع سازد و نام شخصی را که خواهد مغلوب کند عدد گرفته
با عدد مغلوب جمع کند و هر دو عدد را جمع نموده در یکدیگر ضرب
نماید و عدد غالب را در سی ضرب نموده حاصل الضرب را از جمع
طرح نموده و ما بقی را بچهار قسمت کند خارج قسمت را در خانه اول
گذارد و همچنین عدد خانه اول را با عدد غالب جمع نموده در خانه
دویم گذارد و علی هذا القیاس   نوع دیگر در خواص اعمال مطوله
آیة الکرسی مشتمل بر سی و سه خواص است بموجب فهرست   اگر
کسی را خواهند بپای دار برند و بکشند چوب آنرا بردارند و هفت
پاره کن و ریسمان حصیر بردار و چهل و یکمرتبه آیة الکرسی را بر آن
بخوان آن هفت پاره چوب را با آن ریسمان بهم در بند و بگره
بزن و در راه گذار اکثر دفن کن که در همان دم اورا از کشتن
باز گردانند   خواهی کسی را به بندی زه کمان حلاجی بردار و
هفت گره بزن و بر هر گرهی یکمرتبه آیة الکرسی بخوان و در جای نمناک
دفن کن و باید که آن زه فوت نشود در زیر خاک که اگر فوت
شود تا مادام الحیوة اکثر بسته باشد که هیچکس نتواند و چون خواهی
گشاده شود زه را بیرون آر و گره ایشرا باز کن دست باید ده

تا انکه

تا انکه گشاده شود   خواهی ملخ را به بندی از شهری و ضیعه
باید بر روی در مکان بلندی رود و سه هزار مرتبه آیة الکرسی را بر
مشت خاکی بخوان و بر آن ملخها بیفشانی و بر مقل ازرق
بخوانی و بر آتش گذاری چون بوی آن بدانها رسد
بروند و باید که سه روز روزه دارد و طعام کمتر خورد و از آن
بلندی بزیر نیاید تا کارش بانجام رسد   غریبی در شهری
بخواند از آن غربت خلاص شود و بوطن مالوف خود برسد
کسی چیزی گم کرده باشد مندلی بکشد و آنچه برده اند
در مندل بنویسد و سیصد و هشت مرتبه آیة الکرسی را بخواند
دزد یا مال پیدا شود یا در خواب به بیند که دزد کی باشد و مال
را در کجا نهاده اند   خواهد کسی را در زیر چوب اندازد باید
در شب صورت او را بکشد و پای او را بریسمان به بندد و چوب
در دست گیرد و سیصد و هشت یکمرتبه آیة الکرسی را بخواند
و هر مرتبه که می خواند چوب را بر کف پای او حواله کند تا تمام
خوانده شود هنوز سر دعا نیامده باشد که او را بچوب بسته
و ببلائی گرفتار شده ببیند تا آن صورت در زمین پای ریسمان
باشد اکثر بمشقت و سیاست گرفتار باشد و چون صورت را

باطل سازد انکشر خلاص شود خواهی کسی را درست خود
کردانی پس اورا قدری نبات وسه روز هر روز چهل و یکمرتبه
ایة الکرسی را براو بخوان و روز سیم با هر روز که توانی بخورد
انکشر ده تا ربده باشد از تو جدا نشود زنهار که بحرام نکنی
در مواخذ خدائی خواهی بود اگر کسی در کشتی نشیند و خایف
و ترسان باشد هر روز هفت مرتبه ایة الکرسی را بخواند و
بهفت اطراف خود بدمد درا تش نسوزد و در اب غرق نشود
و هیچ حربه براو کار نکند خواهی که چشم خصم را معیوب
کردانی باید که در زیر زمین تاریک نمناک رود و صورت
انکشر را نقش کند و بیاورد قدری بوست و بکذارد بر روی
ان صورت که بر زمین نقش کرده اگر خواهد بر چشم راست و
اگر خواهد بر چشم چپ سوزنی فرو برد و سی و نه روز هر روز سی و نه
مرتبه ایة الکرسی را در ساعت عطارد بران سوزن بخواند و
قدری از ان سوزن فرو برد تا روز اخر تمام سوزن فرو رفته
باشد که چشم ان شخص معیوب و ضایع کردد که هیچکس
علاج نتوان کرد اگر کسی را در شب دزد بحجر کرده باشد هزار
نوبت بخواند و در ان روز خلاص شود اگر خواهی کسی را از

راه ١٥

معین الطلاب

تا برکت انها در مقام سیر سلوک و وصول بمقصود براو دشوار نباشد لهذا این قلیل البضاعة با وجود عدم اسباب
همت این جمع انها بقدر مقدار مصروف داشته با مید انکه بسبب تمسک بانها نفس نا پسند خود و سایر طلاب
از حضیض جهل مستخلص کرده بذروهٔ علم و معرفت برساند و چون غرض از تحریر رساله اعانه بر طلاب بود
انرا معین الطلاب مسمی نمود و مرتب کردانید از ابر مقدمه و پنج باب و خاتمه اما مقدمه در ذکر شرایط و
اداب اعمال مذکوره در این رساله و ان مشتمل بر سه فایده است فایده اولی در بیان شرایط و اداب عامه کلیه
که رعایت انها در مجموع انچه باید نوشته شود و خوانده شود معتبر است و ان دوازده امر است فایده ثانیه
در بیان انچه باید خوانده شود و ان نه امر است فایده ثالثه در بیان امور معتبره در انچه باید نوشته یا نقش
کرده یا با خود داشته یا پاشیده شود و ان هشت امر است باب اول در ذکر امور یکه باعث
نسیان میشود و در ان یکفصل است باب دویم در ذکر امور یکه رفع میکند نسیان را و قوت میدهد
حافظه را و ان مشتمل است بر شش فصل فصل اول در خواص سور قرانیه فصل دویم در خواص
ایات فصل سیم در خواص اسما حسنی فصل چهارم در ادعیه فصل پنجم در خواص حروف مقطعه
فصل ششم در خواص ادویه و اغذیه باب سیم در ذکر انچه باعث کشف علوم و اطلاع بر مخفیات و
مکنونات علوم و تفهم و تکلم نمودن با نواع حکم و دقایق و معارف الهیه و ازدیاد ذهن و فهم و عقل و زیرکی
و تقوی و ازدیاد توفیق بر تحصیل علوم و رفع کاهلی در طلبان و باعث فصاحت در کلام و موثر بودن
در مطالب خود و امثال انچه مناسب مذکورات است میکردد و ان در پنج فصل بیان میشود فصل اول
در خواص سور قرانیه فصل دویم در خواص ایات فصل سیم در خواص اسما الله فصل چهارم در خواص ادعیه
فصل پنجم در خواص حروف مقطعه باب چهارم در ذکر انچه باعث میشود نور بر قلب و صفای باطن را و دفع
میکند شک و اعتقاد بد را از قلب و حاصل میکند خوف و خشیت را و امثال انچه مناسب این امور است
و این در چهار فصل بیان میشود فصل اول در خواص سور فصل دویم در خواص ایات فصل سیم
در خواص اسما الله فصل چهارم در خواص حروف مقطعه باب پنجم در ذکر انچه باعث میشود غلبه بر خصم را در

حین مباحثه ومناظره علمیه بحجت ودلیل واینجا حاصل میشود بسبب ان صفت غلبه بر مطلق خصم وان در چهار
فصل بیان میشود فصل اول در خواص سور فصل دوم در خواص ایات فصل سیم در خواص اسماء الله
فصل چهارم در خواص حروف مقطعه خاتمه در ذکر اموریکه مناسب احوال طلاب است اگر چه اختصاصی
بایشان ندارد وان مشتمل است بر چهار فایده فایده اولی در انچه باعث غنا میشود فایده ثانیه در انچه باعث
فقر میشود فایده ثالثه در انچه باعث قلت اکل وتسلط بر شیطان ونفس اماره میشود فایده رابعه در انچه
باعث قلت نوم میشود ومخفی نماناد که در نزد بیان خواص بعضی از مذکورات گاه گاهی بعضی از خواص که
مقصود بالذات وضع رساله نیستند ذکر میشود از جهت مناسبت ان با احوال طلاب واز جهت زیادتی
فایده در رساله ومرتجی از طلاب واحباب انکه مؤلف قلیل البضاعه را از دعای خیر فراموش ننمایند
واز جهت شکر سعی او وبرای بد عاقبت یاد وشاد فرمایند واگر خللی در نقل کتب یا در عبارت بیابند بچشم
عفو واغماض در پوشند ودر افضاح ان نکوشند واسئل الله العصمة عن الخطا والزلل والتوفیق
للعلم والعمل لانه المنح للامل وهو حسبی ونعم الوکیل المقدمه در ذکر شرایط واداب اعمال مذکوره در این
رساله وان مشتمل است بر سه فایده فایده اولی در بیان شرایط واداب عامه کلیه که رعایت انها در مجموع
انچه باید نوشته شود وخوانده شود معتبر است وان دوازده امر است اول طلب استاد کامل عالم عامل
وگرفتن اجازه از وی ومخفی نماناد که این امر امد خلیلی تمام در اکثر اعمال میباشد وتاثیر کلی دارد واین
امر مجربست وبسا باشد که در بعضی اعمال از جهت عدم اخذ اجازه خوف وقوع در مهلکه وظهور نتیجه
برخلاف مقصود باشد مؤلف گوید که چون شرط مذکور را در بعضی کتب یافته بودم در این رساله فقیر مشتمل
ولیکن مشافهة از استاد کامل عامل وحید العصر فی العلم والعمل مولانا الامجد المجد جناب شیخ احمد الاحسائی
علیه الرحمة والغفران استماع شد که اجازه را اصلا مدخلیتی نمیباشد واز کلام الله واحادیث اشتراط دعا
بر اجازه معلوم نشد بلکه معلوم العدم است وایات وارده در این باب مطلق است مثل قوله تعالی ادعونی
استجب لکم بلی فرمودند که عمده شرایط استجابت دعا الخلاص در عمل وانتظار استجابت او میباشد وفرمودند که

اثبات

اثبات واخبار در این باب بسیار است دوم اتخاذ بعضی از ریاضات شرعیه واتصاف بصفات حسنه وریاضات بر دو قسم اند
اول ظاهریه مثل صیام ایام وقیام لیالی وترک فضول کلام وطعام ومنام وعزلت از صحبت خاص وعام
وامثال اینها دوم باطنیه مثل تخلیه باطن از صفات ردیه وتحلیه ان بصفات حسنه مثل خالص کردن
عمل از برای ذات مقدس حق سبحانه وتعالی وترک نمودن ریا وعجب وسمعه وامثال ان واعتبار این امر از اهم
شرایط است لان الاعمال بالنیات وهر کس مراعات این امر ننماید عمل او ضایع وباطل وبیفایده است عقلا
وشرعا کما لا یخفی سیم موافقت قلب با لسان وفهم معنای انچه بدان مشغول است زیرا که صورت الفاظ
بمنزله اجسام اند ومعنای ان بمنزله روح ومخفی نماند که اجابت دعوات وصعود ان بفلک روح است
کما قال الله تعالی والیه یصعد الکلم الطیب والعمل الصالح وهر گاه لفظ خالی از معنا باشد مثل جسم بی روح
خواهد بود پس از برای ان صعودی ورفع درجه نخواهد بود لهذا موثر نخواهد افتاد وبدرجه اجابت
نخواهد رسید ولکن انچه مذکور شد از برای کسی است که معنی انرا بفهمد اما کسی که معنی الفاظ عربی را نمی فهمد
باید که در خاطر بگذراند که در این عمل مناجات با قاضی الحاجات است واز جناب او بواسطه این ادعیه
مطلوب خود را التماس نماید که انشاء الله بمطلوب خواهد رسید چهارم در حلیت طعام وتقلیل در اکل
کوشش تمام نماید زیرا که لقمه حرام تا چهل روز تاثیر میکند وصاحب در النظیم در حدیث صحیح اورده
که حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله بیکی از اصحاب فرمودند که پاک وطیب گردان طعام خود را تا مستجاب
شود دعای تو وبسیار خوردن طعام خصوصا مبخرات قوه دماغ را تیره میکند لهذا در حواس وادراک
کلال بهم میرسد وموجب غلبه خواب میشود وباطن را از اشتغال بعمل کما لا ینبغی باز میدارد بلکه
باید در این باب بمقتضای ایه کلوا واشربوا ولا تسرفوا را فراموش نکند شعر نه چندان بخور کز دهانت برآید
نه چندان که از ضعف جانت برآید پنجم باید که قبل از شروع در عمل بقدر الوسع تصدق بکند زیرا
که ادخال سرور در قلوب دلشکستگان بحکم انا عند المنکسرة قلوبهم موجب قرب وخوشنودی حق سبحانه
وتعالی میشود وفیض ورحمت را زیاد میکند ولهذا نتیجه عظیم خواهد شد ششم در حین عمل باید که

ترک کند خوردن سیر و پیاز و کندنای و امثال اینها را اگر چه بعضی از روایات اند زیرا که از انواع این روائح کریهه
ملائکه متنفر میشوند لهذا صاحب عمل را مدد نمیکنند و فایده عمل ناقص میشود و بسا باشد که بی فایده
شود و در حدیث صحیح است که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمودند که چون کسی از این چیزها
خورد بمسجد حاضر نشود که ملائکه از ان بوی ناخوش کراهت دارند و متنفر میشوند و همچنین
بقدر الامکان در حین اشتغال بعمل ترک حیوانی بکند زیرا که اکل حیوانی مقوی روح حیوانی
و مضعف روح ملکی است و از ترک ان روح حیوانی ضعیف میشود و ملکی قوت بهم میرساند و از
جهت جنسیت با ملائکه دعا سریع الاجابه میشود و شاهد بر این کلام ائمه طاهرین علیهم السلام است
که فرمودند قرار مدهید بطون خود را مقابر حیوانات و در این امر صاحبان سلوک و طریقت اهتمام
بلیغ دارند **هفتم** انکه بدن و لباس و مکان را در حین اشتغال بعمل پاکیزه و خوشبوی باید داشت
کما قال الله تعالی و ثیابک فطهر و قوله تعالی و یحب المتطهرین و باید لباس از وجه حلال بهم رسیده
باشد و مکان هم غصبی نباشد زیرا که از برای هر دو مدخلیت تمام است **هشتم** ملاحظه ازمنه و امکنه
شریفه اما ازمنه مثل وقت سحر و طلوع فجر و طلوع شمس و وقت نزول باران و مابین اذان و اقامه و وقت
سجده و ماههای حرام و ماه رمضان و عیدین و عرفه و عاشورا و روز جمعه و پنجشنبه و دوشنبه و شب
عید فطر و اضحی و برات و شبهای قدر و شب جمعه و امثال اینها از ایام و لیالی و شهور و اوقات شریفه
که در اینها از برای اجابت دعوات مدخلیت کلی است و همچنین مراعات ساعات نجومیه هم هرگاه کرده شود
بهتر خواهد بود مثل انکه عمل در محاق و طریقه و امثال ان واقع نشود و مراعات طالع را هم هرگاه بکنند
بهتر خوب است مثل انکه مریخ و زحل در طالع نباشند و قمر و شمس را با کواکب نظرات نحس نباشد بلکه
سعی نماید که نظر سعد داشته باشند و اما امکنه مبارکه مثل عرفات و مشعر الحرام و مقام ابرهیم و درون
خانه کعبه معظمه و بام ان و نزد حجر الاسود و در صفا و مروه و مسجد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
و روضه مقدسه انجناب و مقابر سایر انبیا علیهم السلام و مشاهد مشرفه ائمه طاهرین علیهم السلام و سایر مساجد

ومعابد

و معابد روی زمین است و بر سر قبور علما و مومنین و محلهای اهل ایشان **نهم** مراعات اداب و طریقه نشستن
نماید مثل انکه در خلوت باشد و از مثل اطفال و نسا و عوام و مجانین احتراز نماید زیرا که معاشرت با ایشان
عقل را میکاهد و از توجه تام باز میدارد و باید که در حین عمل مربع بنشیند چنانکه حضرت پیغمبر صلعم
بعد از نماز صبح تا طلوع افتاب مربع می نشستند و مشغول دعا بودند و بعضی از اکابر بدو زانو
نشستن را تجویز کرده اند زیرا که از اقرب بادب دانسته اند **دهم** باید در حین عمل خود را معطر دارد
و بخورات طیبه مثل عود و عنبر و کندر بکار برد و بوی خوش را بعد از اتمام معطر ساخته و درهم پیچیده بکر
نگشاید **یازدهم** باید از تاخیر تاثیر و عدم ظهور اثر ترک عمل ننماید و تاخیر را از جهت عدم مراعات
شرایط یا از تاثیر کواکب یا از عدم اخلاص یا عدم مصلحت داند و مجددا عمل را از سر گیرد و بعزم تمام
و صدق و اخلاص ملا کلام شروع در عمل نماید و ایه مبارکه لا تیاسوا من روح الله را بخاطر اورد
و از رحمت ارحم الراحمین نا امید نشود و عمل را از زنان و اطفال و عوام و ضعفاء العقول بلکه از خواص
نیز مخفی باید داشت و استعینوا علی حوائجکم بالکتمان را باید مراعات کرد و ایه شریفه ادعوا ربکم
تضرعا و خفیه و قوله تعالی حکایه عن زکریا اذ نادی ربه نداء خفیا دال بر مشروعیت نماید و اهسته
در قلب خود با قاضی الحاجات مناجات کند زیرا که هرگاه بتوجه قلب بکی بیاز بدرگاهی بیاز کند
از مبدا فیاض زود تر افاضه فیض خواهد شد علاوه انکه مناجات در خفیه از ناخوشی ریا و سمعه مبراست
هرگاه در این حال از عجب هم خالی باشد البته اجابت مقرون خواهد گشت و هذا مما لا ریب فیه **دوازدهم**
باید افتتاح دعا را بتسبیح حضرت اله و صلوات بر پیغمبر صلی الله علیه و آله نماید زیرا که در خبر است
که حضرت رسول صلعم هرگاه خواستی که دعا کنی اول ربی العلی الاعلی الوهاب خواندی و باز
حضرت صلعم فرمودند که چون از حق سبحانه و تعالی حاجتی خواهید اول بر من صلوات فرستید زیرا
که جناب اقدس الهی از ان کریم تر است که دو حاجت از او خواهید یکی را اجابت کند و یکی را فرو گذارد
و صادق علیه السلام و غیره از ابوذر و سلمان و جمعی از اصحاب کبار روایت کرده اند که چون از حق سبحانه و تعالی حاجتی

خواهی الیسر ابتدا بصلوة کن پس حاجت خود را عرض کن و بعد از ان نیز ختم بر صلوات کن که حق تعالی شهید
ان دو صلوة را قبول میکند و از کرم الهی و لطف نامتناهی دور است که میان حاجت که بنده عرض کند اول
و اخر را قبول کند و وسط را رد نماید **فائده ثانیه** در شرایط مخصوص این حزب باید خوانده شود و ان امور
امر است **اول** انکه باید در حین عمل بکلام اجنبی متکلم نشود و تحقیق این مطلب انست که از برای ان
ذکر یا عملی که خواص معین شده است باید اول از تلاوت جزوی و دوم بر اطلاقی گویند و در جزوی
شرط است که در وقت ندا و منتهی هیچ وجه من الوجوه متکلم بکلام اجنبی نشود حتی انکه اگر ضرورت داعی بر تکلم شود
عمل را از سر گرفتن اولی بود و در تلاوت اطلاقی باید در حین اشتغال حتی الامکان حرف اجنبی نزند مگر انکه
بحد ضرورت رسد و اکابر در این خصوص تاکید بلیغ نموده اند **دوم** صاحب حرز الامان اورده که باید خلوت
خانه وسیع نباشد بلکه اگر بیش از انکه توان نماز کرد نباشد اولی بود و روزن بغیر از ان در که داخل
میشود نداشته باشد که روشنی ان حواس را متفرق بکند و در محل غوغا و محل تلوث نباشد که باعث تشویش
خاطر گردد و باید که چون قدم در خلوت نهد بگوید **بگوید** رب ادخلنی مدخل صدق و اخرجنی مخرج صدق
واجعل لی من لدنک سلطانا نصیرا **و** چون قدم بر مصلی نهد بگوید **بسم الله** و بالله و الحمد لله و الصلوة
والسلام علی رسوله اللهم اغفر لی وافتح لی ابواب رحمتک **پس** دو رکعت نماز بگذارد با کمال خشوع و
خضوع و در رکعت اول بعد از فاتحه این ایه بخواند و من یعمل سوءا او یظلم نفسه ثم یستغفر الله یجد الله غفورا
رحیما **و** در دوم بگوید ربنا علیک توکلنا والیک انبنا والیک المصیر **بعد** از ان در عمل و تلاوت شروع
کند **سیم** در صفت جلوس در خلوت و شرایط ان باید انکه باید عامل بر زمین بی فرش نشیند نه بر گلیم تواضع
اقرب است باانکه بر مثل حصیر یا کاه از زمین نرویده باشد و باید همیشه رو بقبله باشد سیما در وقت قرائت
و هیچکس در ان خلوت راه نیابد و از حیوانات هم هیچ در ان نباشد و در ان خلوت غیر از عبادت عملی دیگر
شاید سر نزند و در انجا خواب نکند و پهلو بر زمین ننهد و البته خواب نکند مگر بی اختیار و در انجا چیز نخورد و بنا
و همیشه با وضو باشد و اگر در حین جلوس چشم وی بخواب گرم شود و از تکرار ذکر ملال حاصل شود بجای خود صف

کند

کند و بر هر عمل باز رود **چهارم** رعایت کند تجوید را و ادا کند حروف را از مخارج زیرا که الفاظ باندک اختلاف
در مخرج معانی مختلف میشود و بسا باشد که بکفر مبدل میشود و نتیجه برعکس میشود ولکن رعایت
تجوید بحدی نرسد که قاری را از معانی غافل گرداند و الفاظ بی معنی مکرر نماید زیرا که مراعات معنی اهم از مراعات
لفظ است از جهت انکه معنی بمنزله روح است و لفظ بمنزله جسد هم چنانکه مقدم شد و تقدم اول بر ثانی
بدیهی است **پنجم** در هر حال حفظ ترتیل سعی تمام نماید و مراد از ترتیل هم چنانکه از حضرت امیر المومنین علیه السلم
وارد شده حفظ وقوف و ادای حروف است و در حدیث دیگر است که مراد از ترتیل انست که حروف کلمات را
نه چنان تیز ادا کند که در هم شکسته شود و نه چنان دیر قرائت کند که از هم پراکنده و ضایع گردد
که صورت لفظ از نظم طبیعی بیرون رود و این هر دو حدیث در مقدمات تفسیر صافی مذکور است **ششم** قرائت را
بغایت بلند و اهسته نکند بلکه وسط را بمقتضای خیر الامور اوسطها مراعات نماید و ایه شریفه و لا تجهر بصلوتک
ولا تخافت بها وابتغ بین ذلک سبیلا را در این باب فراموش نکند **هفتم** در حین دعا سجع و قافیه را
ترک نماید که منافی حضور قلب و تضرع است و در وقت عمل مقتضای ایه شریفه ادعوا ربکم تضرعا و خفیة
و دون الجهر من القول ان الله لا یحب المعتدین را معمول دارد و مفسرین فرموده اند که مراد از معتدین انها اند
که در دعا سجع و قافیه را رعایت میکنند و در مذمت این جماعت در خبر وارد شده که حضرت پیغمبر صلی الله علیه
واله فرموده اند که زود باشد که پیدا شوند جماعتی که در دعا تکلف کنند **هشتم** ترک تفیهق و تشدق نماید
و مراد از تفیهق انست که عبارات بسیار از جهت اظهار فصاحت و بلاغت ادا کند و در معنی زیادتی بهم نرسد بلکه
بسا اوقات مخل مطلب نیز شود بلکه باید معنی را بلفظ خود ادا کند و در اختصار الفاظ و اکثار معنی کوشد
و خیر الکلام ما قل و دل را رعایت کند و مراد از تشدق انست که لب و دهان را در حین قرائت کج و کوج کند
و حرکات ناهنجار و هله مثل انکه بعضی از جهال قرا بجهت ادا کردن حروف از مخارج این عمل شنیع را مرتکب
میشوند و چنین میدانند که این کمال ایشان است و حال انکه کمال رکاکت دارد بجهة انکه اگر ایشان بدست
البته بدهند و قوه منفعله داشته باشند خجالت خواهند کشید و این عمل شنیع را ترک خواهند کرد و حضرت

پیغمبر صلعم مشتد قمین از حدیثی صنعت کردند **نهم** دمیدن ادعیه واذکار است بر حوز دیدنها واشامیدنیها
واین عمل باثر نخواهد بود ولکن باید بعد از تمام شدن قرائتها باشد وان حضرت رسول صلعم استعمل وامر شده است
وکار بر قوم هم رعایت این عمل میکرده اند **فائده ثالثه** در شرایط وآداب معتبره در انچه باید نوشته یا نقش کرده
یا با خود داشته یا پاشیده شود وان هشت امر است **اول** باید که چون خواهد چیزی از برای مطالب بنویسد
قلم از نو تراشد واگر باید ان قلم فولاد وامثال ان باشد نیز باید قلم را از نو درست کند **دوم** اگر از برای
مطالب مذکوره در این رساله مداد سفید یا زرد یا سبز یا رنگ نورانی ترتیب دهد اولی باشد واز رنگهای
تیره مثل مرکب وامثال ان احتراز کردن مناسب است **سیم** باید اوراقی که بر او مطالب مذکوره را می نویسد
سفید یا رنگ صاف شفاف داشته باشد وپاره وکثیف وبدرنگ وکهنه نباشد وهم چنین اگر از حریر باشد
این شرایط در او معتبر است واگر پوست اهو باشد باید که ذبح کرده ودباغی کرده وپاکیزه وخوشرنگ ودرست
باشد واز ذبح نکرده یا سگ گرفته یا دباغی نکرده یا کثیف وسوراخ دار وپاره احتراز باید کرد واگر ذبح
مسلمانان واز دست ایشان ابتیاع کرده باشد وعلم بنجاست نداشته باشد عیب ندارد **چهارم** باید ان
آلات وظروف که بر ان چیز مینویسد صاف ورنگ روشن داشته باشد وهیچ از مداد در او نفوذ نکند
تا در حین نشستن تمام مداد پاک شود واز ظروف شیشه پاکیزه باشد وحتی الامکان نو باشد وهنوز
استعمال نکرده باشد واگر ظرف مس باشد واستعمال شده باشد ولکن نو قلعی کرده باشند ودیگر استعمال
نکرده باشد عیب ندارد ومخفی نماند که باید قلم یا اشیا ومداد واوراق وجلود وظروف جمیع از وجه
حلال حاصل کرده باشد واگر از وجه حرام یا غصب تحصیل کرده باشد عمل بی فائده خواهد شد ودور نیست
که خلاف مقصود ظهور کند ونتیجه بعکس بخشد **پنجم** در حین کتابت توجه تمام باید نماید که الفاظ وکلمات
وحروف ومدها واجب والف وهمزه ونشاید در حین کتابت از دست بیفتد که عمل ضایع خواهد شد وهم
چنین شرط است که در حین عمل قلب وچشم ودست هر سه در عمل متوجه باشند نیز اگر انا کاتب رسیده است وصاحب
حرز کلامانیز فرموده که در کتابی که در آن قلب حاضر نباشد اثری نخواهد بود ومثل قرائتی است که قاری معنی انرا

درد

درد نکند **ششم** در طریقه حمل مکتوب باید که مکتوب را بعد از اتمام بر تحریرات لا یفید داشته فی الحال در هم پیچد
ودر میان خرقه پاک خوشبوی نهد پس در موم کافوری پاک در پیچد وباز در خرقه معطر پاک پیچیده وبا خود
نگاه دارد ودایم با وضو باشد وچون در خلا میرود از خود دور کند وبعد از طهارت کامل با خود بکند وان
مرقوم که مجرد ان تمام هستی باشد خلاف بر بردن ان عیب ندارد وهم چنین است حکم صفحها وخاتمها که بر انها چیزها
حکاکی کرده باشد ومخفی نماند که رعایت این شرط از همه شرایط مشکلتر است ورعایت ان در حصول نتیجه بسیار
مفید واهم است **هفتم** در طریقه دفن کردن انچه در این رساله است باید که در مسجد یا مدارس یا باغات
سبز وخرم وجاهای خوش هوای خوش بو دفن کند واز موضع غصبی وکثیف وبدبوی احتراز کند **هشتم** انچه را
قبیل محو کردنها است واشامیدنیها است باید که اب نیسان یا گلاب یا ابی باشد که از وجه حلال حاصل کرده
باشد وشیرین وپاکیزه باشد وکثیف ونجس نباشد واگر اب نیسان یا گلاب است انرا در شیشه نو پاکیزه نگاه
دارد واگر اب هم بوده باشد بعد از انکه از عمل در ان فارغ شوند وانداختن ادعائی وذکری که با او باید بخوانند
خوانده باشند انرا در شیشه نو کرده در جای پاکیزه نگاه دارند ودر وقت حاجت بکار برند واگر از مقوله
پاشیدنی باشد اب شور نیز سهل است ومخفی نماند که شرایط معتبره در کتابت شرط اند در حکاکی وبالمقابله حکم
ان نیز معلوم است وباید دانست که اشکال مثلث ومربع وامثال انرا در کتابت وحکاکی بطریقه علم اعداد باید
نوشت که شکل ان درست داشته باشد والا عمل بیفایده خواهد شد واز این جهت است که اکثر اعمال طلسمات بیفایده
میشود **باب اول** در ذکر انچه موجب نسیان است وان در یک فصل ذکر میشود **فصل** در کتاب مصباح کفعمی
اموری که موجب نسیان میشود در چند بیت که منقول از سخاوی است نقل کرده وان ابیات مذکوره **اینست**
توقّ خصالاً خوف نسیان ما مضى ؛ قراءة الواح القبور تديمها ؛ واكلك للتفاح ما دام حامضا ؛
وكزبرة خضراء فيها سمومها ؛ كذا المشي ما بين القطار وجمعه ؛ قضاه ومنها الهم وهو عظيمها ؛
ومن ذاك بول المرء في الماء راكدا ؛ واكلك سؤر الفار وهو عميمها ؛ ومعنی ابیات اینست که محافظت کن خصلتهائی
چند را از جهت خوف فراموش کردن انچه گذشته است یکی قرائت الواح قبور است که بر انها نقش شده باشد ودیگر

خوردن سیب است مادام که ترش باشد دیگر خوردن گشنیز تازه است که در آن ضرر او است و هم چنین راه رفتن میان
زنان و حجامت در گودال پس سر خواهش میکند نسیان را و از آن خصلتها غصه دنیا است و او از برای خصال است
و بعض از آنها بول کردن در آب استاده و از آنها خوردن توت است پس خورده موش را و از آن خصال است
و در کتاب آداب المتعلمین مولانا الفاضل المقدس الاردبیلی علیه الرحمه فرموده اند که هر چیز زیاد میکند بلغم و
رطوبت را موجب میشود نسیان را و دیگر فرموده اند که از جمله چیزهایی که موجب نسیان است معصیت بسیار کردن است
و بسیار مهموم بودن از برای امور دنیا است و بسیار کردن مشغله و علایق انسان چه آنکه هم و غم از برای دنیا
خالی نیست از ظلم در قلب و هم از برای آخرت خالی نیست از نور در آن و دیگر عبور کردن بین قطار اشتر است
و دیگر انداختن شپش زنده است بر زمین و در آخر کتاب فرموده اند که بالاتفاق این امور مذکوره موجب
نسیان است **باب چهارم** در ذکر ابخره دفع میکند نسیان را و نوع میدهد حافظه را و آن در شش فصل بیان میشود ذکر ابخره باعث فهم و حافظه
فصل اول در خواص سوره که در این باب مناسب است بدانکه در کتاب مکارم الاخلاق سند بر او حضرت
صادق علیه السلم از برای حفظ روایت کرده است که فرموده اند بنویسد به زعفران سوره حمد و آیة الکرسی
و انا انزلناه و یس و واقعه و حشر و سبح و تبارک و قل هو الله و معوذتین را بر ظرف پاک پس بشوید
از آب زمزم و یا باب باران یا با آب پاکیزه دیگر پس بیندازد در آن دو مثقال لبان و ده مثقال عسل را
پس در شب بگذارد بر پشت بام زیر آسمان در حالی که بر بالای آن هیچ نباشد پس در آخر شب دو رکعت نماز کند و بخواند
در هر رکعت بعد از حمد پنجاه مرتبه قل هو الله را و هر گاه از نماز فارغ شود بیاشامد آب مذکور را که از برای
نوع حفظ مجرب است و در کتاب در النظیم که از کتب معتبره است از حضرت امام جعفر صادق علیه السلم نقل کرده است
که هر کس سوره مبارکه یس را بگلاب و زعفران هفت بار بنویسد و در یک هفته هر روز یکی از آن را بشوید
و آب آن را بیاشامد نوع حفظ او زیاده شود و هر چه بشنود یاد گیرد و با هر کس مناظره و نزاع کند غالب
گردد و در آن کتاب نقل کرده که همین عمل باعث میشود بزرگواری را ایضا در آن کتاب و در کتاب مصباح
کفعمی است که هر کس سوره حشر را در جام سفید نویسد و باب باران بشوید و بخورد نسیان او زایل شود و

نوع

نوع حفظ زیرکی او زیاد گردد ایضا در آن کتاب است که حضرت صادق علیه السلم فرموده اند که اگر سوره مبارکه
مدثر را بخواند و در آخر آن از حق تعالی طلب حفظ قرآن کند از دنیا بیرون نرود تا قرآن یاد گیرد و در کتاب
مصباح کفعمی است که هر که مداومت نماید بر قرائة سوره مدثر و سؤال کند از حق تعالی در آخر آن حاجت او برآورده
میشود یا حفظ قرآن احفظ میشود و او را ایضا در در النظیم است که هر کس سوره مبارکه اعلی را بنویسد
و با خود دارد ذهن او صاف گردد و نوع حافظه او زیاده شود و نسیان نقصان پذیرد ایضا در آن کتاب است
که هر کس سوره والنجم را در ظرفی از آب کنر یا آب مورد و زعفران بنویسد و از آن با آب باران و عسل بشوید
و قدری شیره انگور تازه بر آن اضافه کند و بخورد نسیان را زایل کند و هر مشکلی که داشته باشد حل شود
و در کتاب حرز الامان که از جمله کتب مشهوره معتبره است از صاحب در النظیم او روایت کرده هشام بن حارث از
ابن عباس نقل کرده که روزی حضرت رسول صلعم فرمود که ای پسر عباس میخواهی که تو را هدیه بدهم که مرا جبرئیل
تعلیم کرده است از برای حفظ گفتم بلی یا رسول الله صلعم فرمود که بنویس در طشتی به زعفران فاتحة الکتاب
و معوذتین و قل هو الله و یس و سوره ملک و سوره حشر و سوره واقعه مجموع را با التمام و باب زمزم
یا آب باران بشوی در وقت سحر و بیاشام با سه مثقال لبان یعنی کندر و ده مثقال عسل و ده مثقال
شکر پس دو رکعت نماز بگذار که در هر رکعتی پنجاه مرتبه فاتحة الکتاب و پنجاه بار قل هو الله احد بخوانی و از روز
روزه داری ابن عباس گوید که این عمل کسی را سزد که عمر او از شصت سال کمتر بود و من تعلیم کردم او را از آن
حضرت و بان عمل کردم همچنان بود که آنحضرت فرموده بودند و هم صاحب در النظیم گفته که زهری این عمل را
برای اولاد خود بجا آورد در کمتر تا تجربه کردم از آن نام یافتم بسبب یکسی که از شصت سال عمرش
کمتر بود و از عاصم که یکی از قراء سبعه است نقل کرده است که او گفت که من این عمل کردم و در آن وقت
پنجاه ساله بودم بکار بر من نگذشت الا آنکه در نفس خود مشاهده کردم زیادتی حفظ را بمرتبه که وصف
آن نتوانم کرد ایضا در کتاب حرز الامان از ابن عمیر آورده که هر کس بنویسد بمشک خالص بر جام زجاجی
سوره فاتحه را و بگلاب خوش بوی محو کرده هفت روز متصل هر روز بامداد ناشتا بیاشامد زکاوت و حافظه

وی بیفزاید و قوی شود و نسیان از وی بضعف آورد و هر چه بشنود بر ذهن وی بماند و هرگز فراموش نکند ابدا
فصل چهارم در ذکر آیات قرآنیه که مناسب این باب است بدانکه در کتاب درة النظم از شیخ شرف الدین منقول است
که هر کس این کلمات عز مکرر را نقش کند بر خاتمی از نقره در پنجشنبه اول ماه رجب و بکتابت آن در آب باران
هند و صباح آن آب را بناشتا بخورد قوت حفظ وی قوی گردد و کلمات اینست الم المص الر المر کهیعص
طه طسم طس یس ص حم عسق ق ن مؤلف گوید که از برای این کلمات در کتاب جواهر الامان این خاصیت
منقوله از درة النظم را مع خواص بسیار دیگر یافتم ولیکن در جواهر الامان کلمات را باین طریق ضبط کرده است
الم الم المص المر کهیعص طه طسم طس طسم یس ص حم حمعسق ق ن ایضا در درة النظم است که هر کس
اول سورة البقره را تا هم المفلحون در اول روز پنجشنبه در ظرف پاک بمشک و زعفران بنویسد و آنرا
در آبجاری که شیرین باشد بشوید و در شبانه آن آب بخورد و روز روزه دارد سه روز باین روز
باین دستور عمل کند حفظ او زیاده شود و نور علم و معرفت در دل او ظاهر گردد مؤلف گوید که این
از برای سورة البقره تا هم المفلحون از درة النظم نقل شد خود در درة النظم یافتم ولکن صاحب جواهر
الامان همین خاصیت را از او نقل کرده با اندک اختلافی و آن اینست که هر کس الم را تا هم المفلحون در
روز پنجشنبه اول روز بر آنا چینی پاک یا ظرف زجاجی پاک بمشک و زعفران و گلاب کتابت
کند پس بنوشد را آب چاشت بی محو کند و بر نهار بیاشامد و آن روز طعام نخورد و باز در آن شب
از آب محول شربتی دیگر بیاشامد و روز آینده روزه دارد و هم چنین سه شبانه روز بشرطیکه افطار
اکتفا کند و آب دیگر نخورد و روزه دارد و اگر قوت مزاج کند پنج روز روزه دارد و افطار جز
بدین شربت نکند و از طعام امساک کند یعنی کم بخورد حضرت حق تعالی قوت حافظه وی بیفزاید و نفس
ناطقه وی را قوت دهد و علم را در دل وی ثابت کند و نور معرفت را در باطن وی ظاهر گرداند ایضا در آن
کتاب است که هر کس از سوره بقره آیه مبارکه و رفعنا بعضهم فوق بعض را الی قوله تعالی و لکن الله یفعل
ما یرید بر صفحه از مس بنویسد در اول ماه و با خود دارد نسیان او دفع شود و قوت حفظ او زیاده شود ایضا

دران

دران کتاب از سلمان فارسی رضی الله عنه روایت کرده است که حضرت رسول صلعم فرمود که هر کس آیة الکرسی را
بزعفران بر کف دست راست خود بنویسد و آنرا بلیسد تا هفت دفعه هرگز چیزی فراموش نکند و هر چه شنیدن
و از امر زش خواهند ایضا در درة النظم است که هر کس از سورة البقره آیه شریفه او کالذی مر علی قریة را
الی قوله تعالی ان الله علی کل شیء قدیر بر کاسه بنویسد از چوب انجیر یا چوب زیتون و به آب باران
هلیله بشوید هر کس این آب بخورد سختی دل او بر طرف شود و هر چه بشنود فی الحال یاد گیرد ایضا در
درة النظم است که دو آیه آخر سورة البقره را در صباح بر ظرف پاک بنویسد و به آب جاری که شیرین
باشد بشوید هر کس از آن آب بناشتا بخورد قوت حفظ او زیاده شود ایضا در آن کتاب است که
هر که از سورة آل عمران آیه هو الذی انزل الکتاب را الی قوله تعالی لا یخلف المیعاد بر کاسه سبز نو
بنویسد بگلاب و زعفران در ساعت ششم از روز جمعه و آنرا به آب باران بشوید و در روز جمعه
پیش از طلوع آفتاب بناشتا بخورد و در آن روز حیوانی و چیز شیرین پاک نخورد و هفت جمعه باین
دستور عمل کند ذهن و زیرکی او زیاد شود و حفظ او بمرتبه رسد که هر چه بشنود یاد گیرد ایضا در آن
کتاب است که هر کس اول سوره هود که الر کتاب احکمت است الی قوله تعالی علی کل شیء قدیر بر برگ درخت
سبز بنویسد بوقت طلوع صبح بمشک و گلاب و بشوید به آب چاهی که این درخت از آن آب می خورد و آن
آب بخورد در مدت چهار روز در صباح و عاز شام دل او منشرح شود و تعلیم علوم و حفظ قرآن
بر او آسان شود و در کتاب جواهر الامان خاصیت این آیه را تا علی کل شیء قدیر از صاحب درة النظم چنین
نقل کرده که هر کس این عمل مذکور را بعمل آورد بعد از اتمام وی مستعد علوم الهی شود و حفظ وی
و فهم او بغایت قوی شود و حفظ قرآن و غیره بر او آسان شود ایضا در آن کتاب بود در کتاب مصباح الکفعمی
منقول است که هر کس از سورة مبارکه طه آیه و لا تمدن عینیک را الی قوله تعالی و العاقبة للتقوی را
بنویسد و با خود دارد اگر غریب باشد زوجه صالحه برای او پیدا شود و اگر فراموش کار باشد قوت
حافظه او زیاد شود و اگر بیمار باشد شفا یابد و اگر درویش باشد توانگر گردد ایضا در درة النظم است

که چون کسی خواهد که قوت حفظ او زیاده شود و سخنهای دقیق فهم کند و ینابیع حکمت در دل او جاری
شود باید که سه روز روزه دارد چنانکه اول روز پنجشنبه باشد از اول طسم و از سوره قصص
ایه و لقد وصلنا لهم القول را الی قوله تعالی لا نبتغی الجاهلین در ظرفی از آبگینه بنویسد و از آب باران
روان بشوید و هر روز پیش از طلوع آفتاب قدری از ان آب بخورد مقصود او حاصل گردد ایضا
در درر النظیم است که از سوره حمعسق ایه و کذلک اوحینا الیک را الی قوله تعالی الا الی الله تصیر الامور
خواص بسیار است از انجمله زیادتی قوت حفظ و ادراک و میل بطاعت و تهجد و حسن توکل و اسنای علوم
دقیقه است چون این ایات را بر ظرف آبگینه سفید بنویسد بزعفران و گلاب و عسل که آتش بان نرسیده
باشد پس ان را بشوید و بعد از نماز صبح روز جمعه سه جرعه از ان آب بسه دفعه بخورد و انچه از این
امور مذکوره مراد او باشد در وقت آب خوردن نام برد مطلوب حاصل اید و اگر این ایات را بر پوست
اهوی پاک بنویسد بمشک و گلاب بنام هر کس که خواهد چون انکس انرا با خود دارد او را میل بطاعت
و عبادت پیدا شود و اگر بر مذهب دیگر بود یا از دین بیگانه بود براه راست در اید ایضا در کتاب لب
که هر کس اول سوره و النجم الی قوله تعالی من ایات ربه الکبری را در جامی از زر سرخ بمشک و گلاب
بنویسد و بآب زمزم بشوید و هفت روز متوالی بعد از نماز بامداد بناشتا از این آب بخورد حدت
ذهن او زیاده شود و قوی گردد و حافظه او زیاده شود و وسواس و نسیان او زایل شود ایضا
در کتاب لب است که اول سوره الرحمن الی قوله تعالی بحسبان مناسب است خطبا و وعاظ و شعرا و
قرا و اهل علم را بجهت انکه حفظ زیاده کند و نسیان را زایل کند بگیرد شکر و عسل و آب به و آب سیب
هر دو را برابر و آب انگور سیاه ضعف یکی از این اشیا و اینها را باهم بیامیزد و بهر یک رطل از این آب یک درم
زعفران و دارچینی و انیسون و گل و فلفل و دار فلفل و کبابه و درونبات و جوز بویا و قرنفل از
هر یکی بگیرد هم وزن و از مشک ربع درهمی و همه را باتش بجوشاند تا اینها نصف شود پس عسل و شکر
بان اضافه کند و بجوشاند تا قوام پیدا کند پس این ایات را بر جامی از آبگینه بگلاب و مشک و زعفران

بنو

بنویسد و بشوید و در میان انها بریزد و انها را قدری دیگر بجوشاند تا قوام ان زیاده شود پس قدری
برگ نارنج نرم سوده در ان میان اندازد و از آتش برگیرد و در ظرف رنگین کند و هر شب در وقت
خواب یک معلقه از ان بخورد مطلوب او حاصل شود و بر وجه کمال برسد ایضا در درر النظیم است
که چون اول سوره و الفجر را الی قوله تعالی الذی حجر در ظرف آبگینه بنویسد با آب برگ مورد و زعفران
و ان را بعسل عفو کند و قدری شیره انگور تازه بان اضافه کند هر کس انرا بخورد بلادت او زایل
شود و ذهن او صاف گردد ایضا در کتاب لب است که هر کس اول سوره لا اقسم بهذا البلد الی قوله تعالی
لم یره احد را بنویسد و بآب زمزم بشوید و هفت روز متوالی از ان آب بخورد و در این هفت روز
بر تلاوت این ایات مداومت نماید فهم و قوت حفظ او زیاده شود و تعلیم قران و علوم بر او اسان
گردد و در کتاب مصباح کفعمی از ابن عباس روایت میکند که سزاوار است از برای کسی که کثیر النسیان
باشد اینکه مواظبت کند بر قرائت ایه شریفه ربنا لا تواخذنا الی اخر سوره البقره در تعقیب نماز صبح
پس بگوید اللهم لا تنسنی ما اقرء فی هذا الیوم فانک قلت سنقرئک فلا تنسی پس دیگر موافق
بکند این جز را که در ازون خوانده است و در کتاب عدة الداعی و تفسیر صافی از کتاب ثواب الاعمال از
حضرت سجاد علیه السلام نقل میکند که انحضرت فرمودند که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و اله فرمودند
که هر کس قرائت کند چهار ایه از اول سوره البقره و ایة الکرسی را تا هم فیها خالدون و سه ایه از اخر سوره
البقره را نمی بیند در نفس خود و مال خود چیزی را که ناخوش اید او را و نزدیک نمیشود او را شیطان و
فراموش نمیکند قران را و در رساله خواص الایات است که هر کس ایه و یخرون للاذقان و یبکون
و یزیدهم خشوعا را بحروف مقطعه که مجموع بیست حرف میشود در صباح بمشک و زعفران بنویسد
و بشوید و بخورد ذهن او صاف گردد و حفظ زیاده بهم برساند فصل بیستم در ذکر اسماء حسنی که از
برای رفع نسیان و حصول حافظه موثر است بدانکه در کتاب مجمع الغرائب که در شرح اسماء الله نوشته
شده است و از جمله کتب معتبره است مذکور است که هر کس بعد از نماز صباح بیست نوبت هو الله الذی

لا اله الا هو را بر هفت دانه مویز طائفی خواند و بناشتا بکودک کند فهم و کند زبان دهد که بخورد تا بیست
روز البته فهم او زیاد شود و هرچه بشنود یاد کیرد و قوه حفظش قوی شود ایضا در ان کتاب است که
حضرت صادق علیه السلام فرمودند که هر کس اسم المغیث را هفت مرتبه بر اب باران خواند و طفل بلغمی
بی خرد از ان بخورد صابر و خوش خوی و خوش ذهن کردد و هرچه خواند یاد کیرد ودر کتاب جنة
الامان اورده که هر کس حروف اسم ذو القوة بنویسد و ان میان ثانی و سادس را که حرف واو است شش
بار کتابت کند در ساعت دوم از روز جمعه و بر مریض بیاویزد که صاحب صداع یابس بود شفا یابد
و اگر بر نگین نقره در ساعت مذکور نقش کند و در دهان کیرد بلغم و رطوبت وی کم شود و صاحب نسیانی
که ان خاتم را حامل شود از علت نسیان زایل شود ودر کتاب در النظیم است که اگر اسم ذو القوة المتین را
با این طریق و ذو القوة بنویسد شش بار در پوست اهو در ساعت دوم از روز جمعه و کسی که نسیان بر او
غالب باشد با خود دارد نسیان او زایل کردد ایضا صاحب جنة الامان از کتاب در النظیم اورده که اسم
البدیع الباطن الحفیظ الکامل المعدی المعید المغیث المجید الصادق الواسع را خاصیت قوی است
در حفظ علوم جلیله و اصحاب تقوی و اهل معرفت را بدان مداومت مناسب است و این اسما برای تطهیر
قلب لایق است فصل چهارم در ذکر ادعیه که در این باب نافع است بدانکه در کتاب عدة الداعی از
حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله نقل کرده است که انحضرت بحضرت امیر المومنین علیه السلام فرمودند که یا علی
هرگاه اراده داشته باشی که حفظ کنی انچه میشنوی پس بگو در عقب هر نماز سبحان من لا یعتدی علی اهل
مملکته سبحان من لا یاخذ اهل الارض بالوان العذاب سبحان الرءوف الرحیم اللهم اجعل لی فی
قلبی نورا و بصرا و فهما و علما انک علی کل شیء قدیر ودر کتاب مصباح کفعمی از شهاب الدین سهروردی
نقل کرده است که هر کس قلیل الذهن و قلیل الحافظه باشد هر روز بعد از نماز صبح قبل از انکه تکلم کند
بگوید یا حی یا قیوم فلا یفوت شیئا علمه و لا یؤوده پس بدرستی که این دعا بسیار میکند حافظه را
و کم میکند نسیان را ودر حاشیه مصباح از سهروردی نقل کرده که هر کس چهل روز قبل از صبح هر روز هفت

مرتبه بگوید یا قیوم فلا یفوت شیئا علمه و لا یؤوده ببیند خالص زیاد میشود فهم او و فراموش نمیکند چیزی را
که حفظ کرده است و فرق نمی نماید میان انچه حاشیه و متن نقل شد معلوم است ایضا در ان کتاب از کتاب جامع
الشتات از حضرت صادق علیه السلام نقل میکند که حضرت فرمودند که هرگاه اراده کنی که از ما روایت
کنی حدیثی که شیطان از یاد برده باشد پس بگذار دست خود را بر پیشانی خود و بگو صلی الله علی
محمد واله اللهم انی اسئلک یا مذکر الخیر و الامر به ذکرنی ما انسانیه الشیطان پس هرگاه چنین
کردی بیاد میاوری او را انشاء الله تعالی ایضا در ان کتاب از شیخ طوسی نقل میکند که او در کتاب مصباح
متهجد نقل کرده است که هرگاه کسی اراده داشته باشد حفظ قران را پس چهار رکعت نماز بگذارد در
شب جمعه و در رکعت اول بعد از فاتحة الکتاب سوره یس بخواند و در رکعت دویم بعد از حمد سوره
دخان و در رکعت سیم بعد از حمد سوره الم سجده و در رکعت چهارم بعد از حمد سوره تبارک الذی بیده
الملک بخواند و هرگاه سلام داد حمد و ثنا کند بر جناب اقدس الهی و صلوات فرستد بر پیغمبر و استغفار
کند از برای مومنین و بعد از ان این دعا را بخواند اللهم ارحمنی بترک المعاصی ابدا ما ابقیتنی و
ارحمنی من ان اتکلف ما لا یعنینی وارزقنی حسن النظر فیما یرضیک عنی اللهم بدیع السموات
و الارض یا ذا الجلال و الاکرام و العزة التی لا ترام اسئلک یا الله یا رحمن بجلالک و نور
وجهک ان تلزم قلبی حفظ کتابک کما علمتنی وارزقنی ان اتلوه علی النحو الذی یرضیک
عنی و اسئلک ان تنور بکتابک بصری و تطلق به لسانی و تفرج به قلبی و تشرح به
صدری و تستعمل به بدنی و تقوینی علی ذلک و تعیننی علیه فانه لا یعین علی الخیر غیرک
و لا یوفق له الا انت مؤلف گوید که همین دعا را در کتاب مکارم الاخلاق نیز یافتم ولیکن چون
در دعا و صلوات ان اختلاف بسیار بود لهذا از مکارم الاخلاق نیز نقل میشود و ان اینست که
بگذارد در روز جمعه صلوة جعفر را با انکه در ان روز بگذارد چهار رکعت نماز با این طریق که در
رکعت اولی فاتحة الکتاب و یس و در ثانیه حمد و حم دخان و در ثالثه حمد و حم سجده و در رابعه بعد

حمد سورة الملک را بخواند و بعد از فراغ از نماز حمد و ثنا کند جناب اقدس الهی را و صلوات فرستد بر پیغمبر صلی الله علیه و آل
او و استغفار کند از برای مؤمنین چند نفر و بگوید اللّهمّ ارحمنی بترک معاصیک ابداً ما ابقیتنی
وارحمنی من ان اتکلّف طلب ما لا یعنینی وارزقنی حسن النظر فیما یرضیک عنّی اللّهمّ بدیع
السموات والارض یا ذا الجلال والاکرام والعزّة التی لا ترام یا الله یا رحمن اسئلک بجلالک
وبنور وجهک ان تنوّر بکتابک بصری وتطلق به لسانی وتفرّج به قلبی وتشرح به صدری
وتستعمل به بدنی وتقوّینی علی ذلک وتعیننی علیه فانّه لا یعین علی الخیر غیرک ولا یوفّق له
الّا انت ولا حول ولا قوّة الّا بالله العلیّ العظیم ایضاً در کتاب مصباح کفعمی از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله باسناد
صحیح نقل کرده است که هر کس اراده داشته باشد حفظ قرآن را و علم را پس بنویسد این دعا را بظرف
پاک و عسل ماذی یعنی عسل سفید که نرم و روان باشد پس بشوید باب باران که گرفته باشد
قبل از آنکه بر زمین رسیده باشد پس در سه روز بیاشامد بجهة حفظ میکند انچه را که خواهد ان شاء الله
و آن دعا اینست اللّهمّ انّی اسئلک فانّک مسئول لم یسئل مثلک اسئلک بحق محمد نبیّک و رسولک
و ابراهیم خلیلک و صفیّک و موسی کلیمک و نجیّک و عیسی کلمتک و روحک و اسئلک بصحف
ابراهیم و توریة موسی و انجیل عیسی و زبور داود و فرقان محمّد صلی الله علیه و علیهم اجمعین و اسئلک
بکلّ وحیٍ اوحیته و بکلّ حرفٍ انزلته و بکلّ قضاءٍ قضیته و بکلّ سائلٍ اعطیته و اسئلک باسمائک الّتی
اذا دعاک به انبیائک و اصفیائک و احبّائک استجبت لهم و اسئلک بکلّ اسمٍ انزلته فی کتاب
من کتبک و اسئلک بالاسم الّذی اثبتّ به ارزاق العباد و اسئلک بالاسم الّذی استقلّ به عرشک
و اسئلک بالاسم الّذی وضعته علی الارضین فاستقرّت و اسئلک بالاسم الّذی دعوت به السموات
فاستقلّت و اسئلک بالاسم الّذی وضعته علی النّهار فاستنار و اسئلک بالاسم الّذی وضعته علی
اللّیل فاظلم و اسئلک بالاسم الّذی وضعته علی الجبال فرست و اسئلک بالاسم الّذی الواحد الاحد الفرد
الصّمد الوتر العزیز الّذی ملأ الارکان کلّها الطّاهر المطهّر المطهّر یا الله یا رحمن یا رحیم یا مهیمن یا قدّوس یا حیّ

یا قیّوم یا ذا الجلال والاکرام ان تصلّی علی محمّد و آل محمّد و ترزقنی حفظ القرآن العزیز والعلم والحکمة برحمتک
یا ارحم الرّاحمین اللّهمّ ارحمنی واکفنی یا کافی کلّ شیء بفضل رأفتک علی کلّ شیء واکفنی کلّ شیء واصرف عنّی کلّ
ذی شرٍّ برحمتک یا ارحم الرّاحمین ورد در شرح چهل اسم از شیخ شهاب الدّین علیه الرّحمة منقول است که
اگر کسی کور دل باشد و هر چه خواند فراموش کند و قوّهٔ حفظش نباشد چهل روز هر روز بیست و هفت
بار بگوید یا قیّوم فلا یفوت شیءٌ من علمه ولا یؤوده من حفظه من بعد هر چه بگوید یاد گیرد و فراموش
نکند و اگر چیزی بجای گذارده و جا از فراموش کرده باشد یا دزد برده باشد در شب دوشنبه یکصد و
بیست بار بخواند بمطلوب رسد مؤلّف گوید که این دعا را خود در شرح چهل اسم که منسوب بشیخ بود
دیدم و آنچه سابقاً نوشته شد صاحب کتاب مصباح از شیخ نقل کرده بود و لیکن چون فرق بینی در میان
مذکور در اینجا و سابق بود همه را ذکر کردم تا هر کس هر کدام که خواهد عمل کند مؤلّف گوید که از جناب
شیخنا العارف وحید عصره و فرید دهره مولانا و مقتدانا و امامنا المبجّل الاجلّ الاوحدی الشّیخ
احمد بن زین الدّین الاحسائی دعا از جهة زیادتی حفظ و رفع نسیان و دوام توفیق بر تحصیل علوم
دینیّه خواستم آنجناب این دعا که از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت شده بود بجهة تعلیم
فرمودند که در هر روز بخوانم سیّما در عقب فرایض یومیّه والحمد لله ثمّ الحمد لله که از اثر و تأثیر آن حال
چند سال میشود که هر روز مداومت مینمایم و ببرکت آن از ثواب نعال طلّاب محسوب میشوم
و امید از جناب اقدس الهی اینست که ببرکت این دعا این توفیق زیاد فرمود و مادام العمر باقی بدارد
بحق محمّد و آله الطّاهرین و آن دعا این دکوار اینست اللّهمّ یا عزیز یا جبّار یا متکبّر یا قهّار اجعل
نفسی طیّبةً طائعةً حافظةً حاذقةً مؤمنةً مطمئنّةً ذات اسباطٍ فی الحفظ والخیر تؤمن بلقائک
وتقنع بعطائک وترضی بقضائک وتصبر علی قسمتک یا کریم بحق محمّد وآله الطّاهرین فصل پنجم
در ذکر خواصّ حروف و حروف مقطّعه که در این باب مناسب است بدانکه در کتاب حرز الامان از صاحب
منتخب المطالب اورده که هر کس حرف حا هشت بار بشرایطی که مقرّر است بر خاتمی نقش کند و با خود نگاه دارد

خلا اتحاد دل او را بلطایف حکمت زنده دارد و از طغیان و غضب و قساوت قلب در پناه او برد و اکر با ان
هشت حرف اسماء ان اکر یا حی یا حکیم یا حسیب یا حفیظ یا حق یا حکم یا حلیم یا حمید یا حنان است
بر نکین فضه نقش کند تاثیر وی در انچه کذشت اقوی بود و اکر این هشت حرف را با اسماء وی با سوره
تبارک بر ظرف پاک نویسد و محو کرده بیاشامد قوت حافظه وی بیفزاید ابجد در کتاب جواهر الامان
از صاحب شمس المعارف نقل کرده که هر کس عدد مفصل حرف دال را که سی و پنج است در مربع چهار
در چهار درج نموده بر حریر نو سفید پاک نویسد وقتی که قمر در سرطان بود متصل بمشتری و انرا
در زیر نکین انکشتر وضع کند حق تعالی نعمتی که بوی ارزانی داشته باشد ثابت و باقی دارد و اکر مفلس
الحال بود درهای روزی براو کشاده شود و اکر این مربع را در روز یکشنبه که قمر در مشرف بود بر سر دن حر
نور ساقط از نحوس و متصل بسعود در ساعت قمر بر ورق اهو نویسد و ارقام را بعد از ان نهد
که دو رکعت نماز کرده باشد و در هر رکعتی بعد از فاتحة الکتاب ایة الکرسی و صد بار قل هو الله احد
خوانده باشد پس این نوشته را با خود نکاه دارد حق تعالی حفظ و فهم و حکمت و دانش و قدرتی در
عالم علوی و سفلی بوی ارزانی سازد و اکر محبوسی این لوح را بر خود بندد زود از بند خلاص شود
و این مربع را اکر بر علمی بندند در هر لشکری که نصب کنند فتح و ظفر صاحب علم را باشد و سپاه دشمن
فی الفور بشکند و اکر طالب علمی انرا با خود دارد در حین مباحثه و مناظره بر اقران فایق اید و اکر
حامل این لوح با دشمن مجادله و محاربه کند غالب کردد و در این عمل رعایت حال مشتری و قوت دادن
وی بغایت مهم است چه این لوح نزد محققان علم حروف منسوب باو و این مربع بر دو قسم مرقوم

میشود	ا	یو	یه	د		١	١٤	١٥	٤
حرف و عددی	یب	و	ز	ط		١٢	٦	٧	٩
بر این وضع	ح	ی	یا	ه		٨	١٠	١١	٥
که نوشته شد	ید	ج	ب			١٣	٣	٢	

ین

١٧

بدانکه

بدانکه هر که مربع حرفی را بر ظرف پاک نویسد و بآب باران و عسل محو ساخته بیاشامد مرض نسیان از وی زایل
شود و فهم و عقل و حافظه وی بیفزاید و این لوح را خواص بسیار است بهمین قدر اختصار شد و باید
در این لوح شرایطی که در فصل قمر کذشت کما ینبغی مراعات نماید فصل ششم در ذکر ادویه و اغذیه
و افعالی چند که دفع میکند نسیان را و زیاد میکند قوت حافظه را بدانکه در کتاب مصباح کفعمی از ابن
مسعود از نبی صلی الله علیه و اله نقل کرده که هر کس بکیرد ده درهم فلفل و هم چنین از حرمل یعنی
تخم اسفند و از کندر سفید و شکر سفید و مجموع را بساید و مخلوط کند مکر حرمل را که در کف دست
نرم کند و بخورد انرا در صبح بوزن درهمی و در وقت خواب نیز بکیرد هم باعث میشود حفظ قران
و حدیث را و قطع میکند بلغم و بول را و نوم میدهد خشت را ابجد در این کتاب از کتاب لفظ الفواید
نقل میکند که کسیکه اراده داشته باشد اینکه بسیار شود حافظه او و کم شود نسیان او پس بخورد هر روز
یک مثقال مربای زنجبیل را ابجد در ان کتاب از کتاب لفظ الفواید نقل میکند که از جمله چیزها که مجرب است
از برای حفظ انست که بکیرد مویز سرخ که کهنه باشد دانههای مغز انرا بقدر بیست درهم و از سعد کوفی
یک مثقال و از لبان ذکر ده درهم مخفی نماند که لبان بفارسی کندر است و کندر هست بر صلب مانند خرما ذکر
کند ذکر نامند و سفید سست انرا ذشی نامند و از زعفران نصف درهم و مجموع را کوبیده و باب زنجبیل
خمیر کرده تا انکه مثل معجون شود پس هر روز ناشتا بکیرد هم بخورد و صاحب کتاب لفظ الفواید کفته است
که هر کس مداومت نماید بخوردن مویز در ناشتا زیاد میشود حفظ و فهم و ذهن او و کم میشود بلغم او
ابجد در ان کتاب از کتاب طریق النجاة نقل میکند که سه چیز است که میبرد بلغم را و زیاد میکند حافظه را و ان
روزه و مسواک و قرائة قران است ابجد در ان کتاب از ابو بصیر نقل میکند که بحضرت صادق علیه السلام
عرض کرد که چکونه قدرت هم رسانیم بر ضبط این علوم که از شما بما رسیده است حضرت فرمودند که بکیر
بوزن ده درهم تر نقل و مثل ان کندر ذکر و هر دو را خوب بسا پس هر روز قدری از ان در ناشتا بخور
ابجد در ان کتاب از بعض اخبار نقل میکند که باعث حافظه میشود خوردن کوشت نزدیک کردن و خوردن

حلوا و عدس و نان سرد شده و خواندن آیة الکرسی ایضاً در این کتاب است که هر کس کم ذهن و حافظه باشد بگیرد
سنا مکی و سعد هندی و فلفل ابیض و کندر ذکر و زعفران خالص مجموع را علی السویه بکوبند و بعسل مخلوط
کنند و بقدر یک مثقال از آن بخورد تا هفت روز یا در پنج و اگر تا چهارده روز مداومت نماید از شدت حافظه
بجائی رسد که در حق او گویند که فلانی ساحر است و این کنایه از آن است که از حافظه او خلق متعجب شوند
ایضاً در این کتاب از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایت که کسی که بگیرد از زعفران خالص یک جزو و از سعد
جزوی و بیفزاید بر این دو عسل را و بیاشامد از این مجموع هر روز دو مثقال بدرستی که نرسیده می شود
برا او از شدت حفظ آنکه بود باشد ساحر ایضاً در این کتاب است که باید رشد از خط شیخ احمد فهد رحمه الله علیه
دوائی از برای حافظه که شهادت میدهد بتجربه بر صدق و صحت آن و آن کندر و سعد و شکر طبرزد است
مخفی نماند که شکر اهون در طبخ ثالث بقدر عشر آن شیر تازه اضافه کنند و بجوشانند تا منعقد شود از الطبرزد
نامند و اکثر قسم صلب قند مکرر را بخصوص این دانسته اند باید اجزاء را مساوی بسایند نرم نرم و بیاشامد
از آن تا سه روز هر روزی پنج درهم بخورند و بعد از آن پنج روز ترک نماید و نخورند پس باز بعد از آن سه روز
بهمان وزن بخورند و پنج روز ترک نمایند و هم چنین تا هر وقت که خواهند مؤلف مصباح گوید که این نسخه را
بعینه در کتاب لفظ الفوائد یافتم و صاحب کتاب تحفة المؤمنین از جالینوس نقل میکند که طبیعت کندر گرم است
در دویم و خشک است در اول و گویند در سیم و قوت حفظ را نافع بود ایضاً صاحب تحفة المؤمنین گوید که
اگر یک مثقال کندر با دو رطل آب بخیسانند و سرد و ناشتا آب بخورند بلغم را نافع بود و حفظ را زیاده کند و ذهن را
جلا دهد و دفع نسیان بکند و دقاق الکندر فاصل تر از کندر بود و در قوت مانند کندر بود و دقاق الکندر
آن بود که کندر نکو شود در غربال کنند و بریزند آن خورده که از غربال بشیب آید از دقاق الکندر گویند
و بسیار گویند بر آن مدحرج بود یعنی جمع کرده و کندر مضر بود بشش و مصلح وی انیسون بود اما
استعمال کردن آن صداع آورد و گویند جذام آورد و برص و بهق و سپید آورد مخفی نماند که بعد از این
در فایده دویم از خاتمه خواهد آمد که خوابیدن باعث نقص میشود و در کتاب آداب متعلمین و لا نام مقتدا

فاصل

فاصل الطوسی فرموده اند که اقوی اسباب حفظ جد و جهد نمودن و مداومت کردن و تقلیل در غذا نمودن و نماز شب
با خضوع و خشوع کردن و اقوی از اینها قرائت قرآن است سیما آیة الکرسی و دیگر از اسباب حفظ تکثیر
در صلوات بر محمد و آل او صلوات است و مسواک نمودن و آشامیدن عسل و خوردن کندر با شکر و خوردن بیست و
یک از مویز سرخ است در هر روز و هر چیز که زیاد میکند بلغم و رطوبات را و مورث میشود نسیان را و هر چیز
که کم میکند اینها را مورث میشود حفظ را باب سیم در ذکر آنچه باعث کشف علوم و اطلاع بر مخفیات
و مکنونات علوم و تفهم و تکلم نمودن بانواع حکم و دقایق و معارف الهیه و زیاد ذهن و فهم و عقل
و زیرکی و تقوی و زیاد توفیق بر تحصیل علوم و رفع کاهلی در طلب آن و باعث فصاحت در کلام و موجب
یقین در مطالب حقه و امثال آنچه مناسب مذکورات است میشود و این در پنج فصل بیان میشود فصل اول
در ذکر سوره قرآنیه که در بعضی از این امور مؤثر است بدانکه نوشتن سوره حشر بطریقیکه در فصل اول
از باب دویم مرقوم شد زیاد میکند زیرکی را و آشامیدن سوره والنجم بطریقیکه در فصل مذکور گذشت
باعث میشود حل مشکلات را و صاحب خزائن الامال از کتاب در النظیم از حضرت پیغمبر صلعم روایت کرده که هر که
سوره عبس را بنویسد و بشوید و آب آن را بیاشامد در باطن وی هزار نور و صفا و هزار یقین و هزار برکت
و هزار رحمت و هزار حکمت در آید و هر مرضی و صفت بدی که در درون وی بود زایل شود و در کتاب
در النظیم از حضرت صادق علیه السلام منقول است که اگر سوره مبارکه الحاقه را بنویسند و بشویند و بکودک
شیرخواره دهند صاحب ذهن و فطنت گردد ایضاً در این کتاب مذکور است که در آثار اهل بیت علیهم السلام آمده است
که هر کس سوره مبارکه دهر را بسیار خواند بر یقین ثابت شود و شک در دل او نیاید و همیشه سخنان
حکمت و نافع بر زبان او جاری شود و فصیح تر گردد و در کتاب مصباح کفعمی است که اگر نوشته شود سوره
مبارکه انا انزلنا و آشامیده شود آب آن می بخشد جناب اقدس الهی آشامنده را نور چشم و یقین قلب و
روزی کرده میشود حکمت را فصل دویم در ذکر بعضی آیات که مناسب بعض مذکورات است بدانکه چند
آیه مناسب این مقام در فصل دویم از باب دویم گذشت مثل آیه اول سوره هود که باعث شرح صدر و تعلیم علوم

میشود هم چنانکه گذشت ومثل قوله تعالی فی سورة القصص ولقد وصلنا الی قوله تعالی لا نبتغی الجاهلین که هر کس
نوشته این ابطریقیکه در فصل مذکور گذشت بشوید و بخورد سخنهای دقیق نیک فهم کند و ینابیع حکمت در
دل او جاری شود ومثل قوله تعالی وکذلک اوحینا الیک الی قوله تعالی الا الی الله تصیر الامور از سورة حمعسق
که باعث اتیان علوم دقیقه میشود هم چنانکه گذشت ودر کتاب درة النظم است که اگر این ایه را تا تصیر الامور
بر پوست پلنگ بنویسد و با خود بدارد و در شب شنبه بعد از انکه نماز خفتن گذارده باشد در
زیر سر خود نهد و اینچه از علوم وغیره بر او مجهول است بخاطر کند انچیز را در خواب ببیند و بر او ظاهر
شود انشاء الله تعالی ومثل اول سورة لا اقسم الی قوله تعالی المرء احد که باعث اتیان تعلیم قران و علوم
میشود بطریقیکه در ان فصل گذشت ودر کتاب درة النظم در خواص ایه شریفه قل اللهم الی قوله تعالی
من تشاء بغیر حساب سهولت تعلیم علم کیمیا وسایر علوم غامضه را ذکر کرده است باین طریق که اول باید
چهل روز متعاقب روزه دارد و بر چیز حلال افطار کند و در این چهل روز دایم با وضو باشد و هر شب
وقت خواب سورة والشمس و والضحی و الم نشرح و ایه قل اللهم الی قوله تعالی بغیر حساب هر یک را هفت بار
بخواند مؤلف گوید که صاحب حرز الامانی گفته است که در بعضی از نسخ درة النظم بعد از والشمس هفت
مرتبه سورة واللیل را نیز گفته است که باید خواند و بعد از اینها این دعا را بخواند اللهم انی اسئلک
بقدرتک علی کل شیء وتبحرک لکل شیء یا احد یا صمد یا وتر یا حی یا قیوم ان تصلی علی سیدنا
محمد و ال محمد وصحبه سبعین مرة وان تیسر لی العلم الذی سترته عن کثیر من خلقک واکرمت
به کثیرا من عبادک وتغنینی به عمن سواک فانک مالک الملک وبیدک مقالید السموات والارض
وانت علی کل شیء قدیر چون چهل روز باین عمل کند خدای تعالی میسر گرداند و او را شخصی که تعلیم کند
مطلوب او را بوی در خواب یا در بیداری ایضاً در کتاب درة النظم است که هر کس از سورة ال عمران
ایه ولا تحسبن الذین قتلوا الی قوله تعالی اجر المؤمنین در شب نوروز بنویسد بزعفران بر صحیفه از
اهن و از اب باران بشوید و بعد از فرایض یومیه بخورد بر تحصیل علوم قادر گردد و صلاح و تقوی او را

حاصل اید

حاصل اید و دلیر گردد ایضاً در این کتابست که اگر از سورة مائده ایه اذ قال الله یا عیسی را الی قوله تعالی
واشهد بانا مسلمون بر لوحی از ارزیز بنویسد در وقت غروب افتاب در روز جمعه اول ماه و با خود
دارد قادر گردد بر تکلم بمعمیات و از علوم دقیقه و هندسه چیزها بر او ظاهر گردد که هرگز بخیال او
نرسیده باشد ایضاً در کتاب درة النظم است که هر کس از سورة انعام ایه واذ قال ابرهیم لابیه را
الی قوله تعالی انی بریء مما تشرکون را بر لوحی از اهن نقش کند و با خود دارد معمیات بر او کشف گردد
و بر اسرار مردم مطلع گردد و علوم دقیقه بر او اسان شود ایضاً در این کتابست که چون کسی ایام البیض
شعبان را روزه دارد پس نماز شام را بگذارد و بسرکه و نان جو و نمک بهم کوفته و تره افطار کند
و رو بقبله بنشیند و بر حضرت پیغمبر صلعم صلوات فرستد تا انوقت که نماز خفتن بگذارد و بعد از ان
ادعیه و تسبیح انچه میسر شود بخواند و از سورة یونس ایه الر تلک ایات الکتاب الحکیم را الی قوله تعالی
افلا تذکرون بر کاغذی بنویسد از اب برگ مورد و زعفران و در زیر سر نهد و در خواب رود چون
صباح برخیزد و نماز صبح بگذارد و این ایات را با خود دارد و بیرون رود هر کس او را ببیند منقاد و
مطیع او شود و رفعت قدر و علوم و مرتبه او بنهایت رسد ایضاً در این کتابست که چون کسی خواهد که تعلیم
علم کیمیا شروع کند تا چهل روز در هر روز و در هر شب از سورة رعد ایه انزل من السماء ماء را الی قوله تعالی
و بئس المهاد هشتاد دفعه بخواند و هر شب در وقت خواب بگوید یا مظهر العجایب و معلم الانسان ما لم
یعلم و مغنی البائس الفقیر و دلیل الحائرین بمشیته وهو علی کل شیء قدیر اطلعنی علی ما عقد علیه
الفهم الیه که در خواب ببیند طریق تعلیم انرا یا در بیداری کسی را ببیند که او را تعلیم کند ایضاً در ان
کتابست که هر کس از اول سورة ابرهیم الی قوله تعالی العزیز الحمید را بر قدحی بنویسد و باب خالص بشوید
و ایه را چهل بار بران بخواند و در مسجد بیاشامد تعلیم علوم بر او اسان شود ایضاً در کتاب درة النظم است
که هر کس از سورة بنی اسرائیل ایه قل ادعوا الله را الی قوله تعالی وکبره تکبیرا در شب پنجشنبه در وقت طلوع
صبح کاذب بعد از انکه وضو ساخته باشد و دو رکعت نماز کرده باشد بر جام ابگینه بزعفران بنویسد و انرا

بکلاب بشوید و بخورد و بعد از آن بگوید یا مقلب القلوب والابصار یا عالم کل خفی یا من لا ینسی
من ذکره یا من لا یخیب السائلین و یا من یجیب المضطرین و یکشف الضر و علی النشاط فی العمل
پس ایات سابقه را هفت بار بخواند و برخیزد و فرض بامداد بگذارد و بعد از نماز دعا کند البته
دعا او در باب کاهلی در ادای نماز و کاهلی در طلب علم مستجاب شود و این هر دو کاهلی از او دفع
شود ایضاً در این کتابست که هر کس در روز جمعه از سوره مریم ایه واذکر فی الکتاب موسی را الی قوله تعالی
و قربناه نجیا بر هفت قطعه کاغذ نویسد و هر روز یکی از آن بخورد ذهن او زیاد شود و ینابیع
حکمت بر دل او جاری شود ایضاً در این کتابست که هر کس از سوره مریم ایه واذکر فی الکتاب ادریس را
الی قوله تعالی علیا بر قطعه حریر زرد بزعفران که در عسل حل کرده باشد بنویسد و بموم و کندر بخور
کند و آن را با خود نگاه دارد رفعت قدر و علوم او بغایت رسد و نزد هر کس مقبول القول گردد و سلاطین
او را مکرم دارند ایضاً در این کتابست که چون از سوره ممتحنه ایه ربنا علیک توکلنا الی قوله تعالی
العزیز الحکیم بر خاتمی از آهن نقش کند و با خود دارد عزیز و مکرم گردد و بر دشمنان غالب شود و تعلیم
علوم بر او آسان گردد و هر کس بر پوست آهو نویسد و در زیر نگین خاتمی نهد هر کس آن خاتم را در دست
کند از فتنه دین ایمن گردد و عقیده او موافق حق شود و لیکن باید که بر طهارت باشد ایضاً در این
کتابست که چون از سوره تحریم ایه یا ایها الذین آمنوا الی قوله تعالی علی کل شیء قدیر بر ظرف پاک سفید
نویسد بمشک و زعفران خالص پس آن را بگلاب بشوید و قدری شکر بآن اضافه کند و چهل روز
هر روز بوقت افطار قدری از این آب بخورد حقایق اشیا او را بتدریج معلوم شود و ضمیر او صافی
گردد و از مغیبات خبر دهد و در حاشیه هنر از کتاب مصباح کفعمی منقولست که هر کس اول سوره ابراهیم را
الی قوله تعالی العزیز الحکیم بر آب پاکیزه صاف بشربت چهل دفعه بخواند پس آن آب را طبخ کند طعامی و بخوراند اهل
خود از صلحات اشیا عجایب خواهد دید و در کتاب بحر الغرایب است که هر کس عدد ایه شریفه ولقد جاءکم
رسول من انفسکم عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رؤف رحیم را که آن ۲۸۹۸ است در مربع

پنج در پنج وضع کند در شرف زهره بطریقیکه نموده میشود و با خود دارد دایم خوشحال و خرم گذراند
و اصول و مقام و فهم و خرد و عقل و ذهن که دارنده مربع بر تبه رسد که سخنوران عالم در نزد وی گنگ
گردند و بزرگان جهان پیش وی بنادانی معترف باشند و عقلای زمان در نظر دارنده این مربع بعجز خود
اقرار کنند اما باید که در وقت نوشتن و عدد کردن با طهارت باشد و بخور باشد هند و خود را ببوهای
خوش معطر سازد و لوح را عزیز و پاک نگاه دارد و بیشتر اوقات در تاج دارد و مربع اینست که نموده میشود

فصل ستم در خواص
اسماء الله که مناسب بعضی
مطالب این باب است بدانکه
در کتاب در النظیم مست

	مخمس					دفتار مخمس				
	۵۷۵	۵۸۱	۵۸۷	۵۹۳	۵۴۹					
	۵۸۸	۵۸۹	۵۷۰	۵۷۴	۵۸۲					
	۵۷۱	۵۷۲	۵۸۳	۵۸۴	۵۹۰					
	۵۷۹	۵۸۵	۵۹۱	۵۷۳	۵۷۸					
۵۹۲		۵۷۳	۵۷۴	۵۸۰	۵۸۴					

که دو اسم الکبیر المتعال مناسب اهل تقوی و لایق ارباب مکاشفه است چون کسی بر خواندن این دو اسم
مداومت کند بزنی در احوال خود مشاهده نماید ایضاً در این کتابست در خواص دو اسم العلی الحکیم
مذکور است که اگر کسی را کاری پیش آید که در آن متحیر گردد این دو اسم را بنویسد و با خود دارد و بر خواندن
این دو اسم مداومت نماید توفیق باید برسد و اصلاح در آن کار و در کتاب حرز الامان از ضیاء
شمس المعارف آورده که مداومت بر این دو اسم سابق موجب فتح باب حکمت و صفت الهی است و هر که امری
از امور دنیا و دین وی بر او مبهم شده باشد که بقوه فکر به ادراک و کشف آن متعذر و متعسر باشد
باید که بر تکرار این دو اسم شریف مداومت نماید که حق سبحانه و تعالی آن مشکل را بر وی حل سازد
و آن امر مبهم بر آنکس معلوم شود و مواظبت بر این دو اسم بعدد جمل ایشان ۳۳۸ است باید نمود
و اگر عمل قوی تر خواهد باید که دو اسم را تکسیر کند و در مربع وفقی وضع نماید با وجود تکرار هر دو
آن لوح را همراه حامل باشد بر سبیل دوام بشرط طهارت بدن و نظافت لباس تا زود بمقصود واصل شود
و جناب شیخ المشایخ وحید العصر و فرید الدهر شیخ احمد الاحسائی سلمه الله تعالی در رساله توبیه فرموده

که هر کس بنویسد نقش الحکیم را در مربع چهار در چهار بر پوست آهو در ساعت اول روز یکشنبه و با خود

دارد و هر روز این اسم را هفتاد و هشت مرتبه بخواند تعلیم کند حقتعالی او را حکمت و مشرف کرداند حکمت را

بر قلب او بشرط مداومت کردن بحضور قلب و مربع الحکیم اینست که نموده

شد کتاب در النظیم است که هر کس این ده اسم را که التواب الشاکر

الولی الحبیب الوکیل القریب الصادق البر الباقی الخلاق است در مربع ده

ح	ك	ی	م
٣٩	١١	١٩	٩
١٨	٤	٣٢	١٢
١٣	٢١	٢	١٢

در ده نکسیر کند چنانکه در هر خانه یک اسم باشد بر لوح از نقره حامل آن او لایق و حکومت و انعامات

بسیار حاصل شود و اگر کسی هر روز این صفحه را ببیند علم او زیاده شود و اگر این صفحه را در طپانچه اندازند

در روی خود در اینشوید و جبر و مکرم کردند بقدرت حقتعالی و مربع ده در ده با این نحو است که نموده میشود

و در کتاب الغرائب است که هر کس

هر روز صد مرتبه بگوید هو الله

الذی لا اله الا هو و یا اسم الله

مداومت نماید حقتعالی او را از

اهل یقین کرداند و بمقام اهل

تحقیق برساند و بدرجات خلوت

برسد و آنچه خواهد بر او کشف

التواب	الشاکر	العلی	الحسیب	الوکیل	القریب	الصادق	البر	الباقی	الخلاق
الخلاق	التواب	الباقی	الشاکر	البر	العلی	الصادق	الحسیب	القریب	الوکیل
الوکیل	الخلاق	القریب	التواب	الحسیب	الباقی	الصادق	الشاکر	العلی	البر
البر	الوکیل	العلی	الخلاق	الشاکر	القریب	الصادق	التواب	الباقی	الحسیب
الحسیب	البر	الباقی	الوکیل	التواب	العلی	الصادق	الخلاق	القریب	الشاکر
الشاکر	الحسیب	القریب	البر	الخلاق	الباقی	الصادق	الوکیل	العلی	التواب
التواب	الشاکر	العلی	الحسیب	الوکیل	القریب	الصادق	البر	الباقی	الخلاق
الخلاق	التواب	الباقی	الشاکر	البر	العلی	الصادق	الحسیب	القریب	الوکیل
الوکیل	الخلاق	القریب	التواب	الحسیب	الباقی	الصادق	الشاکر	العلی	البر
البر	الوکیل	العلی	الخلاق	الشاکر	القریب	الصادق	الحسیب	القریب	الحسیب

شود ایضاً در آن کتاب در خواص المصور المبدی المعید المحیی الممیت کفته است که این پنج اسم بزرگوار ذکر

اهل عبادت است و هر مبتدی که بک اربعین بذکر این اسما مداومت نماید از اهل بصیرت کردد و او را معتبر

کرداند و اگر طالب علم بدعوت این اسما مداومت نماید عالم کردد چنانکه در فهم و ادراک و عقل و خرد و ذهن

او خلق متحیر شوند و هیچ چیز بر او مشکل نشود و حل المشکلات شود و اگر چیزی بر او مشکل شود چون بانرجع

باسما کند بکشاید ایضاً در آن کتاب از حضرت امام رضا علیه السلام نقل میکند که هر کس اسم مبارک یا علیم را در خلا بسیار

کنند

کنند از علم لدنی بهره یابد و در کتاب در النظیم است که هر کس اسم علیم را در مربع چهار در چهار بطریق تکسیر که بعد از ین

از رساله نوبلی نقل خواهد شد نقش کند و با خود دارد علوم دقیقه در اندک زمانی او را حاصل آید و در

کتاب مصباح کفعمی فرموده که از خواص لفظ العلیم انست که فتح میکند معارف را بر قلب یاد او و ندا او و هر کس

بعد از نماز قرائت کند لفظ عالم الغیب را صد مرتبه حاصل شود برای او کشف از مغیبات و در کتاب حرز

الامان از صاحب شمس المعارف اورده که هر کس مداومت کند بر اسم شریف العلیم ظاهر شود بر وی مخبیات علوم

چون علم صنایع الهی که عبارت از علم اکسیر است و غیر آن از علوم غریبه و فنون عجیبه و هر چه از حقتعالی طلبد

بسهولت میسر کردد و در کتاب شرح اسما الله مذکور است که هر کس این اسم را در دل بسیار کوید صاحب معرفت

کردد و اگر بعد از هر فریضه صد و پنجاه بار که عدد مجمل او است یا سیصد و دو بار که عدد مفصل او است

تکرار نماید مقصود بر وجه اتم ظهور کند و جناب شیخ العارف الکامل الاعز شیخ احمد بن زید الدین الاحسائی

در رساله نوبلیه فرموده اند که هر کس بسیار کند ذکر العلیم را مطلع کند خدای تعالی او را بر دقایق علوم و خفیات

اسرار و کسیکه وضع کند از برای صحیفه از ذیق معقود در شرف عطارد و آن درجه پانزدهم از سنبله است تا طلق

کرداند خدای تعالی او را بحکمت و تعلیم کند او را از لطایف معارف و صورت نقش العلیم بر ذیق اینست که

نموده شده است و این شکل مسمی است بمثلث عیسوی ایضاً در رساله نوبلی است

٣٠	٩٠	٤٠
ع	یم	ل
٦٠	١٠	٨٠

که هر کس نقش کند اسم العلیم را در نقره در حالی که مشتری در شرف باشد و آن

درجه پانزدهم از سرطان است یا آنکه مشتری در خانه خود باشد و آن حوت و قوس است روزی میکند

خدای تعالی او را علوم شریفه و بیک است این عمل کسی را که اسم او عیسی باشد و طریقه نقش آن اینست

و در کتاب مصباح کفعمی است که صد و بیست و پنج مرتبه مذاکره نمودن

ع	ل	ی	م
٣٩	١١	٢٩	٧١
٢٨	٦٨	٣٢	١٣
١٣	٤١	٦٩	٢٧

باسم المهیمن مورث میشود صفای باطن را و اطلاع میدهد بر اسرار حقایق

و صاحب حرز الامان از کتاب در النظیم آورده که هر کس مداومت نماید

بذکر المهیمن المقیت بعدد مجمل یا مفصل و بر او حاصل شود علم بسیار و صفت استیلای بر ابنا جنس خود که

احوال حرز نیز و کلید وی اند و عدد مجمل این دو اسم ششصد و نود و پنج است و عدد مفصل هفصد و هفتاد و شش است
و در کتاب مصباح کفعمی است که بعد از نماز صبح مداومت نمودن باسم العزیز کشف میکند اسرار علم کیمیا را
و از خواص این اسم شریف است که هر کس در چهل روز هر روز چهل مرتبه بخواند با احدی محتاج نشود
ایضاً در آن کتاب است که هر کس بعد از نماز صبح متذکر شود باسم الفتاح هفتاد مرتبه در حالتیکه گذاشته
باشد دست خود را بر سینه خود برد جناب اقدس الهی از قلب او حجاب را و در کتاب حرز الامان است
که هر کس بعد از ادای نماز فریضه بامداد دست بر سینه نهد و هفتاد بار بگوید الفتاح ظلمات از دل
وی دور شود و باطن وی کشاده گردد و اگر مداومت بعدد مجمل وی کند که چهار صد و هشتاد و نه است
با مفصل وی که ششصد و دو است اثر قوی تر گردد و در کتاب مصباح کفعمی است که کسیکه بسیار
کند ذکر دو لفظ الحکم العدل را در دل شب مخصوص کرداند او را حق تعالی بالطاف خود و فرا رسید هد
او را خزائن اسرار خود ایضاً در آن کتاب است که هر کس بسیار کند ذکر خود را بلفظ الهادی دوری کند حق تعالی
او را معرفت و در کتاب حرز الامان است که هر کس بعد از زوال لفظ القدوس را بعدد مجمل وی که یکصد و
هفتاد است یا عدد مفصل وی که یکصد و چهل است بخواند دل وی پاک شود و اگر هر روز مداومت
کند مقامی تمام حاصل آید ایضاً در آن کتاب است که هر کس بعد از فریضه کلمه مبارکه الحق را صد و هشت
بار بعدد مجمل یا صد و نود بار بعدد مفصل وی بخواند حق تعالی علم قرآنی وی را روزی کند و فهمی خاص دهد
که همیشه حق را از باطل جدا کند ایضاً در آن کتاب از صاحب در النظیم آورده اند که بعضی از اکابر گفته اند
که اسم اعظم حق تعالی لفظ یا رب است و خواص وی عظیم و صاحب شمس المعارف آورده که مداومت
بر این اسم شریف بعدد مجمل وی که سیصد و دوازده است یا بعدد مفصل وی که سیصد و نود و شش است
موجب فتح باب مکاشفه و اسرار است بشرطیکه رعایت آداب و شرایط کما ینبغی کرده باشد و اگر بعد از
فریضه بعدد مفصل مواظبت نماید در حصول مقصود اتم بود ایضاً در حرز الامان از صاحب شمس
المعارف آورده اند که هر کس هر روز اسم المبین را هزار مرتبه در خلوت در خلوت مدام بخواند و در حین ذکر

عوثر

بجوارت لا ینقطع بکار برد و سایر شرایط که در طریقه کلامی مقرر است و در مقدمه این رساله گذشته است رعایت
کند ارواح بر وی ظاهر شوند و بوصف انقیاد پیش آیند و اثر انقیاد آن باشد که عامل ذاکر متکلم شود
بانواع حکم و دقایق و معارف و حقایق که غیر وی کسی آن نکرده باشد و بان متکلم نگردیده باشد ایضاً
در آن کتاب از کتاب در النظیم نقل میکند که او از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام نقل کرده است که
آنحضرت فرمودند که اسم اعظم حق تعالی اسم بزرگوار الظاهر الظاهر است و بعضی از اکابر در خواص
این اسم شریف گفته اند که اگر کسی حروف وی را در مربعی درج کند و در وقت تکرار وی بعدد مجمل که هزار و
صد و شش است یا بعدد مفصل که هزار و دویست و نوزده است آن مربع را در پیش خود نهد و دایم
نظر کند و همگی همت و صفا طویت منوجه باو مقصور شود حق تعالی وی را از مخبیات امور و مکنونات
علوم اطلاع دهد و عجایب ملک و ملکوت بر وی ظاهر کرداند و در بعضی از کتب معتبره مذکور است
که از برای کشف مخبیات اسم بزرگوار السمیع القریب المهیمن اتم و اکمل است و بغایت مؤثر است بشرط
که در وقت خواندن به خطاب خواند با سایر شرایط کلامی بعدد مجمل ایشان که ششصد و سی و هفت است
و در حین خواندن کتابت کند بشرایط کتابی که در مقدمه گذشت با آیه کریمه و هو الذی انشاکم
من نفس واحدة الی آخر الایة که در سوره انعام است و بر بخور لا ینقطع داشته و در هم پیچد و با خود
دارد که در این وقت ابلغ و ادخل بود در حصول تسخیر و ظهور آنچه مقصود است از مکنونات و مخزونات
ایضاً در کتاب حرز الامان از صاحب در النظیم آورده که هر کس عمل کند بر این شش اسم بزرگوار العظیم
العلیم الخبیر المبین الهادی علام الغیوب و آنرا ورد خود سازد ظاهر شود بر وی علوم جمیله و لطائف
اسما جلیله و حق تعالی بر وی مفتوح کرداند ینابیع حکمت را و روزی کند وی را اسرار که و میمنت و مسخر وی
کرداند اهل علم و فضل را و بسبب مواظبت بر این اسما حاصل شود وی را کشف تمام ایضاً در آن کتاب
از بسیاری از اهل تحقیق و از صاحب شمس المعارف نقل میکند که هر کس اسماء بزرگوار علی عدل سریع
عزیز باعث عظیم نافع عفو معید الله علیم واسع سمیع مانع متعال معبود دائم متعال جامع معز جبار

علیم عزیز و او است بهر آنکه ان عدة الشهور عند الله اثنی عشر شهراً فی کتاب الله یوم خلق السموات والارض منها
اربعة حرم وعنت الوجوه للحی القیوم را بخواند هیچ امری از امور دینی و دنیوی و صوری و معنوی بنا شد
الا بواسطه خواندن این اسما باید که خواه ساخته و پرداخته شود پس چون خواهد که طلب حاجتی کند
طهارت کامل ساخته روی بقبله آورده و دو رکعت نماز گذارد و سجاده و باشد و در نصف آخر شب باشد
پس در این اسما از روی حضور باطن و آگاهی تمام شروع در خواندن نماید که هیچ فکری و خواطری
و خیالی در این میان مزاحم وقت وی نشود تا هزار و سیصد و نود و سه بار بخواند و اگر وقت وفا نکند
صد و هشتاد بار بخواند و بعد از آن حاجت خواهد تا مقصود بر وجه اسهل حاصل گردد خصوصاً آن
مقصود که در تحصیل علم باشد حضرت سبحانه و تعالی از جهت آن اسم اعظم که در ضمن این اسما مندرج است
طریقی بروی بگشاید که بسی عجایب و غرایب مشاهده نماید و اوراجند ظاهر شود که زبان از ادای
آن عاجز باشد و جناب شیخ بهائی در رساله توبلی فرموده اند که هر کس وضع کند لفظ الجبر را در
مربع در حالتی که عطارد در شرف باشد مطلع شود بسبب آن بر علوم جلیله و مربع الجبر اینست و در

د	ی	ب	خ
۹۹۵	۳	۹	۱۲
۸	۱۹۸	۶۲	۴
۵	۱۰۰	۹۶	۷

کتاب در النظیم است که هر کس بر خواندن دو اسم الخالق المحیی مداومت
نماید آنچه مطلوب او باشد حاصل شود و بر غوامض علم طلب واقف گردد
و معالجات او نافع افتد ایضاً در آن کتاب است که بعضی گفته اند که اسم اعظم الهی
الحی القیوم است چون کسی بر خواندن این دو اسم ما بین طلوع صبح و طلوع آفتاب مداومت نماید
حقیقت تقوای او زیاده شود فصل چهارم در ذکر ادعیه که مناسب بعض مطالب این باب است اول آن
دعائیست که در فصل چهارم از باب دویم از جناب شیخ عارف کامل اوحدی شیخ احمد الاحسائی نقل شد
که ایشان این حقیر تعلیم فرمودند دویم دعائیست که از بعض طلاب معاصرین استماع افتاد که خود مش
تجربه نموده بود و از وی خواص بسیار مثل زیادتی حفظ و کشف مطالب عالیه نقل میکرد و اگر چه سند ش
در کتابی در دست نیست ولیکن مضامین عالیه اش شواهد بر صدق و صحت اند و آن دعا بر کوا این است

اللّٰهمّ اعطنی علماً نامیاً وحفظاً کاملاً ودرایةً شاملةً وفهماً زکیاً وطبعاً صافیاً ونفساً داعیةً الی
تحصیل العلوم برحمتک یا ارحم الراحمین سیم مشهور است که هر طالب علم که در اول مطالعه این دعا
بخواند بر او مطالب عالیه ملهم میشود و مضامین عالیه را باندک التفاتی درک میکند و آن دعا این است
اللّٰهمّ ارزقنی فهم النبیین وحفظ المرسلین والهام الملائکة المقربین برحمتک یا ارحم الراحمین
پنجم نماناد که دعای دویم را باید طالب علم مداومت نماید سیما بعد از فرایض یومیه و در اول
مطالعه دو کتاب مصباح کفعمی از کتاب تحصیل نقل کرده است که مردی در خواب دید حضرت پیغمبر صلعم
و گفت یا رسول الله صلعم تعلیم کن مرا چیزی که زنده کرداند حق تعالی بسبب آن قلب مرا پس فرمود که بگو
یا حی یا قیوم یا لا اله الا انت اسئلک ان تحیی قلبی اللّٰهمّ صل علی محمد وآل محمد گفت امر دایرا
در سر دو خواندم پس زنده کرد حق تعالی قلب او را و در بعضی از کتب معتبره از حضرت امیر المؤمنین
نقل کرده اند که چون ظهور عطارد باشد در مشرق یا در مغرب بر هیکل ایستاده این اشعار بخواند
که در کشف علوم و حقایق فایده تمام دارد و آن اشعار اینست عطارد ایم الله طال ترقبی
عشاءً وصبحاً کی اراک فاغنما فها انا فامدد فی صفای دنوتی لادرک کل الغامضات نافها
وما حوی الجبر والمبسوط کله باذن الله خالق الارض والسما فصل پنجم در ذکر خواص حروف
مقطعه که در این باب مدخلیت دارد بدانکه حرف حا با اسمان و حرف دال با دو مربع حرفی
و عددی آن بطریقی که در فصل پنجم از باب دویم گذشت مدخلیت تام در اعمال این باب دارد هر کس
طالب است رجوع بآن فصل نماید و در کتاب حرز الامان از در النظیم نقل کرده که هر که در وقت اذان
صلوة جمعه هفت بار بر این صورت ع حرف عین را بر حریر سفید نقش کند در وقتی که مشتری و عطارد
خوشحال باشند و آن نوشته را در زیر نگین بگذارد و در انگشت کند حق تعالی زبان و برا بحکمت جاری
کرداند و چون در جائی در لحود بیاویزد بفهم و عقل کامل و فزون شود و هر که آن با خود دارد
قدر وی بلند شود و جای وی بیفزاید و اگر در ذیل هر حرف اسم شریف العزیز را در قم زند در حضور نتیجه

اثری بود ابجد در کتاب حرز الامان از صاحب شمس المعارف آورده که هر کس شکل ب را هزار و دویست و چهل و یکدفعه
بنویسد در روز جمعه که روزه دار بود و پنجشنبه نیز روزه داشته باشد و در آن روز تصدق کرده
و شرایط کتابتی که در مقدمه این رساله گذشته بعمل آورده باشد پس آن نوشته را بر بازوی خود ببندد
حق سبحانه و تعالی سینه وی را منشرح گرداند و صفت کسالت را از نهاد وی ببرد و برکت و جمعیت در
روزی کار وی بظهور آید و نماید بر وی سر هر اکه بوی قائم است و ظاهر گرداند بر وی انوار ملائکه و حالات
و دیگر رساله خواص الحروف در خواص حرف ع گفته است که هر کس صد و سی ع بنویسد که روز شنبه
و با خود دارد مشهور عالم گردد و چون آفتاب بر اهل ایمان کامل دوستی او گردد و غضب و خشم بنشانند
و با وی کسی قهر نتواند کرد و در وقت نوشتن این دو اسم را بخواند یا محمود یا کریم ابجد در حرز الامان
از صاحب تیسیر المطالب نقل میکند که هر کس هشتاد و یکبار که عدد مفصل حرف فا است حرف ف را
با اسماء وی که خواهد آمد مداومت نماید بر مقصودی که دارد فایض گردد و هر که مداومت بر این حرف
و اسماء وی خصوصا اسم شریف الفتاح نماید انواع حقایق و معارف و لطایف و دقایق علوم خفیه نفیسه
بر دل وی مفتوح و مکشوف شود و ابواب مرادات صوری و معنوی بر وی گشاده گردد و همه دشوارها
بآسانی مبدل شود و اسماء حرف ف ده اند و آن اینست فالق فارج فارق فاصل فاضل فائق فتاح
فرد فعال فوق و دیگر کتاب حرز الامان از کتاب سکاکی آورده که هر کس دویست بار حرف ک را نوشته
با خود دارد در چشم خلایق مکرم باشد و هم فرموده که هر کس هر روز دویست بار حرف ک را بر زبان
راند اسرار الوهیت در دل او کشف شود و دیگر کتاب خواص الحروف بعینه همین خاصیت را از برای حرف کاف
نقل کرده مع شی زاید ابجد در یکجا است که هر کس حرف م را چهل بار بر جامی بنویسد و بآب پاک محو ساخته
بیاشامد حق سبحانه و تعالی در علم و فهم وی بیفزاید و زبان وی را بحکمت ناطق گرداند و دیگر رساله خواص الحروف
در خاصیت حرف ن گفته است که هر کس دویست و هفده ن بنویسد در شب شنبه در وقت فرو شدن
آفتاب و در تربت آهن دفن کند چندان علم از مجالس مردم بر او کشف شود که متعجب شود و بعد از آن بسی

و در وقت

و در وقت نوشتن این دو اسم را بخواند یا مبدع یا علیم ابجد در این رساله است که هر کس هیجده حرف ها بنویسد
و با خود دارد از سر غیب واقف گردد و علمهای پنهانی بر وی آشکار شود و بمراد خود برسد و در وقت نوشتن
این اسم را بخواند یا شکور یا حلیم و دیگر کتاب حرز الامان از در النظیم آورده که هر کس بر ورق پاک در صبح
روز پنجشنبه بعد از طلوع آفتاب حرف یا را مکرر کتابت کند بعد از اسماء سی و هشت گانه که بعد از این
خواهد یافت که مجموع اینها در وسط حرف یا است و اگر در ذیل هر حرفی اسمی از اسماء الله کتابت کند اثر وی
اقوی گردد و بعضی گفته اند که باید صد و هشتاد کتابت کند بعدد حاصل الضرب وی در نفس خود پس
نوشته را با خود نگاه دارد از جمیع بحریات مکروه ایمن گردد و از همه مهمات خاطر وی آسوده شود و فهم را تیز
کند و جودت ذهن بیفزاید و اسماء سی و هشت گانه اینست البدیع البصیر الجلیل الحسیب الحفیظ الحکیم
الحلیم الحمید الخبیر الرحیم الرشید الرقیب السریع السمیع الشدید الشهید العزیز العلیم العظیم القائم القدیر
القدیر القریب القیوم الکبیر الکریم اللطیف المبین المتین المجیب المجید المحیی المعید المقیت الممیت المهیمن
النصیر الوکیل تذنیب از برای تحصیل علم و معرفت از جناب شیخ بزرگوار شیخ احمد سلمه الله کلامی منقول است
که کلام الله و احادیث ائمه طاهرین علیهم السلام شاهد بر صدق وی اند و آن کلام اینست و من اراد العلم
والمعرفة فلیخلص العمل لله و یصل فهمه مع الله فی کل المواطن و یتجافی عن دار الغرور و ینیب الی دار الخلود
و یستعد للموت قبل نزوله و یتفکر فی خلق السموات والارض یعنی کسیکه اراده دارد علم و معرفت را
پس باید خالص کند عمل را از برای خدا و راستی کند با خدا در همه مواضع و خالی کند خود را از دار
غرور و انابت کند بسوی دار خلود و مستعد شود از برای مرگ پیش از نزول آن و تفکر کند در خلق
آسمانها و زمین باب چهارم در ذکر ابجد باعث میشود تنویر قلب را و صفای باطن را و رفع میکند شک
و اعتقاد بد را از قلب و حاصل میکند خوف و خشیت را و امثال ابجد مناسب این امور است و این
در چهار فصل بیان میشود فصل اول در ذکر سور قرآنیه که مناسب این باب است بدانکه خواص بعض
سور که مناسب این باب نیز هست در فصل اول در باب سیم گذشت مثل آشامیدن آبی که بآن سوره

ابجد باعث تنویر قلب میشود

مبارک کرسی را شش باشد بطریقیکه در ان فصل گذشت که ان باعث میشود هزار نور و هزار صفا را
در قلب و مثل قرائت سوره دهر که جمع میکند شک را از قلب و در کتاب حرز الامان از کتاب در النظیم
اورده که هر کس بر تلاوت سوره والمرسلات مداومت کند از صفت شک و شبهه باطن وی پاک
و صافی شود و در مباحثه بر خصم خود بحجت و برهان غلبه کند و فرموده که هر کس بر قرائت سوره مبارکه
قل یا ایها الکافرون در وقت طلوع و غروب افتاب مواظبت نماید ایمن شود از شک و شرک و سوء اعتقاد
دهم وی اورده که هر کس سوره قیامت را بسیار خواند دل وی از خشوع و خشیت حق سبحانه و تعالی مملو
شود و اگر چند بار این سوره را باب عذب طاهر خواند و بر بیمار پاشد و در وقت سحر این سوره را
تلاوت کند صفت خوف و خشیت حق سبحانه و تعالی وی را حاصل شود **فصل دویم** در ذکر بعض
خواص ایات که مناسب بعض مذکورات در این بابست **بدانکه** در فصل دویم از باب دویم گذشت
که هر کس اول سوره بقره تا هم المفلحون بطریقیکه در ان فصل گذشت بنویسد و بشوید و اب انرا
بنوشد نور علم و معرفت در دل او ظاهر گردد **و در** کتاب در النظیم است که هر کس از اول سوره ابراهیم
الی قوله تعالی العزیز الحمید را بر کاغذی نویسد و باب باران خزانی بشوید و چند نفر از ان اب بخورد
شک و اعتقاد بد از او زایل شود **فصل سیم** در ذکر خواص اسماء الله که مناسب این بابست **بدانکه**
در فصل سیم از باب سیم گذشت که هر کس بعد از فریضه بامداد دست بر سینه خود نهد و هفتاد
مرتبه بگوید **الفتاح** ظلمت از دل وی دور شود **و در** کتاب در النظیم است که اگر در روز جمعه پیش از
طلوع افتاب **الحی القیوم** را بنویسد روی بقبله و با خود دارد نور دل او زیاده شود و روزی
بر او فراخ گردد و در شهرت افزاید **و در** کتاب مصباح کفعمی است که هر کس بسیار متذکر شود **الخالق** را
منور گرداند جناب اقدس الهی قلب او را **ایضا** در انکتابست که هر کس در وقت خواب صد مرتبه بگوید
الباعث و بکشد دست خود را بر سینه خود زنده گرداند خدا تعالی باطن او را و منور کند قلبش را **ایضا**
هر کس بسیار ذکر کند **القیوم** را حاصل میشود او را صفای قلب **ایضا** هر کس بخواند **الواحد** را بر طعام و بخورد

میباید در باطن خود نور **ایضا** در خلوت یاد نمودن **الماجد** را مورث میشود نور را **ایضا** در انکتابست
که هر کس هزار مرتبه بگوید **النور** قرار میدهد خدا تعالی از برای او نوری در ظاهر و باطن **و در**
کتاب حرز الامان اورده که هر کس هر روز **الملک** را بعدد مفصل وی که دویست و شصت و دو بار است
بخواند دل او روشن شود و ضمیر او صافی گردد و اگر بعد از فریضه بدین ذکر بعدد مذکور مواظبت
نماید نور و صفا مضاعف شود **ایضا** در انکتابست که شیخ بونی فرموده که هر کس هر شب سوره
نور را هفت مرتبه بخواند و اسم **النور** را بعدد کبیر تکرار نماید نوری در باطن او ظاهر گردد و اگر متیسر
نشود هفت جمعه پیوسته مداومت نماید و اگر روزها بدین اسم مواظبت و مداومت نماید و ایام
مذکوره و شبها بعدد کبیر که سیصد و بیست است تکرار کند نوری در باطن او پیدا گردد و دیده دل
او بنور الهی روشن شود **و** صاحب تیسیر المطالب اورده که هر کس در موضعی تاریک **النور** را ورد کند
و هر روز بعدد مفصل وی که سیصد و بیست است بخواند بسبب غلبه انوار در باطن وی مشاهده
انوار عظیمه وی را دست دهد در عالم حس و شهادة و شیخ بزرگوار در رساله نوبتیه فرموده اند که هر کس
مداومت کند بر خواندن **الباسط** با حضور قلب روزی او کشاده گردد و زنده شود دل او و بنور علم
او از اذکار اسرار اهل است و عدد او هفتاد و دو است **فصل چهارم** در خواص حروف مقطعه که
مناسب بعض مطالب این بابست **بدانکه** در کتاب حرز الامان از کتاب شمس المعارف اورده که هر کس حرف
ن مداومت کند مقرون باسم **النور** باطن وی نورانی شود و دل وی از انوار و اسرار معرفت ملون
گردد و اگر دایم بشرایط کلامی که در مقدمه این رساله گذشت این حرف را و اسماء او را که النافع النصیر
النور است بخواند چندان انوار بر باطن وی غلبه کند که بر نوا و بر قوه باصره وی نافذ بحجب ظاهر
نیز در شبها از عالم غیب مشهود وی گردد **باب پنجم** در ذکر انچه باعث غلبه بر خصم مطلق
در حین مباحثه و منازعه علمیه بحجت و دلیل و انچه حاصل میشود بسبب ان صفت استیلا بر
خصم و این در چهار فصل بیان میشود **فصل اول** در خواص بعض سور قرانیه که مناسب این مطلب است

بدانکه نوشیدن نوشتهٔ مبارکهٔ سورهٔ یس بطریقیکه در فصل اول از باب دویم کذشت باعث آن میشود
که با هر کس مناظره ونزاع کند غالب کردد و مداومت سورهٔ والمرسلات بعضی از خواص او غالب شدن
بر خصم است بحجت ودلیل واین در فصل اول از باب چهارم کذشت فصل دویم در خواص آیات که
مدخلیت در این باب دارد بدانکه در فصل دویم از باب سیم کذشت که هر کس از سورهٔ ممتحنه آیهٔ ربنا
علیک توکلنا را الی قوله تعالی العزیز الحکیم بر خاتمی از آهن نقش کند وبا خود دارد بعض خواص آن
است که بر دشمنان غالب شود ودیکر کتاب در النظیم است که چون کسی خواهد که با دیکری مباحثه
ومجادله کند وغالب شود از سورهٔ دخان آیهٔ شریفه ان المتقین فی مقام را الی قوله تعالی انهم مرتقبون
بر قطعهٔ جامهٔ نو سفید بمشک وکلاب وکافور ودر وقت نماز دیکر بعد از آنکه طهارت کرده
باشد از آن در کریبان جامهٔ خود نکاه دارد با هر خصمی که مجادله کند غالب شود ایضاً در کتاب در النظیم است
که اکر از سورهٔ انعام آیه واذ قال ابراهیم لابیه الی قوله تعالی مما تشرکون بر طوماری نویسید بکلاب
وزعفران واز آن بشوید بکلابی که در آن بادیان رومی وبرک مورد جوشیده باشد در اول روز
چهارشنبه بر ناشتا از آن آب بخورد ودر سر چهارشنبه بانیطریق عمل کند بر دشمن غالب شود وبا هر کس
مناظره ومجادله کند در سخن بر او غالب کردد فصل سیم در خواص اسما حسنی که مناسب این مقام است
بدانکه در فصل سیم از باب سیم کذشت که مداومت نمودن بذکر المهیمن المقیت باعث میشود صفت
استیلای بر ابنا جنس خود که مراتب وی اند فصل چهارم در خواص حروف مقطعه که مناسب این
باب است بدانکه با خود نکاه داشتن دو مربع حرف دال بطریقیکه در فصل پنجم از باب دویم کذشت باعث
آن میشود که طالب علم را در حین مباحثه ومناظره بر اقران تفوق دهد وهر کس حامل آن دو لوح شود
وبا دشمن مجادله ومحاربه کند غالب کردد ودیکر در رسالهٔ خواص الحروف است که هر کس صد وبیست س
بنویسد در روز جمعه وبا خود نکاه دارد هیچکس با او مجادله نتواند کرد وهر چه کند در دل خلق شیرین
باشد واکر مسافر بود زود بوطن خود باز رسد وفتح در کار او پیدا آید وخطری بوی نرسد ونیز

خصمان ابتر شود ودر وقت نوشتن این دو اسم را بخواند یا حلیم یا معید خاتمه در ذکر اموریکه
مناسب احوال طلاب است اکرچه اختصاصی بایشان ندارد وآن مشتمل است بر چهار فایده فایدهٔ اولی
در آنچه باعث دوری از فقر وحصول غنا میشود بدانکه در کتاب مصباح کفعمی آورده که هر کس سورهٔ مبارکه
یوسف را بنویسد وبشوید وبیاشامد آسان کند حق تعالی از برای او روزی را از جانب هر کس ایضاً
در آن کتاب است که هر کس سورهٔ مبارکه کهف را بنویسد وبکذارد در ظرف زجاجی سرتنک وبکذارد
آن را در منزل خود ایمن میشود از قرض وفقر ودیکر کتاب حرز الامان از ابن تمیمه آورده که هر کس از اول
سورهٔ کهف الی قوله تعالی ابدا رشدا در اول هر ماه بر انائی چینی بنویسد ونوشته را با آب باران
محو سازد وآن آب را بر دیوار سرای خود هر جا که ممر باشد بپاشد خیر وبرکت بسیار در منزل وی پیدا شود
ایضاً در آن کتاب است که هر کس از سورهٔ مبارکه فاطر آیه ان الذین یتلون کتاب الله را تا دو آیه بنویسد
بر خرقهٔ نو پاکیزه که از پنبه بوده باشد وبکذارد آن را در تجارت خانهٔ خود زیاد میشود مال او وبسیار
میشود نفع او ایضاً در آن کتاب است که هر کس سورهٔ القارعه را بنویسد وبیاویزد بر کسیکه کم روزی باشد
ببرکت آن روزی او زیاد میشود ودیکر کتاب در النظیم آورده که حضرت رسول صلی الله علیه وآله فرمود
که هر کس بمنزل خود در آید وسورهٔ فاتحه واخلاص بخواند درویشی از او برود وخیر وبرکت در منزل او
بسیار شود ایضاً در آن کتاب از شیخ شرف الدین بونی آورده که هر کس چهارده حرف نورانی که آن الم
ص ر ک ه ی ع ط س ح ق ن است در شکلی مدور از نقره نقش کند بطالع ثور وقمر آنجا باشد وبا خود نکاه
دارد کیسهٔ او هرکز از نقره خالی نشود ایضاً در آن کتاب است که هر کس از سورهٔ البقره آیه واذ قلتم یا موسی
لن نؤمن لك الی قوله تعالی من طیبات ما رزقناکم بر خاتمی از نقره نقش کند ودر انکشت خود کند
ابواب رزق بر او کشاده کردد ودنیا روی باو نهد واز فقر وفاقه خلاص شود ایضاً در آن کتاب است
که هر کس آیة الکرسی را تا العلی العظیم عقب هر نماز بخواند از وسوسهٔ شیطان ومکر او ایمن شود واز
فقر وفاقه خلاصی یابد وروزی او از جائی برسد که کمان نداشته باشد وهر کس از اهر صباح در وقت

بیرون آمدن از منزل خود بخواند و هر شب دو شنبه بجامه خواب رود نیز بخواند از درویشی ایمن شود
و اگر این سوره را بر آستانه یا بالای دکان یا در منزل خود بیاویزد مال او زیاده شود و هرگز محتاج نشود و در
کتاب خواص الائمة از ابن عمر آورده که هر کس بر تلاوت آیة الکرسی الی قوله خالدون مداومت نماید در عقب
هر نماز فرض و ندب و از غیر اوقات نماز نیز بخواند روزی بر روی گشاده گردد و روزی وی از جائی آن
برسد که متوقع نباشد و هم وی فرموده که هر کس بر تلاوت آیه آمن الرسول تا آخر سوره البقره مداومت
نماید قرض او بر وی ادا شود و فارغ البال گردد ایضاً در کتاب در النظیم در حدیث صحیح آورده که
هر کس آیه قل اللهم را الی قوله تعالی بغیر حساب بخواند حق سبحانه و تعالی او را مالی بدهد و از بلا او نگاه دارد و هر کس
بر قرائت این آیه مداومت کند بعد از هر نماز فرض و ندب و در وقت خواب فقر از او زایل شود و ابواب
رزق بر او مفتوح گردد و آنچه وال بر دست او بود زیاد شود ایضاً در آن کتاب است که هر کس آیه شریفه
قل ان الفضل بید الله یؤتیه من یشاء والله ذو الفضل العظیم را در روز پنجشنبه در ساعت مشتری
یا در ساعت زهره بر پوست آهو بنویسد بشرطیکه با طهارت باشد و نوشته را در خرقه پیچد که از حریر هم
رنگ نیک بخت و صاحب دولت بود و با خود نگاه دارد خدای تعالی او را توفیق توبه دهد و اگر این آیه در دکان
یا بر در سرای خود بیاویزد خیر و برکت بسیار بظهور رسد و ابواب رزق بر او گشاده گردد و کسبکه معطل
بود از آن باز خود دارد او را کاری پیدا شود ایضاً در آن کتاب است که هر کس از سوره اعراف آیه و لقد
مکناکم را الی قوله تعالی ما تشکرون در روز جمعه بعد از آنکه مردم از نماز فارغ شده باشند بنویسد
و در منزل خود یا دکان خود بیاویزد روزی بر وی فراخ گردد و برکت و خیر بسیار پیدا شود و تجارت او
سود بسیار کند ایضاً در آن کتاب است که هر کس از سوره یونس آیه قل من یرزقکم من السماء الی قوله تعالی
افلا تتقون بر طوماری بنویسد و در خرقه کبود بپیچد و بر بازوی راست بندد اسباب حصول رزق با
برای او مهیا گردد ایضاً در کتاب در النظیم است که هر کس از سوره حجر آیه و الارض مددناها الی قوله
تعالی برازقین بر لوحی نقش کند و بر دیوار خانه خود یا دکان خود نصب کند یا بر کاغذی بنویسد و

متاع خود نهد اسباب رزق او بسهولت مهیا شود و منافع بسیار یابد و اگر آن لوح را در باغ ترکیب کند
میوه آن باغ بسیار شود و اشجار آن از آفات محفوظ ماند ایضاً در آن کتاب است که در آثار اهل بیت علیهم السلام
آمده که هر کس از سوره بنی اسرائیل آیه توکلت علی الحی الذی را الی آخره بخواند و بعد از آن تکبیر گوید اگر
درویش باشد توانگر گردد و صحابه این را تجربه کرده اند ایضاً در آن کتاب است که از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام نقل کرده که فرمودند هر کس روز جمعه سوره کهف را بخواند تا جمعه دیگر در حفظ و امان حق تعالی
باشد از همه بلاها و اگر قرض داشته باشد قرضش ادا شود و هم از آن حضرت نقل کرده که هر کس این سوره را
بنویسد و در شیشه سر تنگ نهد و آن را در منزل خود نگاه دارد از درویشی و وام خلاص شود و اهل
و عیالش محتاج هیچکس نشوند و هیچکس بایشان ضرر نتوانند رسانید و از کتاب مصباح ایضاً این
خاصیت نقل از این نقل شد ایضاً در آن کتاب از حضرت صادق علیه السلام آورده که هر کس سوره مریم را
هفتم شب بخواند اگر روزی تنگ باشد روزی او فراخ گردد و اگر بنویسد و در کوزه نهد یا در شیشه
و سر آن را محکم کند و در خانه نهد دیو از آن خانه بگریزد و معیشت بر وی فراخ گردد ایضاً در آن کتاب
از ابن عباس روایت کرده که هر کس سوره طه را بسیار خواند توانگر گردد ایضاً در کتاب در النظیم است
که چون بر کسی معیشت تنگ باشد از معاصی توبه کند و هفتاد بار استغفر الله گوید و هفتاد مرتبه
صلوات فرستد پس وضو ساخته دو رکعت نماز کند و بعد از سلام هفتاد بار استغفار کند و هفتاد
بار صلوات فرستد پس سر بر زمین نهد و از سوره انبیاء آیه و ایوب اذ نادی ربه را تا پنج آیه بعد از آن
بخواند و از حق تعالی زوال آن غم و حصول فرج را طلب کند مقصود حاصل شود ایضاً در آن کتاب از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله آورده که فرمودند هر کس را غمی رسد یا تنگی در معیشت او پیدا شود یا بلای
پیش آید این کلمات را بر کاغذی نویسد و در آب روان اندازد از غم خلاص شود و کلمات اینست
بسم الله الرحمن الرحیم من العبد الذلیل الی المولی الجلیل رب انی مسنی الضر و انت ارحم الراحمین اللهم بحرمة
محمد صلی الله علیه و آله و سلم و اکشف ضری و همی و فرج عنی غمی ایضاً در آن کتاب است که چون کسی با طهارت

روز پنجشنبه و جمعه را روزه دارد و روز جمعه پیش از نماز دیگر روی به قبله بنشیند و سوره مبارکه کرسی را
بخواند پس از سوره نور ایه الله نور السموات را الی قوله تعالی بغیر حساب بر پوست اهو نویسد از دوات
عالی که متقی باشد پس از این ایه بپیچد و نماز دیگر بکذارد و سوره کهف بخواند و ان نوشته را در دست بکیرد
و در وقت خواندن این سوره هر کس ان نوشته را با خود دارد نیک بخت و معزز و مکرم کردد و صلاح
و تقوی او زیاده شود و اسباب رزق باسانی بدست اورد ایضا در انکتاب است که چون کسی را حال پریشان
باشد و روزی بر او تنک بود در ماهی سه روز روزه دارد و ان چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه بود
باشد و در شب جمعه جامه پاک بپوشد و طهارت کند و طعام اندک خورد و بعد از نماز خفتن دو رکعت
نماز بکذارد و از حقتعالی صلاح حال خود بخواهد پس هزار بار صلوات فرستد پس این ایات را هفتاد بار
بخواند و نیت خود را خالص کرداند چنانکه او را هیچ شک نماند و این ایات میخواند و صلوات میفرستد
تا در خواب رود و اکر در اول ماه و وسط ماه و اخر ماه این عمل کند خیر و برکت را بسیار مشاهده کند و بحر
عجب دین و دنیا مکروه مبتلا نکردد او زایل شود ایضا در انکتاب اورده که هر کس از سوره فتح ایه محمد
رسول الله را الی قوله تعالی اجرا عظیما مداومت نماید هر دعا که بکند مستجاب شود و معیشت
بر او فراخ کردد و اعوان و انصار بسیار جهت او پیدا شود و خیر دنیا و اخرت او را حاصل کردد ایضا در کتاب
در النظیم است که هر کس از سوره ذاریات ایه وما خلقت الجن والانس را الی قوله تعالی ذو القوة المتین
در طالع سعد بر خاتمی نقش کند و در وقت نقش کردن این ایات را بخواند و در مدت یک هفته هر روز این
ایات را چهل و هفت بخواند و بعد از ان انخاتم را با خود نکاه دارد روزی بر وی فراخ کردد و خیر و برکت
بسیار حصول انجامد ایضا در انکتاب از ابن مسعود اورده که حضرت رسول صلی الله علیه واله فرمود
که هر کس سوره واقعه بخواند درویشی نبیند و از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده که بجهت فراخی روزی
این سوره را چهل و یک نوبت بخواند و دیکر اورده که هر کس با طهارت در بامداد و شبانکاه این سوره را
بخواند کرسنه و تشنه نشود و سختی و درویشی نبیند و دشمنان او مقهور کردند ایضا در انکتاب است که چون

کسی از سوره حدید ایه یا ایها الذین امنوا اتقوا الله را الی قوله تعالی ذو الفضل العظیم در روز پنجشنبه اول
ماه بر پوست اهو یا کوزه خر نویسد با اب برک نی بشوید و از ان اب بخور کند و در جای تجارت نکاه
دارد روزی او بسیار شود و برکت بسیار در اموال او بظهور اید ایضا در انکتاب اورده که هر کس از سوره
حشر ایه والذین تبوؤا الدار والایمان را الی قوله تعالی هم المفلحون در روز یکشنبه اول ماه بوقت طلوع
افتاب بر خاتمی از زر نقش کند و بعود و غالیه ان را بخور کند هر کس انخاتم را در انکشت کند خیر و برکت
بسیار بظهور اید ایضا در کتاب در النظیم است که هر کس از سوره تغابن ایه ان تقرضوا الله قرضا حسنا را
الی قوله تعالی العزیز الحکیم در شکل مربعی بنویسد و در کیسه نهد و همیشه ان را با خود دارد روزی بر او
فراخ کردد و خیر و برکت بسیار بظهور اید ایضا در انکتاب است که هر کس از سوره نوح ایه شریفه فقلت
استغفروا را الی قوله تعالی الکم انهارا بر خاتمی از نقره نقش کند و ان را در انکشت کند وسعت پیدا شود
و از تجارت نفع بسیار حاصل کردد و فرزند او بسیار کردد و برکت بسیار در اموال او بظهور اید ایضا
در انکتاب از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام اورده که اکر کسی بر تلاوت سوره جن مداومت کند
از همه غمها خلاص شود و اکر مدیون باشد درویش بخواند دین او ادا شود و توانکر کردد ایضا در انکتاب است
که از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده که هر کس بر تلاوت سوره مزمل مداومت نماید خدای تعالی
روزی بر وی فراخ کردد ایضا در انکتاب است که هر کس از سوره مزمل ایه شریفه وما تقدموا لانفسکم را
الی قوله تعالی غفور رحیم بر لوحی از نقره نقش کند و در وقت نقش کردن این ایه را بخواند و ان لوح را
با خود دارد روزی بر او فراخ کردد و از فقر و احتیاج ایمن کردد ایضا در انکتاب است که هر کس از سوره
انفطار ایه یا ایها الانسان ما غرک بربک الکریم را بر پوست سبعی نویسد و با خود نکاه دارد روزی
او فراخ کردد و در معاملات منفعت تمام یابد ایضا در کتاب در النظیم است که هر کس از سوره والضحی
ایه ما ودعک ربک وما قلی را الی قوله تعالی فاغنی بر صفحه از نقره یا اهن نقش کند در روز پنجشنبه
بوقت طلوع افتاب بشرطیکه نظر نحس منزه باشد و ان را با خود نکاه دارد روزی و معیشت بر وی

فراخ کردد ایضاً در اینکتابست که هر کس سوره مبارکه قدر را مداومت نماید اکر تنک روزی باشد روزی او
از جائی رسد که کمان نداشته باشد ایضاً در اینکتابست که هر کس سوره والعادیات را بسیار خواند قرض
او ادا شود و اکر بنویسد و با خود دارد از همه اوقات محفوظ ماند و اسباب حصول روزی آسان بهم جمع شود
و اکر اسباب معیشت بر او تنک باشد این سوره را بر دوام بخواند روزی او از جائی برسد که او چشم داشت
نداشته باشد و هر کز بخواطر او نکذشته باشد ایضاً در اینکتابست که اکر کسی سوره القارعه را بنویسد و بر
خود بندد اکر معیشت بر او تنک باشد آسان کردد ایضاً در اینکتاب از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
آورده که اکر کسی سوره قل هو الله را در وقتیکه داخل خانه خود میشود بخواند درویشی از اهل آن خانه
و همسایکان او دور شود و اکر کسی یکبار بخواند برکت دهد خدای تعالی بر وی و بر اهل بیت وی و اکر
دو بار یا سه بار بخواند برکت کند بر وی و اهل بیت و همسایکان وی و در کتاب مصباح کفعمی آورده که
هر کس در چهل روز هر روز چهل دفعه بکوید العزیز با حدی محتاج نشود و جناب شیخ بزرکوار اعلی الله مقامه
در رساله نوبلیه فرموده اند که کسیکه مداومت کند هر روز چهل دفعه العزیز را بوده باشد محتاج غنی
کرداند خدای تعالی او را از خلق خود و همچنین است هر کس که حامل شود مربع از او آن مربع کثیر المنفعت است

٢٣	٢۴	٢٩	۴١
٢٨	١٧	٢٢	٢٧
١٨	٣١	٢۴	٢١
٢۵	٣٠	١٩	٣٠

و در کتاب بحر الغرائب از حضرت امام رضا علیه السلم آورده
که هر کس هر روز چهل و یکبار بعد از نماز بامداد بکوید العزیز
محتاج بخلق نکردد. و در کتاب مصباح کفعمی آورده که هر کس
در سحر در حالتیکه کف دست خود بلند کرده باشد ده دفعه بکوید
الباسط با حدی محتاج نشود و در کتاب بحر الغرائب آورده که حضرت امام رضا علیه السلم فرمودند که هر که
در هر سحرگاه با طهارت کامل دست بردارد و ده مرتبه بکوید یا باسط و بر روی خود فرود آورد هر کز محتاج
نکردد و از غم نجات یابد و از جائی که کمان ندارد نعمت بسیار یابد و از این ورد روزی بر کسی فراخ کردد
و هر کز مقبوض و مغموم نشود و در رساله نوبلیه است که هر صاحب حالیکه مداومت کند بر خواندن اسم

الباسط

الباسط بسط میدهد خدای تعالی برای او روزی ظاهر و باطن و جهرا و زنده میکند قلب او را بنور علم و این اسم را
مربعیست که با خود داشتن آن و نکاه کردن در آن در حین قرائت اثر عظیم دارد و اکر در وقت نوشتن آن
زهره در شرف باشد اکمل است و منفعت آن اکثر و آن اینست و در کتاب مصباح کفعمی است که کسیکه



بسیار کند ذکر الواسع را وسعت میدهد حق تعالی
برای او و در کتاب بحر الغرائب از شیخ ابو العباس
بونی آورده که هر کس را معیشت تنک بوده
روز کار بر نجر کند اند اسم واسع را بروش تکسیر
بر خاتم نقره نقش کند و اکر میسر نشود بر کاغذی
نویسد و با خود دارد و بر آن مداومت نماید
حق تعالی فراخ کرداند معیشت او را و از آنجا که نداند بوی رساند و آن مربع
و عدد آن که میباید هر روز بخواند ١٣٧ است و در رساله
نوبلیه است که کسیکه بسیار کند ذکر الواسع را وسعت میدهد خدای تعالی
رزق او را و خلقش را و علمش را تا آخر میاند از اجلش را و آن مربع

ایلسث

ع	س	ا	و
و	ا	س	ع
س	ع	و	ا
ا	و	ع	س

امینث

ع	س	ا	و
۵	٣	۵٩	٧١
۵٨	۶٨	٨	٣
	٧	۶٩	۵٧

و در کتاب مصباح کفعمی است که کسیکه بسیار کند ذکر مالک الملک را
بی نیاز میکند حق تعالی او را در دارین و در کتاب بحر الغرائب است که
بزرکان کفته اند که ذکر اسم الملک محتاج نشود و حضرت امام رضا
علیه السلم فرمودند که هر کس هر روز ٩٩ بار تکرار این اسم کند
از خلق بی نیاز کردد و در دولت دنیا استقلال یابد و در عقبی از مملکت باقی بهره کیرد و در مصباح کفعمی است
که هر کس ذکر کند دو لفظ الغنی المغنی را در روز جمعه در هر جمعه ده هزار مرتبه و بخود خواند او را بی نیاز
میکرداند او را حق تعالی در دنیا و آخرت و اکر بخواند و این سوره فاتحه را با این عدد مذکور روزی کرده

میشود ببیناز برایقینًا و در رساله نوبلی است که هر کس بنویسد الملک را در مربع باین طریق کرده
میشود روزی کرده میشود جاه و دولت را و در کتاب بحر الغرایب

٣٠	٢٥	٣٠	١٥
٢٧	١٨	٢١	٢٤
١٧	٢٨	٣٣	٢٢
٢٦	١٩	١٦	

٢٩

از شیخ بونی اورده که هر کس ببلائی و شدتی یا درویشی و فقری
گرفتار باشد یا بی چیزی و عیال و قرض بر او هجوم اورده باشد در
حال اضطرار وضو ساخته دست بر دارد و برپشت تمام امتداد که
تواند بگوید یا غنی خدا تعالی او را از آن بلیه نجات بخشد ایضًا در این کتاب از حضرت امام رضا علیه السلم
اورده که هر کس در روز جمعه هر جمعه هزار مرتبه بگوید یا مغنی از خلق بی نیاز گردد و شیخ بونی فرموده
که هر محنت زده که از خلق نا امید گشته باشد هر روز هزار بار بگوید یا مغنی قریب الاجابه گردد و بزودی
او را حقتعالی توانگر گرداند و از خلق بی نیاز کند و از برای این دو اسم در این کتاب خواص بسیار ذکر کرده لیکن
بنابر اختصار شد و در کتاب حرز الامان از صاحب تیسیر المطالب اورده که هر کس هر روز بعدد مجمل که ١١٠٠ است
یا مفصل که ١٢٦٧ است المغنی را بخواند حقتعالی او را توانگر گرداند و هم از صاحب تیسیر المطالب
اورده که هر کس این اسم شریف را در مربعی هندی و حامل آن شود و بعدد مجمل یا مفصل مداومت کند
اثار ثروت و غنا زود تر بظهور اید و در حصول نتیجه و منفعت اکمل و بهتر خواهد بود و امر بیع اینست

م	غ	ن	ی
١١	٤٩	٣٩	١٠٠١
٩٩٨	٣٨		٥٢
٥١	١٣	٩٩٩	٣٧

١٢

و در رساله نوبلی فرموده اند که هر کس بذکر المغنی مداومت کند
بسیار میشود برای او اسباب دنیا و وسیع میشود روزی او و کسی که
بنویسد و بر خود ببندد نفع میکند بتجارت او و عدد قرائت آن
١٠٧٠ است و عدد نوشتن
آن ١٠٦٠ است و از برای او مربعیست کثیر النفع در این باب و آن
اینست که مؤلف شد ایضًا در این رساله است که هر کس قرائت کند لفظ
یا مغنی را هر روز ١١٠١١ مرتبه بی نیاز کند حقتعالی او را از فقر

٢٥٧	٢٧١	٢٦٢	٢٦٤
٢٦٩	٢٦٣	٢٥٨	٢٧٠
٢٦٢	٢٦٦	٢٧٣	٢٥٩
٢٧٢	٢٦٠	٢٦١	٢٦٧

و برطرف کند هم و غم او را و سؤال نکند از خدا تعالی چیزی مگر انکه اجابت شود و اگر بر این ذکر مداومت کند
مستجاب الدعوه گردد و در کتاب مصباح کفعمی است که کسیکه بسیار کند ذکر یا معطی السائلین را بی نیاز کند
او را حقتعالی از سؤال و در کتاب بحر الغرایب از شیخ بونی اورده که هر کس خواهد محتاج نباشد بهیچ چیز و بهیچکس
بدعوت اسم المعطی مداومت نماید بعدد کبیر و در اخر بگوید یا معطی السائلین از خلق بی نیاز گردد
مؤلف گوید که عدد کبیر یا معطی بحرف ندا بنابر یک قاعده ١٤٠ است و بنابر قاعده دیگر ١٢٩٠ است
و فایده مجرب است و در کتاب مصباح کفعمی اورده که کسیکه بسیار کند ذکر المانع را از زن خود ایمن گرداند
حقتعالی دین او را و جناب شیخ ابن کوله اعلی الله مقامه در رساله نوبلی فرموده اند که الرزاق عدد لفظ
او ٣١٥ است و عدد رقمی او ٣٠٨ است و کسیکه متذکر شود باین اسم آسان کند حقتعالی بر او طعام
و شراب او و کسیکه او را در مربعی بنویسد در حالیکه قمر در شرف باشد آسان کند حقتعالی بر او رزق را
و همین خاصیت دارد هر گاه نقش کند او را بر خاتم خود و بسیار متذکر شود او را در شب نیمه ماه شعبان
ایضًا در رساله نوبلی فرموده اند که اگر کسی نقش کند دو اسم
الحی القیوم را از طلوع افتاب در روز جمعه در حالیکه با طهارت
و روی بقبله و باین دو اسم متذکر باشد مشهور میکند حقتعالی
او را اگر چه کم نام باشد و هیچکس او را نشناسد و روزی او را

ر	ز	ا	ق
٩٩	٢	١٣	٢٠١
١٢	١٩٨	١٠٢	٣
٤	١٠١	١٩٩	

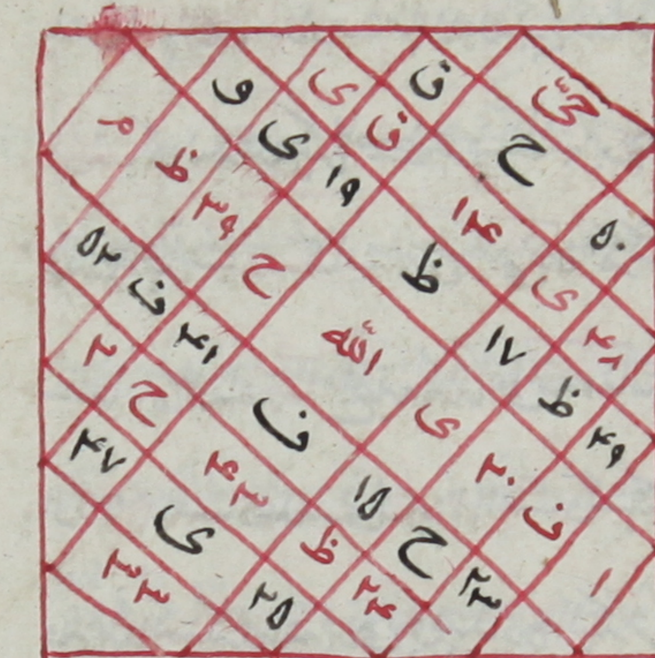
١١

وسیع میکند اگر چه تنگ روزی باشد و قیاس کن بر این مطالب دیگر را و حمل و نقل ان با این طریق هم
فایده دارد و کسیکه وضع کند و نقل ان اکثر ٢٧٤ است
در مخمس بطریقیکه نموده شد و بنویسد در باطن او
اسم حفیظ را در وقتیکه زهره در شرف باشد زنده
کند حقتعالی قلب او را و نیکو گرداند خلقش را و وسیع
کند رزقش را و آسان کند دشواری او را و منور کند

حی	ق	ی	و	م
٥٠	١٤	١٩	٣٩	٥٢
٤٨	١٧	الله	٤١	٢
٤٩	٢٠	١٥	٤٣	٤٧
٩	٢٣	٤٦	٤٥	٣٣

۱۸ طعام را با خاک رو بیرد ربیت الخلا ریختن ۱۹ کند خاییدن ۲۰ خنده واستهزا بر مومنین
وعلما آدینبیه نمودن بلکه در نزد شنیدن ذکر قرآن ونام خدا ورسول ۲۱ ترک نماز کردن ۲۲
نماز بی عذر شرعی قضا کردن ۲۳ ندادن خمس وزکوة وفطره واخراج مال واجب ۲۴ قرض یکی
که پریشان باشد ندادن ۲۵ رد مطلق سائل نمودن ۲۶ چیز خوردن نزد فقیر که بسیار باو ندادن
۲۷ سود خوردن ۲۸ منع نفع وهدیه نمودن ۲۹ قمار باختن ۳۰ جنابت ودر ربی کردن
۳۱ وبا اللواط ولجاره واوباش هم نشینی کردن ۳۲ شپش در مسجد کشتن وانداختن در همه
اوقات ۳۳ در مسجد کشف عورت خود کردن بلکه در برابر آفتاب وماه ۳۴ در مسجد حرف دنیا
زدن ۳۵ در مسجد بیوان کردن ۳۶ عمل موی بودن با انتظار مرد مسلمانان ۳۷ کفش
فروشی کردن ۳۸ زرکری نمودن ۳۹ حجامت کردن ۴۰ قصابی نمودن ۴۱ جولایی کردن
۴۲ کناسی کردن ۴۳ خوانندگی کردن بفسق ۴۴ نوالی وقوالی کردن ۴۵ سازندگی کردن
۴۶ تدلیس وحیله وجعل کردن ۴۷ شهادت دروغ دادن از برای آنکه مال مردم تلف کند
۴۸ با وجود مال اظهار فقر کردن ۴۹ از عقب زنان رفتن ۵۰ استنجا از بول وغایط کردن
بی ضرورت ۵۱ عمل نقاشی وصورت کری اشیا آسایه دار کردن ۵۲ ساختن آلات قمار وساز
۵۳ بر نیاوردن حاجت برادران مومن هر گاه ممکن باشد ۵۴ اجرت گرفتن از برای تعلیم قرآن
۵۵ قرآن نوشتن وفروختن ۵۶ برده فروشی کردن ۵۷ در حمام سنگ پا بر بدن مالیدن
۵۸ ناخن نگرفتن ۵۹ بر والدین اف گفتن وصدا بر روی ایشان زدن ۶۰ عاق والدین
بودن اگر هر دو کافر باشند ۶۱ آب دهان در مسجد انداختن ۶۲ استنجا در مسجد وبر قبور دیگر
مومنان کردن ۶۳ بر چاه آب وحوض ومسجد جنب داخل شدن وایستادن در آنجا بی ضرورت
۶۴ تکبر ونخوت وغرور کردن ۶۵ عیب جویی مردم کردن ۶۶ بد دهنی وفحاشی وهرزگی ومسخرگی
کردن ومسخرگی نمودن ۶۷ من وما گفتن برای فخر وجاه ومالی که دارد ۶۸ حق فرزند ودور عیا

قلب او را وبیفتد چشم هیچکس بر او مگر آنکه او را دوست دارد واگر بنویسد این شکل را بر چیزی از آن چیز
محفوظ میماند ودر میان این شکل اسم الله بنویسد وهر کس چنین کند محفوظ است نفس او ومال او
اهل او وسوال نکند از خدا تعالی چیزی را مگر آنکه عطا کند او را وکسیکه بشناسد قدر این شکل را مستغنی
میشود ببرکت آن از غیر وان شکل اینست



ایضا در رساله نوبلی است که الکریم عدد آن ۲۷۰
است وکسیکه نقش کند او را در مربع چهار در چهار
بطریق مربع الله الخل وقتیکه قمر در شرف باشد بر انگشتر
نقره ودر دست خود کند وسیع کرداند حق تعالی
روزی او را وخلقش را ونفع بخشد او را با سرانش
وغنی دهد او را بانوازش بشرط آنکه هر روز مداومت کند بعددی که گذشت وصورت مربع آن اینست ۱۱

ک	د	ی	م
۳۹	۱۱	۱۹۹	۲۱
۱۹۸	۱۸	۴۲	۱۲
۱۳	۴۱	۱۹	

۱۹۷

وگفته شده است که کسیکه نقش کند او را در ساعت زهره در روز
جمعه بر نگین زمردی وانرا انگشتر کند بعد از آنکه خوانده باشد این
اسم را ۱۸۹ دفعه پس در انگشت کند وبعد از آن بخواند صد دفعه
وان خانه خود بیرون آید لا محاله میرسد بکسی که با او چیزی عطا کند
اگر چه در روزی صد دفعه از خانه بیرون آید وباید دانست که عدد حروف پنج حروف اند وکسیکه
جمع کند میان اعداد وحروف در مربع واحد در حصول فائده اسرع واتم است وصورت مربع سر الله آخر

اینست



ودر کتاب بحر الغرائب از شیخ بونی آورده که ذکر الکریم
مناسب کسانی است که بفقر ودرویشی وعیال مندی در مانده
باشند وچون با این اسم مداومت نمایند مفتاح رزق
ایشان بود وروزی ایشان از جائی رسد که گمان نداشته باشند

ومداومت

بردن ۶۹ زیاده حوالد کردن بر ایشان ۷۰ جرعه و خدمتانه کرفتن ۷۱ زر قلب و غش دار را
دانسته خرج کردن برای نفع خود و ضرر مردم ۷۲ در آب ایستاده بول کردن ۷۳ اجتناب از حرام
نکردن ۷۴ سوزانیدن شپش و سایر حیوانات در آتش ۷۵ پی لذات و شهوات دویدن ۷۶
در بیت الخلا حرف زدن و سلام کردن مکر بضرورت ۷۷ فکر معما کردن ۷۸ ملک وقف و قبرستان را
داخل ملک و خانه خود کردن ۷۹ حبس غلات و حبوبات کردن ۸۰ مال خدا ندادن ۸۱
سحر کردن ۸۲ بستن زنان و مردان حلال ۸۳ اطفال و زنان مسلمان را بدعا و طلسمات برای خود
با مردم خواندن ۸۴ قرمساقی کردن ۸۵ در جنابت قرآن خواندن مکر آنچه شایع فرموده ۸۶
ورزش کردن جهة پهلوان شدن کر کشتی کیر کردد ۸۷ کفر و بیهوده کفتن ۸۸ چرس کشیدن ۸۹
بنگ خوردن ۹۰ قلندری و درویشی کردن ۹۱ سر و پای برهنه کردیدن ۹۲ استخوان و سرگین
بر خود مالیدن جهة استنجا ۹۳ نظر کردن بخانه همسایکان برای خواهش و لذات یا بر عیوب
ایشان مطلع شدن ۹۴ سگ و گربه را چیزی ندادن هرگاه چیزی خورد و ایشان خواهند ۹۵
خواب دروغ نقل کردن ۹۶ دست بعورت خود مالیدن ۹۷ برزن تغبه دادن ۹۸ از برای
رنج یا عبث رفتن با امور خیر کردن ۹۹ خلق را باعث رزق خود دانستن ۱۰۰ از ذی خود
بدر رفتن ۱۰۱ در حمام لنگ بر روی خود مالیدن هرگاه بستر باشد ۱۰۲ بی ضرورت در آب
عورت کشودن ۱۰۳ کیسه و سنگ بر روی مالیدن ۱۰۴ در میان آب بی ضرورت بدون لنگ غسل
کردن ۱۰۵ بکل برسر شستن ۱۰۶ اجر و سنگ بر بدن مالیدن ۱۰۷ نظر بعانه خود انداختن
۱۰۸ روی بقبله و پشت بقبله بول و غایط و جماع کردن ۱۰۹ تکیه کرده چیزی خوردن ۱۱۰
خوابیدن طعام خوردن ۱۱۱ بدست چپ چیز خوردن مکر بضرورت ۱۱۲ بدو طرف دهن
بیکدفعه چیز خوردن ۱۱۳ ناخن بدندان چیدن ۱۱۴ دست بر دندان زدن ۱۱۵ سر برزانو نهادن
۱۱۶ دست بر عقب کرفتن و راه رفتن ۱۱۷ دست بر بینی زنخدان کذاشتن ۱۱۸ آب بسک

ریختن

ریختن ۱۱۹ باب بسیار بکرد در آفتاب کرم شده باشد طهارت کرفتن و غسل و وضو کردن ۱۲۰
جلق زدن ۱۲۱ با بسیار کز از خود هزل کفتن ۱۲۲ سر خود با زن کفتن مکر بضرورت ۱۲۳
با زنان مشورت کردن ۱۲۴ در مسجد خواب کردن و جماع کردن بحرام ۱۲۵ موی ریش خود را
بادندان بریدن ۱۲۶ ایستاده طعام و شراب خوردن مکر بضرورت ۱۲۷ خواب کردن در قبرستان
۱۲۸ در حمام خوابیدن ۱۲۹ جماع بسیار کردن ۱۳۰ نان بدندان پاره کردن ۱۳۱ نان بزیر
کذاشتن و خوردن ۱۳۲ بر او افتادن و از دهن چیزی خوردن مکر بضرورت ۱۳۳ عمداً قصه دروغ
کفتن ۱۳۴ کتمان شهادت کردن ۱۳۵ دستها در میان پا کذاشتن و بخواب رفتن ۱۳۶ تکیه بی غمان
دیدن ۱۳۷ اهل خود را بیمار زار نکردن ۱۳۸ اخلاط بازبده کوش و از وقی چشم و زرد رنش
کردن ۱۳۹ کفش و جامه و شلوار در زیر سر کذاشتن و بخواب رفتن ۱۴۰ دلیش تراشیدن و شانه
کذاشتن ۱۴۱ باد در آینه دمیدن ۱۴۲ شب در آینه نظر کردن ۱۴۳ سر بر آستانه نهادن و خواب
کردن ۱۴۴ اخ و تف بر روی مسلمانان و بر روی آب انداختن ۱۴۵ ابریشم پالشته چیزی خوردن
۱۴۶ با دو انکشت چیز خوردن ۱۴۷ در حمام و در راه رفتن ریش شانه کردن ۱۴۸ بلند کردن بعورت
رسیده باشد بر روی خشک کردن ۱۴۹ در ساعت بد کارها کردن ۱۵۰ در شب جمعه سیر و پیاز خوردن
۱۵۱ کویند که در سه شنبه سر تراشیدن ۱۵۲ چهار شنبه ناخن کرفتن ۱۵۳ روز جمعه نوره کشیدن
۱۵۴ آب از کوزه شکسته خوردن ۱۵۵ از دسته کوزه و آفتابه آب خوردن ۱۵۶ در ظرف شکسته
آب خوردن ۱۵۷ از ظرف شکسته چیز خوردن ۱۵۸ بر روی خوابیدن ۱۵۹ پوست تخم مرغ در دست
و پا ریختن ۱۶۰ استخوان سوختن ۱۶۱ چیز حرام فروختن و قیمت آن را خوردن ۱۶۲ در میان راه عمداً
بی ضرورت راه رفتن ۱۶۳ در آب کرم جماع کردن و امثال اینها بسیار است بهمین قدر اختصار
شد بدانکه مجموع خصال مورث فقر که در این رساله ذکر شده ۲۱۵ است فائده ثالثه در ذکر
آنچه باعث کم خوردن و تسلط بر شیطان و نفس اماره میشود و باین سبب از مکر و وسوسه شیطان شکر

سلامتی هم میرسد و باعث تحصیل مراتب کمالیه و درجات عالیه میگردد ایضاً در کتاب در النظیم اورده که
هرکس ایة الکرسی را الی قوله تعالی العلی العظیم در عقب هر نماز بخواند از وسوسه شیطان و مکر او ایمن شود
و در کتاب مجمع الغرایب از حضرت امام رضا علیه السلام اورده که هرکس هر روز بوقت زوال ۱۷۰ مرتبه بگوید
یا قدوس ضمیر او صاف گردد و از شر نفس و وسوسه شیطان امان یابد و شیخ مغرب فرموده که ذکر
این اسم را باطن پاک و مصفی گردد و از کدورات غل و نفاق طاهر گردد و شیخ جلیل الشان اعلی الله
مقامه در رساله توبلی بعد از نقل اخبار از حضرت امام علیه السلام نقل شده فرموده اند که اگر کسی
بنویسد در روز جمعه بر پارچه از زبان سبوح قدوس رب الملائکة والروح و بجوید از ان معروف
میشود نفس او مثل نفوس ملائکه و کسیکه نقش کند مربع وفق او را و با خود کند ظاهر میشود
بر نفس او اثار انبساط و صفات حسنه و مربع وفق ان اینست که نموده شد

٤١	٣٤	٤٧	٤٤
٥٠	٣٩	٤٤	٣٧
٤٠	٤٩	٣٦	٤٢
	٤٤	٤١	٤٨

ایضاً در کتاب مجمع الغرایب از حضرت امام رضا علیه السلام نقل کرده که فرمودند
۳۱ هرکس المؤمن را بر نقره نقش کند و دایم با طهارت نگاه دارد از شر شیطان
ایمن گردد و دشمنان بر وی ظفر نیابند و ایمان بسلامت برد و اهل طریقت گویند هرکس هر روز ۱۶۷
مرتبه این اسم را بگوید خدای تعالی او را از مکر و وسوسه شیطان ظاهر و باطن محفوظ دارد و خصم بر او
غالب نشود ایضاً در انکتاب از حضرت امام رضا علیه السلام اورده که هرکس القهار را بسیار بگوید حق تعالی
غم و رنج و محنت دنیا از دل او بردارد و بر نفس خود غالب گردد ایضاً در انکتاب از بعضی از اهل
طریقت اورده که هرکس که خواهد نفس خود را بعذاب و گرسنگی و تشنگی تعذیب کند و بران قادر نبود
یا در روزه گرفتن طاقت نداشته یا در قحط سال باشد طعام صبر نتواند کرد یا طفل از شیر دور شود گرفتار
شود یا در غربت بجائی گرفتار گشته یا در بیابانی بی اب و طعام بود المقیت را ۷۷ مرتبه بر کوزه
نو خواند با اعتقاد درست و بران کوزه بدمد و پر اب کند و از ان اب بیاشامد جمله علتهای مذکوره را
مفید بود و اگر ۲۱۹۰ دفعه بر خاک پاک بخواند و نگاه دارد هر قلیل الشیء در حین جوع و عطش

ذکر

ندری از ان خاک باب تر کند و بوی کند او را تسلی تمام و صبر جمیل حاصل شود ایضاً در انکتاب در خواص
القادر المقتدر القوی القهیم گفته است که هرکس بدست نفس اماره و وسوسه شیطان گرفتار
بود باید که این چهار اسم اعظم را از وقت طلوع صبح تا ادای فرض بامداد و بعد از نماز تا طلوع
افتاب مداومت نماید بی عدد حق تعالی او را غالب گرداند بر نفس و شیطان و در حین سلوک سالک
از ذکر این اسماء غافل نباید بود و هم شیخ فرموده اند که هرکس مداومت نماید بذکر این اسماء
در چهل روز بعدد کبیر او قوت و توانائی بهم رسد که بر نفس غالب اید مؤلف گوید که عدد کبیر
این چهار اسم بدون حرف ندا و الف و لام بنا بر یک قاعده ۱۳۳۱ است و بر قاعده دیگر ۱۸۶
میشود فاری مجربست ایضاً در انکتاب از حضرت امام رضا علیه السلام اورده که هرکس غالب باشد بر او
نفس اماره و خواهد که مطیع وی گردد باید که بوقت خواب هر دو دست بر سینه نهد و صد بار بگوید
یا مميت و بعد از ان همچنان میگوید تا خواب رود حق تعالی نفس او را مطیع و مسخر او گرداند ایضاً
در انکتاب از شیخ بونی اورده که دعوت یا هادی مناسب کسانی است که خود را در ظلالت و هوای
نفس اماره یابند و در حوادث گرفتار داشته باشند و در استخلاص ان وسیله جویند باید علی الدوام
در خلا و ملا و سر و جهر بگویند یا هادی المضلین اهدنا الصراط المستقیم البته بمقصود رسند
و در رساله توبلی جناب شیخ اعلی الله مقامه فرموده اند که کسیکه بسیار کند ذکر الصمد را یا صمد را
بی نیاز میشود بسبب ان از طعام بی نیازی تامی و از برای او مربعی است جلیل و صورت ان اینست
و در کتاب مصباح کفعمی اورده که ذاکر الصمد بمیابد المرجوع و
گرسنگی را و صاحب حرز الامان اورده که مداومت بر دو اسم الاحد
۷۵ الصمد بعدد مجمل ۱۴۷ است یا مفصل که ۳۷۵ است بعد از فرایض
پنج وقت موجب ظهور سر توحید و انکشاف تجلی صمدانیت است که

جلیل	احد	الاه	هو
١٠	٣١	٤١	٢٤
١٥		٩	٣٥
٣٤	٨	٢٤	٤١

از جمله تجلیات کلیه است و بعضی از اثار این تجلی انکه صاحب وی از اکل و شرب خلاص میشود با وجود این

نخلی اصلا و قطعا در وی از جوع و عطش نماند بلکه اگر قصد خوردن و آشامیدن کند نتواند و میل بان
نداشته باشد بدانکه بعضی از حکما معاجین خواص از برای قلة اکل ترتیب داده اند چون مناسبت
با احوال طلاب و مرتاضین است بعضی از آنرا از کتاب اسرار قاسمی ایراد مینماید و لکن باید از طریقه که
ذکر میشود از ریاضات و غیره بهیچ وجه من الوجوه تخلف نکند که خوف هلاکت است و این معاجین
بر هفت قسم است **اول** بگیرد بادام شیرین هر قدر که خواهد و از پوست جدا کرده بروغن زیتون
که شیرین باشد بجوشاند تا بریان شود و بگیرد بنفشه تر و تازه ربع آن و آن مقلو یعنی جوشیده را
بوی مخلوط سازد و نیک برهم مالد و در مکانی خنک در سایه بنهد و افلاطون گفته است که در
سرگین اسب دفن کند و هر گاه که دوا منتن شود و بنفشه پخته گردد از آن روی برفق جدا کند
و دیگر بنفشه تر بر وی ریزد و هفت نوبت چنین کند در هفت روز و بر هر طلی از دوای مقلو مثقالی
کافور قیصوری طرح کند پس اخراج دهن کند از وی و در ظرف زجاجی محفوظ سازد پس بگیرد
کبد ظبی سه درهم و کبد حمار برابر او و بدان دهن تربیت کند یعنی تشفیه و تشریب نماید تا وقتی
که دیگر تشریب نکند آنگه بردارد و در ظرفی از زجاج از غبار محفوظ سازد و هر گاه که خواهد یک
مثقال تناول فرماید بعد از ریاضت چند روز تا دو هفته سر هفته بغذا محتاج نشود **دویم**
معجون شیخ ابو علی است بگیرد کبد جدی و باب شیرین بجوشاند و در آفتاب یا با آتش تجفیف کند پس از آن
بکوبد و بوزن آن لوز مقشر از هر دو جلد و برابر آن شکر سفید پاک از فضول و هر یک را جدا جدا بساید
و با یکدیگر مخلوط ساخته بار دیگر بساید تا نیک ممزوج گردد پس مسحوق اول را با این دو مسحوق
بیامیزد و دیگر همه را باهم سحق نماید و حب سازد و هر حبی بوزن دو دانگ و وقتیکه معده از طعام
خالی باشد یک حب بلع کند که هفته از طعام مستغنی باشد و زنهار که بر روی این حب طعام و غذا نخورد
که بیم هلاک باشد و زیاده از دو دانگ نیز نخورد که مهلک است زیرا که دل را افروکرده و عظیم منقبض
سازد و متاخران شرط کرده اند که اول تنقیه بدن باید کرد از اخلاط ردیه و تنقیه مجاری بسهل و خطمی تا بدن

نوشند پس مقدار ده سیر آب گرم باید خورد و دوا را بکار برد بر وجهی که گفته شد و اگر کسی خواهد
که باز عود کند بر غذای که بدان معتاد بوده دیگر باره تنقیه باید کرد بلیسد و خطمی که دوا فرود اید
سپستان و سوختن و بعد از آن اندک اندک غذا باید خورد تا بقرار اید **اگر** مسحوق اول را با رطلی سویق
آمیخته بخورد همین عمل کند یعنی تا یکهفته بطعام خوردن محتاج نشود و تقدیم ریاضت بر تناول
این از جمله واجبات است **سیم** فرا گیرد لوز مقشر از قشرین مشروط آنکه تازه و نیکو و بی عیب و فربه و
در غایت حلاوت باشد و از آن در لبن حلیب بقر در آغازد و بامداد بیرون آرد و نشر کند بر کوئی
پاک در آفتاب حزیران تا خشک شود باز تخلید کند یعنی در لبن حلیب اغتشار سازد و در شب
و روز تشمیس کند و بر این عمل ملازمت نماید پانزده روز تا آن منقوع متشمس نرم گردد چون
موم دیگر تشریب لبن نکند و در آفتاب خشک نگردد بلکه بلینت و لطافت خود بماند آنزمان بگیرد
تمر نیکوی تازه فربه و مثل وزن او با او سحق نماید و بر حجر صلایه کند تا چون مغز قلم نرم شود در
ظرف زجاجی کند و مقداری دهن اللوز و اگر روغن بنفشه بادام باشد بهتر بود بر سر وی بریزد تا
از تکرج محفوظ ماند بدانکه تکرج کره گرفتن است در اصل لغت و مراد درینجا کرم در افتادن است
پس بریاضت مشغول گردد تا یکهفته آنگه بلیسد و خطمی تنقیه کند و اگر قبل از این تنقیه بدن کرده باشد
اولی بود پس در وقت حاجت یک جوزه تناول نماید اگر در عمل تقصیر واقع نشده باشد دیگر روز
محتاج طعام نشود و اگر قصوری داشته چهارده روز کفایت کند و این عمل لایق ارباب ریاضات است
و چله داران و گوشه نشینان و مسافران و در زمان قحط نیز فائده نماید **چهارم** بگیرد کبد غزال
و بشکافد و نمک سازد و در سایه خشک کند و بوزن آن لوز مقشر و هر دو را باهم سحق کند و تربیت
کند بروغن بنفشه بادام تا وقتیکه پخته گردد و دیگر قبول دهن نکند پس خشک کند و بردارد و بوقت
حاجت بکار برد مثقالی سر هفته را کفایت است و شرط این لزوم ریاضت است و تقلیل طعام و نمک
و پرهیز ساختن ما قبل از تناول **پنجم** بگیرد لسان بره و جگر آهو و خشک کند و خورد بساید

وببرند و چون غبار از آب ماالدهر روغن گرم کرده ببنفشه و گل پرورده باشد و نرم کوبند تا چون
خمیر گردد و نگاه دارند تا خشک شود و مانند سفوف سازند و بوقت حاجت مقدار یک کف در دهان
افکند که هفته بطعام احتیاج نیفتد **ششم** از قول شیخ سه روز روزه بگیرد کبد هر حیوان که باشد
و عروق از او جدا کند بعد از آن بیاورد دو رطل از ماورد و از او در میان نهد تا تمام ماورد را
باز خورد انگاه با نیم رطل دیگر ماورد در شیشه کند و دو درهم زعفران و نیم دانگ مشک و نیم دانگ
کافور در آن شیشه نهد تا خشک شود بعد از آن سحق کند و هرگاه خواهد بوزن دو دانگ بخورد
تا ده روز بغذا احتیاج نشود اما بیش از آن چند روز ریاضت باید کشید تا بسبب آن از ماده پاک
شود و خالی گردد تا از ضرر ایمن شود **هفتم** عمل متاخرین است ببادام مغز جوز و لوز و فندق و
سنجد و کثیرا و نان خشک و کبد آهو بره و عسل چندانکه معجون شود و اما مغزها باید مقشر باشد
و همه اجزا مساوی باشد پس باهم معجون سازد و بکار برد که نافع است **فائدة رابعة** در انچه
باعث قلت نوم میشود **بدانکه** در کتاب اسرار قاسمی آورده که هر کس خواهد که خواب نکند بگیرد خفاش را
و ذبح کند و بدم او این اشکال را بر رکوی نو بنویسد وقتی که قمر در منزل صرفه باشد و مابین راس و قلب
مذبوح بنهد و باز از دم چیزی دوخته بر گردن کسی در اویزد و نام او بر آن رکوی بهمان خون نوشته باشد
مادام که آن در گردن وی اویخته باشد خواب نکند و اشکال اینست **طاوش طلوش بها بها هریط**
هریط نوکل یا عفود بحق هذه الایمان والعهود وبالاسم العظیم الذی انفجر الماء لموسی علی
نبینا وعلیه الصلوة والسلام ببرکة من الصخرة والجلمود وهو ف ۱۱۱ م د دس و در نسخه
دیگر این شکل را بطریق دیگر ضبط کرده و آن **اینست** طاوس طلموش طلوش ها بها هریط نوکل
ما عفور بحق هذه الایمان والعهود وبالاسم العظیم الذی انفجر الماء لموسی علیه السلام ببرکت
من الصخرة والجمود ف ۱۱ ام و دس **مؤلف** گوید که اعتماد بر متن نسخ شکل اول بیشتر از ثانی است **ایضا**
در اسرار قاسمی است که جانوری که او را بوم گویند بگیرد و بکشد و در آن وقت ملاحظه باید کرد که یک چشم

او بنز

او بسته باشد و یکی گشاده پس آن عین مفتوح را بگیرد و در رکوی پاک دوخته در گردن در آویزد
خوابش نیاید تا او نیکه از گردن باز کند و گفته اند که عین بوم نیز همین عمل کند **ایضا** در آن کتاب است
که بگیرد اصطرک و حب النیل و دنبل حمام و راس او و جند بیدستر از هر یک جزوی همه را بکوبد و
ببیزد و بر انگشت افروخته تبخیر کند آن بوی بمشام هر کس که رسد خواب نکند بقدرة الله تعالی **ایضا**
در آن کتاب است که چشم راست کلاغ خشک کند و بساید چون سرمه هر کس در چشم کند در شب خواب
نرود نه در سفر و نه در حضر و نه در سواره و نه در پیاده **و از بعض** کتب طبیه بعضی ادویه نیز شربا
وضمادا جهة دفع خواب و غلبه آن ذکر میشود و هر یک اگر بتنها شربا مفید بوده ام باید اشامید
و هر یک که بتنها ضمادا مفید شده باید که بر سر ضماد کرد و هر یک که بهر دو فعل مفید است هر دو
عمل را باید کرد که انشاالله نافع خواهد بود **زنجبیل** شربا و ضمادا **زبد** شربا **عاقرقرحا** ضمادا
دارچینی شربا و ضمادا **زیتون** ضمادا از جند بیدستر دو جزو و عنصل جزوی و مشک دو جزو که
مجموع را مخلوط کرده بر سر ضماد کنند خوابی که سبب آن برودت باشد نافع و دافع است و گر غلبه
خواب از زیادتی خون باشد روغن گل با سرکه مخلوط کرده بر سر مالند دیگر سرکه ببویند **کافور** شربا
وضمادا و چشم خفاش را هرگاه بر موی انسان در آویزند و بر صاحب موی بندند خواب نرود و همچنین
هرگاه سر او را بر فوق شخص بی خواب بندند کم خواب و شب زنده دار گردد و اگر سر او را بر مکانی
نهند هر کس که سر بر آن مکان نهد خواب نرود و قلب حباری که اسم مرغیست بهر کس در آویزند
خواب نرود و چشم هدهد را اگر بر بختی در آویزند هر کس بر آن خوابد خواب نرود و خوردن
گوشت خطاف که مرغیست همین فایده بخشد اکتحال زهره غراب سیاه و نیز میکند چشم را بوشیدن

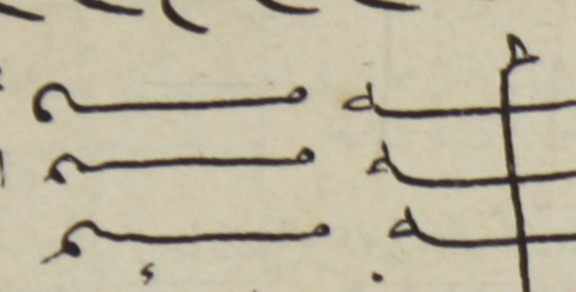
کافور دفع میکند خواب را والله اعلم بالصواب یادگاری علامی
فهامی فاضل البریه ملا عبد الخالق ابن عبد الرحیم
بردی اسکنهما الله فی الجنة فی شهر جمادی
الاولی من سنة ۱۲۶۱
تحریر شد

ازجهت دزد برده بنویسد این حروف را بر لقمه نان

بدهند باهل منزل بخورد هرکدام دزد است در گلویش بماند

بسیار مجربست عح عح عح عح عح عح عح عح عح عح

عح عح عح



ازجهت دزد

برده بر نان بنویسد بخورده اهل منزل داده بخورد

آن نان در خلقش بماند والسارق والسارقة فاقطعوا

ایدیهما جزاء بما کسبا نکالا من الله والله عزیز حکیم وضرب

لنا مثلا ونسی خلقه قال من یحیی العظام وهی رمیم فلولا

اذا بلغت الحلقوم وانتم حینئذ تنظرون ونحن اقرب الیه

منکم ولکن لا تبصرون ازجهت دزد برده بر جمعی گمان

دارد این طلسم را درکف دست اهل منزل بنویسد فی الحال

بگوید دزد آید وانکه دزد بود چشمش سارق روان کردد کر مجرب است

فلله الله قال انهم اصعه سح ازجهت دزد برده

صورتی بکشد و درمیان آن صورت طلسمی برکند باین طریق

کر بیان میشود در چشم راست او یا چپ او سوزنی فرو برد

البته شورشی در چشم او پیدا میشود که هر کس را معلوم شود و میباید

که این شکل از صورت بیرون نیفتد   از جهت دزد برده بنویسد

این طلسم را و در کردن خروس سفید

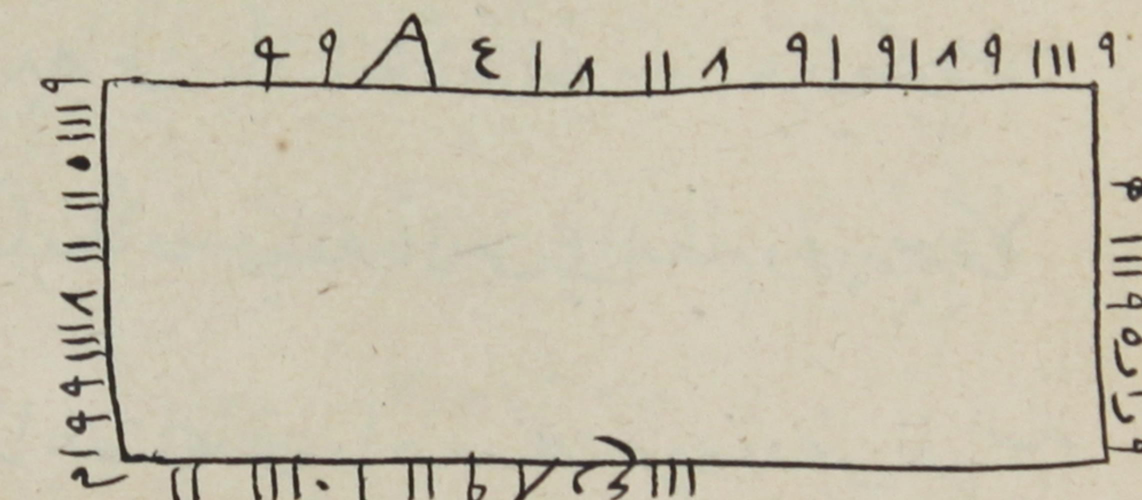
بندد و آن خروس را در زیر طشت

کنند و در اندرون خانه نشیند

	٦			
		٧	٢	
	١	٥		٩
٨		٣		٤

دیگران یکان از اهل منزل آیند و دست بر طشت بمالند و قدری

تامل کنند اگر خروس بانگ زد دزد است والا فلا



از جهة دزد برده هر کسیکه شک دارد بنویسید این طلسم را

بر کف دستش و بعد شروع کند سوره مبارکه یس را بخواند

تا آیه مبین اوله هر که دزد است لرزه بر قامت و اندام

او افتد طلسم اینست   ایضاً از جهة دزد برده در چهار

گوشه طبق بنویسید این اسماء را

فی لوح محفوظ

عزمت علیکم یا عزرائیل عزمت

علیکم

عزمت علیکم یا اسرافیل عزمت علیکم یا میکائیل عزمت

علیکم یا جبرائیل و اسامی آن اشخاص را یکی یکی را

نوشته بالای آن گذاشته منجی دو سر هم در وسط

طبق بگوید و دو نفر باد و انگشت سبابه خودشان

آن سر منج را گرفته و سوره مبارکه یس را تا آیه

فاسقون خوانده و بعد این سطر را خوانده گاو

کرند یه لیس بنوش کانوش بوش واذا شئنا امثالهم

تبدیلا وصل الله علی محمد و آل محمد و دمیده هر اگر

دزد است اسم را وقتی در وسط طبق گذاشتی

طبق بچرخ در آید و بشدت چرخ زند مجربست

از جهة دزد برده اول ۳ مرتبه صلواة بر محمد و آله

او بفرستید بعد آیه وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا

يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ الی آخر بخوانید بعد این

این طلسم را نوشته در میان قرآن در صحیفه

سوره یس گذارد بعد قرآن را بالا افتاب

جعفری گذارد دو نفر باد و انگشت خود گوید

افتابه را بگیرد با اسم دزد را هم نوشته

با طلسم در جوف قران کذارد بعد خوانند دعا ۳ مرتبه
صلواة بفرستد و آیه وعنده الغیب و اسم بخواند بعد
بحرمت سید المرسلین و بحق امیر المومنین ع علی ابن
ابیطالب ع کر اکر دزد صاحب این مال این اسم باشد
این افتابه بحرخ آید طلسم انیست کر باید بنویسند
با اسم دزد در میان قران کذارد یا الله المحمود
فی کل فعاله یا کهیعص یا کهیعص ه ااا فر ااا اهو
آیه کر باید خوانده شود انیست وَعِندَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا
إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِن وَرَقَةٍ
إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا
يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ اول ۳ مرتبه صلواة بر محمد بفرست
و بعد این آیه را بخواند انوقت طلسم را با اسم هر کر خواهد بکذارد
و بعد بکوید بحرمت سید المرسلین و بحق امیر المومنین علی ابن
ابیطالب ع قسم میدهم کر اکر دزد صاحب این مال این اسم است
این افتابه بحرخ اید والسلام   از جهة دزد بوده
در روی ناخن راست خود بنویسند در وقت خواب رو بقبله
کرده و انکشت نوشته در کوش کذارد بخواند دزد را باو جود
بنماید

بنمایند شهوه یهوه سروه   ایضا بر ناخن خود بنویسد
با وضو بخوابد دزد بخوابش آید و او را خبر دهد الا کاه
اص وخ ل اع ه   ایضا بنویسید صاحب مال زیر سر خود کذارد
بخوابد دزد را در خواب ببیند ح لاع عا مالی وع العجل
از جهة دزد برده بر نان بنویسید بدهید بخورد
هر کدام دزد باشد زیر جامه خود را نجس کند آهیا شراهیا
تملیا آهیا شراهیا   از جهة دزد برده بر نان بنویسید
بدهید اهل منزل بخورد هر کدام دزد باشد نان در کلوی
او بماند بسم الله الرحمن الرحیم وطعاما ذا غصة وعذابا
الیما یتجرعه ولا یکاد یسیغه و یاتیه الموت من کل مکان وما
هو بمیت ومن ورائه عذاب غلیظ اذ القلوب لدی الحناجر
کاظمین ما للظالمین من حمیم ولا شفیع یطاع یعلم خائنة الاعین
وما تخفی الصدور   از جهة دزد برده للسهقرایرغریمه
را نوشته در میان مشک اندازد و مشک را پر باد کند
در حال شکم دزد پر باد شود باذن الله تعالی له له
له له له له له اه اه اه اه اه اه اه اه فان تولوا

فقل حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت وهو رب
العرش العظیم ایضاً از جهة دزد برده بر پاره نان بنویسد
بدهید بر تهمت زده بر خوردن آن قادر نشود لقمه اول
اذ قتلتم نفساً فادّارأتم فیها والله مخرج ما کنتم تکتموت
آیردویم یتجرعه ولا یکاد یسیغه ویاتیه الموت
من کل مکان وما هو بمیت ومن ورائه عذاب غلیظ
ایه سیم وبالحق انزلناه وبالحق نزل وصلی الله علی
سیدنا محمد وآله اجمعین از جهة دزد برده بر تخم مرغ
سیاه که اول کرده باشد بنویسد واسم دزد و مادرش
در آتش دفن کند باذن الله تعالی اگر بوزند هد بکمش
پاره شود ١١٤ ٥٣٨٤٩ ١١٤٦٩٤٨٣٥
الع ٥٣٨٤٩ ٢٢٩١٤١١١٤٧١٢١١٠٧١٢٣١١
١١٩١١ از جهة دزد

٨	١	٤
١٣	١٢	٧
٢	٦	٩
	١٦	٤

برده این کلمات را بر انگشتان
خود بر ترتیب بنویسد در خواب
دزد را بر تو معلوم کنند بر انگشت شهادت بنویسد
بهوه

بر شصت سهو بر ناخن انگشت شهادت
بهوه بر ناخن وسطی بنویسد مسهو بر ناخن بیضا
وامین بر ناخن کوچک فنادین از جهة دزد برده
صاحب مال این حروفات را بر پوست آهو بشوبا طهارت
ولباس پاك بخوابد واین حروفات را در زیر سر خود
گذارد بخوابد دزد در خواب خواهد دید اگر
شب اول نبیند تا ٣ شب بگذارد که مجرب است
هذه هطه عا ادما وادمی هک
نوع دیگر بنویسد بر انگشت ابهام دست چپ بنویسد
دل قوی دارد در خواب دزد را باو بنمانند
شموت بهوه شرده

اکر کسی بیمار باشد بنویس این طلسم را بنام وی و مادر او بمود
در آب اندازد اکر فرو رود صحت یابد واکر بر روی آب بایستد .

ع	ص	سع
رح	م	ع
ح	ر	ا

از جهة دو نشود دکان که فروش ندارد این آیه مبارکه را
۳ مرتبه بر آب بخواند و بپاشد بر دکان خود و بر تخته هم
نوشته در دکان بپا و نود فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ
بِهِ وَذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ هرگاه خواهی داخل شهری شوید
اینها را بخواند اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسئَلُکَ خیرها واعوذ بک من شرها
اللهم حبب لنا اهلها الینا والسلام از جهة اولاد زن نگیرد
اولاد از آن نشود اینها را بنویسه در میان دو پستانهای
خود بپا و برود بقدرت خدای تعالی باد کیرد مجربات
یا قدوس یا قدوس یا قدوس او هو هی اللهم هو ها
وهو اللهم الملک القدوس لم یلد لم یلد لم یلد ولم یولد ولم یکن له
کُفُواً اَحَدٌ

از جهت خواب دیدن دزد یا مطلب دیگر بنویسه
این شکل را در زیر بالین خود گذارد بخوابد شب
هر چه خواهد باو معلوم شود ۹۹ علی لاع مع لوها
لهما م ده آلع وه ایضاً نوع دیگر بنویسه
دو زیر سر نهد باو میگوید که من مال او بوده ام
منها منها سح دام ص یلجاع اح سرکاد
دود مه مه مه اوام م ی
از برای حاجت این حروفات نوشته بدبخت کرد پیش هر کس
برود حاجتش روا گردد البتد لاع کاع مدع هده له
صحهه ایضاً برای خواب دیدن این حروفات
را بدست راست بنویسه بزیر سر نهد عجایب ببینه بسم الله
لحه سم بدست

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم

بسم الله الرحمن الرحيم

يس والقرآن الحكيم انّك لمن المرسلين على صراط مستقيم
تنزيل العزيز الرحيم لتنذر قوما ما انذر آباؤهم
فهم غافلون لقد حقّ القول على اكثرهم فهم لا
يؤمنون انّا جعلنا في اعناقهم اغلالاً فهي الى الا
ذقان فهم مقمحون وجعلنا من بين ايديهم سدّاً
ومن خلفهم سدّاً فاغشيناهم فهم لا يبصرون
وسواء عليهم ءانذرتهم ام لم تنذرهم لا يؤمنون
انّما تنذر من اتّبع الذكر وخشي الرحمن بالغيب
فبشّره بمغفرة واجر كريم

از جهت بیدا کردن کم شده
دو رکعت نماز کذارد بعد از حمد سوره مبارکه یس صد یکبار بخواند
چون فارغ شود بکوید اللهمّ یا رادّ الضالّة ردّ علیّ الضالّة

از جهت دزد برده از حضرت امیر علیه السلام رسیده خواهی بشو
بنویسد این دعا را بخواند یا جامع الناس ليوم لا ريب فيه
انّ الله لا يخلف الميعاد اجمع بيني وبين کذا تا کم شده
را بیرون تا انشا الله باو برسد

از جهة دزد برده اسم هر یک جدا جدا نوشته با این آیه مذکور
باسم خود و مادرش در خمیری نمک کذارد کلوله کرده
در طشت آب دیو هر کدام دزد باشد روی آب بایستد
هر که وسط ایستاد خبر دارد و هر کدام تر آب فرو رود
خبر ندارد دعا اینست کهيعص حمعسق انّا فتحنا لك فتحاً مبينا
سلام قولاً من ربّ رحيم وما انزلنا على قومه من بعده
من جند من السماء وما كنّا منزلين

از جهه درنج
بنان و خمیر بنویسید [illegible]
بدهید بخورد انّ لدينا انكالاً وجحيماً وطعاماً
بخواند ذا غصّةٍ وعذاباً اليماً

ايضاً برای [illegible]
[illegible]

از برای بستن مرد که خواهی او را
ببرد و عیرفی ببرند باید هفت مرتبه
آیه وما انزلنا على قومه من بعده
من جند من السماء وما كنّا منزلين
بکروح بخواند در آب دیو دانکس بسته
شود مجربست

از جهه دزد برده یا هر مطلبی که داری در شب شنبه هفت
مرتبه بخواند شنبه شنبکی الله بکی ما در ۳ شنبه او د
بکی ابنا بکی وابنا بکی وداه ثما بحق ابنا بحق وابنا
بحق داه ثما فلان مطلب را بحق ثما
از برای هر مطلبی که می خواهد بخواند
مجربست ملا محمد

اهدائی مرحوم حاج آقامحمد ایرانی
بکتابخانه آستانقدس رضوی
۱۳۵۰

۱۲۳